



۱/۶/۱۶۴

نظام‌سازی برای عفاف و حجاب

با استناد به ۲۷۸ آیه و روایت

(احزاب ۵۹)

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا»
ای پیامبر، به زنان و دخترانت و به زنان مؤمنان بگو: (پوششهای خود را بر خود فروتر گیرند. این برای آنکه کمتر شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند نزدیکتر است...



محورهای جلسه:

۱. آثار حجاب در آیات و روایات
۲. تبیین معنای نظام‌سازی برای عفاف و حجاب
۳. نظامات (عوامل زیرساختی) مورد نیاز برای تحقق مسئله عفاف و حجاب

شورای راهبردی
الگوی پیشرفت اسلامی
۲ آبان ۱۴۰۲

الْحَمْدُ لِلَّهِ

وَكَأَيِّنْ مِنْ نَبِيِّ قَاتَلَ مَعَهُ رِيبُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا
اللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ

سوره مبارکه آل عمران، آیه ۱۴۶

و چه بسیار از پیامبرانی که مردان الهی فراوانی به همراه آنان جنگیدند، پس در مقابل آنچه در راه خدا به آنان رسید سستی نکردند و ناتوان نشدند و سر تسلیم و ذلت فرود نیاوردند؛ و خدا شکیبایان را دوست دارد.

شناسنامه:

متن پیش رو (ویرایش اول) صد و شصت و چهارمین مکتوب از نوع ششم محصولات مرتبط با نقشه الگوی پیشرفت اسلامی (پیاده فوری) است. محتوای این محصول، متن پیاده شده سخنان حجت الاسلام و المسلمین علی کشوری (دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی) در نشست تخصصی «نظام‌سازی برای حجاب و عفاف» می‌باشد که در تاریخ سه‌شنبه ۲ آبان‌ماه سال ۱۴۰۲ در محل ستاد امر به معروف و نهی از منکر کشور در شهر تهران برگزار گردیده است. شایان ذکر است این متن، مستند به ۲۷۸ آیه و روایت و زیرمجموعه مباحث "فقه الامام" است. ضمناً بحث حاضر حاوی یک جدول تصمیم (مشمول بر ۵ تصمیم) می‌باشد.

نظام‌سازی برای حجاب و عفاف

مقدمه:

لزوم برنامه‌ریزی همه‌جانبه، و محکوم به شکست بودن نگاه و برنامه‌های بخشی در حل مسئله حجاب و عفاف

آیه ۵۹ سوره مبارکه احزاب: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَجْعَلُونَ مِمَّا قَدْ حَلَاحَ اللَّهُ بِكُمْ مِنَ الْغَنَاءِ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا رِجَالًا وَمَوَالٍ كَمَا يَفْعَلُونَ الَّذِينَ ظَلَمُوا...»

آیه ۳۱ سوره مبارکه نور: «قُلْ لِّلْمُؤْمِنَاتِ بَعْضٌ مِّنْ بُسْمِهِمْ وَأَعْيُنُهُنَّ لَا يَضُرُّهُنَّ وَبَعْضٌ مِّنْ بُسْمِهِمْ وَأَعْيُنُهُنَّ لَا يَضُرُّهُنَّ...»

دو آیه محوری در بحث حجاب و عفاف:

بحث مقدماتی: (تعریف)

بررسی آثار حجاب و عفاف در آیات و روایات (تصویر)

معنای لفظ «حجاب» (اصطلاح قرآنی حجاب) آیه ۵۶ سوره احزاب

در کلمات لغویین: مطلق قمیص (لباس و پوشش)

توسعه معنایی اصطلاح «حجاب» در ادبیات شارح: حجاب الحیاء، حجاب اللیل، حجاب الفقر، حجاب العار، حجاب الایکس، حجاب الدین، حجاب المذله، حجاب الغفله، حجاب الحیرت، حجاب البقین و...

آثار حجاب و عفاف: (تصویر)

گسترش امنیت بانوان

جلوگیری از ایجاد اختلال شخصیتی در مردان (دائم الحسرت و عقده‌ای شدن و ابتلاء به خواسته‌های تزلزل‌ناپذیر مردان!)

جلوگیری از گسترش جرائم در جامعه

جلوگیری از کاهش سطح عقل و حکمت در جامعه (و در نتیجه: افزایش رشد علمی و...)

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَجْعَلُونَ مِمَّا قَدْ حَلَاحَ اللَّهُ بِكُمْ مِنَ الْغَنَاءِ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا...» آیه ۵ سوره مبارکه احزاب

امیرالمؤمنین (علیه‌السلام): «مَنْ أَتْلَقَ نَظْرَهُ أَتَعَبَ خَاطِرُهُ مِنْ تَقَاتَبَتْ لَحَظَاتُهُ دَامَتْ حَسْرَاتُهُ» جامع الأخبار (للمشیري) ص ۹۳

گسترش بی‌حجاب = غلبه شهوت بر قلب انسان = گسترش شره (حرص) در جامعه «مَنْ تَبَيَّنَ الثَّرَىٰ غَلَبَتْ الشُّهُوَةُ» غر المحکم در الکفم ص ۳۶

امیرالمؤمنین (علیه‌السلام): «لَا تَغْلَقْ مَعَ شَهْوَةٍ» / «لَا تَجْتَمِعِ الشُّهُوَةُ وَالْحِكْمَةُ» غر المحکم و در الکفم ص ۷۷ و ۷۷

نظام‌سازی برای حجاب و عفاف

شرح معنای نظام‌سازی (تعریف)

لزوم توجه و رعایت همزمان عوامل بیانی و غیربیانی مسئله حجاب و عفاف

زیرساخت‌های نه‌گانه هدایت (مصادیق نظام‌سازی برای عفاف و حجاب)

- فقه امام (مدیریت و سیاست‌گذاری)
- فقه العلم
- فقه نفی سبیل
- فقه النظم (نظم کلان جامعه)
- فقه المکاسب (کسب روزی حلال و مبارزه با ریاکاری با کلاه و...)
- فقه العبره
- فقه التزکیه (تزکیه درونی مردم و الگویی تغذیه و...)
- فقه الفرقان
- فقه البیان

عدم درک درست از عوامل غیربیانی: علت پیش‌رفتن مسئله حجاب و عفاف در کشور!

زیرساخت تغذیه

لزوم اصلاح الگوی تغذیه

ارزیابی غذا براساس ادبیات مترقی (اهلیت) (علیهم‌السلام)

براساس تأثیرگذاری بر فهم

براساس تأثیرگذاری بر فضائل و ردائل اخلاقی

ارزیابی معیوب غذا براساس مولکول‌های زیستی

مصرف طیبات (مانند: سبزی خرفه، انار، سیب، خرما، گلابی، پسته و...) و پرهیز از پرخوری و در نتیجه: افزایش فهم و درک کلمات انبیاء در مورد حجاب و عفاف

تأثیر مصرف فرآورده‌های خونی بر بی‌خبرتی تأثیر غلبه دم یا غلبه صفرا بر افزایش هیجان شهوت و وسوسه (و در نتیجه: افزایش ارتکاب به فحشا در جامعه)

نظامات موردنیاز برای تحقق حجاب و عفاف (تصمیم)

زیرساخت مسکن

لزوم تغییر الگوهای معماری موجود (مجموعه‌های آپارتمانی)

تزل و محدودیت تفریح در مجتمع‌های آبارتمانی

احیاء تفریح خانگی (با ساخت گسترده دار و توسعه)

راه‌اندازی مجتمع‌های تفریحی ویژه بانوان (لااقل در شهرهای کلان) جایگزین تفریح‌های افسارگسیخته فعلی!

زیرساخت آموزش

عدم آموزش مسائل مرتبط با عفاف و حجاب در مدارس (با وجود سپری کردن ۱۶ تا ۱۲ هزار ساعت آموزش !!)

۱. تدوین دو نوع کتاب درسی در مورد عفاف و حجاب برای دختران و پسران
۲. راه‌اندازی گفتگو و مباحثه آزاد حول مسئله عفاف و حجاب در مدارس به محوریت یک متن مرجع

زیرساخت محله‌محوری (تقسیمات شهری کوچک)

وجود تعزف (شناخت طرفینی گسترده) در تقسیمات شهری کوچک

ایجاد پدیده خودکنترلی

زیرساخت بیان و تبلیغات شهری

پرهیز از توصیه‌های کلیشه‌ای و بازتعریف بیان فوائد حجاب و عفاف ذیل نه‌دسته فائده (زیرساخت‌های نه‌گانه هدایت)

فهرست مطالب:

۱. مقدمه:..... ۱
- ۱/۱. لزوم برنامه‌ریزی همه‌جانبه، و محکوم به شکست بودن نگاه و برنامه‌های بخشی در حل مسئله حجاب و عفاف ۱
- ۱/۲. شرح اجمالی سوالات و سرفصل‌های سه‌گانه مطرح در جلسه ۲
۲. سرفصل اول: آثار حجاب در آیات و روایات (تصویر) ۶
- ۲/۱. نکته مقدماتی: بررسی معنای "جلباب" (اصطلاح قرآنی حجاب در آیه ۵۹ سوره مبارکه احزاب) (تعریف) ۶
- ۲/۱/۱. لزوم تشکیل خانواده حدیث در مورد "جلباب" و مسئله حجاب و عفاف در راستای اقتناع جامعه ۶
- ۲/۲/۱/۱. وضع اولیه "جلباب" در کلمات لغویین: مطلق لباس و پوشش ۱۰
- ۲/۲/۱/۲. توسعه معنایی "جلباب" در ادبیات شارع در مصادیق مختلف خطر؛ نمونه‌ای از تشکیل خانواده حدیث در مورد "جلباب" ۱۳
- ۲/۲/۱/۲/۱. اضافه شدن کلمه "جلباب" به "حیاء" (پوشش و مانع برای دیده‌شدن عیوب انسان)؛ یکی از مصادیق توسعه معنایی جلباب در ادبیات شارع ۱۳
- ۲/۲/۱/۲/۲. اضافه شدن کلمه "جلباب" به "لیل" (پوشش شب)؛ یکی دیگر از مصادیق توسعه معنایی جلباب در ادبیات شارع ۱۵
- ۲/۲/۱/۲/۳. اضافه شدن کلمه "جلباب" به "فقر" (پوشش و دیده‌نشدن خوبی‌های شخص بخاطر فقر!)؛ یکی دیگر از مصادیق توسعه معنایی جلباب در ادبیات شارع ۱۶
- ۲/۲/۱/۲/۴. اضافه شدن کلمه "جلباب" به "عار (ننگ)" (دیده‌نشدن خوبی‌های دیگر شخص)؛ یکی دیگر از مصادیق توسعه معنایی جلباب در ادبیات شارع ۱۷
- ۲/۲/۱/۲/۵. اضافه شدن کلمه "جلباب" به "اکیاس" (پوشش و لباس انسان‌های زیرک) و به "یقین" (لباس یقین: اعتماد به حرف‌های معتبر)؛ یکی دیگر از مصادیق توسعه معنایی جلباب در ادبیات شارع ۱۷
- ۲/۲/۱/۲/۶. اضافه شدن کلمه "جلباب" به "دین" (پوشش دین)، "مذلت" (لباس ذلت)، "غفلت" (لباس غفلت)، "حیرت" (لباس حیرت) و ...؛ مصادیق دیگری از توسعه معنایی جلباب در ادبیات شارع ۱۸
- ۲/۱/۲. تشکیل خانواده حدیث با به دست آوردن توسعه معنایی اصطلاحات شارع (مانند اصطلاح جلباب در مسئله حجاب)؛ یکی از راه‌های درک مصالح و مفاسد حاکم بر گزاره‌های دینی (به هدف اقتناع جامعه و عبور از نگاه امر و نهی) ۲۱
- ۲/۲. بحث اصلی: آثار حجاب در آیات و روایات (تصویر) ۲۵
- ۲/۲/۱. گسترش امنیت بانوان؛ اولین فائده حجاب در آیات و روایات (فائده امنیتی) ۲۵
- ۲/۲/۱/۱. افزایش آزار و اذیت بانوان و کاهش امنیت آنها در کشورهای اروپایی به دلیل بی‌توجهی به مسئله حجاب ۲۶
- ۲/۲/۲. جلوگیری از ایجاد اختلال شخصیتی در مردان (دائم الحسرت و عقده‌ای شدن و ابتلاء به خواسته‌های تنزل‌یافته)؛ دومین فائده حجاب در آیات و روایات (فائده روان‌شناسانه) ۳۱

- ۲/۲/۳. جلوگیری از گسترش جرائم؛ سومین فائده حجاب در آیات و روایات ۳۵
- ۲/۲/۳/۱. گسترش بی‌حجاب = غلبه شهوت بر قلب انسان = گسترش شره (حرص) در جامعه «سَبَبُ الشَّرِّ غَلْبَةُ الشَّهْوَةِ» <= گسترش جرائم و شرور مختلف در جامعه «بِذْرِ الشَّرِّ الشَّرُّ» ۳۵
- ۲/۲/۴. جلوگیری از کاهش سطح عقل و حکمت در جامعه (و در نتیجه: افزایش رشد علمی و...)؛ چهارمین فائده حجاب در آیات و روایات ۳۷
- ۲/۳. ایجاد چالش‌های اساسی و روزانه برای امنیت زنان در ایران در یکی دو دهه آینده (مانند کشورهای اروپایی)!!؛ در صورت عدم رعایت حجاب و عفاف در کشور ۳۹
۳. سرفصل دوم: شرح معنای "نظام‌سازی" (تعریف) ۴۱
- ۳/۱. لزوم توجه و رعایت هم‌زمان به زیرساخت بیانی و غیربیانی عفاف و حجاب؛ معنای نظام‌سازی برای حجاب و عفاف ۴۱
- ۳/۱/۱. مثال: لزوم رعایت عوامل غیربیانی اکرام مهمان (مانند: فراهم آوردن اتاق مناسب برای مهمانی، نوع چینی سفره، پذیرایی بعد از سفره و غیره) در کنار عوامل بیانی (مانند: استفاده از الفاظ متناسب) برای تکریم صحیح یک مهمان ۴۱
- ۳/۱/۲. لزوم ارتقاء بحث‌های تبلیغات شهری (عوامل بیانی) در مورد حجاب و عفاف و عبور از عبارات کلیشه‌ای و تکراری و غیرجذاب ۴۳
- ۳/۱/۳. عدم درک درست از زیرساخت‌های غیربیانی؛ علت پیش‌ترفتن مسئله حجاب و عفاف در کشور ۴۵
- ۳/۲. زیرساخت‌های نه‌گانه هدایت؛ مصادیق نظام‌سازی (عوامل بیانی و غیربیانی) برای حجاب و عفاف ۴۷
- ۳/۲/۱. بیان + فقه الامام (مسئله مدیریت و سیاست‌گذاری)، فقه النظم (نظم کلان جامعه)، فقه المکاسب (کسب و روزی حلال، مبارزه با رباخواری بانک‌ها! و...)، فقه التزکیه (تزکیه درونی مردم، الگوی تغذیه و...)؛ مصادیقی از زیرساخت‌های نه‌گانه هدایت ۴۷
۴. سرفصل سوم: نظامات (عوامل زیرساختی) مورد نیاز برای تحقق مسئله حجاب و عفاف ۵۳
- ۴/۱. زیرساخت تغذیه؛ اولین زیرساخت مورد نیاز برای تحقق حجاب و عفاف ۵۳
- ۴/۱/۱. ارزیابی ناقص غذا در تمدن مدرنیته بر اساس مولکول‌های زیستی ۵۳
- ۴/۱/۲. ارزیابی غذا بر اساس ادبیات مترقی اهل بیت علیهم‌السلام (زیرساخت قوت، فهم و فضائل انسان)؛ یکی از زیرساخت‌های تحقق حجاب و عفاف ۵۵
- ۴/۱/۲/۱. ارزیابی غذا بر اساس قوت و ضعف؛ یکی از ملاک‌های ارزیابی‌های مترقی اهل بیت علیهم‌السلام ۵۵

- ۴/۱/۲/۲. ارزیابی غذا بر اساس تاثیرگذاری بر فهم؛ یکی دیگر از ملاک‌های ارزیابی غذا در ادبیات مترقی اهل بیت علیهم‌السلام ۵۵
- ۴/۱/۲/۲/۱. زیاد غذا خوردن؛ یکی از عوامل تاثیرگذار بر کاهش فهم براساس ارزیابی غذا در ادبیات مترقی اهل بیت علیهم‌السلام ۵۶
- ۴/۱/۲/۲/۲. مصرف خُرفه؛ یکی از عوامل تاثیرگذار بر افزایش فهم براساس ارزیابی غذا در ادبیات مترقی اهل بیت علیهم‌السلام ۵۹
- ۴/۱/۲/۲/۳. مصرف طیبیات (اقلام برتر)؛ یکی دیگر از عوامل تاثیرگذار بر افزایش فهم براساس ارزیابی غذا در ادبیات مترقی اهل بیت علیهم‌السلام ۵۹
- ۴/۱/۲/۳. ارزیابی غذا بر اساس رذایل و فضایل؛ یکی دیگر از ملاک‌های ارزیابی غذا در ادبیات مترقی اهل بیت علیهم‌السلام ۶۰
- ۴/۱/۲/۳/۱. تاثیر مصرف فراورده‌های خوکی بر بی‌غیرتی، و تاثیر غلبه دم یا غلبه صفرافرا بر افزایش هیجان شهوت و وسوسه (و در نتیجه: افزایش ارتکاب به فحشا در جامعه!)؛ نمونه‌هایی از ارزیابی غذا بر اساس رذایل و فضایل ۶۰
- ۴/۱/۳. تاثیر فراوان غذا بر فهم (درک کلمات انبیاء) و اخلاق (فضائل و رذائل)؛ دلیل ضرورت ارزیابی غذا براساس ادبیات مترقی اهل بیت (علیهم‌السلام) در راستای تحقق حجاب و عفاف ۶۱
- ۴/۲. زیرساخت مسکن؛ دومین زیرساخت موردنیاز برای تحقق حجاب و عفاف ۶۲
- ۴/۲/۱. مجتمع‌های آپارتمانی باعث "تنزل و محدودیت در تفریح" و در نتیجه: ایجاد میل بانوان به خیابان‌گردی؛ یکی از علل تاثیر زیرساختی مسکن در مسئله عفاف و حجاب ۶۲
- ۴/۲/۱/۱. لزوم احیاء تدریجی تفریح خانگی در دو دهه آینده + راه‌اندازی فوری مجتمع‌های تفریحی ویژه بانوان (لااقل در شهرهای کلان) جایگزین تفریح‌های افسارگسیخته فعلی؛ دو راهکار برای حل مشکل تفریح بانوان ۶۳
- ۴/۳. زیرساخت آموزش؛ سومین زیرساخت موردنیاز برای تحقق حجاب و عفاف ۶۴
- ۴/۳/۱. عدم آماده‌سازی پسران و دختران برای مسائل مرتبط زندگی (از جمله: حجاب و عفاف) توسط سیستم آموزشی (با وجود سپری کردن بین ۱۲ هزار الی ۱۶ هزار ساعت!)؛ یکی از موانع زیرساختی در مسئله عفاف و حجاب ۶۴
- ۴/۳/۲. پیشنهاد: ۱. تدوین دو نوع کتاب درسی عفاف و حجاب تابع نیاز پسران و دختران و ۲. راه‌اندازی گفتگو و و مباحثه آزاد مسئله عفاف و حجاب در مدارس به محوریت یک متن مرجع (پرهیز از سخنرانی و تدریس یک طرفه) ۶۵
- ۴/۴. زیرساخت محله محوری (تقسیمات شهری کوچک)؛ چهارمین زیرساخت موردنیاز برای تحقق حجاب و عفاف ۶۷
- ۴/۴/۱. وجود "تعرف (شناخت طرفینی گسترده) و در نتیجه: ایجاد پدیده خود کنترلی؛ علت تحقق بیشتر عفاف و حجاب در مدیریت شهری محله‌محور ۶۷
- ۴/۴/۲. افزایش تاثیر امر به معروف لسانی در محیط‌های کوچک (محله و خانواده)؛ یکی دیگر از علل تحقق بیشتر عفاف و حجاب در مدیریت شهری محله‌محور ۷۱
- ۴/۵. زیرساخت بیان و تبلیغات شهری؛ پنجمین زیرساخت تحقق حجاب و عفاف ۷۲

۴/۵/۱	بازتعریف بیان فوائد حجاب و عفاف ذیل نه دسته فائده (زیرساخت‌های نه‌گانه هدایت) و پرهیز توصیه‌های کلیشه
۷۲	ای؛ نحوه تحول در زیرساخت بیان برای تحقق عفاف و حجاب
۷۳	جمع‌بندی
۷۵	پیوست‌ها:
۷۶	پیوست ۱: آمارهای هولناک خشونت جنسی در ایالات متحده آمریکا (توسعه‌یافته‌ترین کشور دنیا)
۹۴	پیوست ۲: شرح زیرساخت‌های ۹ گانه هدایت
۱۰۸	پیوست ۳: برخی روایات در باب غذا به عنوان یکی از زیرساخت‌های قوت و ضعف
۱۱۷	پیوست ۴: برخی روایات درباره طیبات در میوه‌ها، گیاهان، سبزیجات و صیفی‌جات
۱۴۰	پیوست ۵: برخی روایات در باب غذا به عنوان یکی از زیرساخت‌های فهم
۱۴۴	پیوست ۶: بررسی ارتباط بین گوشت خوک و افزایش بی‌غیرتی و فحشاء در جوامع
۱۴۴	۶/۱. روایات ارتباط خوک با بی‌غیرتی و فحشاء
۱۴۵	۶/۲. آیات و روایات حرمت گوشت خوک
۱۵۰	۶/۳. فراوانی مصرف فرآورده‌های خوکی و افزایش چشمگیر بی‌غیرتی و فحشاء در کشورهای اروپایی
۱۶۳	پیوست ۷: گسترش فراوان و مخفیانه فرآورده‌های خوکی در بسیاری از مواد خوراکی و غیر خوراکی!!
۱۷۳	پیوست ۸: برخی روایات در باب غذا به عنوان یکی از زیرساخت‌های رذائل و فضائل
۲۰۶	نظام اصطلاحات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِنَا وَنَبِيِّنَا وَسَفِيحِنَا فِي
يَوْمِ الْجَزَاءِ أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ سَيِّمًا بَقِيَّةِ اللَّهِ فِي الْأَرْضِينَ أَرْوَاحَنَا لَا مَالِهِ
الْفِدَاءُ وَعَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفُ وَاللَّعْنُ الدَّائِمُ عَلَى أَعْدَائِهِ أَعْدَاءِ اللَّهِ مِنَ الْآنَ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ.

خوشحال هستم خدمت برادران و خواهران گرامی رسیده‌ام. همان‌گونه که به استحضار شما رسیده
است عنوان نشست مباحثاتی و تخصصی امروز، «نظام سازی برای حجاب و عفاف» است.

۱. مقدمه:

۱/۱. لزوم برنامه ریزی همه جانبه، و محکوم به شکست بودن نگاه و برنامه های بخشی در حل

مسئله حجاب و عفاف

در عنوان جلسه، کلمه "نظام سازی" را استخدام کردیم؛ به این هدف که یک پیام روشن را به
همه دلسوزان مسئله "عفاف و حجاب" مخابره کنیم [و آن عبارت است از] اینکه بحث عفاف
و حجاب با "تبلیغات" و با تکیه بر "بیان"، و حتی یک قدم بالاتر، با تکیه بر "تصویب و اجرای
قوانین" به سرانجام خود نخواهد رسید. [بلکه] باید مجموعه‌ای از اقدامات را در دستور کار
قرار دهیم تا مسئله عفاف و حجاب در کشور رونق بگیرد.



در واقع با انتخاب عنوان "نظام‌سازی" برای این نشست و اضافه کردن آن به کلمه "عفاف و حجاب" می‌خواستیم متذکر شویم که اقدامات تک‌بُعدی برای حل این مسئله کفایت نمی‌کند و ما باید حتماً از چندین محور اقدام به برنامه‌ریزی کنیم تا به نتیجه مطلوب دست پیدا کنیم. این نکته مهمی است که برنامه‌ریزی‌های تک‌بُعدی غالباً به ضرر جبهه ایمان و حق تمام می‌شود و ضررهایی را برای همه حوزه‌ها از جمله حوزه "عفاف و حجاب" خواهد داشت. در تمامی حوزه‌ها باید سعی کنیم همه ریشه‌ها و زیرساخت‌های موثر بر موضوع را شناسایی کنیم و برای آن‌ها برنامه‌ریزی کنیم. بنابراین بسیار مهم است که در یک جمله حرف این نشست را خلاصه کنیم؛ [و آن عبارت است از] اینکه برنامه‌ریزی بخشی برای عفاف و حجاب، محکوم به شکست است! و باید برنامه‌ریزی همه‌جانبه را در دستور کار خود قرار دهیم. این همه عرض برادر کوچک شما در این نشست تخصصی است. ما بیش از این حرفی نداریم و هر چه در این جلسه بعد از این ارائه خواهیم کرد، شرح همین نکته حیاتی و مهم در حوزه برنامه‌ریزی است.

۱/۲. شرح اجمالی سوالات و سرفصل‌های سه‌گانه مطرح در جلسه

برای اینکه این عنوان "نظام‌سازی برای عفاف و حجاب" یا به عبارت ساده‌تر: "برنامه‌ریزی همه‌جانبه برای تحقق بیشتر عفاف و حجاب" در ذهن‌ها تثبیت شده و جا بیفتد، در مجموع سه عنوان بحثی را محضرتان عرض خواهیم کرد. این سه عنوانی که محضر شما ارائه خواهیم داد، تأملاتی بر آیات و روایات مرتبط با "حجاب" و "عفاف" و "حیاء" و کلمات مرتبط با این موضوعات هستند. این سه موضوع به تبیین عنوان "نظام‌سازی برای عفاف و حجاب" کمک می‌کنند و مانع از آن می‌شوند که برخی افراد فقط با "تجمع" یا "وضع قانون"، "تبلیغات" برای عفاف و حجاب باشند و در مجموع با "نگاه بخشی" مسئله را حل کنند. هرگاه با نگاه بخشی اقدام کرده‌ایم، کار ناقص از آب درآمده است. [لذا] باید این برنامه‌ریزی همه‌جانبه را در تمامی حوزه‌ها مورد توجه خود قرار دهیم. این سه مسئله به ترتیب عبارت از:



۲/۱. سرفصل اول: آثار حجاب در آیات و روایات

یک. بررسی آثار حجاب در آیات و روایات. در این جلسه چهار اثر مهم عفاف و حجاب بر جامعه و بر فرد را بحث خواهیم کرد و ان شاء الله کمک خواهیم کرد به لحاظ فکری مسئله عفاف و حجاب عمیق‌تر از وضعیت فعلی درک شود. پس محور اول، بررسی آثار حجاب است. گاهی اوقات تصور می‌کنیم چون مسئله‌ای برای خود ما بدیهی است، برای دیگران نیز همینطور است. برخی از خانم‌ها و آقایان که از ابتدای سن تکلیف و آغاز سن تمییز خود با حجاب مأنوس بوده‌اند و فواید آن را درک کرده‌اند، ممکن است تلقی کنند که دیگران نیز درکشان از مسئله عفاف و حجاب برابر با درک آمر حجاب و ناهی از بی‌حجابی است؛ اما به نظر ما، این اتفاق در ذهن همه افراد جامعه نیفتاده است. جمعیت بسیاری، خصوصاً از بین دختران عزیز ما در مدارس، هنوز فواید مسئله حجاب را درک نمی‌کنند. بنابراین، در سرفصل اول این بحث، مروری بر این موضوع خواهیم داشت. به همه دوستان نیز توصیه می‌کنیم "تبیین آثار مسئله عفاف و حجاب" در جامعه را جدی بگیرند و برای آن برنامه‌ریزی ویژه‌ای انجام دهند.

۲/۲. سرفصل دوم: شرح معنای نظام‌سازی

محور دوم بحث، شرح معنای "نظام‌سازی" است. سعی می‌کنیم اصطلاح "نظام‌سازی" را مقدار بیشتری توضیح دهیم تا همانطور که عرض کردیم، مخاطب متخصص، مطالبه‌گر و معلم حجاب درکی عمیق‌تر از آن پیدا کنند. این هم بحث بسیار مهمی است؛ اگر فقط و فقط دلسوزان جامعه اسلامی درکی از کلمه "نظام‌سازی" داشته باشند، به نظر من بسیاری از مسائل در جامعه با سرعت بیشتری حل خواهد شد. سعی می‌کنم در یک معنای ساده بحث "نظام‌سازی" را شرح دهم.

فائده آن، هم برای عفاف و حجاب، هم برای سایر حوزه‌ها است. شما می‌توانید این کلمه "نظام‌سازی" را به مسئله "جمعیت" هم اضافه کنید. ما سابق بر این، وقتی در جلساتی که دوستانی که در حوزه جمعیت بحث می‌کردند حاضر می‌شدیم آنجا هم این نکته را متذکر می‌شدیم که: ما نیاز به



"نظام‌سازی برای جمعیت و فرزندآوری" داریم، و نباید به "تبلیغ مسئله جمعیت و فرزندآوری" اکتفا کنیم،^۱ در حوزه "اقتصاد" هم این کلمه قابلیت استخدام دارد؛ شما می‌توانید بگویید: "نظام‌سازی برای معیشت و اقتصاد مردم".

بنابراین به جهت روشن‌تر شدن تمایز بین "نظام‌سازی" و اقدامات تک‌بعدی، به توضیح مختصری از آن می‌پردازیم. متأسفانه، شاهدیم برخی افراد در هنگام طرح "ارزش‌های اسلامی"، تنها ایده‌ای که به ذهنشان خطور می‌کند، تشکیل "تجمّع" در مقابل درب یک نهاد یا وزارتخانه و "مطالبه‌گری" صرف است. اگرچه در برخی موارد، اعلام "تجمّع" و "مطالبه‌گری" مفید واقع می‌شود، لکن این امر به تنهایی کافی نیست. کاش برخی از دوستان انقلابی ما، به جای تمرکز صرف بر "مطالبه‌گری" و "تجمّع"، راجع به پیوست‌های مسئله مطالبه‌گری نیز بحث می‌کردند. به این معنا که علاوه بر

"مطالبه‌گری" و اعلام "تجمّع"، چه اقدامات دیگری برای تحقق یک موضوع باید انجام شود؟ ما یک مشکلی داریم [که عبارت است از اینکه:] به هر حال بعضی‌ها اخلاص دارند، و برای تحقق ارزش‌های اسلامی تمایل فراوانی دارند، ولی نقشه حرکتشان دچار اشکال است؛ به دلیل اینکه بحث نظام‌سازی را متوجه نمی‌شوند. البته بعضی دیگر معنای "نظام‌سازی" را با "سیستم‌سازی" برابر می‌گیرند؛ آنها هم موانعی در ذهن‌ها و در عینیت ایجاد خواهند کرد. پس این هم یک محور و بحث.

۱. **ارجاع پرورشی:** متن و صوت برخی نشست‌های برگزار شده توسط شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در رابطه با "نظام‌سازی و جمعیت":

متن کامل اولین گزارش راهبردی با موضوع: برنامه جمعیتی الگوی پیشرفت اسلامی، ۲۵ تیر ۱۴۰۱، قم

eitaa.com/olgou051/4

صوت نشست تخصصی نظام‌سازی برای جمعیت، ۴ بهمن ۱۴۰۱، قم

eitaa.com/olgou40517

صوت نشست تخصصی نظام‌سازی آموزشی برای خانواده و جمعیت، ۲۹ آبان ۱۴۰۱، پلاک ۳۱۳ مسجد جمکران

eitaa.com/olgou4829/4



۲/۳. سرفصل سوم: نظامات (عوامل زیرساختی) مورد نیاز برای تحقق مسئله حجاب و عفاف

محور سوم: به صورت تطبیقی نظامات مورد نیاز برای تحقق مسئله عفاف و حجاب را تبیین خواهیم کرد. به زبان ساده: ریشه‌های بی‌حجابی را بررسی خواهیم کرد و راهکارهایی برای خشکاندن این ریشه‌ها ارائه خواهیم داد. به تعبیر ثالث: "عوامل زیرساختی حجاب" را بحث خواهیم کرد، این هم مسئله مهمی است که باید به آن توجه شود.

بنابراین فرق سوال دوم و سوال سوم جلسه این است که: در سوال دوم به صورت مفهومی، برنامه‌ریزی همه‌جانبه را شرح می‌دهیم. ولی در فهرست سوم آن را با مسئله عفاف و حجاب تطبیق خواهیم داد.

انشاءالله [در تبیین محور سوم]، عرض خواهیم کرد که برای شروع کار، لااقل پنج اقدام زیرساختی برای تحقق عفاف و حجاب متصور است که این پنج دسته [در] اولویت‌اند. بعد انشاءالله در مراحل تکمیلی‌تر هم می‌توانیم محورهای دیگری را به بحث اضافه کنیم.

بنابراین چشم‌انداز جلسه امروز ما، بحث و گفتگو پیرامون این سه محور است و سپس از نظرات شما نیز بهره‌مند خواهیم شد.



۲. سرفصل اول: آثار حجاب در آیات و روایات (تصویر)

[تمرکز] بحث بررسی آثار حجاب باید به محوریت آیات و روایات [مرتبط با] این حوزه باشد. همانطور که ما مکرر تاکید کردیم، نباید در بررسی موضوعات "نگاه عرفی" یا "نگاه پوزیتیویستی" را غلبه داد. باید "نگاه عمیق دانشی شارع" در همه حوزه‌ها، از جمله حوزه عفاف و حجاب، احیاء کرد.

۲/۱. نکته مقدماتی: بررسی معنای "جلباب" (اصطلاح قرآنی حجاب در آیه ۵۹ سوره مبارکه

احزاب) (تعریف)

۲/۱/۱. لزوم تشکیل خانواده حدیث در مورد "جلباب" و مسئله حجاب و عفاف در راستای اقتناع جامعه

معروف این است که وقتی کسی می‌خواهد راجع به عفاف و حجاب بحث کند، آیه ۳۱ سوره نور^۲ (معروف به "آیه حجاب" در اصطلاح اهل فن) و دیگری آیه ۵۹ سوره احزاب^۳ (معروف به "آیه

۲. **ارجاع پژوهشی:** «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَرِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلَا يَتَّخِذْنَ مِنْكُمْ سَبِيحَةً وَلَا يَخْفَيْنَ مِنْكُمْ مَا بَدَا مِنْكُمْ وَلَا يَنْسِيْنَ أُمَّهَاتَهُنَّ وَلَا بَنَاتَهُنَّ وَلَا إِخْوَانَهُنَّ وَلَا إِخْوَانَهُنَّ أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَاءَهُنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوْ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْأَرْبَابَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوْ الْوَالِدِينَ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهُ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (سوره مبارکه نور، آیه ۳۱)

و به زنان باایمان بگو: چشمان خود را از آنچه حرام است فرو بندند، و شرمگاه خود را حفظ کنند، و زینت خود را [مانند لباس‌های زیبا، گوشواره و گردن بند] مگر مقداری که [طبیعتاً مانند انگشتر و حنا و سرمه، بر دست و صورت] پیداست [در برابر کسی] آشکار نکنند، و [برای پوشاندن گردن و سینه] مقنعه‌های خود را به روی گریبان‌هایشان بیندازند، و زینت خود را آشکار نکنند مگر برای شوهرانشان، یا پدرانشان، یا پدران شوهرانشان، یا پسرانشان، یا پسران شوهرانشان، یا برادرانشان، یا پسران برادرانشان، یا پسران خواهرانشان، یا زنان [هم کیش خود] شان، یا بردگان زر خریدشان، یا خدمتکارانشان از مردانی که ساده لوح و کم عقل اند و نیاز شهبوانی حس نمی‌کنند، یا کودکانی که [به سن تمیز دادن خوب و بد نسبت به امیال جنسی] نرسیده‌اند. و زنان نباید پاهایشان را [هنگام راه رفتن آن گونه] به زمین بزنند تا آنچه از زینت‌هایشان پنهان می‌دارند [به وسیله نامحرمان] شناخته شود. و [شما] ای مؤمنان! همگی به سوی خدا بازگردید تا رستگار شوید.

۳. **ارجاع پژوهشی:** «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِمَنْ أَرَادَ مِنْ نِسَاءِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلْبَابِهِنَّ ذَلِكَ آذَنِي أَنْ يَعْرِفْنَ فَلَآ

يُؤْذِينَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا» (سوره مبارکه احزاب، آیه ۵۹)



جلباب") بررسی می‌کند. در بحث‌های مربوط به عفاف و حجاب، این دو آیه محوریت بیشتری دارند؛ اما ما می‌خواهیم عرض کنیم: «ابتدا باید مجموعه آیات حوزه عفاف و حجاب جمع‌آوری شوند و ما نباید فقط به محوریت این دو آیه، مسئله را بررسی کنیم». اصطلاحاً باید برای بحث عفاف و حجاب ابتدائاً "تشکیل خانواده روایت" داد و همه آیات و روایات این حوزه را جمع‌آوری

ای پیامبر! به همسران و دختران و همسران کسانی که مؤمن هستند بگو: چادرها [یا روسری‌های بلند] خود را فرو پوشند، با این [پوشش] کمتر شناخته شوند، و در نتیجه مورد آزار قرار نخواهند گرفت و خدا همواره بسیار آمرزنده و مهربان است.

و أما قوله: «يا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ وَ بَنَاتِكَ وَ نِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ»؛ فإنه كان سبب نزولها: أن النساء كن يخرجن إلى المسجد و يصلين خلف رسول الله ص و إذا كان بالليل خرجن إلى صلاة المغرب و العشاء الآخرة و الغداة؛ يقعد الشبان لهن في طريقهن فيؤذونهن و يتعرضون لهن فأنزل الله «يا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ وَ بَنَاتِكَ وَ نِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ» إلى قوله «ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَ كَانَ اللَّهُ غَفُوراً رَحِيماً».

تفسیر القمی، ج ۲، ص ۱۹۶

تفسیر الصافی ج ۴ ص ۲۰۴ / بحار الأنوار ج ۲۲ ص ۱۹۰ و ج ۱۰۱ ص ۳۳

۴. ارجاع پرورشی: چکیده‌ای از بحث تشکیل خانواده حدیث:

- * قرینه‌های منفصل کلامی در حدیث، احادیث دیگری اند که مشابه و مرتبط با آن حدیث و همگی ناظر به يك موضوع باشند.
 - * میان احادیث هم‌خانواده، رابطه‌های متعددی مانند تخصیص و تقیید، برقرار است.
 - * تشکیل خانواده حدیث، یعنی یافتن این احادیث و فهم نسبت‌های آنها با همدیگر، برای فهم مقصود اصلی گوینده حدیث.
 - * ضرورت جستجو از قرائن و تشکیل خانواده حدیث از دو نکته ناشی می‌شود: اول: هماهنگی کامل میان ائمه (علیهم‌السلام) [۱] که نتیجه آن، عدم پذیرش اختلاف میان احادیث آنان است. و دوم: وجود نقل‌های متفاوت و رواج شیوه نقل معنا [۲] در کنار نقل لفظی.
 - * جستجوی احادیث هم‌خانواده، سیره محدثان نیز هست و از این رو، کتاب‌های حدیثی شیعه بیشتر به شیوه موضوعی (نه مسندی) تدوین شده است. نمونه مشابه، تفسیر موضوعی قرآن است.
 - * پس از تشکیل خانواده حدیث، قدر مشترك نقل‌های گوناگون معتبر می‌شود و بخش‌های متفاوت هر نقل نیز به شرط عدم تعارض، اعتبار می‌یابند.
 - * تشکیل خانواده حدیث، ما را از نسبت دادن حکم نادرست به دین بازمی‌دارد و موجب می‌شود در اولین برخورد با حدیث عام، حکم را عمومی ندانیم. این نکته در باره حدیث مطلق نیز جاری است و نمی‌توان بدون جستجو از مقید، فراگیری آن را حجت دانست.
- درسنامه فهم حدیث (عبدالهادی مسعودی، معاصر)، ص ۱۴۴

[۱] روایتی برای نمونه: قال یونس: ... و قال لی أبو الحسن الرضا علیه السلام: ... إنا إن تحدّثنا حدّثنا بموافقة القرآن و موافقة السنّة؛ إنا عن الله و رسولہ تحدّث و لا نقول: قال فلان و فلان؛ فیتناقض کلامنا. إن کلام آخرنا مثل کلام أولنا و کلام أولنا مصادق لکلام آخرنا.



کرد. بنابراین اگر کسی این کار را انجام دهد، آن وقت می‌تواند مفاهیم زیادی را برای اقناع دختران و بانوان و در مجموع جامعه، حول حوزه عفاف و حجاب در دستان خودش ببیند و ما نیازی نداریم با این همه مفهومی که الان [از آیات و روایات] در دست داریم، سراغ تحقیقات عرفی و پوزیتیویستی در رابطه با این مسئله برویم.^۵

امام رضا (علیه السلام): ... ما اگر سخن بگویم موافق با قرآن و سنت سخن می‌گوییم؛ ما از خدا و رسولش نقل می‌کنیم و نمی‌گوییم فلانی و فلانی گفت تا کلام ما متناقض شود. سخن آخرین ما مانند سخن اولین ماست و سخن اولین ما تصدیق‌کننده سخن آخرین ماست.

مصدر اصلی: رجال الکشی، ج ۲، ص ۴۹۰
منابع دیگر: نوادر الأخبار ج ۱ ص ۶۱

[۲] روایتی برای نمونه: مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ ابْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ أَسْمَعُ الْحَدِيثَ مِنْكَ فَازِيدُ وَ أَنْقُصُ قَالَ إِنْ كُنْتَ تُرِيدُ مَعَانِيَهُ فَلَا بَأْسَ.

الکافی، ج ۱، ص ۵۱
الوافی ج ۱ ص ۲۲۷ / وسائل الشیعة ج ۲۷ ص ۸۰ / الفصول المهمة ج ۱ ص ۵۲۲ / بحار الأنوار ج ۲ ص ۱۶۴

۵. **ارجاع پرورشی:** در فقه البیان مفهوم جمع ادله را از اختصاص به موارد تعارض به جمع های جدید با کارکردهای جدید ارتقاء داده ایم. با همه اشکالات خردی که به مباحث اصولی باب تعادل و تراجیح -مانند انتزاعی بودن- وارد است؛ ولی مهمترین اشکال به مباحثات این باب؛ محدود بودن مسئله جمع ادله در فرض تعارض ادله است. فقهای فعلی زمانی به فکر جمع میان ادله می افتند؛ که تعارضی میان ادله احساس کنند!

آیا با انگیزه های دیگری نمی توان به مفهوم جمع میان ادله فکر کرد؟ به عنوان مثال یکی از انگیزه های جمع ادله می تواند مسئله مهم تحریک فکر و ارائه تحلیل نظام مند از ادبیات وحی باشد. البته باید توجه کرد؛ که ساختار پیشنهادی برای جمع بین ادله در فضای تحریک فکر، خودش باید استظهاری و حجیت یافته باشد و نباید از ساختارهای عرفی و خود بنیاد برای تولید چنین جمع هائی از ادله استفاده کرد. به عبارت روشن تر قالب های جمع ادله در فرض جدید را باید فقهاً اثبات و به کارگیری کرد.

به فضل الهی در ساختار مباحثات فقه البیان ۹ دسته قاعده برای جمع میان ادله پیشنهاد داده ایم؛ که به معنای انقلاب در مباحثات باب تعادل و تراجیح است و سطح اقناع و تفاهم فقه را ارتقاء می دهد. جمع در ساختار منزلت، جمع در ساختار افتتاح، جمع در ساختار ظرفیت، جمع در ساختار رفق، جمع در ساختار مُکث، جمع در ساختار تامل و... بخش هائی از ساختارهای جدید جمع است.

حجت الاسلام علی کشوری، ۱۷ فروردین ۱۴۰۰، قم
وبگاه فقه نظام

m-hedayat.blog.ir/۱۳۹۸/۱۲/۰۸

یکی از افق های جذاب فقهت، فهم مفهوم "جمع دلالی" میان مجموعه ای از آیات و روایات است. به عبارت بهتر اگر بتوانیم مفهوم جمع را از مقام تعارض و تراحم به مقام جمع ابتدائی توسعه دهیم؛ سرچشمه های جدیدی از عقلانیت کاربردی وحی در قلب طلبه متولد می شود!



تحقق ایده جمع ابتدایی، وابسته به کشف ساختارهای جمع از منابع اولیه دینی و عبور از ایده جمع عقلانی و عرفی است. در جمع به روش عقلانی، طلبه از هر ساختار بیانی - حتی ساختار ماتریس Swot - برای جمع میان آیات و روایات استفاده می کند؛ ولی در نظریه اصولی جمع ابتدایی، ساختار جمع از امام علیه السلام استنتاج می شود. به عنوان مثال جمع ادله در ساختار مُکث (ثبت، تحلیل و پردازش)، نوعی جمع ابتدایی دارای حجیت است و از ساختار سه بخشی این نوع از جمع می توانیم برای کشف جمع دلالتی مجموعه هایی از روایات و آیات بهره ببریم. همچنین از ساختار سه بخشی منزلت (امر و جایگاه امر و تبیین نسبت منزلت ها)، برای جمع ابتدایی مجموعه ای از آیات و روایات استفاده می شود. این نوع از جمع مسیری قابل تفاهم برای نظام سازی عینی را - مبتنی بر ساختار منزلت ها - تبیین می کند. در مباحث اصولی فقه البیان ۹ گونه جمع ابتدایی میان ادله پیشنهاد شده؛ که ثمره آن، کشف عقلانیت فقه در حوزه نظام سازی است. جمع در ساختار ظرفیت، جمع در ساختار تأمل، جمع در ساختار مُکث، جمع در ساختار مقایسه، جمع در ساختار رفق، جمع در ساختار منزلت، جمع در ساختار افتتاح، جمع در ساختار سیاق و جمع در ساختار کَم، الگوهای پیشنهادی جمع ابتدایی ادله در فقه هدایت محسوب می شوند!

پایگاه اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیامرسان ایتا

eitaa.com/olgou/3087

کلمات وحی (آیات و روایات) کلمات جامعی هستند و در ذات این کلمات یک عقلانیت چند بعدی نهفته است. برای حل مسائل و مشکلات مردم باید به دنبال تمسک بیشتر به این عقلانیت باشیم و نقطه آغاز تمسک بیشتر به عقلانیت وحی را ارتقای اصول تفقه (قواعد ممهده برای استنباط) می دانیم.

ارتقای مبنای تفقه، اولین و مهمترین ارتقاء در اصول تفقه است. (ارتقاء از مبنای کشف معذر و منجز به مبنای کشف ابعاد هدایت) در مبنای مختار اصولی خود، تلاشی قاعده مند برای کشف ابعاد هدایت را تئوریزه کرده ایم. (نکته مهم: در الگوی پیشنهادی فقه البیان برای تفقه، کشف اوامر و نواهی، در مرحله سوم استنباط جانمایی می شود و علاوه بر استنباط اوامر و نواهی، مجموعه ای از مسائل موثر در هدایت هم از شارع استنتاج می گردد.)

الگوی پیشنهادی فقه البیان، برای بررسی نقش هر مسئله در هدایت مردم، ۹ دسته پرسش را از وحی درباره آن مسئله استنتاج می کند. به عنوان مثال: اگر موضوع پرسش ما از وحی صوم باشد؛ به ترتیب درباره ۱- انواع صوم و ارتباط آن با ظرفیت های مختلف، ۲- کشف و تنقیح پرسش های حاکم بر روایات و آیات صوم، ۳- مُکث حاکم بر صوم (شامل ثبت، تحلیل و پردازش صوم)، ۴- مقایسه صوم با ریاضتها مشابه مانند روزه وصل، ۵- رحمت ها و رفق های مرتبط با صوم، ۶- منزلت های زمانی و مکانی صوم (زمان و مکان های صوم)، ۷- لغت های افتتاح و مقاصد صوم، ۸- سیاق ها و درک های پیش فرض صوم و ۹- اسرار مکنون در اعداد مرتبط با صوم را از وحی استنتاج خواهیم نمود و فقط به تدوین استنباط مبتنی بر معذر و منجز درباره صوم اکتفاء نمی کنیم!

این الگوی استنباط نه بخشی، علاوه بر ارتقای سطح استنباط، در واقع یک بسته تحلیلی و عقلی درباره مسائل مختلف را در اختیار طلبه فقیه قرار می دهد (عقلانیت فقهی) و او را به صورت کامل از دستگاه های عقلانی موجود (عقلانیت های فلسفی) بی نیاز می کند. شایان ذکر است که عقلانیت های فلسفی (مانند فلسفه صدرائی) علاوه بر چالش مشروعیت در پرونده مهم امتداد اجتماعی هم علیل هستند!

حجت الاسلام علی کشوری (مدیر مدرسه فقهی هدایت)، ۳ تیر ماه ۱۴۰۱، قم

پایگاه اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیامرسان ایتا

eitaa.com/olgou/4074



ما الان با توجه به وقتی که برای جلسه امروز داریم؛ تقریباً پنج دسته دقت را در این آیات و روایات آماده کرده‌ایم.

۲/۲/۱/۱. وضع اولیه "جلباب" در کلمات لغویین: مطلق لباس و پوشش

دقت مقدماتی؛ دقت در کلمه "جلباب" است. می‌خواهیم اندکی راجع به کلمه "جلباب" در آیه ۵۹ سوره احزاب^۱ که از "حجاب" با لفظ "جلباب" نام برده شده؛ محضران تأملات و دریاهایی داشته باشیم و بعد آن چهار دسته آثار عفاف و حجاب را محضر شما توضیح دهیم. اولاً: لفظ کلمه "جلباب" به معنای مطلق "قمیص"^۲ و مطلق "لباس" است. اگر شما به بعضی از کتب لغویون مراجعه کنید، [مشاهده خواهید کرد که] "جلباب" را محدود نکرده‌اند به "روسری" و لباسی که برای حجاب خانم‌ها استفاده می‌شود؛^۳ بلکه به عنوان "مطلق لباس" در کتب لغویون از

۶. **ارجاع بزوهشی:** «يَأْيُهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكُمْ وَ بَنَاتِكُمْ وَ نِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلْبَابِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَ كَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا (احزاب ۵۹)»

ای پیامبر! به همسران و دختران و همسران کسانی که مؤمن هستند بگو: چادرهایشان را بر خود فرو پوشند [تا بدن و آرایش و زیورهایشان در برابر دید نامحرم قرار نگیرد]. این [پوشش] به اینکه [به عفت و پاکدامنی] شناخته شوند نزدیک‌تر است، و در نتیجه [از سوی اهل فسق و فجور] مورد آزار قرار نخواهند گرفت و خدا همواره بسیار آمرزنده و مهربان است.

۷. **ارجاع پرورشی:** الْقَمِيصُ معروف، و جمعه قُمُصٌ و أَقْمِصَةٌ و قُمَصَانٌ. قال تعالى: «إِنَّ كَانَ قَمِيصُهُ قُدًّا مِنْ قُبُلٍ (يوسف ۲۶)»، «وَإِنْ كَانَ قَمِيصُهُ قُدًّا مِنْ ذُبُرٍ (يوسف / ۲۷)» و تَقَمَّصَهُ: لبسه.

الْقَمِيصُ: پیراهن، جمعش: قُمُصٌ و أَقْمِصَةٌ و قُمَصَانٌ، در آیات: «إِنَّ كَانَ قَمِيصُهُ قُدًّا مِنْ قُبُلٍ» (۲۶ / يوسف). «وَإِنْ كَانَ قَمِيصُهُ قُدًّا مِنْ ذُبُرٍ» (۲۷ / يوسف). تَقَمَّصَهُ: او را پیراهن پوشانید.

مفردات الفاظ القرآن، ص ۶۸۴

تَقَمَّصَ - تَقَمَّصًا [قمص]: مطاوع [قَمَص] است، آن مرد پیراهن پوشید... قَمَصَ - تَقَمَّصًا [قمص]: او را جامه پوشانید... الْقَمِيصُ - ج أَقْمِصَةٌ و قُمُصٌ و قُمَصَانٌ: جامه - این کلمه مذکر و مؤنث است.

فرهنگ ابجدی عربی فارسی، ص ۲۴۹ و ۷۰۷ و ۷۰۸

۸. **ارجاع پرورشی:** قابل ذکر است که: عمده لغویین "جلباب" را نوع خاصی از پوشش برای زنان دانسته‌اند:

الجلباب: ثوب أوسع من الخمار دون الرداء، تغطي به المرأة رأسها و صدرها.

جلباب جامه‌ای است از چارقد (روسری بزرگ) بزرگتر و از عبا کوچکتر، که زن به وسیله آن سر و سینه خود را می‌پوشاند.



کتاب العين، ج ۶، ص ۱۳۲
لسان العرب، ج ۱، ص ۲۷۳

في حديث علي رضي الله عنه «من أحبنا أهل البيت فليعد للفرق جلاباً»... الجلاب: الإزار و الرداء. و قيل: الملحفة. و قيل: هو كالمقنعة تغطي به المرأة رأسها و ظهرها و صدرها، و جمعه: جلابيب، كنى به عن الصبر، لأنه يستر الفقر كما يستر الجلاب البدن. ... حديث أم عطية «لتلبسها صاحبها من جلابها» أي: إزارها.

النهاية في غريب الحديث و الاثر (ابن اثير)، ج ۱، ص ۲۸۳

الجلباب: ثوب واسع و أوسع من الخمار و دون الرداء تلويه المرأة على رأسها و تبقى منه ما ترسله على صدرها.

الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل (زمخشري)، ج ۳، ص ۵۵۹

الجلباب: ... و قيل: هو ثوب واسع، دون الملحفة، تلبسه المرأة... و قيل: هو ما تغطي به المرأة الثياب من فوق كالملحفة. و قيل: هو الخمار. و في حديث أم عطية: «لتلبسها صاحبها من جلابها» أي: إزارها. و قد تجلبب. ... و في التنزيل العزيز: «يُذْنِبْنَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيهِنَّ» قال ابن السكيت: قالت العامرية: الجلاب الخمار. و قيل: جلاب المرأة ملاء لها التي تشتمل بها، واحدها جلاب، و الجماعة جلابيب، و قد تجلببت. ... و قيل: هو كالمقنعة تغطي به المرأة رأسها و ظهرها و صدرها، و الجمع جلابيب. در معنای جلاب: ... گفته شده: لباس گشادی است که کوچک تر از ملحفه است که زن‌ها آن را می پوشند... و گفته شده: آن پوششی است که زن‌ها با آن لباس‌های خود را مانند ملحفه می پوشانند. و گفته شده: روسری بزرگ (چارقد) است. ...

لسان العرب، ج ۱، ص ۲۶۸ تا ۲۷۴

قوله تعالى: «يُذْنِبْنَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيهِنَّ» [۵۹ / ۳۳] الجلابيب جمع جلاب و هو ثوب واسع و أوسع من الخمار و دون الرداء تلويه المرأة على رأسها و تبقى منه ما ترسله على صدرها، ... و في حديث علي (ع): «مَنْ أَحَبَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فَلْيَتَّخِذْ لِلْفَقْرِ جَلَاباً» أي: ليزهد في الدنيا و ليصبر على الفقر و القلة، و كنى بالجلباب عن الصبر لأنه يستر الفقر كما يستر الجلاب البدن. و فيه: «مَنْ أَلْقَى جَلَابَ الْحَيَاءِ فَلَا غَيْبَةَ لَهُ» كنى بالحياء عن الثوب لأنه يستر الإنسان من المعاييب كما يستر الثوب البدن. جلابيب جمع جلاب است که لباسی است بزرگ و گشاد، گشادتر از روسری بزرگ (چارقد) و کوچک تر از رداء (چادر - قبا) که زن‌ها با آن سر خود را می پوشانند و بقیه آن را بر سینه‌های خود رها می کنند، ...

مجمع البحرين، ج ۲، ص ۲۴ و ۲۵

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ وَ بَنَاتِكَ وَ نِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُذْنِبْنَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيهِنَّ» أي: قل لهؤلاء: فليسترن موضع الجيب بالجلباب و هو الملاءة التي تشتمل بها المرأة عن الحسن. و قيل: الجلاب مقنعة المرأة أي يغطي جباههن و رء و سهن إذا خرجن لحاجة بخلاف الإماء اللاتي يخرجن مكشفات الرؤوس و الجباه عن ابن عباس و مجاهد. و قيل: أراد بالجلابيب الثياب و القميص و الخمار و ما تستتر به المرأة عن الجبائي و أبي مسلم.

[اقوال در معنای جلاب: ۱] حسن گوید: ای پیغمبر (ص) به همسران و دختران و زنان مؤمنین بگو: پس بپوشانند موضع گردن و سینه خود را با روپوشی که زن‌ها بر سر می اندازند. (۲) ابن عباس و مجاهد گویند: جلاب مقنعه و روسری زنست یعنی با آن



این کلمه استفاده شده است. حتی در مواردی وقتی در کلام عرب می‌خواهند برای "لباس آقایان" هم کلمه‌ای را استخدام کنند، از همین کلمه "جلباب" استفاده می‌کنند.^۹

پوشند سر و گردنشان را هر گاه برای حاجتی بیرون روند بخلاف کنیزهایی که با سر و گردن باز بیرون می‌روند. (۳) جبائی و ابو مسلم اصفهانی (در تفسیر مفقوده‌اش جامع التاویل لمحكم التنزیل) گویند: مقصود از جلباب پیراهن و لباس و روسری بزرگ و هر آنچه که زن با او پوشیده می‌شود.

مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۵۸

«يا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ» (احزاب: ۵۹) جلابیب جمع جلباب و در معنی آن اختلاف هست: (۱) راغب آنرا پیراهن و روسری گفته (قمیص و خمار). (۲) مجمع البیان در لغت فرموده: روسری زن که وقت خروج از منزل سر و صورتش را با آن می‌پوشاند. (۳) صحاح آنرا ملحفه (چادر مانند) گفته. (۴) ابن اثیر در نهاییه آنرا چادر و رداء معنی کرده و می‌گوید: گفته شده مانند چارقد و مانند ملحفه است. (۵) در قاموس هست که آن پیراهن و لباس گشاد کوچکتر از ملحفه، یا چیزی است مثل ملحفه که زن لباسهای خود را به آن می‌پوشاند یا آن ملحفه است. ... با این قرائن و آنچه از نهاییه و صحاح و قاموس نقل شد می‌شود گفت: جلباب ملحفه و لباس بالائی و چادر مانند است نه فقط روسری و خمار معنی آیه این است: ای پیغمبر به همسران و دختران و زنان مؤمنان بگو لباسهای چادر مانند خود را بخود نزدیک کنند و خود را با آن جمع و جور کنند و جلباب را طوری از خود دور نگاه ندارند و بدن خود را از آن بیرون نکنند که پوشیدن آن مانند پوشیدن باشد. از ماده جلب فقط دو صیغه فوق در قرآن هست.

قاموس قرآن، ج ۲، ص ۴۲

۹. ارجاع پرورشی: و الجلباب: القمیص... و قیل: هو المِلْحَفَةُ.

جلباب: پیراهن. و گفته شده: مِلْحَفَه (شبهه چادر).

لسان العرب، ج ۱، ص ۲۶۸

و الجلابیب: القمُص و الخُمُر، الواحد: جِلْبَابٌ.

جَلَابِیب: پیراهن‌ها و روپوشهای سر و چهره یا مقنعه. مفردش: جِلْبَاب است.

مفردات الفاظ القرآن، ص ۱۹۹

و عن ابن عباس رضی الله عنهما: الجلباب: ... الرداء الذي یستر من فوق إلى أسفل.

ابن عباس: جلباب، عبا یا قبایی است که از بالا تا پایین را می‌پوشاند.

الكشاف عن حقائق غوامض التنزیل (زمخشری)، ج ۳، ص ۵۵۹

قیل: الجلباب: المِلْحَفَةُ کما یستتر به من کساء أو غیره.

برخی گفته اند: جلباب هر آن چیزی است که انسان با آن خود را می‌پوشاند مانند: عبا و غیره.

الكشاف عن حقائق غوامض التنزیل (زمخشری)، ج ۳، ص ۵۵۹

مجمع البحرین، ج ۲، ص ۲۴ و ۲۵



۲/۲/۱/۲. توسعه معنایی "جلباب" در ادبیات شاعر در مصادیق مختلف خطر؛ نمونه‌ای از تشکیل خانواده حدیث در مورد "جلباب"

نکته دوم: بعد از اینکه کلمه "جلباب" در وضع اولیه خود برای "لباس و پوشش" به کار رفته است؛ در موارد و معانی دیگری [غیر از لباس و پوشش] هم به عنوان مجاز استفاده شده است. قبل از اینکه ما وارد بحث عفاف و حجاب برای بانوان شویم، خوب است معانی کلمه "جلباب" در معانی دیگر را بررسی دقیق کنیم. بعضی از این روایات را برای شما می‌خوانیم:

یک روایتی از امام رضا (علیه السلام) [نقل شده] است که حضرت کلمه "جلباب" را به کلمه "حیاء" اضافه کرده است و در واقع [گویا امام] فرموده‌اند: «کسی که حیاء دارد، انگاری یک پوشش و لباسی دارد»؛ به چه شکل؟ به این شکل که اگر کسی در زندگی خودش حیاء داشت، عیب‌ها و خواسته‌های او توسط دیگران دیده نمی‌شود؛ یعنی حیاء در حکم پوشش و لباس است و مانع دیدن عیوب انسان‌ها می‌شود. اینجا کلمه "جلباب" به کلمه "حیاء" اضافه شده است و حضرت ما را راهنمایی می‌کنند که حیاء هم نوعی پوشش است، نوعی لباس است؛ لباسی که مانع دیدن عیوب شما می‌شود. معمولاً انسان‌ها خواسته‌هایی دارند، این خواسته‌ها گاهی مالی، یا جنسی یا خواسته‌های نامربوط است. حضرت می‌فرمایند: «اگر کسی حیاء داشته باشد، زشتی خواسته‌های او توسط دیگران مشاهده نمی‌شود.»^{۱۰} روایت البته مربوط به باب غیبت است. حضرت ما را راهنمایی کرده و فرموده‌اند: «مَنْ أَلْقَى جِلْبَابَ الْحَيَاءِ لَا غَيْبَةَ لَهُ.»^{۱۱}

۱۰. ارجاع پژوهشی: مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ مَعْمَرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ عُمَرَ بْنِ عَكَايَةَ التَّمِيمِيِّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ النَّضْرِ الْفَهْرِيِّ عَنْ أَبِي عَمْرٍو الْأَوْزَاعِيِّ عَنْ عَمْرٍو بْنِ شَمْرٍ عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ قَالَ: قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ... مَنْ كَسَاهُ الْحَيَاءُ ثَوْبَهُ خَفِيَ عَلَى النَّاسِ عَيْبُهُ... امام علی علیه السلام: هر که لباس شرم و حیا پوشید و شرم را پیشه خود گردانید مردم زشتی او را نخواهند دید.

الكافي ج ۸ ص ۲۳ / تحف العقول ص ۹۸

عيون الحكم و المواعظ (للبيهي) ص ۴۵۰ / غرر الحكم و درر الكلم ص ۶۲۰

عن عليّ ع: الحياء يصد عن فعل القبيح.

اميرالمومنين (عليه السلام): حيا از کار بد، باز می‌دارد.

غرر الحكم و درر الكلم ص ۷۴



عن الصادق (ع): يَا مُفَضَّلُ إِلَى مَا حُصَّ بِهِ الْإِنْسَانُ دُونَ جَمِيعِ الْحَيَوَانِ مِنْ هَذَا الْخَلْقِ الْجَلِيلِ فَذُرَّهُ الْعَظِيمِ عَنَّاؤُهُ أَغْنِي الْحَيَاءَ فَلَوْلَاهُ لَمْ يُقَرَّ صَيْفٌ وَ لَمْ يُؤَفَّ بِالْعِدَاتِ وَ لَمْ تُقَضَّ الْحَوَائِجُ وَ لَمْ يُتَحَرَّ الْجَمِيلُ وَ لَمْ يُتَنَكَّبِ الْقَبِيحُ فِي شَيْءٍ مِنَ الْأَشْيَاءِ حَتَّى إِنَّ كَثِيرًا مِنَ الْأُمُورِ الْمُفْتَرَضَةِ أَيْضًا إِنَّمَا يُفْعَلُ لِلْحَيَاءِ فَإِنَّ مِنَ النَّاسِ مَنْ لَوْ لَا الْحَيَاءُ لَمْ يَرَعَ حَقَّ وَالدِّيَةِ وَ لَمْ يَصِلْ ذَا رَجْمٍ وَ لَمْ يُؤَدِّ أَمَانَةً وَ لَمْ يَعْفَ عَنْ فَاحِشَةٍ أَفَلَا تَرَى كَيْفَ وَفَى الْإِنْسَانُ جَمِيعَ الْخَلَالِ الَّتِي فِيهَا صَلَاحُهُ وَ تَمَامُ أَمْرِهِ.

امام صادق علیه السلام - به مُفضَّل بن عمر - : ای مُفضَّل! در ویژگی دیگری که از میان همه جانداران، تنها به انسان، این آفریده بلندپایه و بسیار ارزشمند، اختصاص داده شده، یعنی حیا (شرم) بنگر. اگر حیا نبود، هیچ میهمانی پذیرایی نمی‌شد، به وعده‌ها وفا نمی‌شد، کسی حاجت دیگری را برآورده نمی‌ساخت، کسی دنبال زیبایی‌ها [و خوبی‌ها] نمی‌رفت، و از بدی [و زشتی] در هیچ کاری از کارها خودداری نمی‌شد. حتی بسیاری از کارهای واجب نیز به خاطر حیا انجام می‌پذیرند؛ چرا که بعضی از مردم، اگر حیا وجود نداشت، حقوق پدر و مادر خود را رعایت نمی‌کردند، صلّه رجم به جا نمی‌آوردند، امانتداری نمی‌کردند و از فحشا خودداری نمی‌ورزیدند. پس آیا نمی‌بینی که چگونه همه خصلت‌هایی که صلاح انسان و سامان یافتن امور او به آنها بستگی دارد، در او جمع شده است؟

توحید المفضل ص ۷۹

بحار الأنوار ج ۳ ص ۸۱

۱۱ . ارجاع پژوهشی: وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: مَنْ أَلْقَى جِلْبَابَ الْحَيَاءِ لَا غَيْبَةَ لَهُ.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): هر که پرده حیا را دور افکند، غیبت ندارد.

الإختصاص (مفید)، ص ۲۴۲ (عن الرضا علیه السلام)

تحف العقول، ص ۴۵ / مشكاة الأنوار، ص ۲۳۴ / عوالي اللئالی، ج ۱، ص ۲۶۴

شرح فارسی شهاب الأخبار (کلمات قصار پیامبر خاتم ص) (قضاعی، ۴۵۴ ق)، ص ۱۶۸ / نهج الفصاحة، ص ۷۳۳

بحار الأنوار، ج ۷، ص ۱۴۹ / مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۶۱ و ج ۹، ص ۱۲۹

وَ قَالَ ص: مَنْ أَلْقَى جِلْبَابَ الْحَيَاءِ عَنْ وَجْهِهِ فَلَا غَيْبَةَ لَهُ.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که نقاب شرم و حیا را از چهره خود بیندازد، غیبت ندارد.

محاسبة النفس (سیدبن طاووس)، ج ۱ ص ۳۶

عوالي اللئالی العزیزة فی الأحادیث الدینیة، ج ۱، ص ۲۷۷ / کشف الریة (شهید ثانی، ۹۶۶ ق)، ص ۳۶ / شرح نهج البلاغة لابن ابي الحديد،

ج ۹، ص ۷۱

بحار الأنوار، ج ۷۲، ص ۲۳۳

کلام مرحوم شهید ثانی (ره) در شرح و تبیین این روایت:

«وَ قَالَ ص: «مَنْ أَلْقَى جِلْبَابَ الْحَيَاءِ عَنْ وَجْهِهِ فَلَا غَيْبَةَ لَهُ». و ظاهر الخبر جواز غیبت و إن استنکف من ذکر ذلك الذنب و فی جواز اغتیب مطلق الفاسق احتمال ناش من قَوْلِهِ: «لَا غَيْبَةَ لِفَاسِقٍ». و رد بمنع أصل الحديث أو بحمله على خاص أو بحمله على النهي و إن كان بصورة الخبر و هذا هو الأجود إلا أن يتعلق بذلك غرض دینی و مقصد صحیح يعود على المغتتاب بأن يرجو ارتداعه عن معصيته بذلك فيلحق باب النهي عن المنکر.»

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که نقاب شرم و حیا را از چهره خود بیندازد، غیبت ندارد. ظاهر این خبر گویای جایز بودن غیبت چنین کسی است، هر چند از ذکر گناهی که کرده است او را ننگ آید. دلیل بر جواز غیبت کردن از مطلق فاسق [چه تظاهر به فسق بکند و چه نکند] احتمالی است که از این فرمایش پیامبر صلی الله علیه و آله ناشی می‌شود که فرمود فاسق را غیبتی نیست اما این احتمال، با ردّ اصل حدیث یا حمل آن بر فاسقی خاص یا حملش بر نهی، هر چند به صورت خبری است، مردود می‌باشد. این شقّ اخیر [یعنی حمل آن بر نهی از غیبت فاسق] بهتر است، مگر این که پای هدفی دینی و غرض درستی نسبت به غیبت شونده در میان



اگر دیدید کسی حیاء ندارد و عیوب او به دلیل بی‌حیایی گسترش پیدا می‌کند و در بین مردم مشاهده می‌شود، غیبت چنین شخصی اشکال ندارد. [و فقط] غیبت افرادی که حیاء را رعایت می‌کنند اشکال شرعی دارد و دارای عقوبت است.

۲/۲/۱/۲/۲. اضافه شدن
کلمه "جلباب" به "لیل"
(پوشش شب)؛ یکی دیگر از
مصادیق توسعه معنایی
جلباب در ادبیات شارع

شارع محترم در استعمال دیگری کلمه "جلباب" را به کلمه "لیل" اضافه کرده و می‌فرماید: «جلباب اللیل»؛^{۱۲} یعنی شب هم نوعی لباس و پوشش است و در شب خیلی از مسائلی که در روز قابل

باشد؛ به این معنا که با غیبت از فاسق امیدوار باشد که از معصیت دست بردارد. در این صورت غیبت از او، به موضوع نهی از منکر ارتباط پیدا می‌کند.

کشف الریبه (شهید ثانی، ۹۶۶ ق)، ص ۳۶

عن علی ع: مَنْ لَا حَيَاءَ لَهُ فَلَا خَيْرَ فِيهِ.

امیرالمومنین (علیه السلام): کسی که حیاء ندارد، پس هیچ خیری در آن نیست.

غرر الحکم و درر الکلم، ص ۶۰۶ / عیون الحکم و المواعظ (اللیثی)، ص ۴۴۶ / تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۲۵۷

حدیث منسوب به پیامبر صلی الله علیه و آله: من لا حیاء له فلا ایمان له.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): کسی که حیاء ندارد، پس ایمان ندارد.

منبع: شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد، ج ۱۹، ص ۴۷

عبارت شرح ابن ابی‌الحدید در معنای این روایت:

لأن الحياء أول ما يظهر من أمانة العقل في الإنسان و أما الإيمان فهو آخر المراتب و محال حصول المرتبة الآخرة لمن لم تحصل له المرتبة الأولى فالواجب إذن أن من لا حياء له فلا إيمان له.

همان

۱۲. **ارجاع پژوهشی:** و من ذلك الرواية المتأخرة من دعاء العشرات؛ وجدنا إسنادها دون ما قدمناه من الفضل و كان القصد لفظ الدعاء منها لما فيه من الاختلاف في النقل و هو أيضا مروى عن الحسين بن علي ع و عرفنا من جانب الله أنه أرجح من الذي قبله: ... قَالَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ ع وَ أَخَذَ الْفَتَى الْكِتَابَ وَ مَضَى فَلَمَّا كَانَ مِنْ عَدَمِ مَا أَصْبَحْنَا حَسَنًا حَتَّى آتَى الْفَتَى إِلَيْنَا سَلِيمًا مُعَافًا وَ الْكِتَابُ بِيَدِهِ وَ هُوَ يَقُولُ هَذَا وَ اللَّهُ الْأَعْظَمُ اسْتُجِيبَ لِي وَ رَبِّ الْكَعْبَةِ قَالَ لَهُ عَلِيٌّ ع حَدَّثَنِي قَالَ هَدَّاتِ الْعُيُونُ بِالرُّقَادِ وَ اسْتَخْلَكَ [۱] جَلْبَابُ اللَّيْلِ [۲] رَفَعَتْ يَدِي بِالْكِتَابِ وَ دَعَوْتُ اللَّهَ بِحَقِّهِ مَرَارًا فَأُجِبْتُ فِي الثَّانِيَةِ حَسْبُكَ فَقَدْ دَعَوْتُ اللَّهَ بِاسْمِهِ الْأَعْظَمِ ثُمَّ اضْطَجَعْتُ فَرَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ ص فِي مَنَامِي وَ قَدْ مَسَحَ يَدَهُ الشَّرِيفَةَ عَلَيَّ وَ هُوَ يَقُولُ احْتَفِظْ بِاسْمِ اللَّهِ الْأَعْظَمِ الْعَظِيمِ فَإِنَّكَ عَلَى خَيْرٍ فَانْتَبَهْتُ مُعَافًا كَمَا تَرَى فَجَزَاكَ اللَّهُ خَيْرًا.

مهج الدعوات ج ۱ ص ۱۵۱

بحار الأنوار، ج ۴، ص ۲۲۷ و ج ۹۲، ص ۴۰۲

و من ذلك الرواية المتأخرة من دعاء العشرات؛ وجدنا إسنادها دون ما قدمناه من الفضل و كان القصد لفظ الدعاء منها لما فيه من الاختلاف في النقل و هو أيضا مروى عن الحسين بن علي ع و عرفنا من جانب الله أنه أرجح من الذي قبله: ... قَالَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ ع وَ أَخَذَ الْفَتَى الْكِتَابَ وَ مَضَى فَلَمَّا كَانَ مِنْ عَدَمِ مَا أَصْبَحْنَا حَسَنًا حَتَّى آتَى الْفَتَى إِلَيْنَا سَلِيمًا مُعَافًا وَ الْكِتَابُ بِيَدِهِ وَ هُوَ يَقُولُ هَذَا وَ اللَّهُ



مشاهده است، مشاهده نمی‌شود. پس موارد استخدام کلمه "جلباب" موارد مختلفی است و فقط اختصاص به مسئله "حجاب" ندارد.

در تعبیر دیگری حضرت می‌فرماید: «جلباب المسکنة»؛^{۱۳} یعنی فقر هم نوعی پوشش و لباس است.^{۱۴} معمولاً اینطور است که وقتی انسان‌ها فقیر هستند، خوبی‌های آنها به این دلیل دیده

۲/۲/۱/۲/۳. اضافه شدن کلمه "جلباب" به "فقر" (پوشش و دیده نشدن خوبی‌های شخص بخاطر فقر!)؛ یکی دیگر از مصادیق توسعه معنایی جلباب در ادبیات شارع

الإِسْمُ الْأَعْظَمُ اسْتَجِيبَ لِي وَ رَبِّ الْكَعْبَةِ قَالَ لَهُ عَلِيٌّ ص حَدَّثَنِي قَالَ هَدَّاتِ الْعُيُونُ بِالرُّقَادِ وَ اسْتَخْلَكَ [۱] جِلْبَابُ اللَّيْلِ [۲] رَفَعَتْ يَدِي بِالْكِتَابِ وَ دَعَوْتُ اللَّهَ بِحَقِّهِ مَرَارًا فَأَجِبْتُ فِي الثَّانِيَةِ حَسْبَكَ فَقَدْ دَعَوْتُ اللَّهَ بِاسْمِهِ الْأَعْظَمِ ثُمَّ اضْطَجَعْتُ فَرَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ ص فِي مَنَامِي وَ قَدْ مَسَحَ يَدَهُ الشَّرِيفَةَ عَلَيَّ وَ هُوَ يَقُولُ احْتَفِظْ بِاسْمِ اللَّهِ الْأَعْظَمِ الْعَظِيمِ فَإِنَّكَ عَلَى خَيْرٍ فَأَتَّبْتُهَا مُعَافَاً كَمَا تَرَى فَجَزَاكَ اللَّهُ خَيْرًا. مهج الدعوات و منهج العبادات (ابن طاووس)، ص ۱۵۷ [۱] اسْتَخْلَكَ - اسْتَخْلَاكَ [حلك]: سیاهی آن چیز بسیار شد.

فرهنگ ابجدی فارسی عربی، ج ۱، ص ۵۵

الحلک: شدة السواد کلون الغراب.

کتاب العين، ج ۳، ص ۶۳

[۲] تَمَشَّقُ جِلْبَابُ اللَّيْلِ إِذَا ظَهَرَ تَبَاشِيرُ الصُّبْحِ.

تَمَشَّقُ جِلْبَابُ اللَّيْلِ؛ یعنی: لباس شب به در آمد؛ هرگاه ابتدای صبح (بامداد) ظاهر شود.

لسان العرب، ج ۱۰، ص ۳۴۴

و من المَجَازِ أَيْضاً: تَمَشَّقُ جِلْبَابُ اللَّيْلِ. وَ فِي الْأَسَاسِ: ثَوْبُ اللَّيْلِ إِذَا ظَهَرَ اللَّيْلِ. وَ فِي الْعُبَابِ: ظَهَرَتْ تَبَاشِيرُ الصُّبْحِ.

به صورت مجاز گفته می‌شود: تَمَشَّقُ جِلْبَابُ اللَّيْلِ؛ یعنی: لباس شب به در آمد. لباس شب؛ به این معنای ظاهر شدن شب شود. تَمَشَّقُ جِلْبَابُ اللَّيْلِ؛ یعنی: ابتدای صبح ظاهر شد.

تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۱۳، ص ۴۴۶

۱۳. ارجاع پژوهشی: مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ مَعْمَرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ عِكَايَةَ التَّمِيمِيِّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ النَّضْرِ الْفَهْرِيِّ عَنْ أَبِي عَمْرٍو الْأَوْزَاعِيِّ عَنْ عَمْرٍو بْنِ شَمْرٍ عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ قَالَ: قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ... وَ الْبُخْلُ جِلْبَابُ الْمَسْكِنَةِ... امام علی علیه السلام: بخل، ردای بینوایی است.

الکافی ج ۸ ص ۲۳

تحف العقول ص ۹۰ / الوافی ج ۲۶ ص ۲۱

إِنَّاكَ وَ الشُّحُّ فَإِنَّهُ جِلْبَابُ الْمَسْكِنَةِ وَ زِمَامٌ تُقَادُ بِهِ إِلَى دَنَاءَةٍ.

امام علی علیه السلام: از بخل بیرهیز؛ زیرا بخل، ردای بینوایی، و مهاری است که با آن، شخص به سوی هر گونه پستی ای کشانده می‌شود.

عیون الحکم و المواعظ (للثینی) ص ۹۷ / غرر الحکم و درر الکلم، ص ۱۶۷

۱۴. ارجاع پژوهشی: امیرالمؤمنین (علیه السلام): ثَلَاثَةٌ هُنَّ الْمُحْرِقَاتُ الْمُؤَبِقَاتُ فَتَرَى بَعْدَ عَنِّي وَ دُلَّ بَعْدَ عَزِّي وَ فَقَدْ الْأَحْيَةَ

سه چیز است که آنها سوزنده و هلاک کننده است: فقر و نداری بعد از توانگری، و خواری پس از عزت، و از دست دادن دوستان.



نمی‌شود. یعنی فقر کارکردی دارد که باعث می‌شود خوبی‌های انسان فقیر توسط دیگران مشاهده نشود. به این دلیل حضرت می‌فرمایند: مَسْكَتٌ وَ فِقْرٌ هُم جَلْبَابٌ اسْت.

در روایت دیگری حضرت می‌فرمایند «جلباب العار»؛ یعنی اگر کسی خدای نکرده در زندگی خود مرتکب تنگی شد، آن تنگ واحد و عار واحد تمام زندگی را تحت الشعاع قرار می‌دهد. از آن به بعد، افراد او را به خوبی‌های دیگر او نمی‌شناسند؛ همیشه یادشان است که او مرتکب یک عاری شده [است]. بنابراین ارتکاب عار، نوعی جلباب است؛ یعنی باعث می‌شود که دیگر کل زندگی انسان دیده نشود! لذا در روایت دارد که «مَنْ تَعَرَّى عَنِ الْوَرَعِ اِدَّرَعَ جِلْبَابَ الْعَارِ»؛^{۱۵} اینجا هم پیداست که

حضرت با کلمات مشابهی می‌خواهند بگویند که ورع هم نوعی لباس است. اگر خودتان را از ورع عریان کنید و لباس ورع را از تن خود بیرون آورید و از ورع عریان شدید، بر شما لباس عار پوشیده خواهد شد، و آن لباس عار باعث می‌شود هر چقدر رزومه به دیگران بدهید و بگویید من کارهای خوب هم داشتم دیگر آنها توسط دیگران دیده نشود.

در یک روایت دیگری حضرت درباره «جلباب الاکیاس» صحبت می‌کنند. می‌گویند آدم‌های باهوش لباسی دارند که خیلی لباس کارآمدی است. شایسته است ما همیشه این لباس را به تن کنیم. تعبیر حضرت این است که «الْيَقِينُ جِلْبَابُ الْاَكْيَاسِ»؛^{۱۶} می‌گویند آدم‌های باهوش روی بحث‌های ظنی نمی‌ایستند؛ روی یقین می‌ایستند. بنابراین یقین برای آنها در حکم محافظ و پوشش عمل می‌کند، مورد اعتماد واقع می‌شوند. پس این هم مهم است که اگر می‌خواهید از اعتراض‌های دیگران پوشیده جلباب در ادبیات شارح

غررالحکم ج ۱ ص ۳۳۲ / عیون الحکم ج ۱ ص ۲۱۲

۱۵. **ارجاع پژوهشی:** امیرالمؤمنین (علیه السلام): مَنْ تَعَرَّى عَنِ الْوَرَعِ اِدَّرَعَ جِلْبَابَ الْعَارِ .
امیرالمؤمنین (علیه السلام): هر که برهنه شود از پرهیزگاری، بیوشد پیراهن عار و تنگ را.

غررالحکم و دررالکلم، ص ۶۲۰

۱۶. **ارجاع پژوهشی:** امیرالمؤمنین (علیه السلام): الْيَقِينُ جِلْبَابُ الْاَكْيَاسِ .
امیرالمؤمنین (علیه السلام): یقین، پیراهن زیرکان است.

غرر الحکم ج ۱ ص ۳۹ و ص ۴۹ / عیون الحکم ج ۱ ص ۵۰



باشید، دائما به شما نقد نکنند که چرا حرف غیر فنی و غیر دقیق زدید، سعی کنید ابتدا به حرفی یقین پیدا کنید و بعد بر اساس یقین وارد عمل شوید.

این مقدمات را برای این عرض کردم که این [نکته] را ابتدای بحث متذکر شوم که شارع محترم نه فقط در مسئله عفاف و حجاب، بلکه در موارد متعددی دعوت کرده که بعضی از پوشش و لباس‌ها را نداشته باشیم و بعضی از پوشش و لباس‌ها را داشته باشیم. شارع فقط در مسئله بانوان ورود پیدا نکرده و بحث را فقط آنجا مطرح نکرده [است]، چون شارع به خطرهایی که زندگی انسان را تهدید می‌کند اشراف دارد، برای عبور از خطر دعوت کرده که جلباب داشته باشید، لباس بپوشید.

گاهی خطر این است که افراد به کسی بی‌اعتماد شوند. وقتی افراد به کسی بی‌اعتماد می‌شوند، او تنها می‌شود. و این تنهایی، هم در زندگی دنیا و هم در آخرت به ضرر او تمام خواهد شد؛ لذا توصیه کرده‌اند که "جلباب یقین" را استفاده کنید؛ یکی از عواملی که باعث می‌شود اطرافیان شما به شما بی‌اعتماد شوند این است که شما حرف‌های غیر معتبر را مطرح و روایت می‌کنید. [مثلا] دولت گذشته جمهوری اسلامی همین‌گونه است؛ در قضیه برجام، جلباب یقین را به تن نکردند، روی متون قابل تفسیر برجام اعتماد کردند و الان مردم ایران به این جریان کاملا بی‌اعتماد است. حالا هر مسئله و نخبه دیگری هم برود و روی حرف‌های ظنی و پوزیتیویستی بایستد، نتیجه اش بی‌اعتمادی مردم به آن فرد می‌شود. بنابراین این خیلی مسئله مهمی است انسان جلباب یقین به تن داشته باشد؛ زیرا خطر بی‌اعتمادی را از فرد برطرف می‌کند.

در تعابیر روایات «جلباب الدین»،^{۱۷} «جلباب المذلة»،^{۱۸} «جلايب الغفلة»،^{۱۹} «جلايب الحيرة»^{۲۰} و تعابیر مختلف دیگری هم داریم.

۲/۲/۱/۲/۶. اضافه شدن کلمه "جلباب" به "دین" (پوشش دین)، "مذلت" (لباس ذلت)، "غفلت" (لباس غفلت)، "حیرت" (لباس حیرت) و ...؛ مصادیق دیگری از توسعه معنایی جلباب در ادبیات

۱۷. ارجاع پژوهشی: امیرالمؤمنین (علیه السلام): هُدِي مَنْ تَجَلَّبَبَ جِلْبَابَ الدِّينِ.



امیرالمومنین (علیه السلام): کسانی که لباس دین می‌پوشند، هدایت می‌شوند.

غرر الحکم و درر الکلم، ص ۷۳۵ / عیون الحکم ج ۱ ص ۵۱۲

عن حبش بن المعتمر عن أبي ذر عن النبي صلى الله عليه وآله وسلم في حديث أنه قال لفاطمة: أنت أول من يلحقني مظلومة مغضوبة، و سوف تظهر بعدي حسيكة النفاق، و يسمّل جلاباب الدين؛

رسول خدا (صلی الله علیه و اله) به حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها): تو اولین کسی هستی که به من ملحق می‌شوی در حالیکه مورد ظلم واقع شده‌ای و حقت غصب شده است، و بعد از من عصای نفاق نمایان می‌شود و حجاب دین از بین می‌رود.

إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات، ج ۱، ص ۳۴۳

لَمَّا أَجْمَعَ أَبُو بَكْرٍ وَعُمَرُ عَلَى مَنَعِ فَاطِمَةَ عَ فَدَكَأَ وَ بَلَغَهَا ذَلِكَ لَأَنَّتْ خِمَارَهَا عَلَى رَأْسِهَا وَ اسْتَمَلَتْ بِجِلْبَابِهَا وَ أَقْبَلَتْ فِي لَمَةٍ مِنْ حَفَدَتِهَا وَ نِسَاءَ قَوْمِهَا تَطَأُ دُبُولَهَا مَا تَحْرُمُ مَشِيئَتَهَا مَشِيئَةَ رَسُولِ اللَّهِ ص حَتَّى دَخَلَتْ عَلَى أَبِي بَكْرٍ وَ هُوَ فِي حَسَدٍ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ وَ غَيْرِهِمْ فَيَبِطُ دُونَهَا مَلَاءَةٌ فَجَلَسَتْ ثُمَّ أَتَتْ أَنَّهَ أَجْهَشَ الْقَوْمَ لَهَا بِالْبُكَاءِ فَازْتَجَّ الْمَجْلِسُ ثُمَّ أَمَهَلَتْ هُنَيْئَةً حَتَّى إِذَا سَكَنَ نَشِيحُ الْقَوْمِ وَ هَدَأَتْ فَوَزَّتُهُمْ افْتَتَحَتْ الْكَلَامَ بِحَمْدِ اللَّهِ وَ الثَّنَاءِ عَلَيْهِ وَ الصَّلَاةِ عَلَى رَسُولِهِ فَعَادَ الْقَوْمُ فِي بُكَائِهِمْ فَلَمَّا أَمْسَكُوا عَادَتْ فِي كَلَامِهَا فَقَالَتْ «... فَلَمَّا اخْتَارَ اللَّهُ لِنَبِيِّهِ دَارَ أَنْبِيَائِهِ وَ مَأْوَى أَصْفِيَائِهِ ظَهَرَ فِيكُمْ حَسَكَةُ النَّفَاقِ وَ سَمَلُ جِلْبَابِ الدِّينِ وَ نَطَقَ كَاظِمُ الْغَاوِينَ وَ تَبِعَ خَامِلُ الْأَقْلِينَ وَ هَدَرَ فَنِيْقُ الْمُبْطِلِينَ فَخَطَرَ فِي عَرَضَاتِكُمْ وَ أَطْلَعَ الشَّيْطَانُ رَأْسَهُ مِنْ مَعْرَزه هَانِفًا بِكُمْ فَأَلْفَاكُمْ لِدَعْوَتِهِ مُسْتَجِيبِينَ وَ لِلْعِزَّةِ فِيهِ مُلَاحِظِينَ ثُمَّ اسْتَنْهَضَكُمْ فَوَجَدَكُمْ خِفَافًا وَ أَحْمَشَكُمْ فَأَلْفَاكُمْ غَضَابًا فَوَسَّمْتُمْ غَيْرَ إِبْلِكُمْ وَ وَرَدْتُمْ غَيْرَ مَشْرَبِكُمْ هَذَا وَ الْعَهْدُ قَرِيبٌ وَ الْكَلْمُ رَحِيبٌ وَ الْجُرْحُ لَمَّا يَنْدَمِلُ وَ الرَّسُولُ لَمَّا يَقْبَرُ اتَّبِدَارًا زَعَمْتُمْ خَوْفَ الْفِتْنَةِ أَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا وَ إِنْ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ»؛

هنگامی که خبر غصب فدک به حضرت صدیقه کبری رسید، لباس به تن کرده و چادر بر سر نهاد، و با گروهی از زنان فامیل و خدمتکاران خود بسوی مسجد روانه شد، در حالیکه راه رفتن او همانند راه رفتن پیامبر خدا بود، به مسجد پیامبر (ص) در آمد.

سپس لحظه ای سکوت کرد تا همه مردم خاموش و گریه آنان ساکت شد و جوش و خروش ایشان آرام یافت، آن گاه کلامش را با حمد و ثنای الهی آغاز فرمود و درود بر رسول خدا فرستاد، در اینجا دوباره صدای گریه مردم برخاست، وقتی سکوت برقرار شد، کلام خویش را دنبال کرد و فرمود: «... و آن گاه که خداوند برای پیامبرش خانه انبیاء و آرامگاه اصفیاء را برگزید، علامت نفاق در شما ظاهر گشت، و جامه دین کهنه، و سکوت گمراهان شکسته، و پست رتبه‌گان با قدر و منزلت گردیده، و شتر نازپرورده اهل باطل به صدا درآمد، و در خانه‌هایتان بیامد، و شیطان سر خویش را از مخفی‌گاه خود بیرون آورد، و شما را فراخواند، مشاهده کرد پاسخگوی دعوت او هستید، و برای فریب خوردن آماده‌اید، آنگاه از شما خواست که قیام کنید، و مشاهده کرد که به آسانی این کار را انجام می‌دهید، شما را به غضب واداشت، و دید غضبناک هستید، پس بر شتران دیگران نشان زدید، و بر آبی که سهم شما نبود وارد شدید.

این در حالی بود که زمانی نگذشته بود، و موضع شکاف زخم هنوز وسیع بود، و جراحت التیام نیافته، و پیامبر به قبر سپرده نشده بود، بهانه آوردید که از فتنه می‌هراسید، آگاه باشید که در فتنه قرار گرفته‌اید، و براستی جهنم کافران را احاطه نموده است

الاحتجاج ج ۱ ص ۹۷ / کفایة الأثر ج ۱ ص ۳۶ / بلاغات النساء ج ۱ ص ۲۳ / دلائل الإمامة ج ۱ ص ۱۰۹ / شرح الأخبار ج ۳ ص ۳۴

أعلام الدین ج ۱ ص ۴۵۷ / غرر الأخبار ج ۱ ص ۳۲۰ / الإنصاف ج ۱ ص ۲۰۵ / إثبات الهداة ج ۱ ص ۳۴۳

بحار الأنوار ج ۲۹ ص ۲۲۰ و ص ۲۳۵ و ج ۳۶ ص ۲۸۸ / عوالم العلوم ج ۱۱ ص ۶۵۲ و ص ۷۸۶ و ص ۶۹۰ و ج ۱۵ ص ۱۴۳

امیرالمومنین ع: «بِنَا اهْتَدَيْتُمْ فِي الظُّلُمَاءِ وَ [تَسَمَّيْتُمْ] تَسَمُّهُمْ ذُرْوَةً [الْعَلْبَاءِ] الْعَلْبَاءِ وَ بِنَا [انْفَجَرْتُمْ] أَفْجَرْتُمْ عَنِ السَّرَارِ وَ قَرَّ سَمْعُ لَمْ يَفْقَهُ الْوَاعِيَةَ وَ كَيْفَ يُرَاعِي الثُّبَاءَ مَنْ أَصَمَّتْهُ الصَّبِيحَةُ رُبَطَ جَنَانٍ لَمْ يَفَارِقْهُ الْخَفَقَانُ مَا زِلْتُ أَنْتَظِرُ بِكُمْ عَوَاقِبَ الْعُدْرِ وَ اتَّوَسَّمْتُ بِجِلْبَابَةِ



الْمُعْتَرِينَ حَتَّى سَتَرَنِي عَنْكُمْ جَلْبَابُ الدِّينِ وَ بَصَرَنِيكُمْ صِدْقُ النِّيَّةِ أَقَمْتُ لَكُمْ عَلَى سَنَنِ الْحَقِّ فِي جَوَادِّ الْمَضَلَّةِ حَيْثُ تَأْتُونَ وَ لَا دَلِيلَ وَ تَحْتَفِرُونَ وَ لَا تُمَيِّهُونَ»

امیرالمومنین (علیه السلام): در تاریکی‌های شدید گمراهی به کمک ما هدایت یافتید، و به اوج برتری رسیدید، و از شب تاریک در آمدید. گران باد، گویی که ندای نصیحت را نشنود، و آن که آوای بلند، گوشش را کر نموده چگونه صدای ملایم مرا بشنود؟! آرام باد قلبی که از خوف خدا از ضربان باز نمی‌ایستد. پیوسته در انتظار عواقب عهدشکنی شما بودم، و علامت فریب خوردگان را در چهره شما می‌دیدم. چشم پوشیم از شما به خاطر پنهان بودنتان زیر لباس دین بود، در حالی که نور قلبم مرا از پنهان شما خبر می‌داد. کنار مسیر گمراه کننده ایستادم، تا شما را به راه حق آرم، آن زمان که جمع می‌شدید و راهنما نداشتید، و برای آب، چاه می‌کندید و به آب نمی‌رسیدید.

الإرشاد ج ۱ ص ۲۵۳ / نهج البلاغة (خطبه چهارم)، ص ۵۱ / وقعة الجمل ج ۱ ص ۱۵۲
بحار الأنوار ج ۳۲ ص ۲۳۶

۱۸. **ارجاع پژوهشی:** حَدَّثَنَا زَادَانُ عَنْ سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ رَحِمَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ قَالَ: «لَمَّا قُبِضَ النَّبِيُّ ص وَ تَقَلَّدَ أَبُو بَكْرٍ الْأَمْرَ ... قَالَ سَلْمَانُ رَحِمَهُ اللَّهُ وَ كَأَنَّمَا أَلْبَسْنَا جَلْبَابَ الْمَدْلَةِ فَتَهَضَّتْ حَتَّى أَتَيْتُ عَلِيًّا ع فَأَخْبَرْتُهُ الْخَبَرَ فَأَقْبَلَ بِأَيْمِي وَ أُمِّي حَتَّى جَلَسَ وَ النَّصْرَانِي يُقُولُ دُلُونِي عَلَى مَنْ أَسْأَلُهُ عَمَّا أَحْتَاجُ إِلَيْهِ ...»

سلمان فارسی گفت پس از درگذشت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که ابا بکر زمامدار شد ... سلمان گفت گویا لباس خواری و مذلت بر تن ما کرده بودند از جای حرکت کرده پیش علی علیه السلام آمدم جریان را عرض کردم جانم فدایش باد به مسجد آمد وقتی نصرانی می‌گفت مرا راهنمایی کنید به کسی که بتواند پاسخ مرا بدهد ...

الأمالی (للطوسی) ج ۱ ص ۲۱۸
الیقین ج ۱ ص ۶۳۷ / التحصین لأسرار ما زاد من كتاب اليقين (ابن طاووس، ۶۶۴ ق)، ص ۶۳۷
مدینه معاجز الأئمة عليهم السلام ج ۲ ص ۲۲۶ / بحار الأنوار ج ۱۰ ص ۵۴

۱۹. **ارجاع پژوهشی:** امیرالمومنین ع: أَمَا بَعْدُ فَإِنَّ الْمَكْرَ وَ الْخَدِيعَةَ فِي النَّارِ فَكُونُوا مِنَ اللَّهِ عَلَى وَجَلٍ وَ مِنْ صَوْلَتِهِ عَلَى حَدَرٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يَرْضَى لِعِبَادِهِ بَعْدَ إِعْذَارِهِ وَ إِئْتَارِهِ اسْتِطْرَادًا وَ اسْتِئْذَارًا مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ وَ لِهَذَا يَضِلُّ سَعْيُ الْعَبْدِ حَتَّى يَنْسَى الْوَفَاءَ بِالْعَهْدِ وَ يَنْظُنُّ أَنَّهُ قَدْ أَحْسَنَ صُنْعًا وَ لَا يَزَالُ كَذَلِكَ فِي ظَنٍّ وَ رَجَاءٍ وَ غَفْلَةٍ عَمَّا جَاءَهُ مِنَ النَّبَاِ يَعْقِدُ عَلَى نَفْسِهِ الْعَقْدَ وَ يَهْلِكُهَا بِكُلِّ جَهْدٍ وَ هُوَ فِي مَهْلَةٍ مِنَ اللَّهِ عَلَى عَهْدٍ يَهْوِي مَعَ الْغَافِلِينَ وَ يَعْدُو مَعَ الْمُدْنِبِينَ وَ يُجَادِلُ فِي طَاعَةِ اللَّهِ الْمُؤْمِنِينَ وَ يَسْتَحْسِنُ تَمْوِيهِ الْمُتَشْرِفِينَ فَهَوْلَاءَ قَوْمٌ سَرَحَتْ قُلُوبُهُمْ بِالشُّبُهَةِ وَ تَطَاوَلُوا عَلَى غَيْرِهِمْ بِالْفِرْيَةِ وَ حَسَبُوا أَنَّهَا لِلَّهِ قُرْبَةٌ وَ ذَلِكَ لِأَنَّهُمْ عَمِلُوا بِالْهَوَى وَ غَيَّبُوا كَلَامَ الْحُكَمَاءِ وَ حَرَّفُوهُ بِجَهْلٍ وَ عَمَى وَ طَلَبُوا بِهِ السُّمْعَةَ وَ الرِّيَاءَ بِلَا سُبُلٍ قَاصِدَةٍ وَ لَا أَعْلَامٍ جَارِيَةٍ وَ لَا مَنَارٍ مَعْلُومٍ إِلَى أَمْدِهِمْ وَ إِلَى مَنَهْلِ هُمْ وَ ارْدُوهُ حَتَّى إِذَا كَشَفَ اللَّهُ لَهُمْ عَنْ تَوَابِ سِيَاسَتِهِمْ وَ اسْتَخْرَجَهُمْ مِنْ جَلَابِيبِ غَفْلَتِهِمْ اسْتَقْبَلُوا مُدْبِرًا وَ اسْتَدْبَرُوا مُقْبِلًا

امیرالمومنین (علیه السلام): اما بعد؛ همانا [اهل] نیرنگ و فریب در دوزخ‌اند؛ پس از خدا بترسید و از حمله بپر قدرت او بر حذر باشید. به راستی، خدا پس از آن که بر بندگانش اتمام حجت کرده و بیم‌شان داده، دیگر از آنان نمی‌پسندد که نفهمیده خود را از درگاه الهی طرد نمایند و اندک اندک به هلاکت نزدیک شوند و غافلگیر گردند؛ از این رو، بنده به کوشش بیهوده دچار شود تا آنجا که وفای به عهد [با خدا] را از یاد ببرد و به خیال خود پندارد که این کوشش‌ها خوب بوده و پیوسته در پندار و امید و بی‌اطلاعی از خبری که به او رسیده به سر می‌برد و بر کار خود گره‌ها می‌زند و با همه کوشش، خود را به هلاکت می‌اندازد و چند صباحی که خداوند مهلتش داده سوء استفاده می‌نماید و با غفلت‌زدگان همنشین و همدل می‌شود و با گناهکاران شب را به روز می‌رساند. و [به پندار خود] در راه



۲/۱/۲. تشکیل خانواده حدیث با به دست آوردن توسعه معنایی اصطلاحات شارع (مانند اصطلاح جلباب در مسئله حجاب)؛ یکی از راه‌های درک مصالح و مفسد حاکم بر گزاره‌های دینی (به هدف اقناع جامعه و عبور از نگاه امر و نهی)

مسئله جلباب در ادبیات شارع توسعه معنایی دارد. ما نباید آخباری‌گری کنیم و فقط روی یک نقطه بایستیم. [به عنوان مثال] اگر بخواهید خوار نشوید، باید - به تعبیر روایت - "جلباب عار" را به تن خود نکنید؛ کاری نکنید که انگشت‌نما شوید. کاری نکنید که بر پیشانی شما مهر عار و ننگ بزنند و تا آخر عمرتان تحت الشعاع آن عار و ننگ زیست داشته باشید. خطر، موارد متعددی دارد! [و لذا باید با درایه، خانواده روایت تشکیل دهیم.]

بنابراین وقتی نگاه شارع این است که «در بعضی موارد، باید انسان‌ها جلباب (به معنای عامش) داشته باشند و بعضی جاها نباید جلباب داشته باشند»، فضای ذهنی مخاطب به این سمت

اطاعت خدا، با مؤمنان می‌ستیزد و خلافت‌کاری‌های خوش‌گذران‌ها را تحسین می‌کند، اینان مردمی هستند که دلهاشان لبریز از شبهه است و به دروغ بر دیگران بزرگی می‌کنند و به حقوقشان تجاوز می‌نمایند و پندارند که این کارها سبب تقرب به خداست؟! و این از آن روست که تسلیم خواهش‌های نفسانی شده‌اند و سخن حکیمان را تغییر داده‌اند و از روی نادانی و کور دلی دست به تحریف آنها زده‌اند و در سایه این کارها می‌خواهند به آوازه و خودنمایی دست یابند در حالی که هیچ راه هدف‌دار و نشانه‌های راه گشا و علامت روشن و چشمه‌های قابل استفاده در اختیار ندارند تا آنگاه که خداوند کیفر نافرمانی‌شان را برایشان آشکار سازد و از پرده‌های غفلتشان بیرون آورد، در این هنگام، روی به چیزی نمایند که به آن پشت کرده بودند [یعنی آخرت] و پشت به چیزی نمایند که به آن روی کرده بودند [یعنی دنیا].

تحف العقول ج ۱ ص ۱۵۴ / نهج البلاغه (خطبه ۱۵۳) ص ۲۱۳
بحار الأنوار ج ۷۴ ص ۴۰۶

۲۰. **ارجاع پژوهشی:** فَمِنْ ذَلِكَ مُنَاجَاةُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَرْوِيَّةٌ عَنِ الْعَسْكَرِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ ... إِلَهِي فَإِنَّكَ نَلْتَجِي مِنْ مَكَائِدِ خُدَعَتِهَا وَ بِكَ نَسْتَعِينُ عَلَى عُبُورِ قَنْطَرَتِهَا وَ بِكَ نَسْتَقْطِمُ الْجَوَارِحَ عَنْ أَخْلَافِ شَهْوَتِهَا وَ بِكَ نَسْتَكْشِفُ جَلَابِيْبَ حَيْرَتِهَا وَ بِكَ نُقَوِّمُ مِنَ الْقُلُوبِ اسْتِضْعَابَ جَهَالَتِهَا ...

مناجات امیرالمؤمنین (علیه السلام): ... ای خدای من! به تو پناه می‌گیرم از مکرهای فریب دنیا، و به تو استعانت می‌جویم بر گذشتن پس دنیا، و به تو طلب می‌کنیم جدا شدن اعضا را از پس مانده‌های آرزوی دنیا، و به تو می‌خواهیم، کشف پرده‌های حیرانی دنیا، و به تو راست می‌کنیم از دلها دشواری نادانی دنیا را...

مناجات الهیات حضرت امیر علیه السلام (ابو عبید الله محمد بن عمران مرزبانی خراسانی، ۳۸۴ ق)، ج ۱ ص ۳
البلد الامین ج ۱ ص ۳۱۱ / المصباح (للكنعمی) ج ۱ ص ۳۶۸
بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۹۹ / الصحیفة العلویة ج ۱ ص ۱۲۹ غ



می رود که شارع به نفع ما عمل می کند. وقتی این موارد را تک تک توضیح دهیم و درایه کنیم، متوجه می شویم که باید نگاهمان به ادبیات شارع از آن نگاه امر و نهی محض - که مصلحت و مفسده حاکم بر آن امر و نهی درک نمی شود - فاصله بگیرد.^{۲۱} انسی بین ما و شارعی که گاهی ما را

۲۱. **ارجاع پرورشی:** تفقه فعلی به دلیل اینکه فقاهت را در حد "کشف احکام مکلفین" تنزل داده است؛ افعال مکلف را ذیل یکی از احکام خمسہ ۱- واجب، ۲- حرام، ۳- مستحب، ۴- مکروه و ۵- مباح طبقه بندی می کند. درباره این نوع از تفقه سه ملاحظه جدی را مطرح می نمایم:

ملاحظه اول اینکه: در تفقه فعلی فقط خطابات شرعی مرتبط با اوامر و نواهی بررسی می شود و سایر خطابات شرعی مورد توجه قرار نمی گیرد. در این نوع از فقاهت حتی خطابات شرعی موسوم به علل الشرایع (خطابات حوزه ثبت احکام) در رساله های عملیه منعکس نمی شود و متأسفانه سطح اقتناع مکلف نسبت به احکام کاهش یافته است!

ملاحظه دوم آنکه: به دلیل محدود بودن حوزه فقاهت، سرپرستی امور مکلف به سایر دانش ها تفویض می شود و فقهاء در همه حوزه ها به اندازه امر و نهی ورود می کنند. به عنوان مثال در بحث مهندسی و ساخت بنا بحث جهت کاسه مستراح (ذیل بحث از تخلی) و چند بحث محدود دیگر را در فقه بحث می کنیم و عملاً ساخت مسکن و شهر به انبوه سازان و نظریاتی مانند نوشهرگرایی تفویض شده است. (در مجموعه خطابات شارع ۱۰ دسته توصیه درباره ساختمان وجود دارد که - به دلیل اکتفاء به کشف احکام مکلفین - این خطابات، توسط فقهاء تبویب نشده اند)

ملاحظه سوم اینکه: به دلیل ملاحظات فوق الذکر؛ پیشنهاد ارتقای مبنای فقاهت از "کشف احکام مکلفین" به "کشف فرآیند هدایت" را مطرح کرده ایم. معتقد هستیم: فقیه باید به دنبال "فربه کردن امر هدایت" در جامعه باشد و نباید محدود به کشف اوامر و نواهی به بررسی آیات و روایات بپردازد. در جلسه آینده به تشریح تفصیلی ادله مثبتة مبنای کشف فرآیند هدایت و تبیین ساختار هدایت خواهیم پرداخت.

حجت الاسلام علی کشوری (دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی)، ۲۳ فروردین ۱۴۰۱، قم

وبگاه فقه نظام

m-hedayat.blog.ir/۱۴۰۱/۰۱/۲۳

گفتگوهای مرتبط با فقه نظام و الگوی دینی اداره جامعه در حوزه علمیه و در میان نخبگان دانشگاهی و اجرایی روز به روز گسترش بیشتری می یابد و بالتبع پرسش های مرتبط با این حوزه، هر روز عمیق تر و بیشتر می شود. یکی از پرسش های مهم این حوزه تبیین تفاوت ها در استنباط محدود به کشف معذر و منجز و استنباط نظام ساز است.

قواعد اصولی فقه بیان، متکفل تبیین قواعد استنباط فقه نظام است و تبیین این قواعد اصولی -ضمن تبیین تفاوت های میان این دو مکتب فقاهتی- سطح تفقه را از سطح "کشف معذر و منجز" به سطح فقه نظام ارتقاء می دهد. یکی از تفاوت های فقاهت محدود به کشف معذر و منجز و فقاهت نظام ساز، مسئله مهم نظام مقایسه است. فقه نظام به بدعت ها و غی های مقابل یک حکم شرعی توجه دارد و چگونگی مقابله با آن را به شکل متصل یا منفصل از وحی استنطاق می کند؛ ولی در کلمات فقهای کاشف معذر و منجز، این نوع از بحث ها به نحو حداقلی وجود دارد.

به عنوان مثال در کلمات بسیاری از فقهاء، احکام مرتبط با انفاق های واجب و مستحب و حرام به صورت تفصیلی بحث شده است ولی احکام مرتبط با انفاق با ایده هائی معیوبی مانند تعریف کینزی پس انداز (Savings) و مفهوم هدایت نقدینگی در اقتصاد کلان - که در نقطه مقابل انفاق عمل می کنند- مقایسه نمی شود. عدم مقایسه یک حکم شرعی با یک قانون عرفی و سکولار در برخی موارد



امر و نهی می‌کند، برقرار می‌شود. من این را خیلی مفید می‌دانم، خصوصاً با نسل جوانان و دخترانمان، نباید دین را طوری تبلیغ کنیم که آنها - اصطلاحاً - ارتباط درونی با گزاره‌های دینی نگیرند و مصلحت و مفسدهٔ حاکم بر گزاره‌های دینی را درک نکنند. لذا اگر شما در فضای کلی‌تری مجموعهٔ خطرهایی که برای افراد وجود دارد [را] به آنها متذکر شوید و مجموعه جلاب‌ها، سپرها و پوشش‌هایی که آن خطرها را رفع می‌کند به مخاطب خودتان متذکر شدید، آن وقت ارتباط بین بیان شارع و مردم - خصوصاً دختران جوان ما - برقرار می‌شود و دیگر فکر نمی‌کند که در امر و نهی، منافعی برای آمر و ناهی است. نخیر! در امر و نهی، منفعت اول برای شنوندهٔ امر و نهی است، منتهی ما باید این را اثبات کنیم؛ این با گفتن حل و فصل نمی‌شود. یکی از راه‌ها این است که شما ابتدائاً بروید و مثلاً توسعهٔ معنایی که شارع مثلاً به اصطلاح جلاب داده را بحث کنید. بنابراین وقتی شارع می‌فرماید «يُذْنِبْنَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَائِبِهِنَّ» (احزاب ۵۹) «[جلابها خود را بر خویش فروافکنند]، مخاطب می‌گوید به عنوان یکی از مجموعه توصیه‌های شارع، اینجا با نوعی از جلاب - که در اصطلاح عرفی از آن به "روسری" یا "مقنعه" تعبیر می‌کنیم - روبه‌رو هستیم.

زمینه اجرای حکم شرعی برای مردم را ممتنع می‌کند و در خوشبینانه‌ترین وضعیت "بیان حکم بدون توجه به اصل مقایسه" به مهار بدعت و قانون مبتنی بر آن کمکی نمی‌کند.

به عنوان مثال دیگر وقتی درباره عمومی شدن تجارت و ابزارهای آن مانند بازارهای موقت - که ایده اصلی فقه برای محرومیت زدایی و توسعه عدالت است - صحبت می‌کنیم؛ ضرورت دارد آن را با بدعت فروشگاه‌های بزرگ و زنجیره ای و سیتی سنترها مقایسه کنیم. برای ارتقاء فقاقت از سطح کشف معذر و منجز به سطح نظام سازی، علاوه بر اصل نظام مقایسه، ۸ دسته قاعده دیگر مانند توجه به ۱- اصل تأمل، ۲- اصل مُکث، ۳- اصل رفق، ۴- اصل ظرفیت، ۵- اصل منزلت، ۶- اصل انفتاح، ۷- اصل سیاق و ۸- اصل کمیت در مسیرهای فقه‌ای موضوعیت دارد.

حجت الاسلام علی کشوری ۲۹ دی ۱۴۰۰، قم مبارک

وبگاه فقه‌نظام

m-hedayat.blog.ir/۲۹/۱۰/۱۴۰۰



پس این توضیح مقدماتی بحث ما بود. فقیه و کسی که می‌خواهد اخباری‌گری نکند، همیشه در همه بحث‌ها باید توسعه معنایی را در ذهن مخاطب خود ایجاد کند.

۲/۲. بحث اصلی: آثار حجاب در آیات و روایات (تصویر)

شارع در مورد خود جلباب (به معنای همین حجاب که ما در عرف می‌فهمیم) چهار خاصیت را بیان کرده است. ما این چهار خاصیت را هم شرح می‌دهیم؛ معنایش این است که اگر کسی حجاب خودش را مکشوف کرد و اصطلاحاً تظاهر به بی‌حجابی کرد، در این چهار ضرر شریک خواهد بود. این چهار ضرر هم برای خود فرد مرتکب فعل قبیح و هم برای دیگران، بی‌حجابی است؛ بنابراین من چهار منفعت قطعیۀ مسئله حجاب را توضیح می‌دهم:

۲/۲/۱. گسترش امنیت بانوان؛ اولین فائده حجاب در آیات و روایات (فائده امنیتی)

از همین آیه ۵۹ سوره احزاب شروع می‌کنیم. وقتی [شارع] توضیح می‌دهد که «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ»، وقتی فوائد را می‌گوید عبارت «فَلَا يُؤْذَيْنَ» اینجا به عنوان "ثبت"^{۲۲} مسئله حجاب

۲۲. **ارجاع پرورشی:** اساس استنباط، کشف جمع دلالتی شارع بر اساس مراحل بیان مبتنی بر مُکث است. ساختار مُکث، روایات ثبتي (تصویر بحث)، روایات تحلیلی (تعریف بحث) و روایات پردازشی (تصمیم بحث) را بر محور یک سؤال مشخص تجمیع می‌کند.

حجت‌الاسلام علی کشوری (دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی)، ۷ آذر ۱۴۰۲، قم
پایگاه اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پامرسان اینا
eitaa.com/olgou59-8/4

قواعد اصولی فقه‌البيان به سه دسته قاعده کلی تقسیم می‌شود:
بخش اول قواعد اصولی فقه‌البيان (گروه قواعد بیان مبتنی بر ظرفیت و گروه قواعد بیان مبتنی بر تأمل) به تشریح مفهوم سؤال و تأمل در بیان شارع می‌پردازد. ...
بخش دوم قواعد اصولی فقه‌البيان (گروه قواعد اصولی بیان مبتنی مُکث) به تحلیل مسئله پاسخ و راه حل از منظر شارع می‌پردازد. تبیین مفهوم تزئیل در کنار مفهوم تأویل، تشریح مفهوم ظاهر در کنار مفهوم باطن بخشی از مباحث بیان مبتنی بر مُکث است. همچنین تحلیل ابعاد تزئیل، تأویل و تحلیل ابعاد باطن و ظاهر بخش دیگری از مباحث این بخش است. مهمترین بخش بیان مبتنی بر مُکث، تحلیل ابعاد ظاهر و نص از منظر شارع است. بیان شارع در بخش ظاهر، حداقل دارای سه بُعد ثبت (تصویر)، تحلیل (تعریف) و پردازش (تصمیم) است.

بخش سوم قواعد اصولی فقه‌البيان (گروه قواعد اصولی بیان مبتنی بر مقایسه، گروه قواعد اصولی بیان مبتنی بر رفق، گروه قواعد اصولی بیان مبتنی بر منزلت، گروه قواعد اصولی مبتنی بر انفتاح، گروه قواعد اصولی مبتنی بر سیاق و گروه قواعد اصولی مبتنی بر کمیت) به تعمیق ۶ بعدی بیان شارع حکیم می‌پردازد. ...

حجت‌الاسلام علی کشوری (دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی)، ۳۰ خرداد ۱۴۰۲، قم



خودنمایی می‌کند. می‌فرماید: «شما از ناحیه دیگران اذیت کمتری دریافت می‌کنید. این مسئله اذیت کمتر، ابتدا نفعش برای خانم‌ها است.» شارع با دستور به جلباب و حجاب، در واقع به دنبال تأمین امنیت و آسایش زنان در جامعه هست.

حتماً اخبار مربوط به جنبشی که در فرانسه و برخی از کشورهای غربی تحت عنوان "لباس مترو" راه افتاده را شنیده اید.^{۲۳} در آنجا نه آیات وحی تلاوت می‌شود و نه در پاریس حوزه علمیه ای وجود دارد

۲/۲/۱/۱. افزایش آزار و اذیت بانوان و کاهش امنیت آنها در کشورهای اروپایی به دلیل بی‌توجهی به مسئله حجاب

پایگاه اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در بیمارستان ایتا
citaa.com/olgou5383/4

ساخت اجمالی و ساخت تفصیلی: قبلاً عرض کرده ایم؛ که الگوی فقهی ساخت، روش تبویب راهبردی مباحث را - برای دستیابی به نظم اختیاری - در اختیار یک مدیر قرار می‌دهد! (هدف الگوی ساخت) تبویب مباحث در الگوی ساخت دارای سه مرحله تعریف (تحلیل موضوع)، تصویر (ثبت موضوع) و تصمیم (پردازش موضوع) است و این نوع از تبویب به تحریک فکر و ساخت اندیشه در محیط انسانی پیرامون یک مدیر کمک می‌کند. بعد از تبویب تفکر راهبردی یک مدیر در مرحله مُکث (مرحله ساخت اجمالی)، مدیر می‌تواند ساخت تکمیلی تفکر خود را آغاز نماید. به عنوان مثال در تدوین راهبردهای مدیریتی تأکید بر منزلت یابی صحیح در امور، یک راهبرد تکمیلی در الگوی ساخت محسوب می‌شود.

تبع در آیات و روایات، ما را به ۸ گونه ساخت فکری در مرحله ساخت تکمیلی رهنمون نموده است. حوزه‌های تکمیلی ساخت، توجه به ظرفیت، تأمل، منزلت، انفتاح، سیاق، کم، مقایسه و ساختار رفق، در مجموعه‌های مدیریتی است.

حجت الاسلام علی کشوری، ۱۸ فروردین ۱۴۰۰، قم
وبگاه فقه‌نظام
m-hedayat.blog.ir/1400/01/18

جمع ادله در ساختار مُکث (ثبت، تحلیل و پردازش)، نوعی جمع ابتدایی دارای حجیت است و از ساختار سه بخشی این نوع از جمع می‌توانیم برای کشف جمع دلالتی مجموعه‌هایی از روایات و آیات بهره ببریم.

حجت الاسلام علی کشوری، ۱۷ فروردین ۱۴۰۰، قم
وبگاه فقه‌نظام
m-hedayat.blog.ir/1400/01/17

۲۳. ارجاع پردازشی:

The hashtag 'subway shirts' currently has ۴.۷M views, with the term gaining popularity and going viral in the last week. The 'trend' is about women coming together to show the realities of dressing in public, especially in hot weather, to avoid harassment from men. 'Subway shirts' are, simply, baggy t-shirts that go over your outfit, and since New Yorkers posted about it, it's resonated globally with women in the UK posting their versions.



هشتگ «پیراهن‌های مترو» در حال حاضر ۴.۷ میلیون بازدید دارد و این عبارت در هفته گذشته محبوبیت بیشتری پیدا کرده است. این ترند درباره زنانی است که گرد هم می‌آیند تا واقعیت‌های لباس پوشیدن در انتظار عمومی، به ویژه در هوای گرم را نشان دهند تا از آزار و اذیت مردان جلوگیری کنند. «پیراهن‌های مترو»، به سادگی، تی‌شرت‌های گشاد هستند که بر روی لباس شما می‌آیند، و از زمانی که نیویورکی‌ها در مورد آن پست گذاشته‌اند، در سراسر جهان با زنان بریتانیایی که نسخه‌های خود را منتشر می‌کنند، طنین‌انداز شده است.

Fashion influencer Sophie Milner posted a video titled: “The outfit versus the outfit I wear on the tube so I don't get harassed and stared at by creeps”. Sophie continued to say that “It's universal. As someone who has always loved expressing themselves with fashion, wearing outfits that make ME feel good about myself, it frustrates me so much that I have to tailor my choices so often to avoid unwanted attention and stay safe ... If I'm dressing for men I'm putting on a baggy t-shirt, sweatpants and sunglasses so you don't look my way”... The post is hugely relatable, with hundreds of women in the comments sharing the experience. I myself have been there many times:... wearing the less-cute outfit option to avoid unwanted attention.

سوفی میلنر، اینفلوئنسر مد، ویدیویی را با عنوان: “لباس در مقابل لباسی که من روی تیوپ می‌پوشم تا توسط افراد چندش‌آور مورد آزار و اذیت و خیره شدن قرار نگیرم.” سوفی ادامه داد که «این [مسئله] جهانی است. به‌عنوان کسی که همیشه دوست داشته خود را با مد بیان کند، پوشیدن لباس‌های [مد] به من احساس خوبی نسبت به خودم می‌دهد، اما آنقدر من را ناامید [و ناراحت] می‌کند که مجبورم اغلب انتخاب‌هایی را انجام دهم تا از توجه ناخواسته جلوگیری کنم و ایمن بمانم... اگر برای مردان لباس می‌پوشم، یک تی‌شرت گشاد، شلوار گرمکن و عینک آفتابی می‌پوشم تا به من نگاه نکنند...» این پست بسیار قابل ارتباط است [با دیگران] و صدها زن در نظرات این تجربه را به اشتراک می‌گذارند. من خودم بارها آنجا بوده‌ام... برای جلوگیری از توجه ناخواسته، از لباس‌های کمتر زیبا استفاده کرده‌ام.

Eliza Hatch, from Cheer Up Luv [campaign], said on Instagram “Now I want to clarify FIRMLY that I am not *not* hating on these videos at all, I think they are a brilliant conversation starter. But they are also a grim reminder that we still have to account for our personal safety, we still have to monitor and police our own bodies, and are still denied freedoms to wear whatever we want, even in stiflingly hot city summers.”

الیزا هچ، از [کمپین] Cheer Up Luv، در اینستاگرام گفت: «اکنون می‌خواهم قاطعانه توضیح دهم که اصلاً از این ویدیوها متنفر نیستم، فکر می‌کنم آنها شروع‌کننده گفتگوی درخشانی هستند. اما آنها همچنین یادآور تلخی هستند که ما هنوز باید برای ایمنی شخصی خود پاسخگو باشیم، هنوز باید بدن خود را تحت نظر داشته باشیم و کنترل کنیم، و همچنان از آزادی پوشیدن هر چیزی که می‌خواهیم محروم هستیم، حتی در تابستان‌های خفه‌کننده شهر.»

In ۲۰۱۹, a survey conducted for The Independent found ۵۵% of men believed that “The more revealing the clothes a woman wears, the more likely it is that she will be harassed or assaulted.

it doesn't matter. Subway shirt or not, we live in a society where women are objectified and violence against us is rife.

در سال ۲۰۱۹، یک نظرسنجی که برای ایندپندنت انجام شد نشان داد که ۵۵ درصد از مردان بر این باور بودند که «هر چه لباس‌هایی که یک زن می‌پوشد آشکارتر باشد، احتمال اینکه او مورد آزار و اذیت یا تعرض قرار بگیرد بیشتر است.»



که کسی را به حجاب دعوت کند. با این حال، خانم های فرانسوی به لحاظ تجربی به این نتیجه رسیده اند که به دلیل شلوغی مترو و اختلاط زن و مرد، لباس های عریان باعث اذیت بیشتر آنها می شود. بنابراین، آنها خودشان کمپینی تحت عنوان "لباس مترو" راه انداخته اند. همانطور که مشاهده کردید، ویژگی بارز جنبش "لباس مترو" پوشاندن بیشتر سینه و گردن خانم ها است؛ به این معنی که بخشی از زینت زن با استفاده از این لباس پوشیده می شود.

شارع محترم [به درستی] همین را می فرمایند که در حال حاضر بحث ما صرفاً عقاب اُخروی و مسائل دیگر نیست؛ بلکه شارع تأکید دارند که [رعایت حجاب، خود به خود موجب] کاهش آزار و اذیت بانوان می شود. در واقع، عفاف و حجاب، امنیت آفرین است.

البته آمارهای متعددی در کشورهای غربی در مورد افرادی که ترک رشد کرده اند، وجود دارد. بررسی این آمارها، ارزش و اهمیت این گزاره رشد آمیز شارع را بیش از پیش آشکار می سازد.^{۲۴}

[لا بد] می دانید که امیرالمومنین علیه السلام یک گزاره روشی دارند^{۲۵} که می فرمایند «وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ لَنْ تَعْرِفُوا الرُّشْدَ حَتَّى تَعْرِفُوا الَّذِي تَرَكْتُمْ»^{۲۶}؛ اساساً این گونه است. از کلمه «لَنْ» استفاده می کنند و

در عمق وجود ما می دانیم که این مهم نیست. پیراهن مترو یا نه، ما در جامعه ای زندگی می کنیم که در آن زنان عینیت یافته و خشونت علیه ما همه گیر است.

منبع: مجله آنلاین زنان چندملیتی Glamour (منتشر شده توسط انتشارات Condé Nast)
glamourmagazine.co.uk/article/subway-shirts-opinion

۲۴. برای اطلاع از آمارهای هولناک خشونت جنسی در ایالات متحده آمریکا (توسعه یافته ترین کشور دنیا)؛ به "پیوست ۱" مراجعه نمایید.

۲۵. انتقال از متن: بنده از سابق اینها را در بحث های فقه الیابان برای طلبه های مدرسه می خواندم.

۲۶. **ارجاع پژوهشی:** أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَعْدِ بْنِ الْمُنْذِرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: «حَطَبَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَ فَحَمِدَ اللَّهَ وَ أَشَى عَلَيْهِ ثُمَّ قَالَ: وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ لَنْ تَعْرِفُوا الرُّشْدَ حَتَّى تَعْرِفُوا الَّذِي تَرَكْتُمْ...»
امیرالمومنین فرمود: ... بدانید که شما، هرگز راه درست را نخواهید شناخت، مگر این که کسی را که آن را رها کرده است، بشناسید.

الکافی، ج ۸، ص ۳۹۰ / نهج البلاغة (للصبيح صالح) ص ۲۰۵

بحار الأنوار، ج ۳۴ ص ۲۳۳



می‌فرمایند: «هرگز شما رشد را درک نخواهید کرد و معرفت به رشد پیدا نمی‌کنید مگر زمانی که وضعیت کسی که ترک رشد کرده را بررسی کنید.» این خیلی مسئله مهمی است! بنابراین اگر خواستید برای دختران‌تان بگویید: «رشد و فایده حجاب در چه چیزی است؟»، [در جواب] به صورت مدیریت شده، وضعیت کسانی را که "ترک حجاب" کرده‌اند، برایشان روایت کنید. البته این فقط به حجاب اختصاص ندارد؛ ما وقتی می‌خواهیم به بانک‌های ربوی‌مان که همیشه در جمهوری اسلامی «غلط می‌کنند» بگوییم: «"ربا" بد است»، آثار سوء ربا را بر تولید، بر فروپاشی خانواده‌ها و... برایشان روایت می‌کنیم. ننگ و عاری که رباخوارها با خودشان از دنیا برده‌اند را برای آنها روایت می‌کنیم. وقتی کسی وضعیت ترک رشد "قرض الحسنه" را مشاهده می‌کند، قدر حکم "حرمت ربا" را می‌فهمد. این، مسئله بسیار مهمی است.

در همه جا اصل روشی، همین است. بنابراین، ترک رشد، چه در مصادیق وطنی و چه در مصادیق غربی، می‌تواند موضوع بررسی قرار گیرد. این، یک قاعده‌ای در "فقه البیان" است که ما اسم آن را "بیان مبتنی بر مقایسه"^{۲۷} می‌گذاریم؛ منتها، نباید بعضی‌ها "بیان مبتنی بر مقایسه" را با مطلق

۲۷. **ارجاع پرورشی:** همانطور که قبلاً گفته ایم: اساس استنباط، کشف جمع دلالتی شارع بر اساس مراحل بیان مبتنی بر مُکث است. ساختار مُکث، روایات ثبوتی (تصویر بحث)، روایات تحلیلی (تعریف بحث) و روایات پردازشی (تصمیم بحث) را بر محور یک سؤال مشخص تجمیع می‌کند. بعد از تبویب مُکثی روایات و آیات بر محور یک سؤال، ساختار سؤال را در فضای مقایسه قرار می‌دهیم و درک بهتری از پاسخ شارع به سؤال بحث، متولد می‌شود.

حجت‌الاسلام علی کشوری (دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی)، ۷ آذر ۱۴۰۲، قم
پایگاه اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیام‌رسان ایتا
eitaa.com/olgou4/5908

برخی فقط اختلافات کلی میان دو جبهه را می‌شناسند و برخی هیچ شباهتی میان توصیف‌های پوزیتویستی از اشیاء و توصیف‌های فقهی از اشیاء قائل نیستند. فهم تفاوت‌های میان دو دستگاه کارشناسی وابسته به میزان تسلط بر قاعده اصولی "بیان مبتنی بر نظام مقایسه" است.

حجت‌الاسلام علی کشوری (دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی)، ۲۵ آبان ۱۴۰۲، قم
پایگاه اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیام‌رسان ایتا
eitaa.com/olgou4/5833



"مطالعات تطبیقی" اشتباه بگیرند. این نوع [مقایسه] در "فقه البیان" بحث شده است؛ به این معنا که شما گزارش ترک رشد را به کسی که می‌خواهید او را دعوت به رشد کنید، می‌دهید.^{۲۸}

۲۸. **ارجاع پرورشی:** بین تبلیغ به معنای موجود و آن کاری که ما انجام می‌دهیم یک تفاوتی وجود دارد و آن هم عبارت از مفهوم «نظام مقایسه» است. ببینید، به هر حال ما با اصل مسأله تبیین مخالفتی نداریم اما با اکتفا به آن مخالف هستیم. این یک فرق است که جریان موجود به این کار اکتفا کرده است. فرق دوم هم اینکه در ماهیت تبیین که الگو آن را انجام می‌دهد یک مفهومی به اسم نظام مقایسه نهفته است که البته با این توضیحات مختصری هم که بنده ارائه دادم، مشخص می‌شود. مثلاً فرض بفرمایید که در ده روز اول به فضل الهی به شرح نظم مدرن می‌پردازید و سپس در روزهای پس از آن نظم مبتنی بر فکر اسلامی را شرح خواهید داد. دقت بفرمایید که پایه‌ی آن ایجاد مقایسه است. خوب اگر اولاً به تبیین اکتفا شود و ثانیاً در ماهیت آن نظام مقایسه اصل قرار نگیرد [از نظر ما این کار غلط است].

شاید در این منبرهای ماه محرم شنیده باشید که یکی از کارهایی که معاویه انجام می‌داد این بود که در شهر شام ایمان را به مردم می‌آموخت اما هرگز اجازه تبیین کفر و شرک را نمی‌داد. فلسفه این کار هم این بود که اگر مفهوم کفر و شرک تبیین می‌شد مردم متوجه افعال، رفتار و دستورات شرک‌آمیز و کفرآمیز حکومت معاویه می‌شدند. قرآن می‌فرماید: «قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ»، معاویه غی آن را بحث نمی‌کرد و تنها رشد را بحث می‌کرد. پس اگر تبیین به سمت ایجاد نظام مقایسه رفت و برای مثال بین نظم موجود و نظم مطلوب مقایسه انجام داد، یعنی دو راه در مقابل مردم وجود دارد، در این صورت این کار آغاز نظام‌سازی است نه فقط تبیین صرف. به دلیل اینکه به بحث از راه خود در مقابل راه موجود می‌پردازد. پس خیلی با تبیین موضوع متفاوت است زیرا در آن نظام مقایسه وجود دارد.

حجت الاسلام علی کشوری، مکتوب سلسله جلسات تبیین مفهوم برنامه‌ریزی بر مبنای مفاهیم اولین نقشه الگوی پیشرفت اسلامی، ج ۱، ص ۱۸ و ۱۹، دانشگاه صنعتی شریف، آبان و آذرماه ۱۳۹۵

کتابخانه مدرسه هدایت

eitaa.com/ketab_olgou/۱۲۸

کار دیگری که دین انجام می‌دهد این است که حرف خود را در فضای نظام مقایسه مطرح می‌کند. چون همان‌طور که عرض کردم دین «قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ» است و به دلیل اینکه می‌خواهد هدایت ایجاد کند اختیارات را به چالش نمی‌کشد و هدایت نیز بدون نظام مقایسه امکان ندارد. قرآن می‌فرماید: «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا»؛ دین هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ می‌کند؛ اما این هدایت به چه شکلی اتفاق می‌افتد؟ از طریق «قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ»؛ پیش‌فرض ادبیات دینی نظام مقایسه است. کسی که روایات اهل بیت عصمت و طهارت (و آیات قرآن را بررسی نموده و این موارد را برای مردم تبیین می‌کند اما مقایسه نمی‌کند، فقیه نیست؛ فقیه باید بتواند بین باطل و حق مقایسه کند، زیرا نظام مقایسه، جزء لوازم متذکر کردن است. حالا بعداً در الگوی ساخت نظامات اسلامی قواعد نظام مقایسه را به صورت تفصیلی بحث خواهیم کرد. پس این دومین ویژگی دین است. اولین ویژگی دین این است که شروع بحث از ابعاد فطرت می‌باشد، از منظر دین فطرت باید به تکامل برسد. دومین ویژگی دین هم این است که باید بر پایه نظام مقایسه بحث را شروع کند و البته بحث را به سمت یک جهت واحد هدایت کند.

حجت الاسلام علی کشوری، مکتوب سلسله جلسات تبیین مفهوم برنامه‌ریزی بر مبنای مفاهیم اولین نقشه الگوی پیشرفت اسلامی، ج ۲،

ص ۱۳۵ و ۱۳۶، دانشگاه صنعتی شریف، آبان و آذرماه ۱۳۹۵

کتابخانه مدرسه هدایت

eitaa.com/ketab_olgou/۱۲۹



بنابراین می‌توانید گزارشی دربارهٔ ایذاءها و اذیت‌هایی که برای ترک حجاب متصور است و اتفاق افتاده است، را تهیه کنید و آن را آرام آرام به مخاطب خودتان منتقل کنید.^{۲۹}

۲/۲/۲. جلوگیری از ایجاد اختلال شخصیتی در مردان (دائم الحسرت و عقده‌ای شدن و ابتلاء به خواسته‌های تنزل‌یافته)؛ دومین فائده حجاب در آیات و روایات (فائده روان‌شناسانه)

چالش دوم ترک عفاف و حجاب، بسیار مهم است. این چالش، عمدتاً گریبان‌گیر آقایان است. امیرالمومنین علیه السلام فرموده‌اند: «اگر بی‌حجابی - به عنوان زمینه نگاه به نامحرم - گسترش یابد، مردان حسرتشان دائمی خواهد شد»؛ یعنی به لحاظ روان‌شناسی، مردها "دائم الحسرة"

کلمه نظام در عبارت "نظام مقایسه" به این معناست که باید تمام آنچه تفکر رقیب از حوزه مبانی نظری تا حوزه کاربرد ادعا کرده است را با تفکر خود مقایسه کنیم. بنیاد تفاهم، نظام مقایسه است، اصلاً نظام مقایسه، زمینه‌ی تحریک و عا فکرا آماده کرده و اختیار را نیز به چالش نمی‌کشد؛ در واقع در عوض اینکه بنیاد هدایت را بر موعظه قرار دهید باید این بنیاد را بر نظام مقایسه قرار دهید. البته موعظه نیز جایگاهی دارد و ما منکر آن نمی‌شویم، البته در خود موعظه نیز نظام مقایسه شرط است. به هر حال کار خوبی نیست که ما به جای انسان‌ها تصمیم گرفته و تحلیل کنیم، این حرف بنده است. لازم نیست با پیش‌داوری وارد بحث شویم. بنده همیشه این نکته را در آیه‌الکرسی تذکر داده و گفته‌ام: دوستانی که می‌گویند «لا إكراه فی الدین»، به این نکته توجه نمی‌کنند که چون «قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ» اتفاق می‌افتد، «لا إكراه فی الدین» صورت می‌گیرد. این افراد همواره آیات را عضین می‌کنند و یک قسمت آن را خوانده و قسمت دیگر را نمی‌خوانند. در حقیقت وقتی نظام مقایسه می‌کنیم نیازی به اکراه نداریم. شما می‌خواهید طرف مقابل را هدایت کنید و برای این کار می‌توانید رشد را از غی تبیین کنید و به همین دلیل نیازی به اکراه ندارید. برخی از دوستان نیز «لا إكراه فی الدین» را به احکام اختصاص می‌دهند. دلیل این نظریات و دیدگاه‌ها، عضین کردن قرآن است. اصلاً «لا إكراه فی الدین» برای مقام هدایت است و خدای متعال در آیه‌الکرسی قدرت هدایت را بحث می‌کند و می‌گوید اگر تبیین با قواعد آن انجام شود اصلاً نیازی به اکراه نیست. اصلاً جنس اکراه در دین وجود ندارد؛ چون دین، تبیین دارد. نظام مقایسه به همین معناست؛ یعنی شما در ذهن طرف مقابل دائماً حرف غی را با حرف رشد مقایسه کنید. به عنوان مثال شما به مخاطب می‌گویید وقتی مع‌الرسول حرکت کنید پنج‌سطح از فکر تحریک می‌شود؛ اما وقتی با کفر حرکت می‌کنید تحریک و عا فکرا در یک سطح منحصر می‌شود، خود شما قضاوت کنید که کدام یک برتر است. این کار، نظام مقایسه است. پس ما وقتی می‌خواهیم تفاهم کنیم باید نظام مقایسه را اصل قرار دهیم.

حجت الاسلام علی کشوری، مکتوب سلسله جلسات تبیین مفهوم برنامه‌ریزی بر مبنای مفاهیم اولین نقشه‌الگوی پیشرفت اسلامی، ج ۳،

ص ۱۶۶ الی ۱۶۶، دانشگاه صنعتی شریف، آبان و آذرماه ۱۳۹۵

کتابخانه مدرسه هدایت

eitaa.com/ketab_olgou/۱۳۰

۲۹. برای اطلاع از آمارهای هولناک خشونت جنسی در ایالات متحده آمریکا (توسعه‌یافته‌ترین کشور دنیا)؛ به "پیوست ۱"



خواهند شد. تصور کنید کسی به لحاظ درونی، همواره حسرت بخورد و آه بکشد. [می‌توان گفت که چنین کسی] تقریباً از زندگی عادی ساقط می‌شود.

برخی دختران جوان می‌گویند: «ما می‌خواهیم بی‌حجاب باشیم، [اما] آقایان [نباید] نگاه کنند!». این گزاره بسیار عجیب و غریبی است. یعنی مصادیق بی‌حجابی در جامعه فراوان باشد، بعد از آقایان انتظار داشته باشید که چشم‌های خود را ببندند! این ممکن نیست. مسئله دو جنبه دارد: ۱. هم باید مصادیق بی‌حجابی کاهش یابد، هم باید به آقایان توصیه کنیم که از نگاه به نامحرم خودداری کنند.

روایت از امیرالمومنین^{علیه‌السلام} است؛ می‌فرمایند: «مَنْ أَطْلَقَ نَاطِرَهُ أَتَعَبَ خَاطِرَهُ مَنْ تَتَابَعَتْ لِحَظَاتِهِ دَامَتْ حَسْرَاتُهُ»؛^{۳۰} یعنی باعث می‌شود که مردها "دائم الحسرة" شوند. وقتی سطح

۳۰. **ارجاع پژوهشی:** قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ أَطْلَقَ نَاطِرَهُ أَتَعَبَ خَاطِرَهُ مَنْ تَتَابَعَتْ لِحَظَاتِهِ دَامَتْ حَسْرَاتُهُ.

امام علی علیه السلام: کسی که [عنان] چشم خود را رها کند، خاطرش را به زحمت اندازد؛ کسی که نگاه‌هایش پیاپی باشد حسرت‌هایش دائمی گردد.

جامع الأخبار، ص ۹۳

بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۳۸ / مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۴، ص ۲۶۸

برخی روایات مشابه دیگر:

عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ ابْنِ فَضَالٍ عَنِ عَلِيِّ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ: النَّظْرُ سَهْمٌ مِنْ سِهَامٍ إِنْ لَيْسَ مَسْمُومٌ وَ كَمْ مِنْ نَظْرَةٍ أَوْرَثَتْ حَسْرَةً طَوِيلَةً.

از امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: نگاه به نامحرم تیری از تیرهای زهرا گین ابلیس است و چه تعداد از نگاه‌هایی که باعث حسرت دراز مدت می‌شود.

المحاسن ج ۱ ص ۱۰۹ / الکافی ج ۵ ص ۵۵۹ / ثواب الأعمال و عقاب الأعمال ج ۱ ص ۲۶۴ / من لا يحضره الفقيه ج ۴ ص ۱۸ (تغییر در

متن بعد از مسموم: مَنْ تَرَكَهَا لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ لَا يُغَيِّرُهُ أَغْقَبَهُ اللَّهُ إِيْمَانًا يَجِدُ طَعْمَهُ)

جامع الأخبار ج ۱ ص ۱۴۵

الوافي ج ۲۲ ص ۸۵۹ / وسائل الشيعة ج ۲۰ ص ۱۹۰ و ۱۹۲ / بحار الأنوار ج ۱۰ ص ۴۰ / مستدرک الوسائل ج ۱۴ ص ۲۶۸

عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ الْوَلِيدِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ الْمَعْرُوفِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزَبَانَ عَنْ رَجُلٍ عَنْ وَاصِلِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنِ ابْنِ سِنَانٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: كَانَ الْمَسِيحُ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ لِأَصْحَابِهِ إِلَى أَنْ قَالَ وَ إِيَّاكُمْ وَ النَّظْرَةَ فَإِنَّهَا تَزْرَعُ فِي قَلْبِ صَاحِبِهَا الشَّهْوَةَ وَ كَتَفِي بِهَا لِصَاحِبِهَا فِئْتَةً.

از امام صادق (علیه السلام) شنیدم که می‌فرمود: حضرت مسیح (علیه السلام) بیارانش می‌فرمود: ... از نگاه بنامحرم بهره‌زید که در دل صاحبش بذر شهوت می‌افشانند، و همین کار کافی است که صاحبش را دچار فتنه نماید...

الأمالي (للمفيد) ج ۱ ص ۲۰۸ / من لا يحضره الفقيه ج ۴ ص ۱۸ / تحف العقول ج ۱ ص ۳۰۱ و ۵۰۲



الوافي ج ۲۲ ص ۸۶۰ و ج ۲۶ ص ۲۷۱ و ۲۸۸ / وسائل الشيعة ج ۲۰ ص ۱۹۲ / بحار الأنوار ج ۱۴ ص ۳۰۴ و ص ۳۲۴ ج ۷۵ ص ۲۷۹ و ج ۱۰۱ ص ۴۱ / عوالم العلوم ج ۲۰ ص ۶۳۷ / مستدرک الوسائل ج ۱۴ ص ۲۷۰ ۳۲۴

حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَيْسَى بْنِ عَبْدِ الْيَقْطِينِيِّ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ زَائِدٍ عَنْ أَبِي بصيرٍ وَ مُحَمَّدٍ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ جَدِّي عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ: أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَّمَ أَصْحَابَهُ فِي مَجْلِسٍ وَاحِدٍ أَرْبَعَةَ بَابٍ مِمَّا يُضْلِحُ لِلْمُسْلِمِ فِي دِينِهِ وَ دُنْيَاهُ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ... لَيْسَ فِي الْبَدَنِ شَيْءٌ أَقَلُّ شُكْرًا مِنَ الْعَيْنِ فَلَا تُعْطَوْهَا سُؤْلَهَا فَتَشْغَلْكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ ... وَ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَكُمْ أَوَّلُ نَظْرَةٍ إِلَى الْمَرْأَةِ فَلَا تُتْبِعُوهَا بِنَظْرَةٍ أُخْرَى وَ اخْذَرُوا الْفِتْنَةَ .

امیرالمومنین علیه السلام: ... در بدن عضوی نیست که کمتر از چشم شکر خدا کند چشم خود را نگهدارید و بهر جا خواهد باز نکند تا شما را از یاد خدای عز و جل باز ندارد... نخستین نگاهی که بزنی می افتد از آن شماست [اشکالی ندارد] ولی نگاه دیگری بدنبال نگاه اول نکند و از گرفتاری [و فتنه] کناره گیری.

الخصال ج ۲ ص ۶۱۰ / تحف العقول ج ۱ ص ۱۰
وسائل الشيعة ج ۲۰ ص ۱۹۴ / بحار الأنوار ج ۱۰ ص ۸۹ و ج ۱۰۱ ص ۳۵

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «أَوَّلُ النَّظْرَةِ لَكَ وَ الثَّانِيَةُ عَلَيْكَ وَ لَا لَكَ وَ الثَّلَاثَةُ فِيهَا الْهَلَاكُ»

امام صادق علیه السلام: نگاه اول برای تو (جایز است) و نگاه دوم به زیان تو و نگاه سوم موجب نابودی تو می باشد.

من لا يحضره الفقيه ج ۳ ص ۴۷۴
مكارم الأخلاق ج ۱ ص ۲۳۶
الوافي ج ۲۲ ص ۸۶۰ / وسائل الشيعة ج ۲۰ ص ۱۹۳ / بحار الأنوار ج ۱۰ ص ۳۷

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: لِكُلِّ عَضْوٍ مِنْ ابْنِ آدَمَ حَظٌّ مِنَ الزَّانَةِ أَلْعَيْنُ زَانَةُ النَّظْرِ وَ اللِّسَانُ زَانَةُ الْكَلَامِ وَ الْأَذْنَانُ زَانَةُ السَّمْعِ وَ أَلْيَدَانِ زَانَاهُمَا الْبَطْشُ وَ الرَّجْلَانِ زَانَاهُمَا الْمَشْيُ وَ الْفَرْجُ يُصَدِّقُ ذَلِكَ كُلَّهُ وَ يَكْذِبُهُ .

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): در هر عضوی از فرزند آدم سهمی از زناست؛ زنا چشم نظر کردن است و زنا زبان سخن گفتن است زنا دو گوش شنیدن است و زنا دو دست گرفتن است و زنا دو پا رفتن است و فرج هم این درخواستها را یا قبول می کند یا رد میکند.

جامع الأخبار ج ۱ ص ۱۴۵
بحار الأنوار ج ۱۰ ص ۳۸ / مستدرک الوسائل ج ۱۴ ص ۲۶۹ و ص ۳۴۰

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَ قَالَ عَيْسَى ابْنُ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِلْحَوَارِيِّينَ: إِنِّي كُمْ وَ أَلْتَنَظَّرُ إِلَى الْمَحْدُورَاتِ فَإِنَّهَا بَدْرُ الشَّهَوَاتِ وَ بِنَاتُ الْفِسْقِ قَالَ يَحْيَى عَلَيْهِ السَّلَامُ الْمَوْتُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ نَظْرَةٍ بَعِيرٍ وَ أَحَبُّ ... وَ لَا تَتَوَقَّرْ عَيْنٌ نَصِيبَهَا مِنْ نَظْرٍ إِلَى مَحْدُورٍ إِلَّا وَ قَدْ انْعَقَدَ عُقْدَةٌ عَلَى قَلْبِهِ مِنَ الْمُنْيَةِ وَ لَا تَحُلْ بِأَحَدِي الْحَالَتَيْنِ إِذَا بَيْكَاةِ الْحَسْرَةِ وَ التَّدَامَةِ بِتَوْبَةٍ صَادِقَةٍ وَ إِذَا بِأَخْذِ نَصِيبِهِ مِمَّا تَمَنَّى وَ نَظْرٍ إِلَيْهِ فَأَخِذْ بِالْحَظِّ مِنْ غَيْرِ تَوْبَةٍ مَصِيرُهُ إِلَى النَّارِ وَ أَمَا التَّائِبُ الْبَاكِي بِالْحَسْرَةِ وَ التَّدَامَةِ عَنْ ذَلِكَ فَمَا وَاهُ الْجَنَّةُ وَ مُنْقَلَبُهُ الرِّضْوَانُ .

حضرت امام صادق علیه السلام می فرماید: حضرت عیسی علیه السلام به خلص اصحاب خود، که ملقب هستند به حواریین، می فرموده اند که: پرهیزید از نظر کردن به زنان نامحرم، که زنان، تخم شهوت هستند و مورث قساوت و منتج کدورت دل هستند. یحیی معصوم علیه السلام می فرماید که: مردن دوست تر است به نزد من از نگاه کردنی که واجب نباشد. ... عبد الله مسعود می فرماید



حسرت خوردن کسی ارتقاء پیدا کرد و به اصطلاح فارسی "عقده‌ای" شد، تعادل شخصیتی او به هم می‌خورد و نظام تصمیم‌گیری‌اش مختل می‌شود. بنابراین از این روایت هم استفاده می‌شود که یکی از نتایج بی‌حجابی "تنزل خواسته‌های مردها" می‌شود.

تصور کنید مردی روزانه صد صحنه بی‌حجابی ببیند؛ [در اینصورت او] دیگر به صورت طبیعی نمی‌تواند به چیز دیگری فکر کند. [چرا؟] چون در روایتی دقیق آمده است که حضرت می‌فرماید: «همیشه وصف شیء و شنیدن شیء، خیلی کم‌ارزش‌تر است از دیدن یک شیء [و تجربه کردن آن از نزدیک]». ^{۳۱} یعنی اگر فرض کنیم مردی با زن بی‌حجابی ازدواج کند، بعد از ده بیست روز متوجه می‌شود که نصف زیبایی او آرایش بوده و آن نصف زیبایی طبیعی هم ارزش حسرت خوردن نداشته است. چرا؟ چون ازدواج کرده و وارد فعل دیدن و زندگی کردن و تجربه کردن شده است؛ اما وقتی فقط شنیدن یا یک نگاه [بدون تجربه کردن و زندگی کردن] مطرح است، ممکن است تصور اولیه این

که: نیست هیچ چشمی که نظر کند به حرامی و به آن حرام، نظر سیر کند مگر آنکه منعقد می‌شود گرهی بر دل او از آرزو، و وانمی‌شود آن گره، مگر به یکی از دو چیز: یا به ریختن اشک حسرت و ندامت از آن عمل قبیح و رجوع صادقی از آن عمل شنیع. یا به وصل و رسیدن به آن آرزو، اگر به موافق شرع ممکن باشد و اگر پی آن نظر رفت و توبه نکرد، پس جای او جهنم خواهد بود. و اگر توبه کرد و از آن حرکت لغو، پشیمان شد و قطرات عبرت از دیده ریخت، جای او بهشت است و مرجع و بازگشت او به رضای الهی است.

مصباح الشریعة ج ۱ ص ۹

بحار الأنوار ج ۱۰۱ ص ۴۲ / مستدرک الوسائل ج ۱۴ ص ۲۶۹

۳۱. **ارجاع پژوهشی:** امیرالمومنین ع: ... إِنَّهُ لَيْسَ شَيْءٌ بِشَرِّ مِنَ الشَّرِّ إِلَّا عِقَابُهُ وَ لَيْسَ شَيْءٌ بِخَيْرٍ مِنَ الْخَيْرِ إِلَّا تَوَابُهُ وَ كُلُّ شَيْءٍ مِنَ الدُّنْيَا سَمَاعُهُ أَغْظَمُ مِنْ عِيَانِهِ وَ كُلُّ شَيْءٍ مِنَ الْآخِرَةِ عِيَانُهُ أَغْظَمُ مِنْ سَمَاعِهِ فَلْيَكْفِكُمْ مِنَ الْعِيَانِ السَّمَاعُ وَ مِنَ الْعَيْبِ الْخَبْرُ وَ اعْلَمُوا أَنَّ مَا نَقَصَ مِنَ الدُّنْيَا وَ زَادَ فِي الْآخِرَةِ خَيْرٌ مِمَّا نَقَصَ مِنَ الْآخِرَةِ وَ زَادَ فِي الدُّنْيَا فَكَمْ مِنْ مَنْقُوصٍ رَابِعٍ وَ مَزِيدٍ خَاسِرٍ ... امیرالمومنین (علیه السلام): ... چیزی بدتر از شر و بدی نیست جز کیفر و عذاب آن، و چیزی نیکوتر از خیر و نیکی وجود ندارد جز پاداش آن. همه چیز دنیا شنیدن آن بزرگتر از دیدن آن است، و هر چیز از آخرت دیدن آن بزرگتر از شنیدن آن است. پس کفایت می‌کند شما را شنیدن از دیدن، و خبر دادن از پنهانی‌های آخرت. آگاه باشید، هر گاه از دنیای شما کاهش یابد و به آخرت افزوده گردد بهتر از آن است که از پاداش آخرت شما کاسته و بر دنیای شما افزوده شود. چه بسا کاهش یافته‌هایی که سود آور است، و افزایش داشته‌هایی که زیان آور بود...

نهج البلاغة (خطبه ۱۱۴)، ص ۱۷۰ / عدة الداعي و نجاح الساعي، ص ۱۰۹

تصنيف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۱۴۸ / غرر الحکم و درر الکلم، ص ۵۱۰

الفصول المهمة في أصول الأئمة (تكملة الوسائل)، ج ۱، ص ۳۶۶



باشد که حسرت بسیار بزرگی در زندگی این مرد واقع شده است. پس با گسترش پدیده بی‌حجابی، مردها را به لحاظ روان‌شناختی، مبتلا به "تنزل خواسته‌ها و آرزوها" می‌کنیم؛ به عبارت ساده‌تر، آنها را "عقده‌ای" می‌کنیم.

امیرالمؤمنین علیه‌السلام وقتی می‌خواهند با خانم‌ها صحبت کنند می‌فرمایند: «لطفاً جامعه را تخریب نکنید!» یکی از تخریب‌ها این است که مردهای اطراف شما کوچک باشند؛ یعنی مردانی "رذل" باشند که تنها به دنبال خواسته‌های کوچک هستند. این هم سرفصل دوم. بنابراین اگر بی‌حجابی روزانه [و به امری عادی تبدیل شود]، دیگر نمی‌توانید با پدیده مرد بزرگ - مردی که می‌تواند تکیه‌گاه باشد - روبه‌رو شوید. نسل این نوع مردان در معرض انقراض قرار می‌گیرد!

۲/۲/۳. جلوگیری از گسترش جرائم؛ سومین فائده حجاب در آیات و روایات

۲/۲/۳/۱. گسترش بی‌حجاب => غلبه شهوت بر قلب انسان => گسترش شره (حرص) در جامعه «سَبَبُ الشَّرِّ غَلْبَةُ الشَّهْوَةِ» => گسترش جرائم و شرور مختلف در جامعه «بَدْرُ الشَّرِّ الشَّرُّ»

نکته دیگری در روایات است که می‌فرمایند: «غلبه شهوت باعث می‌شود که "شَرِّه" گسترش پیدا کند.» آقایان لغوی، "شَرِّه" را به "سیری‌ناپذیری" ترجمه کرده‌اند. [شَرِّه] یکی از کلمات مشابه کلمه "حرص" است؛^{۳۲} یعنی [گسترش شهوت] باعث می‌شود انسان‌ها حریص شوند و سیری‌ناپذیری در آنها گسترش پیدا کند. روایتش این‌گونه است که «سَبَبُ الشَّرِّ غَلْبَةُ الشَّهْوَةِ»؛^{۳۳} به

۳۲. ارجاع پرورشی: الشَّرُّ: أَسْوَأُ الْحِرْصِ، وَ هُوَ غَلْبَةُ الْحِرْصِ ... وَ يُقَالُ: شَرِّهٌ فَلَانٌ إِلَى الطَّعَامِ يَشْرَهُ شَرِّهًا إِذَا اشْتَدَّ حِرْصُهُ عَلَيْهِ.

لسان العرب، ج ۱۳، ص ۵۰۶

شَرِّهٌ: عَلَى الطَّعَامِ وَ غَيْرِهِ (شَرِّهًا) مِنْ بَابِ تَعَبٍ حَرَصَ أَشَدَّ الْحِرْصِ فَهُوَ (شَرِّهٌ).

المصباح المنیر، ج ۲، ص ۳۱۲

وَ شَرِّهٌ كَفَرَحٍ: غَلَبَ حِرْصَهُ.

مجمع البحرین، ج ۶، ص ۳۵۰

شَرِّهٌ - شَرِّهًا وَ شَرَّاهَةً إِلَى الطَّعَامِ وَ عَلَيْهِ: اشْتَهَى وَیْ بِهِ غَذَا زَیَادٌ شَدَّ. الشَّرِّهٌ - آنکه بیش از نیاز غذا خورد.

فرهنگ ابجدی عربی فارسی، ص ۵۲۵

۳۳. ارجاع پژوهشی: امیرالمؤمنین (علیه السلام): سَبَبُ الشَّرِّ غَلْبَةُ الشَّهْوَةِ.

امیرالمؤمنین (علیه السلام): غلبه شهوت و خواهش باعث سیری‌ناپذیری بسیار است.



صورت طبیعی، گسترش بی‌حجابی در جامعه به غلبه شهوت کمک می‌کند، و طبق راهنمایی امیرالمؤمنین علیه السلام، غلبه شهوت باعث می‌شود انسان‌ها به دنیا حریص‌تر شوند و سیری‌ناپذیر شوند.

ممکن است کسی بگوید: چه اشکالی دارد؟ حضرت می‌فرماید «لِكُلِّ شَيْءٍ بَذْرٌ وَبَذْرُ الشَّرِّ الشَّرُّ»^{۳۴}؛ بدانید ریشه مطلق شرّ - اعم از قتل، فحشا، دزدی، ربا خواری و ... - "شَرّه" است. بنابراین نمی‌توانیم غلبه شهوت و زیرساخت‌های آن را بپذیریم و بگوییم: «این یک مسئله شخصی محض است.» [در اثر گسترش بی‌حجابی] به تدریج جامعه اطراف ما به دنیا حریص‌تر می‌شود و طبق راهنمایی امام علیه السلام بذر همه شرور، "شَرّه و حرص" است.

در روایت دیگری حضرت می‌فرماید «أَصُولُ الْكُفْرِ ثَلَاثَةٌ»^{۳۵} [اصول و ریشه‌های کفر سه چیز است که] اولین آنها "حرص" است. شبیه روایت مورد بحث ما است؛ روایات با هم متعارض هستند و معنای همدیگر را تقویت می‌کنند.

غرر الحکم ج ۱ ص ۳۹۶ / عیون الحکم ج ۱ ص ۲۸۲

۳۴. **ارجاع پژوهشی:** امیرالمؤمنین (علیه السلام): لِكُلِّ شَيْءٍ بَذْرٌ وَبَذْرُ الشَّرِّ الشَّرُّ.

امیرالمؤمنین (علیه السلام): هر چیزی بذر و دانه‌ای دارد، و بذر شرّ و بدی، سیری‌ناپذیری بسیار است.

غرر الحکم ج ۱ ص ۳۹۶ / عیون الحکم ج ۱ ص ۲۸۲

۳۵. **ارجاع پژوهشی:** الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ بَكْرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «أَصُولُ الْكُفْرِ ثَلَاثَةٌ الْجُرْضُ وَالْإِسْتِكْبَارُ وَالْحَسَدُ فَأَمَّا الْجُرْضُ فَإِنَّ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ حِينَ نُهِيَ عَنِ الشَّجَرَةِ حَمَلَهُ الْجُرْضُ عَلَى أَنْ أَكَلَ مِنْهَا وَ أَمَّا الْإِسْتِكْبَارُ فَإِبْلِيسُ حَيْثُ أَمَرَ بِالسُّجُودِ لِآدَمَ فَأَبَى وَ أَمَّا الْحَسَدُ فَأَبْنَا آدَمَ حَيْثُ قَتَلَ أَحَدَهُمَا صَاحِبَهُ».

امام صادق علیه السلام فرمود: ریشه‌های کفر سه چیز است: حرص و تکبر و حسد. اما حرص در داستان آدم علیه السلام است زمانی که از خوردن آن درخت نهی شد و حرص او را برانگیخت که از آن بخورد. و اما تکبر در داستان شیطانست که چون مأمور بسجده آدم شد سرپیچی کرد. و اما حسد در داستان دو پسر آدم (هابیل و قابیل) است، زمانی که یکی دیگری را کشت.

الكافي ج ۲ ص ۲۸۹ / الخصال ج ۱ ص ۹۰ / الأملی (للصدوق) ج ۱ ص ۴۱۹

سند امالی: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنِ الْعَنَابِ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنْ بَكْرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَزْدِيِّ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

روضة الواعظین ج ۲ ص ۳۸۱ / مشكاة الأنوار ج ۱ ص ۲۲۶



بنابراین، اگر کسی بخواهد جلوی [گسترش] شرور و جرم در جامعه را بگیرد، باید متوجه باشد که وصف "شَره و حرص" در "قلوب" آدم‌ها اتفاق نیفتد و ریشه اصلی برای جلوگیری از "شَره و حرص"، مهارکردن غلبه شهوت است.

با این سیر استدلال، [می‌توان نتیجه گرفت که] بی‌حجابی، به دلیل تأثیر منفی بر قلب و تقویت شهوت، ریشه گسترش جرم و شرور در جامعه باشد.

۲/۲/۴. جلوگیری از کاهش سطح عقل و حکمت در جامعه (و در نتیجه: افزایش رشد علمی و...): چهارمین فائده حجاب در آیات و روایات

مسئله چهارم که ما در اینجا می‌خواهیم از آن بحث کنیم این است که: حضرت علیه‌السلام می‌فرماید «لَا عَقْلَ مَعَ شَهْوَةٍ».^{۳۶} متوجه باشید که وقتی شهوت شما افزایش پیدا می‌کند، عقلانیت شما کاهش پیدا می‌کند. در تعبیر دیگری - که معاضد با این تعبیر است - حضرت می‌فرماید «لَا تَجْتَمِعُ الشَّهْوَةُ وَالْحِكْمَةُ»؛^{۳۷} اگر دیدید کسی زیادی شهوترانی می‌کند، انتظار نداشته باشید که وقتی با شما سخن می‌گوید، حکیمانه سخن بگوید. این هم یک نکته مهم است.

برعکس آن هم هست؛ [اینکه] اگر کسی لب به سخن گشود و با شما حکیمانه صحبت کرد، بدانید که او شهوت کمتری را بر قلب خودش وارد کرده است. بنابراین، اگر می‌خواهید جامعه دانشمند،

الوافي ج ۴ ص ۲۲۹ و ج ۵ ص ۸۳۹ / وسائل الشیعة ج ۱۵ ص ۳۳۹ و ص ۳۶۷ / بحار الأنوار ج ۶۹ ص ۱۰۴ و ج ۶۹ ص ۱۲۱ / عوالم العلوم ج ۲۰ ص ۷۵۷

۳۶. ارجاع پژوهشی: امیرالمؤمنین (علیه السلام): لَا عَقْلَ مَعَ شَهْوَةٍ.

امیرالمؤمنین (علیه السلام): با داشتن شهوت، عقلی در کار نیست.

غرر الحکم ج ۱ ص ۷۷۰ / عیون الحکم ج ۱ ص ۵۳۲

مستدرک الوسائل ج ۱۱ ص ۲۱۲

۳۷. ارجاع پژوهشی: امیرالمؤمنین (علیه السلام): لَا تَجْتَمِعُ الشَّهْوَةُ وَالْحِكْمَةُ.

امیرالمؤمنین (علیه السلام): شهوت با حکمت جمع نمی‌شود.

غرر الحکم ج ۱ ص ۷۷۲ / عیون الحکم ج ۱ ص ۵۳۳



حکیم و عاقل داشته باشید، باید جلوی گسترش شهوت را بگیرید. حضرت علیه السلام از انسان شهوت‌ران به «مَعْلُولُ الْعُقْلِ»^{۳۸} تعبیر می‌کنند؛ یعنی عقلش علیل است! نمی‌تواند درست محاسبه کند. در هیچ حوزه دیگری هم نمی‌تواند محاسبه دقیق داشته باشد.

طبق این چهار دسته روایتی که اشاره کردم، مسئله حجاب [این فواید را دارد: ۱] اثر امنیتی دارد و باعث گسترش امنیت بانوان می‌شود. ۲) اختلالات روان‌شناختی در مردان را کاهش می‌دهد. [همان‌طور که] عرض کردیم، مهم‌ترین اختلال روان‌شناختی در فرد، داشتن خواسته‌های تنزل‌یافته است؛ به تعبیر روایت، بر سر مسائل شهوانی، دائم الحسرت باشد. ۳) حجاب باعث پیشگیری از جرم است؛ به شرحی که استدلال کردیم، حجاب زیرساخت کاهش جرائم است. ۴) حجاب باعث افزایش رشد علمی جامعه می‌شود. مثلاً فرض کنید: اگر ما در دوره‌ای موفق شویم فرهنگ عفاف و حجاب را بیشتر در جامعه گسترش دهیم، نسل بعدی آن جامعه قطعاً حکیم‌تر، دقیق‌تر و عالم‌تر خواهد شد.

این پاسخ به سوال اول بود. محور اول بحث ما این است که در حال حاضر با پدیده راهبردی و بسیار مهم عفاف و حجاب درگیر هستیم و دست و پنجه نرم می‌کنیم. نباید اجازه دهیم جبهه عفاف و حجاب سقوط کند. با دلایلی که توضیح دادم، نشان دادم که تضعیف فرهنگ عفاف و حجاب، چهار دسته ضرر دارد و مهم‌ترین آن این است که خود خانم‌ها آزار بیشتری را تحمل خواهند کرد.

۳۸. **ارجاع پژوهشی:** امیرالمؤمنین (علیه السلام): قَرِينُ الشَّهْوَةِ مَرِيضُ النَّفْسِ مَعْلُولُ الْعُقْلِ.

امیرالمؤمنین (علیه السلام): کسی که شهوت همراه اوست، نفس او دردمند و عقل او بیمار است.

غرر الحکم ج ۱ ص ۵۰۱ / عیون الحکم ج ۱ ص ۳۷۲

مستدرک الوسائل ج ۱۱ ص ۳۴۶



۲/۳. ایجاد چالش‌های اساسی و روزانه برای امنیت زنان در ایران در یکی دو دهه آینده (مانند کشورهای اروپایی)!!؛ در صورت عدم رعایت حجاب و عفاف در کشور

به همه خواهرانی که روسری‌های خود را برمی‌دارند (و البته تصوراتی [برای خود] دارند و به دلیل همین تصورات، فکر می‌کنند که برداشتن روسری برایشان مفید است) عرض می‌کنم: خواهران گرامی! دو دهه آینده، امنیت شما به صورت اساسی و روزمره به چالش کشیده خواهد شد! ستاد امر به معروف و فعّالان عفاف و حجاب، وقتی به امر به معروف می‌پردازند و می‌خواهند فرهنگ عفاف را گسترش دهند، اولین دغدغه‌شان امنیت خواهران و زنان جامعه است. ما نمی‌خواهیم دو دهه آینده، دستگاه‌های آمارگیر کشور (مانند کشور آمریکا و فرانسه) بگویند که مثلاً از هر پنج زن ایرانی، سه زن مورد تعرض قرار گرفته‌اند و آزار دیده‌اند!^{۳۹} این نکته بسیار مهمی است. این دغدغه اول ماست. البته دغدغه‌های دیگری هم وجود دارد که به دلیل کمبود وقت نمی‌توانم به آن‌ها اشاره کنم.

۳۹. ارجاع پردازی:

According to a recent survey by UN Women, over ۷۰% of women in the UK of all ages said they had experienced sexual harassment in public – which includes events, venues and public transport.

Despite these stark figures, in ۲۰۲۰ more than a fifth of rape referrals were “administratively finalised” by the Crown Prosecution Service, meaning they were closed without action against the suspects. In the same UN Women survey, only ۴% said they had reported these incidents to an official organisation, with ۴۵% of women saying they didn’t believe reporting would help change anything.

طبق نظرسنجی اخیر زنان سازمان ملل، بیش از ۷۰ درصد از زنان در بریتانیا در هر سنی گفتند که آزار جنسی را در اماکن عمومی - که شامل رویدادها، مکان‌ها و وسایل نقلیه عمومی می‌شود - تجربه کرده‌اند. علیرغم این ارقام بد، در سال ۲۰۲۰ بیش از یک پنجم موارد ارجاع تجاوز به عنف توسط سرویس دادستانی تاج و تخت («نهائی اداری») شد، به این معنی که بدون اقدام علیه مظنونان بسته شدند. در همان نظرسنجی زنان سازمان ملل، تنها ۴ درصد گفتند که این حوادث را به یک سازمان رسمی گزارش کرده‌اند، و ۴۵ درصد از زنان گفتند که باور ندارند گزارش‌دهی به تغییر چیزی کمک می‌کند.

منبع: مجله آنلاین زنان چندملیتی Glamour (منتشر شده توسط انتشارات Condé Nast)، ۲۰۲۱، glamourmagazine.co.uk/article/stop-shaming-victims-of-sexual-crimes



پس لا اقل چهار فایده مهم [بر حجاب مترتب] است که نمی‌توانیم از آنها بگذریم. [متأسفانه،] می‌بینیم بعضی‌ها می‌گویند: «حالا چه فرقی می‌کند که یک پارچه‌ای بر سر یک زن باشد یا نباشد!» یا در جلسه‌ای شنیدم که برخی می‌گفتند: «چون در جامعه به مسائل اقتصادی مبتلا هستیم، الان نباید به مسئله حجاب بپردازیم!» انصافاً اینها ناشی از "عدم حکمت" است. نمی‌خواهم حرف دیگری به این حرف ضمیمه کنم، اما این‌ها حرف‌های ساده‌انگارانه‌ای است. اگر مسئله حجاب در کشور تقویت نشود، این چهار دسته خسارت را حتماً در آینده تحمل خواهیم کرد! نمی‌توانیم بی‌تفاوت باشیم و باید حتماً برای آن برنامه‌ریزی راهبردی داشته باشیم.

We have an epidemic on our hands when it comes to sexual assault, with ۳۲۱,۵۰۰ Americans age ۱۲ and older being sexually assaulted each year.

وقتی صحبت از تجاوز جنسی به میان می‌آید، یک بیماری همه‌گیر در دست داریم، به طوری که سالانه ۳۲۱۵۰۰ آمریکایی ۱۲ ساله و بالاتر مورد تجاوز جنسی قرار می‌گیرند.

منبع: مجله و سازمان رسانه ای Psychology Today آمریکا

psychologytoday.com/ca/blog/the-compassion-chronicles/۲۰۱۸-۰۹/stop-shaming-victims-sexual-assault-not-reporting



۳. سرفصل دوم: شرح معنای "نظام‌سازی" (تعریف)

۳/۱. لزوم توجه و رعایت هم‌زمان به زیرساخت بیانی و غیربیانی عفاف و حجاب؛ معنای

نظام‌سازی برای حجاب و عفاف

محور دوم کمک می‌کند تا به الگویی برای برنامه‌ریزی در حجاب کشور برسیم. ما کلمه "نظام‌سازی" را به عفاف و حجاب اضافه کردیم. چرا این کار را کردیم؟ در ابتدای جلسه اشاره کردیم، می‌خواهیم بگوییم: «مسئله حجاب و عفاف را نمی‌توان صرفاً با تبلیغات، بیان و برنامه بخشی حل کرد؛ برای گسترش عفاف و حجاب، علاوه بر بیان حکیمانه - که بیان علل الشرائع حجاب است - نیازمند زیرساخت‌های غیر بیانی نیز هستیم.»^{۴۰} وقتی یک متفکر و مصلح اجتماعی هم‌زمان به زیرساخت‌های بیانی و زیرساخت‌های غیر بیانی توجه می‌کند، به عبارت ساده می‌توان گفت که او در حال "نظام‌سازی" است و می‌تواند به تحقق این نظام کمک کند.

۳/۱/۱. مثال: لزوم رعایت عوامل غیر بیانی اکرام مهمان (مانند: فراهم آوردن اتاق مناسب برای مهمانی، نوع چینی سفره، پذیرایی بعد از سفره و غیره) در کنار عوامل بیانی (مانند: استفاده از الفاظ متناسب) برای تکریم صحیح یک مهمان

چون مخاطب اصلی این عرایض ما، خانم‌ها و دختران عزیز جامعه ایران هستند، پیش از آنکه به برخی تعابیر تخصصی در معنای نظام‌سازی اشاره کنم، مایلم مثالی را مطرح کنم تا معنای نظام‌سازی واضح‌تر شود. فرض کنید قصد برگزاری مهمانی و تکریم مهمان را دارید. این مهمان، گاه مهمان غریبه‌ای است و گاه اعضای خانواده زن یا شوهر، مجتمعاً یا جداگانه، مهمان شما هستند. وقتی می‌خواهید مهمانی را به صورت استاندارد تعریف کنید، یک قدم کار همواره این است که با مهمان

۴۰. ارجاع پرورشی: یکی از بحث‌های فقهی مهم در فقه نظام، تبیین ارتباط و انعکاس زیرساخت‌های نه‌گانه هدایت در یکدیگر است. همانطور که قبلاً گفته ایم: تلقی صحیح و فقهی از ۹ مسئله ۱- امامت، ۲- تزکیه، ۳- علم، ۴- بیان، ۵- نظم، ۶- فرقان، ۷- عبرت، ۸- مکاسب و ۹- نفی سبیل زیرساخت‌های اصلی هدایت محسوب می‌شوند (بر اساس تتبع فقهی) و هر کدام از این زیرساخت‌های مهم؛ علاوه بر بحث‌های درونی آثاری بر سایر زیرساخت‌ها دارند.



خوش‌برخورد باشید و از کلمات طیب، پاک و بهجت‌آفرین برای مواجهه و استقبال از مهمان استفاده کنید.

بخشی از کار، همین استفاده از الفاظ مناسب است؛ یعنی بخشی از مهمان‌داری، "استخدام الفاظ بیانی" است. اما بخش دیگر کار این است که شما باید سفره خوبی نیز بیندازید؛ یعنی کسی که قصد تکریم مهمان را دارد، تنها به بیان اکتفا نمی‌کند، بلکه درباره سفره و غذایی که در آن است نیز برنامه‌ریزی می‌کند.

یک بخش از کار مهمان‌داری، همین "استخدام الفاظ بیانی" است. اما دیگر کار این است که شما باید سفره خوبی هم بیندازید؛ یعنی کسی که می‌خواهد از مهمانش پذیرایی کند، فقط به بیان اکتفا نمی‌کند، [بلکه] برای سفره و غذایی که روی آن می‌چیند [نیز] برنامه‌ریزی می‌کند. خانم‌ها در این کار استادند؛ حتی به رنگ بشقاب‌ها و لیوان‌ها هم دقت می‌کنند! دقت‌هایی که معمولاً مردها به خرج نمی‌دهند! علاوه بر سفره، به محل برگزاری مهمانی هم حساسیت نشان می‌دهند؛ اینکه مهمانی کجا برگزار می‌شود. فرض کنید اگر خانه، "دار واسعه" است و چند اتاق دارد، - که الان [متأسفانه] نظام مهندسی ما را از "دار واسعه" محروم کرده است و ما در آپارتمان‌ها زندگی می‌کنیم - اتاقی که نور و تهویه بهتری دارد را انتخاب می‌کنید. مثلاً ممکن است غذا کباب باشد و خیلی خوشمزه، اما مکان انداختن سفره هم بسیار مهم است. همین‌طور [به موارد دیگر نیز توجه می‌کنید؛] مثلاً شما می‌گویید پذیرایی بعد از غذا هم اهمیت دارد. [بنابراین،] شروع می‌کنید به لیست کردن مجموعه عواملی [که در تکریم مهمان مؤثرند]. در مسئله اکرام مهمان، فقط به بیان اکتفا نمی‌کنید؛ کارهای "غیربیانی" دیگری هم باید انجام شود تا پدیده اکرام مهمان اتفاق بیفتد که بخشی از آن، بیان است و بخشی از آن "غیربیانی" است. مثلاً نوع غذایی که روی سفره می‌گذاریم، جنس آن، و جایی که سفره را می‌اندازیم، جنس‌اش بیان و کلمات اما در تکریم مهمان تأثیر دارند.



۳/۱/۲. لزوم ارتقاء بحث‌های تبلیغات شهری (عوامل بیانی) در مورد حجاب و عفاف و عبور از عبارات کلیشه‌ای و تکراری و غیر جذاب

چرا این مثال ساده را توضیح دادم؟ گاهی مجبورم ساده‌تر توضیح دهم، مخصوصاً برای دوستانی که می‌خواهند به مسئله عفاف و حجاب ورود کنند یا به مسائل دیگری، اما فقط به بیان و تبلیغات شهری می‌پردازند و به اصطلاح شروع به تولید محتوای رسانه‌ای می‌کنند. گویا این دوستان ما تصور کرده‌اند که بیان به تنهایی برای جا انداختن یک مسئله کفایت می‌کند!

در مثال مهمانی، مسئله خیلی روشن است. در سایر مسائل نیز همین نکته جریان دارد. اگر می‌خواهید مسئله عفاف و حجاب را راه بیندازید، نباید تصور کنید فقط باید بروید به سمت اینکه مثلاً یک فیلم تلویزیونی خوب یا موشن‌گرافی و عکس‌نویشت خوبی بسازید. سال‌ها بود که در تبلیغات شهری مرتبط با حجاب می‌دیدم بنرهایی در سطح شهر نصب می‌شد که روی بعضی نوشته بود «خواهرم حجاب محدودیت نیست، مصونیت است.» همین! انگار جمله دیگری به ذهن‌شان نمی‌آمد. یا مثلاً وقتی وارد بحث می‌شوند می‌گویند «خواهرم حجابیت! برادرم نگاهت!» فکر کنم حدود سی سالی است این جملات را روی در و دیوار شهرها دیده‌ام! یعنی وقتی به بیان هم می‌رسند این اندازه کلیشه‌ای و تکراری و غیر جذاب است که وقتی آدم این کلمات را می‌بیند، حالش یک جور می‌شود. همین موضوع باعث شده عفاف و حجاب در نسل جوان ما جا نیفتد.

بیان باید متحول شود، اما همه چیز که بیان نیست. [عوامل عبارتند از: عوامل بیانی و عوامل غیر بیانی؛ این معنای ساده نظام‌سازی است. نظام‌سازی به صورت ساده به این معناست که: برای تحقق یک مسئله، "بیان و الفاظ و گفتگو" یک بخش از کار است، و یک بخش (بلکه بیشتر) مربوط به "اقدامات غیر بیانی" است.^{۴۱}

۴۱. **ارجاع پرورشی:** یک احتمال برای هدایت این است که ما بگوییم می‌توان هدایت را از طریق بیان فریه کرد. احتمال دوم این است که نقش عوامل غیر بیانی را در تحقق مسأله هدایت ملاحظه کنیم. برای اثبات درست‌بودن دیدگاه دوم عرض کردم که خدای متعال در آیه ۳۹ نحل از کلمه «لَيَّبِينَ لَهُمْ» استفاده می‌کند. در واقع «لَيَّبِينَ لَهُمْ»، یکی از فلسفه‌های برپایی قیامت را بحث می‌کند. چرا خدای متعال قیامت را برپا می‌کند؟ تا «لَيَّبِينَ لَهُمْ» اتفاق بیافتد. اینکه در این آیه از کلمه تبیین استفاده شده است معلوم



می‌شود که تبیین، نتیجه انحصاری مسأله بیان نیست. چون ما وقتی فقه اللغة کلمات را بحث می‌کنیم باید بدانیم که کلمات به کار رفته در قرآن دقیقاً چه معنایی دارند. حال سؤال این است که اگر ما بگویم تبیین کردن [مطالب] برای دیگران فقط محصول کلام و گفتن است چرا خدای متعال در این جا برای بیان یکی از فلسفه‌های قیامت از کلمه «لُیَّبِیْنَ» - که از مشتقات کلمه تبیین است - استفاده کرده است؟ پس پیداست می‌توان کارهای غیر بیانی را منتج به تبیین دانست. در قسمت دیگر آیه فرمود «وَ لِيُعَلِّمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّهُمْ كَانُوا كَاذِبِينَ»؛ [یعنی قیامت را بر ما می‌کنیم] تا اهل کفر بدانند که اهل تکذیب بودند. در اینجا نیز خدای متعال از کلمه «لِيُعَلِّمَ» استفاده کرده است. پس روز قیامت به پا می‌شود تا «لِيُعَلِّمَ» و «لُیَّبِیْنَ» اتفاق بیافتد. در حالی که برپایی روز قیامت، فعلی در دستگاه ربوبی بوده و از سنخ بیان نمی‌باشد.

عرض کردم که از مفاد «بِالْبَيِّنَاتِ الْوَالِئَاتِ» که در آیه ۴۴ سوره نحل آمده است نیز می‌توانیم این استفاده را بکنیم. بینات یعنی معجزات پیامبران. عمده‌تاً معجزات غیر بیانی بودند ولی در این آیه قرآن معجزات به بینات نام‌گذاری شده‌اند، یعنی خاصیت روشن کردن راه و تبیینی دارند. همچنین کلمه بِالْبَيِّنَاتِ در کنار کلمه زُبُر به کار رفته است و زُبُر جمع زبور است. این آیه می‌فرماید پیامبران (را هم با کتاب‌ها و زبورها فرستادیم و هم با بینات. بنابراین پیامبران) هم به وسیله بیان - به معنای کتاب و بیان نظری - راه را تبیین می‌کردند و هم با بینات این کار را انجام می‌دادند. پس بعد از این وقتی شما در قرآن به کلمه تبیین و مشتقات آن برخوردید باید دقت کنید که آیا واژه‌ی تبیین در اینجا نتیجه کلام است یا نتیجه یک امر غیر بیانی.

حالا بنده استدلال دیگری را مطرح می‌کنم. این استدلال چیست؟ اگر ما گفتیم که بیان، به مسائل نظری اختصاص دارد و فریه کردن امر هدایت تنها از طریق نگاه‌های نظری ایجاد می‌شود پس مباحثی که در مورد آثار نظم اجتماعی در ایجاد دیدگاه و نگرش بحث کردیم را چه کار کنیم؟ یعنی وقتی واقعیت‌ها را بررسی کنیم می‌بینیم که بیش از تبیین، موعظه و استدلال؛ نظم حاکم بر یک اجتماع دیدگاه‌ساز و نظریه‌ساز بوده و در ذهن‌ها ایده می‌سازد. به عنوان مثال وقتی شما در محیط خانوادگی‌ای که پدر و مادر آن اهل فضل هستند زندگی می‌کنید رفتار مبتنی بر فضل پدر و مادر، برای شما الهام‌بخش بوده و نگاه جدیدی را در زندگی شما ایجاد می‌کند. به عنوان مثال فرض کنید در دعوای خانوادگی‌ای که تقریباً در تمام خانواده‌ها وجود دارد پدر یا مادری از خود صبوری نشان می‌دهد. در اینجا فرزند که شاهد این صحنه‌ی نزاع است می‌بیند که پدر در اوج این نزاع صبر می‌کند. این موضوع دیدگاهی را در بهینه روابط انسانی به فرزند منتقل می‌کند. نظم اجتماعی و پیشنهادات حکام جامعه برای اداره یک جامعه، منشأ پیدایش دیدگاه و نظریه هستند و نگاه انسان‌ها را تغییر می‌دهند.

اجازه دهید بنده بحث را ملموس‌تر مطرح کنم. به عنوان مثال امروز شما را دعوت می‌کنند تا در جلسه‌ای سخنرانی داشته باشید یا به صدا و سیما بروید. همچنین به شما نیز می‌گویند که موضوع بحث عدالت است و شما نیز بر روی منبر نشسته و راجع به جایگاه عدالت وارد بحث می‌شوید، عدالت را تبیین می‌کنید، تفاوت آن با قسط را نیز بیان می‌کنید؛ اما با توجه به اینکه هم‌زمان با سخنرانی شما مسأله فیش‌های حقوقی و اخبار اختلاس‌ها در جامعه مطرح بوده است و ده اتفاق ضد عدالت دیگر نیز در جامعه رخ داده است مخاطب شما فقط از بیان شما تأثیر نمی‌پذیرد، بلکه تأثیرپذیری او تابعی است از بیان شما و اتفاقاتی که در حوزه فیش‌های حقوقی رخ داده است. لذا بعد از اتمام منبر به شما می‌گویند مسائلی که شما گفتید مسائل خوبی هستند ولی ظاهراً این حرف‌ها برای تریبون‌های نماز جامعه مفید هستند و در جامعه جریان ندارند؛ یعنی حتی اگر شما در برخی از موارد به بیان تنها اکتفا کنید نتیجه بیان شما نه تنها فریه‌شدن امر هدایت نخواهد بود، بلکه امر هدایت در ذهن افراد با چالش بیشتری روبرو می‌شود، یعنی یک سردرگمی ایجاد می‌شود. بنابراین باید سهم‌تأثیر تمام عوامل را در مسأله هدایت بسنجیم. در واقع این نظم اقتصادی جامعه است که مسائلی مانند فیش‌های حقوقی، فاصله طبقاتی، اختلاس‌ها و مسائلی از این دست که نتیجه اقتصاد سرمایه‌داری هستند را ایجاد می‌کند. بنابراین این نظم اقتصادی به هم‌ریخته و بیان بر ذهنیت‌ها اثر می‌گذارد، یعنی عوامل مؤثر بر هدایت در یکدیگر ضرب می‌شوند و پس از آن هدایت در ذهن‌ها شکل می‌گیرد.



۳/۱/۳. عدم درک درست از زیرساخت‌های غیربیانی؛ علت پیش‌رفت مسئله حجاب و عفاف در کشور

لذا ما اینجا سوالی مطرح می‌کنیم: دست‌اندرکاران حوزه عفاف و حجاب، ابتدا گزارشی از عوامل غیر بیانی موثر بر مسئله حجاب به جامعه بدهند، تا ما بتوانیم میزان موفقیت برنامه‌ریزی‌های آن‌ها را ارزیابی کنیم. احصاء دقیق و بهره‌برداری درست از عوامل غیر بیانی، بسیار حائز اهمیت است.

البته من دیده‌ام برخی افراد، به صورت ناقص به بحث [از عوامل غیر بیانی] می‌پردازند. مثلاً می‌گویند که گرانی قیمت چادر، یک اقدام غیر بیانی و کودتایی عملی علیه بانوان باحجاب است، در حالی که لباس‌های عریان، مانتوهای جلو باز و انواع و اقسام البسه‌ای که مبتنی بر عفاف و حجاب نیست، ارزان‌تر هستند.^{۴۲} این [تحلیل]، اگرچه توجهی اولیه به اقدامات غیر بیانی دارد، اما آیا تمام اقدامات غیر بیانی همین است؟! این، نکته بحث است!

... تربیت عمدتاً یک مسأله غیر بیانی است. تربیت خصوصاً در دوره‌های اول تربیت که از انتخاب همسر تا تولد است کاملاً غیر بیانی می‌باشد. در دوره‌های بعدی نیز نقش بیان در مسأله تربیت، نقشی فرعی است و همواره مسأله تربیت و ترکیه ناشی از مسائل غیر بیانی مانند رزق حلال، نیت پاک و ... است. بنابراین وقتی شما می‌خواهید هدایت را فربه کنید باید بدانید که یکی از عوامل غیر بیانی، دوران تربیت است. اگر جامعه‌ای فقط و فقط بر روی دوران تربیت تحفظ کند زمینه هدایت‌یافتگی نسل آینده ارتقا پیدا می‌کند. یکی از مشکلاتی که با برخی از افراد جامعه داریم این است که سطح هوش پایینی دارند و هرچقدر بخواهید برای او توضیح دهید، هم شما خسته می‌شوید و هم آنها. در حالی که اگر در دوران اول تربیت با مدیریت الگوی تغذیه، مادرها کندر مصرف می‌کردند بچه‌ها باهوش‌تر می‌شدند و افزایش زکاوت نیز زیرساخت بیانی خواهد بود که انسان‌ها در دوره استقلال عقلی خواهند داشت. بنابراین عواملی وجود دارد که ما از آنها به عوامل غیر کلامی و غیر بیانی تعبیر می‌کنیم. تمام این موارد در یکدیگر ضرب می‌شوند و هدایت در جامعه شکل می‌گیرد.

حجت الاسلام علی کشوری، مکتوب سلسله جلسات تبیین مفهوم برنامه‌ریزی بر مبنای مفاهیم اولین نقشه الگوی پیشرفت اسلامی، ج ۳،

ص ۴۳ الی ۵۱، دانشگاه صنعتی شریف، آبان و آذرماه ۱۳۹۵

کتابخانه مدرسه هدایت

eitaa.com/ketab_olgou/۱۳۰

۴۲. **ارجاع پرورشی:** اسدالله سلیمانی (مدیرعامل انجمن عفاف و حجاب) در گفت‌وگو با باشگاه خبرنگاران جوان: مشکل از آنجا شروع می‌شود که ما بعد از انقلاب در حوزه پوشش‌های اسلامی کار نکردیم. متولیان این امر از جمله اتحادیه‌ها و مجامع عموم صنفی به هر دلیل در این رابطه فعالیت نکردند. شاید یکی از دلایلی که بنیاد ملی مد و لباس زیر نظر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تشکیل شد، ساماندهی مد و لباس‌های روز و جبران همین کم کاری بود.



بعضی‌ها می‌پرسند: «چرا با این همه گفتگو در کشور درباره عفاف و حجاب، کار جلو نمی‌رود؟» چرا با اینکه این همه در کشور درباره عفاف و حجاب گفتگو می‌شود، کار جلو نمی‌رود؟ من می‌خواهم در این جلسه به این سؤال جواب بدهم. می‌گویم چون کسانی که گفتگو و برنامه‌ریزی می‌کنند ظاهراً درک درستی از زیرساخت‌های غیر بیانی موثر بر مسئله عفاف و حجاب ندارند. ظاهر قضیه این است. دقیق نمی‌گویند که ریشه‌های بی‌حجابی و کشف حجاب و تضعیف حجاب چیست؛ اینها را دقیق بررسی نمی‌کنند.

بنیاد ملی مد و لباس اوایل خوب کار کرد و طی فعالیت‌هایش طراحان و تولیدکنندگان عفاف و حجاب هم خوب دیده شدند؛ اما مدتی بعد، از حوزه عفاف و حجاب و خط اصلی کاری خود دور شد. دلیلش هم این بود که در کشور ما در ارتباط با پوشش‌های اسلامی اهمیاتی وجود ندارد. وقتی در جلسه‌ای ۱۸ میلیارد دلار برای مواد خوراکی، حیوانات، کلاه گیس، موبایل و ... ارز تخصیص داده می‌شود، اما از تخصیص ارز برای لباس و چادر که ۹۳ درصد آن وارداتی است صحبت به میان نمی‌آید، یعنی دغدغه‌ای برای آن وجود ندارد. مواد اولیه تولیدکنندگان لباس و چادر سال گذشته ۱۲۵۰۰ تومان بود؛ در حالی که امسال به ۳۶ هزار تومان رسید. یعنی سه برابر شده است. نتیجه این افزایش قیمت به ضرر تولیدکننده و مشتری تمام می‌شود؛ به طور مثال یک خانم محجبه که سال گذشته یک چادر را ۱۵۰ هزار تومان می‌خرید، امسال باید آن را ۵۰۰ هزار تومان بخرد! در نتیجه این سیاست را فقط می‌توان کشف حجاب نرم نامید.

من به طور مستقیم با مشتری‌ها، دبیرستان‌های دخترانه و دانشگاه‌ها ارتباط دارم. باید بگویم گناه کسانی که به دلیل گرانی چادر را زمین می‌گذارند، بر گردن مسئولی است که به همه چیز ارز تخصیص می‌دهد اما به چادر نه. هدف ما کمک به عملی کردن توصیه دین برای حفظ حجاب است. من به طور مستقیم با مشتری‌ها، دبیرستان‌های دخترانه و دانشگاه‌ها ارتباط دارم. باید بگویم گناه کسانی که به دلیل گرانی چادر را زمین می‌گذارند، بر گردن مسئولی است که به همه چیز ارز تخصیص می‌دهد اما به چادر نه. هدف ما کمک به عملی کردن توصیه دین برای حفظ حجاب است.

من از زحمات دست‌اندرکاران بنیاد مد و لباس تشکر می‌کنم؛ اما حقیقت این است که ما در کف بازار مدل‌ها و لباس‌های اسلامی را نمی‌بینیم. ۲۳۰ هزار شهید دادیم که ۱۷۰ هزار نفر از آن‌ها در وصیتنامه‌هایشان نوشته‌اند «خواهرم حجاب تو سنگر من است، پس سنگرت را حفظ کن» و یا «حجاب تو از خون من برنده‌تر است». باید کاری کنیم که چادر به عنوان کالای فرهنگی در جامعه شناخته شود. از نتایج گرفته تا مسئولان آمریکا همگی می‌گویند تا زمانی که چادر بر سر زنان ایرانی است ما نمی‌توانیم با ایران کار داشته باشیم. من در گوشه بازار این حرف را می‌شنوم و درک می‌کنم. چطور مسئولان این را درک نمی‌کنند؟ امروز به عنوان فردی که عمر و جوانی‌ام را برای انقلاب گذاشته‌ام، دوست ندارم بازیچه دشمن شوم. ما یکسری اهداف برای انقلاب داشتیم؛ یکی از انگیزه‌های نسل ما برای تظاهرات این بود که می‌گفتیم فساد همه جا را دربرگرفته است. اگر قرار باشد بی‌بند و باری به زمان قبل از انقلاب برگردد، پس تکلیف جوانی ما و خون شهیدان چه می‌شود؟



این نکته^{۴۳} مصادیق مختلفی دارد. مثلاً سهم زیادی را به سلبریتی‌ها می‌دهند. می‌گویند: سلبریتی‌ها الگو شده‌اند. می‌گویند: جشنواره فجر^{۴۴} ویترونی شده است برای لباس‌های جدید و تزئینات خلاف عرف و خلاف عفاف و حجاب. باز [دقیق] نگاه می‌کنیم، دارند به نقش سلبریتی‌ها و به بیان آنها تکیه می‌کنند. ظاهراً به لحاظ زیرساختی، ما در اذهان درک روشنی از عوامل غیر بیانی نداریم. عرض من این است.

فقط در مسئله حجاب و عفاف مشکل‌ساز نشده است؛ در همه مسائل این‌گونه است. مثلاً وقتی قرار است معماری و ساختمان را جلو ببریم، فقط به تبیین تفاوت‌های مجتمع‌های آپارتمانی و دار و اسعه و خانه حیاط‌دار می‌پردازیم. اساساً تمدن مدرنیته [این ویژگی را دارد که] وزن اصلی القائات و جا انداختن‌هایش، بحث‌های بیانی، رسانه‌ای و تبلیغاتی است. من عرض می‌کنم اگرچه بحث تبلیغات و بیان و القائات زبانی خیلی مهم است، ولی نباید نقش زیرساخت‌های غیربیانی را [دست] کم گرفت. باید همه آن‌ها را احصا کرد.

۳/۲. زیرساخت‌های نه‌گانه هدایت؛ مصادیق نظام‌سازی (عوامل بیانی و غیربیانی) برای

حجاب و عفاف

۳/۲/۱. بیان + فقه‌الامام (مسئله مدیریت و سیاست‌گذاری)، فقه‌النظم (نظم کلان جامعه)، فقه‌المکاسب (کسب و روزی حلال، مبارزه با رباخواری بانک‌ها! و...)، فقه‌التزکیه (تزکیه درونی مردم، الگوی تغذیه و...); مصادیقی از زیرساخت‌های نه‌گانه هدایت

به تعبیر فنی، نظام‌سازی نه‌زیرساخت دارد، و یکی از آن زیرساخت‌ها، مسئله بیان است. برای تحقق عفاف و حجاب یا هر مسئله دیگری، همه این نه‌زیرساخت باید مورد توجه قرار گیرند. این نه‌

۴۳. عدم توجه گفتگوکنندگان و برنامه‌ریزان در حوزه حجاب و عفاف به عوامل غیر بیانی.

۴۴. انتقال از متن: این جشنواره فجر هم فقط اسم آن جشنواره فجر است. ما که هر سال می‌خواهیم فیلم‌ها را نقد و بررسی کنیم، می‌بینیم مفاهیم انقلاب اسلامی خیلی در آنها کمرنگ است.



مورد، همان تقسیمات "فقه هدایت" است که نه زیرساخت نظام‌سازی را بحث می‌کند.^{۴۵} مثلا "فقه‌الامام"، بحث‌های سیاست‌گذاری و مدیریت موثر بر مسئله را شامل می‌شود. یا "فقه‌النظم"؛ نظم کلان جامعه موثر بر مسئله را در بر می‌گیرد. "فقه‌المکاسب"؛ مکاسب یک جامعه، [بر مسئله] موثر می‌داند؛ اگر خدای ناکرده یک جامعه اهل ربا و حرام‌خوار باشد - که بانک‌ها غلط می‌کنند هر روز دارند این کارها را می‌کنند - نباید انتظار زیادی داشته باشید که انسان‌ها فرمایشات انبیاء علیهم‌السلام را درست درک کنند. مسئله مکاسب و روزی حلال، زیرساخت غیر بیانی بسیاری از امور است. متأسفانه خود بانک‌ها در جمهوری اسلامی دارند غلط می‌کنند و به مردم ربا می‌دهند! لذا شما فکر نکنید اگر آمدید فقط برای حجاب و عفاف برنامه‌ریزی کردید، حجاب و عفاف محقق خواهد شد؛ خیر! حتما باید شروع به جمع کردن "ربا" کنید. به "سازمان اوج" تبریک می‌گوییم که بالاخره ورود کرد و این دیوارنوشته میدان ولیعصر - که البته آن را پایین آوردند^{۴۶} - با مضمون «بانک‌ها غلط

۴۵. برای مطالعه زیرساخت‌های ۹ گانه هدایت به "پیوست ۲" مراجعه نمایید.

۴۶. **ارجاع پردازشی:** ۲۷ شهریور بود که خبر رونمایی از دیوارنگاره میدان ولیعصر پایتخت بار دیگر منتشر شد اما این بار با محتوایی که تذکر رهبر انقلاب به بانک‌ها را برای مردم پررنگ می‌کرد؛ شعار این دیوارنگاره «بانک‌ها غلط می‌کنند با پول مردم بنگاهداری کنند»، جمله‌ای از رهبر انقلاب است که در سال ۹۷ خطاب به مسئولان دولت‌ها گفته شده است. علی‌بایردی، مسئول آتلیه گرافیک خانه طراحان انقلاب اسلامی وابسته به سازمان اوج درباره دیوارنگاره «بانک ملاًک» که در میدان ولیعصر (عج) نصب شده بود، توضیح داد: درست است که معضلات بخش مسکن، تماما به بانک‌ها بر نمی‌گردد اما مقصر بخش عظیمی از گرانی مسکن، بانک‌ها هستند. از این رو بحث بنگاهداری که رهبر معظم انقلاب هم به آن اشاره کردند، باعث شد اعداد و ارقام‌های زیادی در این زمینه بازتشر داده شود. به عنوان مثال مجتبی یوسفی، عضو کمیسیون عمران مجلس چندی پیش اعلام کرده بود سه بانک مسکن، ملت و ملی درحال حاضر بیش از ۳۰ هزار خانه خالی دارند. اتفاقی که خود به تنهایی هم باعث رکورد بازار مسکن شده و هم به گرانی آن دامن می‌زند.

پایان یک انتقاد و سکوت بانک‌ها: درواقع مسئولان مرتبط با این دیوارنگاره تصمیم گرفته بودند به موضوع بنگاهداری بانک‌ها و آسیب زدن این موسسات به اقتصاد کشور پردازند اما صبح جمعه ۳۱ شهریور و تنها چند روز پس از نصب این دیوارنگاره در اتفاقی عجیب، اخباری مبنی بر جمع‌آوری آن در فضای مجازی پیچید و کاربران از قلدری بانک‌ها و فشاری که آنها برای برداشته شدن این دیوارنگاره وارد کرده بودند، سخن گفتند. آن‌طور که خبرنگار ما کسب اطلاع کرده، بانک‌ها فشار زیادی برای جمع شدن این دیوارنگاره وارد آوردند! از این رو با علیرضا قیطاسی، دبیر شورای هماهنگی بانک‌های دولتی و محمدرضا



می‌کنند» را آنجا نصب کرد. رباخواری مردم توسط بانک‌ها و گسترش روزی حرام در بین مردم، زیرساخت بسیاری از مسائل ما در حوزه‌های سیاسی و فرهنگی است، که البته بانک‌ها غلط می‌کنند که این کارها را همیشه انجام می‌دهند!

بنابراین، باید درباره‌ی زیرساخت‌های غیربیانی بحث کرد. یکی از این زیرساخت‌های غیربیانی، "فقه‌التزکیه" است. میزان تزکیه درونی افراد که به الگوی تغذیه آن‌ها وابسته است، تأثیر بسزایی بر مسیر حرکت جامعه دارد. پس، باید به احصای دقیق زیرساخت‌های غیربیانی پرداخت.

در مجموع، از منظر نظری و تتبع فقهی، نظام‌سازی بر نه پایه استوار است. هرگاه برای موضوعی برنامه‌ریزی می‌کنیم، منظورمان برنامه‌ریزی همه‌جانبه‌ای است که به این نه زیرساخت

جمشیدی، دبیر کانون بانک‌های خصوصی تماس گرفتیم اما پاسخ ندادند. این در حالی است که اغلب کارشناسان اقتصادی، مشکل اصلی اقتصاد را ناترازی بانک‌ها می‌دانند که این موضوع، ناشی از بنگاهداری این بخش است. زمانی هم که ناترازی اتفاق می‌افتد، بانک‌ها با اضافه‌برداشت از بانک مرکزی به تورم دامن می‌زنند که همه مردم باید آن را تحمل کنند. در واقع بانک‌ها با توجیه این که قیمت تمام‌شده پول برای‌شان بالاست و باید با نرخ پایین‌تر تسهیلات بدهند، اقدام به بنگاهداری می‌کنند که این موضوع خلاف قانون است. به نظر می‌رسد وزارت امور اقتصادی و دارایی و همچنین بانک مرکزی باید با بنگاهداری بانک‌ها برخورد کنند و حضور این بخش در فعالیت‌های اقتصادی محدود شود.

غلط بانکی: رهبر معظم انقلاب شهریور سال ۹۷ در دیدار با اعضای هیات دولت فرمودند: نظارت بانک مرکزی بر بانک‌ها موجب می‌شود که به این وضع نرسند - اگر چنانچه نظارت مستمری از اول وجود داشته باشد - وقتی هم که به این زمینه رسید، بالاخره باید با بانک برخورد بشود. این همه بانک خصوصی! بانک‌ها چرا مشکل نقدینگی پیدا می‌کنند؟ برای خاطر این که شعبه زیاد می‌کنند، برای این که آسایشگاه برای افراد خودشان [درست می‌کنند]. این را من یک وقتی به جنابعالی هم گفتم که بنده در تهران با ماشین از یک جایی عبور می‌کردم، یک دیوار طولانی بود که همین‌طور که با ماشین رفتیم، دائم دیدیم این دیوار هست، هست، هست؛ من پرسیدم این مال کیست؟ چیست اینجا به این بزرگی؟ یک تشکیلات عظیمی [بود]! گفتند بله، برای بانک فلان است. خب این بانک غلط می‌کند که یک چنین کاری را [کرده]، می‌خواهد چه بکند این را؛ یعنی واقعا این چیز مهمی است، پول‌های مردم را می‌گیرند و این‌جوری امکانات درست می‌کنند؛ حالا این که یک تشکیلاتی است که لابد برای تفریح و مانند این حرف‌ها است؛ نه، بانک‌ها بنگاهداری می‌کنند. بنده همین‌جا در همین جلسه یک بار گفتم که جلوی بنگاهداری بانک‌ها را بگیرید؛ بانک برای بنگاهداری که نیست.

منبع: روزنامه جام جم

<https://www.jamejamdaily.ir/Newspaper/item/۲۰۵۶۶۸>

خبرگزاری مشرق نیوز، ۳ مهر ۱۴۰۲

mashregnews.ir/news/۱۵۲۹۸۶۴



توجه کند. وقتی می‌گوییم: «تک‌بعدی نروید»، یعنی به این‌نُه محور اساسی توجه کنید. «نظام‌سازی» با «سیستم‌سازی»^{۴۷} تفاوت اساسی دارد؛ یعنی عناوین زیرساخت‌های نظم را نمی‌توان با متغیرهای سیستم برابر دانست. این موضوع را در بحث‌های دیگری به تفصیل شرح داده‌ام.^{۴۸}

۴۷. **ارجاع پرورشی: نگرش سیستمی به دین:** دنیا جایگاه زندگی، و دین، ارائه‌دهنده شیوه زندگی برتر در دنیاست. زندگی برتر جز در سایه تمدن، یا همان طراحی سیستم‌ها و نظام‌های اجتماعی مطلوب ممکن نیست. تمدن اسلامی و خدامحور، آن‌گاه برپا می‌شود که همه سیستم‌های زندگی، اعم از قضایی، دفاعی، حقوقی، فرهنگی، سیاسی و...، در یک شبکه پیوسته هماهنگ با فرامین خدا تنظیم شود. کتاب نگرش سیستمی به دین، می‌کوشد با تبیین دین سیستمی و سیستم‌سازی دینی، ظرفیت برنامه‌سازی دین و پایه‌های الگوهای تمدن اسلامی را ترسیم کند.

نگرش سیستمی به دین / مولف: حجت الاسلام عبدالحمید واسطی، / مدیر موسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلامی

shop.isin.ir/product/نگرش-سیستمی-به-دین

مطالعه بیشتر:

ensani.ir/fa/article/۷۸۲۷۲/نگرش-سیستمی-به-دین

۴۸. **ارجاع پرورشی: تفاوت نظام‌سازی و سیستم‌سازی:** مراد ما از نظام‌سازی، سیستم‌سازی نیست. سیستم‌سازی به معنای نظام متغیرهایی است که ممکن است آن متغیرها، انسان یا شیء یا ترکیبی از انسان و شیء باشد. در سیستم، انسان نیز جزئی از سیستم است و گاهی اوقات اگر سیستم اتوماتیک باشد انسان حذف می‌شود و تبدیل به ناظر سیستم می‌گردد و البته گاهی اوقات انسان جزئی از سیستم است. یک انسان ناظر سیستم داریم و یک انسان جزو سیستم داریم. ما به دنبال سیستم‌سازی نیستیم ما به دنبال نظام‌سازی هستیم و مراد ما از نظام‌سازی هماهنگی میان انسانها و اراده‌ها است.

به تعبیر صحیح امام: «نظم مابینکم»، «فصل مابینکم»، «حکم مابینکم» ببینید بالاخره باید یک حکمی در روابط انسانی تنظیم شود، یک داوری باید صورت گیرد تا یک نظمی به وجود بیاید. امام سه عبارت را فرمودند «فصل» و «نظم» و «حکم» که باید بحث شود. فصل در موارد اختلاف است، حکم قاعده اصلی در روابط است و نظم هم نتیجه آن دو است؛ یعنی یک چنین خاصی ایجاد می‌شود.

پس ابتدائاً بدانیم موضوع بحث چیست؛ موضوع بحث ما این است که به دنبال تنظیم روابط میان انسانها هستیم و زمانی که کلمه نظام‌سازی را به کار می‌بریم، یعنی قائل هستیم که انسانها نمیتوانند ذیل هر حکم و قاعده‌ای در همه حوزه‌ها ارتباطات خود را با یکدیگر تنظیم کنند. با توجه به این معنا بنده متعجب هستم که بعضی می‌گویند اسلام نظام ندارد! اتفاقاً همه اسلام نظام است و همه آن تنظیم روابط انسانی است. چرا بعضی تفوه می‌کنند که فقه اسلام نظام ندارد و فقط احکام جزئی است؟! مگر احکام جزئی چیزی غیر از تنظیم روابط انسانی است؟ اتفاقاً تمامی تنظیم روابط انسانی در نظر ما در همین حکمی است که شما با حالت تحقیر به آن حکم جزئی می‌گویید؛ نه اتفاقاً اگر مورد توجه قرار گیرد، دقیقاً لولای مسئله است و روابط انسانی را به راحتی تنظیم میکنند و اتفاقاً اگر از آن حکم عدول کنید، به چالش و اصطکاک میان انسانها میرسیم. این یک بحث است. بنده نظر خود - و نظریه مختار نقشه الگوی پیشرفت اسلامی - را بحث کردم که وقتی می‌گوییم نظام‌سازی، یعنی تنظیم روابط انسانی به شکلی صحیح. مراد ما در تمامی حوزه‌ها همین است و نه در یک بخش خاص.



پس وقتی می‌گوییم "نظام‌سازی برای عفاف و حجاب"، منظورمان برنامه‌ریزی نه‌بعدی برای این مسئله عفاف و حجاب است. [یا مثلاً] وقتی می‌گوییم "نظام‌سازی برای جمعیت"، یعنی برای جمعیت نه‌بعدی برنامه‌ریزی شود. این بحث در عناوین "زیرساخت‌های هدایت" در بحث‌های الگوی پیشرفت، عنوان رایجی است و می‌توانید به آن مراجعه کنید. در اینجا قصد ندارم به شرح مفصل آن بپردازم.

دیگران هم اگر می‌خواهند بحث کنند و بگویند اسلام نظام دارد یا اسلام نظام ندارد، از ایشان خواهش می‌کنم که ابتدائاً مرادشان از معنای نظام‌سازی را به شکل استظهاری بحث کنند یا اگر قائل به استظهار هم نیستند و مسئله برایشان بدیهی است حداقل عقلائی و استدلالی بحث کنند که اگر می‌گوییم فقه نظام ندارد مرادمان این معناست و گرنه اگر قرار باشد نظام مشترک لفظی بین چند معنا باشد، در گفتگوهای علمی نمیتوانیم به جمع‌بندی برسیم؛ این عرایض بنده است.

حالا توضیح خواهم داد که تنظیم روابط انسانی یا به تعبیر دیگر نظام‌سازی چگونه اتفاق می‌افتد. آیا نظام‌سازی در اسلام قواعد خاصی دارد یا خیر و اگر قواعد خاصی دارد آن قواعد چیست؟ چگونه به سمت تنظیم روابط انسانی برویم؟ این را انشاءالله در قالب الگوی ساخت توضیح می‌دهم. همانطور که در جلسات مختلف عرض کردم: الگوی ساخت، الگوی نظام‌سازی اسلامی یا الگوی تنظیم روابط انسانها است.

حجت الاسلام کشوری، تبیین الگوی ساخت، مشهد مقدس، ۱۰ اسفندماه ۱۳۹۷، قرارگاه فرهنگی ولی امر

منبع: کانال کتابخانه مدرسه هدایت

https://eitaa.com/ketab_olgou/16

قابل ذکر است در این مکتوب (الگوی ساخت (الگوی نظام‌سازی اسلامی)) به چهار مساله پرداخته شده است: (۱) مراد از نظام‌سازی در نگاه الگوی پیشرفت اسلامی. (۲) تفاوت نظام‌سازی با سیستم‌سازی. (۳) تفاوت نظام‌سازی اسلامی با مباحث آینده‌پژوهی و SWOT. (۴) اصول سه‌گانه حاکم بر نظام‌سازی.

جهت مطالعه بیشتر در مورد «الگوی ساخت»؛ می‌توانید به دو مکتوب دیگر مدرسه هدایت در باره این موضوع در کانال کتابخانه مدرسه هدایت در پیام‌رسان ایتا مراجعه بفرمایید:

(۱) الگوی ساخت نظامات اسلامی (نشست مقدماتی الگوی ساخت) - ۱۶ بهمن ۱۳۹۷ - قم مقدس. در این مکتوب به سه بحث پرداخته شده است: (۱) مقدمات سه‌گانه ورود به مباحث الگوی ساخت: بازخوانی تاریخ نظام‌سازی توسط علماء شیعه. (۲) بررسی تاریخ سیستم‌سازی در غرب، فهم و معایب آن. (۳) فهم معنای نظام‌سازی اسلامی.

لینک دریافت متن کامل جزوه از کانال کتابخانه مدرسه هدایت در پیام‌رسان ایتا:

eitaa.com/ketab_olgou/15

(۲) تبیین الگوی ساخت - ۱۴ خرداد ۱۳۹۸ - بنیاد خاتم - قم مقدس - ۴۲ صفحه. مباحث مطرح در این مکتوب: (۱) نقشه الگوی پیشرفت در امتداد اجتماعی تفکر اسلامی. (۲) چگونگی ایجاد نظم مدرن در جامعه توسط تفکر سیستمی. (۳) چگونگی ایجاد نظام مقایسه بین نظریات فقهی و نظریات پوزیتیستی. (۴) جایگاه الگوی تفصیل در تثبیت نظریات فقهی.

لینک دریافت متن کامل جزوه از کانال کتابخانه مدرسه هدایت در پیام‌رسان ایتا:

eitaa.com/ketab_olgou/17





۴. سرفصل سوم: نظامات (عوامل زیرساختی) مورد نیاز برای تحقق مسئله حجاب و

عفاف

از این عناوین زیرساختی برای حجاب، پنج مورد را بحث می‌کنم. این پنج مورد، همه ریشه‌های بی‌حجابی هستند. سعی می‌کنم به حیث ریشه‌بودنشان هم اشاره کنم.

۴/۱. زیرساخت تغذیه؛ اولین زیرساخت مورد نیاز برای تحقق حجاب و عفاف

اول، مسئله غذای جامعه [است]. اگر کسی می‌خواهد عفاف و حجاب در جامعه گسترش پیدا کند، باید برای مسئله غذا برنامه‌ریزی کند. غذا چه تأثیری دارد؟ طبق راهنمایی‌های اهل بیت علیهم‌السلام، ما در مسئله غذا، علاوه بر دستیابی به قوت بدن، دستیابی به رذائل و فضائل و دستیابی به فهم را هم از آثار غذا می‌دانیم.

۴/۱/۱. ارزیابی ناقص غذا در تمدن مدرنیته بر اساس مولکول‌های زیستی

مدل ارزیابی غذا در تمدن مدرنیته، بر اساس مولکول‌های زیستی^{۴۹} است و مدل بسیار معیوبی است. در این مدل موجود، برای دفاع از یک غذا یا بیان عیوب آن، به محوریت مولکول‌های زیستی و حیاتی بحث می‌شود.^{۵۰} به عنوان مثال، گوشت را با پروتئین، یک مولکول زیستی، معرفی می‌کنند.

۴۹. **ارجاع پرورشی:** Any molecule that is involved in the maintenance and metabolic processes of living organisms Biomolecules include carbohydrate, lipid, protein, nucleic acid, and water molecules. هر مولکولی که در نگهداری و فرآیندهای متابولیک موجودات زنده نقش دارد. مولکول‌های زیستی شامل کربوهیدرات، لیپید، پروتئین، اسید نوکلئیک و مولکول‌های آب هستند.

منبع: پایگاه علمی Oxford Reference

oxfordreference.com/display/10.1093/oi/authority.20110803095507347

۵۰. **ارجاع پرورشی:** Functional foods are considered as healthy supplements correctly added to a balanced diet and an active lifestyle.

In the last years, several foods have been reported to be a rich source of bioactive molecules, called "nutraceuticals"; these molecules are able to modulate several biological processes, and to improve the clinical effects of numerous pathologies. Nutraceuticals are typically bioactive proteins and peptides with a high-degree oral bioavailability; importantly, such molecules may retain antihypertensive, anti-inflammatory, and immunomodulatory properties, and may decrease the incidence of metabolic disorders and some types of cancer.



همین رویکرد در ذهن ما نیز نهادینه شده است؛ وقتی می‌خواهیم به کیفیت گوشت فکر کنیم، به میزان پروتئین آن توجه می‌کنیم. یا برای ارزیابی لبنیات، به کلسیم به عنوان یک مولکول زیستی معدنی حیاتی بحث می‌کنیم؛ کلسیم یک مولکول حیاتی و مولکول زیستی به معنای عام است. حتی برای [ارزیابی] خیار [برای اینکه] بگوییم خیار خوب است یا بد است، به ویتامین‌های آن به عنوان ریزمغذی‌های زیستی استناد می‌شود. ویتامین‌ها جزوی از ریزمغذی‌ها هستند و در کنار درشت مغذی‌ها،^{۵۱} جزو مولکول‌های زیستی هستند. الان وضعیت ارزیابی غذا در ذهن ما این‌گونه است؛ یعنی ناقص ارزیابی می‌کنیم.

غذاهای کاربردی به عنوان مکمل‌های سالمی در نظر گرفته می‌شوند که به درستی به یک رژیم غذایی متعادل و یک سبک زندگی فعال اضافه می‌شوند. در سال‌های گذشته، چندین غذا به عنوان منبع غنی از مولکول‌های فعال زیستی به نام «مواد مغذی» گزارش شده‌اند. این مولکول‌ها قادر به تعدیل چندین فرآیند بیولوژیکی و بهبود اثرات بالینی آسیب‌شناسی‌های متعدد هستند. مواد مغذی معمولاً پروتئین‌ها و پپتیدهای فعال زیستی با فراهمی زیستی خوراکی با درجه بالا هستند. مهمتر از همه، چنین مولکول‌هایی ممکن است خواص ضد فشارخون، ضد التهابی و تعدیل‌کننده ایمنی را حفظ کنند و ممکن است بروز اختلالات متابولیک و برخی از انواع سرطان را کاهش دهند.

پروژه تحقیقاتی "تأثیر بالقوه غذاهای غنی شده با مولکول‌های زیستی عملکردی بر سلامت انسان: یک کارآزمایی بالینی تصادفی کنترل

شده"، همکاری ۹ نفر، مجله بین‌المللی علوم پزشکی، ۲۰۲۲

کتابخانه ملی پزشکی ایالات متحده آمریکا (NLM) زیر نظر مرکز ملی اطلاعات بیوتکنولوژی (NCBI)

ncbi.nlm.nih.gov/pmc/articles/PMC8964315/

مطالعه بیشتر:

پروژه تحقیقاتی "بیومولکول‌های ضروری در شبکه‌های غذایی"، ۲۰۱۹

مجله مرزها در اکولوژی و تکامل (Frontiers in Ecology and Evolution)

frontiersin.org/journals/ecology-and-evolution/articles/10.3389/fevo.2019.00269/full

۵۱. **ارجاع پرورشی:** ریز مغذی‌ها و درشت مغذی‌ها:

macronutrient / biology: ...The dietary intake of energy-containing macronutrients, including carbohydrates, cholesterol, fat, fibre, saturated fatty acids, potassium, protein, and sodium. In the United States the DRVs for adults and children over age four, based on a diet of ۲,۰۰۰ calories per day, are ۶۵ grams of fat (or about ۳۰ percent of all calories)

درشت مغذی / زیست‌شناسی: ... دریافت درشت مغذی‌های حاوی انرژی از جمله کربوهیدرات‌ها، کلسترول، چربی، فیبر، اسیدهای چرب اشباع، پتاسیم، پروتئین و سدیم. در ایالات متحده، DRV برای بزرگسالان و کودکان بالای چهار سال، بر اساس رژیم غذایی ۲۰۰۰ کالری در روز، ۶۵ گرم چربی (یا حدود ۳۰ درصد از چربی) است.

منبع: دانشنامه بریتانیکا

britannica.com/science/macronutrient



۴/۱/۲. ارزیابی غذا بر اساس ادبیات مترقی اهل بیت علیهم السلام (زیرساخت قوت، فهم و فضائل انسان)؛ یکی از

زیرساخت‌های تحقق حجاب و عفاف

اما در ادبیات اهل بیت علیهم السلام، از غذا با مفاهیم مترقی‌تری دفاع می‌کنند. بله؛ یک محور دفاع از غذا، "قوت و ضعف" است. [البته] اهل بیت علیهم السلام، قوت و ضعف را هم به محوریت مولکول‌های زیستی بحث نمی‌کنند، ولی در مجموع، قوت و ضعف از آثار غذا است.^{۵۲}

از آثار دیگر غذا، گسترش فهم است؛ یعنی شما می‌توانید با الگوی تغذیه غلط، فهم افراد را دچار اختلال کنید. بنابراین، وقتی ما مبتلا به غذایی شدیم که فهم را کاهش می‌دهد، وقتی فهم کاهش پیدا کرد، فهم گزاره‌های انبیاء علیهم السلام - از جمله، گزاره‌های عفاف و حجابی - هم برای بعضی افراد سخت می‌شود.

ریزمغذی: trace element / biology / Also known as: micromineral, micronutrient, trace mineral

Trace element, in biology, any chemical element required by living organisms in minute amounts (that is less than ۰.۱ percent by volume [۱,۰۰۰ parts per million]), usually as part of a vital enzyme (a cell-produced catalytic protein).

Exact needs vary among species, but commonly required plant trace elements include copper, boron, zinc, manganese, and molybdenum. Animals also require manganese, iodine, and cobalt. Lack of a necessary plant trace element in the soil causes deficiency diseases; lack of animal trace elements in the soil may not harm plants, but, without them, animals feeding solely on those plants develop their own deficiency diseases.

عنصر کمیاب / زیست‌شناسی / همچنین به عنوان: ریزمعدنی، ریزمغذی، معدنی کمیاب شناخته می‌شود
عنصر کمیاب، در زیست‌شناسی، هر عنصر شیمیایی مورد نیاز موجودات زنده در مقادیر جزئی (که کمتر از ۰.۱ درصد حجمی [۱۰۰۰ قسمت در میلیون] است)، معمولاً به عنوان بخشی از یک آنزیم حیاتی (یک پروتئین کاتالیزوری تولید شده در سلول).
نیازهای دقیق در بین گونه‌ها متفاوت است، اما عناصر کمیاب گیاهی معمولاً مورد نیاز شامل مس، بور، روی، منگنز و مولیبدن هستند. حیوانات همچنین به منگنز، ید و کبالت نیاز دارند. فقدان عنصر کمیاب گیاهی لازم در خاک باعث بیماری‌های ناشی از کمبود می‌شود. فقدان عناصر کمیاب حیوانی در خاک ممکن است به گیاهان آسیب نرساند، اما بدون آنها، حیواناتی که فقط از آن گیاهان تغذیه می‌کنند، به بیماری‌های ناشی از کمبود خود مبتلا می‌شوند.

منبع: دانشنامه بریتانیکا

britannica.com/science/trace-element

۵۲. برای مطالعه درباره بعضی روایات "تاثیر غذا بر قوت و ضعف" به "پیوست ۳" مراجعه نمایید.



۴/۱/۲/۲/۱. زیاده‌خوردن؛ یکی از عوامل تأثیرگذار بر کاهش فهم براساس ارزیابی غذا در ادبیات مترقی اهل بیت علیهم‌السلام

مثلاً حضرت ^{علیه‌السلام} در روایت، این‌گونه ما را راهنمایی کرده‌اند که «اگر زیاد غذا بخورید، احمق می‌شوید.»^{۵۳} در حالی که اطبای ما دائماً توصیه می‌کنند: سه وعده که هیچ، میان وعده هم بخورید!

۵۳. ارجاع پژوهشی: امیرالمؤمنین (علیه‌السلام): **الْبِطْنَةُ تَمْنَعُ الْفِطْنَةَ .**

امیرالمؤمنین (علیه‌السلام): شکم پری مانع از زیرکی است

غرر الحکم ج ۱ ص ۳۰ / عیون الحکم ج ۱ ص ۳۹

و قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ : لَا تَشَبِعُوا فِطْنًا نُورَ الْمَعْرِفَةِ مِنْ قُلُوبِكُمْ وَ مَنْ بَاتَ يُصَلِّي فِي خَفَّةٍ مِنَ الطَّعَامِ بَاتَتِ الْهُورُ الْعَيْنِ حَوْلَهُ .
و نیز فرمود: سیر و پر غذا مخورید که نور معرفت را در قلب شما خاموش می‌سازد، و هر که شب با شکم سبک نماز بخواند در آن شب حور العین اطراف او خواهند بود.

جامع الأخبار ج ۱ ص ۱۸۳ / مکارم الأخلاق ج ۱ ص ۱۵۰

الفصول المهمة ج ۲ ص ۳۲۸ / بحار الأنوار ج ۶۷ ص ۷۱ / مستدرک الوسائل ج ۱۶ ص ۲۱۸

الرَّسَالَةُ الذَّهَبِيَّةُ ، قَالَ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ : فَاعْتَدِ مَا يُشَاكِلُ جَسَدَكَ وَ مَنْ أَخَذَ مِنَ الطَّعَامِ زِيَادَةً لَمْ يُعَدَّهُ وَ مَنْ أَخَذَهُ بِقَدْرٍ لَا زِيَادَةَ عَلَيْهِ وَ لَا تَقْصُ فِي غَدَاةٍ نَفْعُهُ وَ كَذَلِكَ الْمَاءُ فَسَيَبُلُكَ أَنْ تَأْخُذَ مِنَ الطَّعَامِ [كَهَيَاتِكَ فِي أَيَّامِهِ] وَ اِرْفَعْ يَدَيْكَ مِنْهُ وَ بَكَ إِلَيْهِ بَعْضُ الْقَرَمِ وَ عِنْدَكَ إِلَيْهِ مَيْلٌ فَإِنَّهُ أَصْلَحَ لِمَعِدَتِكَ وَ لِيَدْنِكَ وَ أَزْكَى لِعَقْلِكَ وَ أَخَفَّ لِجِسْمِكَ إِلَى آخِرِهِ .

امام رضا (علیه‌السلام) در رساله ذهبیه: [راه سلامت] این است که هر غذایی را به مقدار کافی و در زمان (و فصل) آن تناول کنی و هنگامی دست از غذا بدار که هنوز میل به خوردن داری [و قبل از اینکه سیر شوی (و هنوز اشتها باقی است) دست از طعام بکشی].
که این شیوه، موجب صحت و سلامت بیشتری در بدنت و هوش فزون تری برای عقلت و سبکباری برای وجودت می‌گردد. [زیرا این اعتدال و امساک برای معده، سودمندتر است و هرگز آن را از نشاط و فعالیت خسته نخواهد ساخت].

طب الإمام الرضا عليه السلام (الرسالة الذهبية)، ص ۱۴ / بحار الأنوار ج ۵۹ ص ۳۰۶

مکاتیب الأئمة علیهم‌السلام، ج ۵، ص ۱۹۴ / مستدرک الوسائل ج ۱۶ ص ۲۲۰

امیرالمؤمنین (علیه‌السلام): **الْبِطْنَةُ تَحْجُبُ الْفِطْنَةَ .**

امیرالمؤمنین (علیه‌السلام): شکم پر جلو زیرکی را می‌گیرد.

غرر الحکم ج ۱ ص ۴۱ / عیون الحکم ج ۱ ص ۳۲

وَ فِي خَبَرٍ مُرْسَلٍ: إِنَّ الشَّيْطَانَ لَيَجْرِي مِنْ ابْنِ آدَمَ مَجْرَى الدَّمِ فَصَيِّقُوا مَجَارِيَهُ بِالْجُوعِ وَ الْعَطَشِ .

در حدیث مرسلی آمده است که شیطان نسبت به فرزند آدم بمنزله خونی است که در رگهایش جریان دارد، پس تا می‌توانید با گرسنگی و تشنگی حرکت شیطان را کند سازید.

مجموعه ورام ج ۱ ص ۱۰۱ / أعلام الدين ج ۱ ص ۱۲۱ / عوالي اللئالي ج ۱ ص ۲۷۳ و ۳۲۵

بحار الأنوار ج ۶۰ ص ۳۳۲ و ج ۶۷ ص ۴۲ / مستدرک الوسائل ج ۱۶ ص ۲۲۰

امیرالمؤمنین (علیه‌السلام): **مَنْ كَثَّبَهُ الْبِطْنَةُ حَجَبَتْهُ عَنِ الْفِطْنَةِ .**

امیرالمؤمنین (علیه‌السلام): پر خوری که انسان را به رنج اندازد از زیرکی و دریافت نیز او را باز دارد.

غرر الحکم ج ۱ ص ۶۱۷



یعنی متأسفانه اطبای ما در حال کمک به "کاهش فهم جامعه" هستند، در حالی که اگر شاگردی امام صادق علیه السلام را ببینید، توصیه می کنند در روز، حداکثر دو وعده غذا میل بفرمایید.^{۵۴}

در روایتی، حضرت علیه السلام می فرمایند: «اگر کسی یک وعده غذا در روز بخورد - آن یک وعده هم وعده شام است - او را گرسنه میندازید»؛ یعنی بدن او دچار کمبود مواد غذایی نمی شود.» این را چه کسی می فرماید؟ بزرگ طبیب عالم، حضرت مدینه العلم، حضرت نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله وسلم، می فرمایند. می فرمایند: «اگر آدم یک وعده غذا بخورد گرسنه تلقی نمی شود»؛ یعنی بدن او دچار

مستدرک الوسائل ج ۱۶ ص ۲۲۱

امیرالمؤمنین (علیه السلام): لَا تَجْتَمِعُ الْبِطْنَةُ وَالْفِطْنَةُ.

امیرالمؤمنین (علیه السلام): پر خوری و زیرکی با هم جمع نشوند.

غرر الحکم ج ۱ ص ۷۷۲ / عیون الحکم ج ۱ ص ۵۳۳

مستدرک الوسائل ج ۱۶ ص ۲۲۲

وَ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِيَّاكُمْ وَالْبِطْنَةَ فَإِنَّهَا مَقْسَاةٌ لِلْقَلْبِ مَكْسَلَةٌ عَنِ الصَّلَاةِ مُفْسِدَةٌ لِلْجَسَدِ.

امیرالمؤمنین (علیه السلام): بر شما باد بدوری از پر خوری که آن دل را سخت میکند و شخص را در نماز کسل میسازد و تن را به تباهی میکشاند.

منابع: غرر الحکم ج ۱ ص ۱۷۵ / عیون الحکم ج ۱ ص ۱۰۱

مستدرک الوسائل ج ۱۶ ص ۲۲۱

امیرالمؤمنین (علیه السلام): نِعَمَ عَوْنِ الْمَعَاصِي السَّبْعُ.

امیرالمؤمنین (علیه السلام): سیری برای یاری گناهان خوب چیزی است.

غرر الحکم ج ۱ ص ۷۱۷ / عیون الحکم ج ۱ ص ۴۹۳

مستدرک الوسائل ج ۱۶ ص ۲۲۲

۵۴. **ارجاع پژوهشی:** مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُؤَيْدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الصَّلْتِ عَنِ ابْنِ أَخِي شَهَابِ بْنِ عَبْدِ رَبِّهِ قَالَ: شَكَّوْتُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع مَا أَلْقَى مِنَ الْأَوْجَاعِ وَ التَّخَمِ فَقَالَ لِي: تَعَدَّ وَ تَعَشَّ وَ لَا تَأْكُلْ بَيْنَهُمَا شَيْئاً فَإِنَّ فِيهِ فَسَادَ الْبَدَنِ؛ أَمَا سَمِعْتَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ: «لَهُمْ رِزْقُهُمْ فِيهَا بُكْرَةً وَ عَشِيًّا»

به نقل از شهاب بن عبد ربّه: نزد امام صادق علیه السلام، از دردها و بدگواری هایی که داشتیم، اظهار ناراحتی کردم. به من فرمود: «صبحانه بخور و شام بخور و در فاصله میان آنها چیزی نخور؛ چرا که موجب تباهی تن است؛ مگر نشنیده ای که خداوند عز

و جل می فرماید: «و آنان، صبحگاهان و شامگاهان، روزی ویژه خویش را دارند» (سوره مبارکه مريم، آیه ۶۲)

الکافی، ج ۶، ص ۲۸۸ / المحاسن، ج ۲، ص ۴۲۰ (عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُؤَيْدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ صَامِتٍ عَنِ ابْنِ أَخِي شَهَابِ بْنِ عَبْدِ رَبِّهِ)

طب الأئمة عليهم السلام (ابن اسطام)، ص ۵۹ (عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْعَسْقَلَانِيِّ قَالَ: حَدَّثَنَا النَّضْرُ بْنُ سُؤَيْدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي صَالَتِ بْنِ أَخِي شَهَابِ)

الوافي، ج ۲۰، ص ۵۰۷ / وسائل الشيعة، ج ۲۴، ص ۳۲۸ / طب الأئمة عليهم السلام (للشبر)، ص ۱۰۰ / مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص

۲۶۵ (نقلاً عن طب الأئمة (ابن اسطام)) / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۳۴۲



اختلال نمی‌شود. حضرت می‌فرمایند: «اگر دو وعده غذا بخورید در روز، شما زاهد نیستید»؛ یعنی از منافع بی‌بدیل زهد محروم می‌شوید، کما اینکه الان همه ما محروم هستیم؛ ما زاهد نخواهیم شد. یکی از فوائد زهد، محاسبه سبک است. یکی [دیگر] از فوایدش این است که فرد زاهد تقریباً در طول دوران عمرش، به بیمارستان رجوع نخواهد کرد؛ یعنی پیشگیری از بیماری، یکی از فواید زهد است. فواید فراوان دیگری [نیز] دارد. حضرت می‌فرمایند: «اگر سه وعده در روز غذا خوردید^{۵۵}، از لحاظ فهم تقریباً مساوی با بهائم شده‌اید»!^{۵۶} یعنی سطح فهم شما بسیار کاهش پیدا می‌کند. غذا خوردن خیلی با فهم ارتباط دارد.

۵۵. انتقال از متن: عذر خواهی می‌کنم. من باید احادیث پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم را برای شما بخوانم!

۵۶. **ارجاع پژوهشی:** الرَّسَالَةُ الدَّهَبِيَّةُ فِي الطَّبِّ: «وَالَّذِي يَجِبُ أَنْ يَكُونَ أَكْلَكَ فِي كُلِّ يَوْمٍ، عِنْدَ مَا يَمُضِي مِنَ النَّهَارِ ثَمَانُ سَاعَاتٍ، أَكْلَةٌ وَاحِدَةٌ أَوْ ثَلَاثُ أَكْلَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ تَتَعَدَّى بَاكِرًا فِي أَوَّلِ يَوْمٍ ثُمَّ تَتَعَسَّى فَإِذَا كَانَ فِي الْيَوْمِ الثَّانِي عِنْدَ مُضِيِّ ثَمَانِ سَاعَاتٍ مِنَ النَّهَارِ أَكَلْتَ أَكْلَةً وَاحِدَةً وَ لَمْ تَحْتَجِ إِلَى الْعِشَاءِ وَ كَذَا أَمْرُ جَدِي مُحَمَّدٍ (ص) عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَجِبَةٌ وَ فِي غَدَةِ وَجِبَتَيْنِ»؛ امام رضا علیه السلام: مقدار بایسته در خوراک، آن است که چون هشت ساعت از روز می‌گذرد، یک‌بار غذا بخوری، یا در دو روز، سه وعده غذا میل کنی [بدین ترتیب که]: در ساعات نخستین روز، ناشتایی بخوری. سپس در همان روز، شام بخوری و سپس چون دیگر روز فرا رسید، پس از گذشت هشت ساعت از آغاز روز، یک وعده دیگر بخوری و در آن روز، تو را به شام، نیازی نیست. جد من محمد (ص) به علی (ع) چنین فرمود که: [از هر دو روز،] در یک روزش، یک وعده و در روز دیگرش دو وعده باشد.

طب الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۳

بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۳۰۶ / مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۸۶

عن النبي ص: مَنْ أَكَلَ فِي الْيَوْمِ مَرَّةً لَمْ يَكُنْ جَائِعًا، وَمَنْ أَكَلَ مَرَّتَيْنِ لَمْ يَكُنْ عَابِدًا، وَمَنْ أَكَلَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ ارْبُطُوهُ مَعَ الدَّوَابِّ؛ پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله): هر کس در روز، یک وعده بخورد، گرسنه نیست، و هر کس دو وعده بخورد، عابد نیست، و هر کس سه وعده بخورد، او را با چارپایان ببندید»

المواعظ العدديّة، ص ۱۴۷

عَنْ عَائِشَةَ قَالَتْ: «رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ (ص)، وَ أَنَا أَكُلُ فِي يَوْمٍ مَرَّتَيْنِ فَقَالَ: يَا عَائِشَةُ اتَّخَذَتِ الدُّنْيَا بَطْنَكَ أَكْثَرَ مِنْ أَكْلِكَ كُلِّ يَوْمٍ سَرَفٌ، وَ اللَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ»؛

عایشه گفته است: پیامبر خدا مشاهده کرد که من، روزی دو وعده می‌خورم. فرمود: ای عایشه! دنیا را شکم خود کرده‌ای! بیش از یک وعده در روز خوردن، اسراف است و خداوند، اسرافکاران را دوست ندارد.

شعب الایمان، ج ۷، ص ۴۵۷



این روایتی که خواندم در مورد میزان مصرف غذا بود، در مورد انواع غذاها نیز همین گونه است؛
 حضرت فاطمه زهرا^{سلام الله علیها} روایتی دارند که خیلی روایت عجیبی است. من متأسفم که سازمان غذا
 و دارو نمی‌تواند این روایات را در جامعه ما گسترش دهد. حضرت می‌فرمایند: «اگر شما "خُرفه"
 مصرف کردید، فطانت پیدا می‌کنید.»^{۵۷} [در حالیکه] اگر بخواهیم بر مبنای مولکول‌های زیستی
 قضاوت کنیم، احتمالاً می‌گوییم: «خُرفه میزان زیادی آب ویتامین دارد!» [خلاصه اینکه،] ما [در
 تحلیل بر مبنای مولکول‌های زیستی] درک دیگری پیدا می‌کنیم. منتهی حضرت می‌فرمایند: «خُرفه
 مادهٔ باهوش شدن است.» به‌ویژه اگر کسی در کار معاملات و تجارت است، باید سبزی سفره خود را
 خُرفه قرار دهد. یا مثلاً، اگر من مشاور در وزارت خارجه بودم، می‌گفتم به آقای دکتر ظریف خُرفه
 بدهند. بعد احتمالاً متن برجام این‌گونه نمی‌شد؛ ایشان حتی فرق لغو و تعلیق را هم نمی‌توانستند
 تشخیص دهند!

بنابراین، بین تغذیه و فهم ارتباط هست. مصادیق متعددی هم دارد. روایت عجیب تری برای شما
 بخوانم، امیدوارم لا اقل خود ما عمل کنیم. اگر در مصرف میوه‌ها از طیبات عبور کردید و سراغ اقلام
 افراطی (اقلام برتر)؛ یکی
 دیگر از عوامل تأثیرگذار بر
 افزایش فهم براساس
 ارزیابی غذا در ادبیات
 مترقی اهل بیت^{علیهم‌السلام}

۵۷. ارجاع پژوهشی: عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى أَوْ غَيْرِهِ عَنْ فُتَيْبَةَ بْنِ مَهْرَانَ عَنْ حَمَادِ بْنِ زَكَرِيَّا النَّخَعِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: عَلَيْكُمْ بِالْفَرْخِ فَهِيَ الْمَكْسُةُ فَإِنَّهُ إِنْ كَانَ شَيْءٌ يَزِيدُ فِي الْعَقْلِ فَهِيَ.

امام صادق علیه‌السلام: بر شما باد به خُرفه؛ چرا که زیرکی می‌دهد و اگر تنها یک چیز باشد که عقل را افزون می‌کند، همان است.

المحاسن ج ۲ ص ۵۱۷

مکارم الأخلاق ج ۱ ص ۱۸۰

وسائل الشیعة ج ۲۵ ص ۱۹۴ / بحار الأنوار ج ۶۳ ص ۲۳۴

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ فُرَاتِ بْنِ أَحْنَفَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: لَيْسَ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ بَقْلَةٌ أَشْرَفُ وَلَا أَنْفَعُ مِنَ الْفَرْخِ وَهُوَ بَقْلَةٌ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ ثُمَّ قَالَ لَعَنَ اللَّهُ بَنِي أُمِّيَّةَ هُمْ سَمَوْهَا بِقَلَّةِ الْحَمَقَاءِ بُغْضًا لَنَا وَعَدَاوَةً لِفَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ.

فرات بن احنف گوید: از امام صادق علیه‌السلام شنیدم که می‌فرمود: بر روی زمین هیچ سبزی ارزشمندتر و سودمندتر از خُرفه، وجود ندارد و آن، سبزی حضرت فاطمه علیها‌السلام است. آن‌گاه فرمود: خداوند بنو امیه را لعنت کند! آنان به خاطر کینه با ما و دشمنی با فاطمه علیها‌السلام خُرفه را سبزی نادان نامیدند.

المحاسن ج ۲ ص ۵۱۷ / الکافی ج ۶ ص ۳۶۷

الوافی ج ۱۹ ص ۴۴۳ / وسائل الشیعة ج ۲۵ ص ۱۹۴ / بحار الأنوار ج ۴۳ ص ۸۹ ج ۶۳ ص ۲۳۵ / عوالم العلوم ج ۱۱ ص ۲۷۳



غیر برتر رفتید [می‌دانید نتیجه‌اش چه می‌شود؟ توضیح اینکه] مراد از طیبات، اقلام برتر میوه‌ها [و دیگر خوراکی‌ها] است؛^{۵۸} یعنی فرض کنید از انار و سیب و انگور و به و گلابی و خرما که اقلام برتر هستند - و ما به اینها طیبات می‌گوییم - عبور کردید و مثلاً آناناس مصرف کردید. حضرت می‌فرماید: از ثمرات مصرف غیر طیبات (اقلام غیر برتر) این است که دیگر، بعضی از موارد را متوجه نمی‌شوید؛ یعنی سطح فهم کاهش پیدا می‌کند. لذا از منظر علم پیشرفته اهل بیت^{علیهم‌السلام}، بین "نوع غذا خوردن" و "میزان غذا خوردن" و "سطح فهم جامعه" ارتباط منطقی برقرار است.^{۵۹} به همین دلیل، یکی از ریشه‌هایی که گزاره‌های انبیاء^{علیهم‌السلام} در حوزه عفاف و حجاب، کمتر درک می‌شود را "الگوی [نادرست] تغذیه" می‌دانم.

غیر از این مواردی که گفتم، غذا زیرساخت "رذایل و فضایل" هم می‌باشد. مثلاً در روایت است که اگر کسی فرآورده‌های خوک را مصرف کند، بی‌غیرت می‌شود.^{۶۰} یعنی غذا، اخلاق را هم می‌سازد. آیا مردم ما فرآورده‌های خوکی مصرف می‌کنند؟! ترجیح می‌دهم فعلاً فقط سوالش را مطرح کنم.

احتمال بدهید که مثلاً در داروهای ما این ژلاتین‌هایی که به عنوان پوسته بعضی از کپسول‌هاست، از فرآورده‌های خوکی باشند! یا بعضی از موارد دیگر. من دیگر توضیح [بیشتر] نمی‌دهم؛ خودتان تحقیق کنید.^{۶۱}

۵۸. برای اطلاع از برخی روایات درباره طیباتی مانند: انار و سیب و انگور و به و گلابی و خرما و طیبات در سبزیجات، گیاهان و صیفی‌جات به "پیوست ۴" مراجعه نمایید.

۵۹. برای مطالعه برخی روایات دیگر در باب "غذا به عنوان یکی از زیرساخت‌های فهم"؛ به "پیوست ۵" مراجعه نمایید.

۶۰. برای اطلاع از روایات حرمت گوشت خوک و تاثیر آن بر بی‌غیرتی؛ به "پیوست ۶" مراجعه نمایید.

۶۱. برای مطالعه برخی مستندات راجع به "گسترش فراوان و مخفیانه فرآورده‌های خوکی در بسیاری از مواد خوراکی و غیر خوراکی"؛ به "پیوست ۷" مراجعه نمایید.

۰۴/۱/۲/۳. ارزیابی غذا بر اساس رذایل و فضایل؛ یکی دیگر از ملاک‌های ارزیابی غذا در ادبیات مترقی اهل بیت^{علیهم‌السلام}

۰۴/۱/۲/۳/۱. تاثیر مصرف فرآورده‌های خوکی بر بی‌غیرتی، و تاثیر غلبه دم یا غلبه صفر بر افزایش هیجان شهوت و وسوسه (و در نتیجه: افزایش ارتکاب به فحشا در جامعه!؛ نمونه‌هایی از ارزیابی غذا بر اساس رذایل و فضایل



بنابراین هنگامی که غذای مردم را به غذاهایی که رذایل را تولید می‌کنند، آغشته می‌کنید، در گام بعد، سطح فهم مردم کاهش پیدا می‌کند و گزاره‌های پیشرفته انبیاء ^{علیهم‌السلام} کمتر مورد بحث و بررسی دقیق قرار می‌گیرند.

آیا [مسأله تأثیر غذا بر تولید رذایل و فضایل] فقط اختصاص به خوردن گوشت خوک دارد؟ خیر! مثلاً شما اگر غذاهایی که غلبه دم یا غلبه صفر را ایجاد می‌کنند، مصرف شود، ارتکاب فواحش در جامعه افزایش می‌یابد؛ به لحاظ مزاجی، [تنها] یک قدم بین غلبه صفر تا ارتکاب زنا فاصله است.^{۶۲} [تنها] یک قدم بین غلبه دم تا شهوت پی‌درپی و وسوسه پی‌درپی فاصله است. بنابراین، باید غذا را به گونه‌ای مصرف کرد که غلبه صفر و غلبه دم ایجاد نشود. البته موارد دیگری [نیز وجود دارند] که در حال حاضر قصد پرداختن به آن‌ها را ندارم.^{۶۳}

۴/۱/۳. تأثیر فراوان غذا بر فهم (درک کلمات انبیاء) و اخلاق (فضائل و رذائل)؛ دلیل ضرورت ارزیابی غذا بر اساس ادبیات مترقی اهل بیت (علیهم‌السلام) در راستای تحقق حجاب و عفاف

بنابراین، از نظر علم پیشرفته اهل بیت و "الگوی فقهی ارزیابی غذا" - که ما در حوزه علمیه قم نوشتیم- غذا هم زیرساخت قوت انسان، هم زیرساخت فهم انسان، هم زیرساخت رذایل و فضائل است. اگر می‌گویید: «در جامعه بعضی از مسائل خلاف توصیه‌های انبیاء اتفاق می‌افتد»، می‌گوییم: «حتماً وقتی دنبال ریشه‌ها می‌گردید نگاهی هم به تغییر "الگوهای تغذیه" داشته

۶۲. ارجاع پژوهشی: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكَّلِ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ الْجَمِيرِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَيْسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا يَرْفَعُهُ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع: ... وَ قَدْ جَزَى فِيهِ النَّفْسُ وَ هِيَ حَارَّةٌ وَ تَجْرِي فِيهِ وَ هِيَ بَارِدَةٌ؛ فَإِذَا حَلَّتْ بِهِ الْحَرَارَةُ؛ أَشْرَ وَ بَطَرَ وَ إِزْتَاخَ وَ قَتَلَ وَ سَرَقَ وَ بَهَجَ وَ اسْتَبَشَرَ وَ فَجَرَ وَ زَنَى وَ اهْتَرَّ وَ بَدَخَ...

امام صادق (علیه السلام): ... نفس در انسان جاری بوده گاه حارّ و زمانی بارد و سرد است؛ هنگامی که حارّ است (گرمی بر او غلبه کند)؛ انسان تکبر و نخوت داشته، با نشاط بوده، مرتکب قتل و سرقت شده، خوشحال و مسرور بوده، دست به فجور و زنا زده، جنبش و جهش داشته و کبر و بزرگی به دیگران می‌فروشد...

علل الشرائع، ج ۱، ص ۱۰۹ / تحف العقول، ص ۳۵۴ (با اندکی تفاوت)

بحار الأنوار، ج ۵۸، ص ۳۰۲ / الفصول المهمة في أصول الأئمة (تكملة الوسائل)، ج ۳، ص ۲۴۳ / طب الأئمة عليهم السلام (للشبر)، ص ۴۷

۶۳. برای مطالعه برخی روایات در باب "غذا به عنوان یکی از زیرساخت‌های رذائل و فضائل"؛ به "پیوست ۸" مراجعه نمایید.



باشید. آنجا حتما موثر است.» آری، وقتی برای اصلاح الگوی تغذیه جلسه می‌گذاریم، ظاهر کار این است که برای عفاف و حجاب جلسه نگذاشته‌ایم، ولی در واقع می‌خواهیم یکی از "عوامل زیرساختی فهم مردم" را ارتقاء دهیم. من به پدر و مادرهای عزیز توصیه می‌کنیم، لااقل برای خانواده‌های خودتان درباره الگوی تغذیه با مدل پیشرفته انبیاء علیهم‌السلام وارد گفتگو شوید؛ به بچه‌های خودتان بگویید: «غذا فهم‌ساز و اخلاق‌ساز است، و البته قوت‌ساز هم است». در مورد غذا بایستی با سه معیار صحبت کرد.

ما گرفتار "گزاره‌های پوزیتیویستی معیوب" هستیم [که] درک‌های ناقص [از واقعیت] را به ما ارائه می‌دهند، [به این امر توجه نمی‌کنیم،] بعد می‌گوییم: چرا جامعه به سمت مطلوب حرکت نمی‌کند؟! من جمهوری اسلامی را در خطر می‌بینم؛ مادامی که سازمان غذا و دارو تعیین‌کننده استانداردهای غذایی هشتاد میلیون انسان ایرانی است، حتما باید ارزیابی غذا به حوزه علمیه قم برگردد. این مطالبه رسمی ما است. [چرا؟] زیرا غذا خاصیت‌های فراوانی دارد که سازمان غذا و دارو و کُدکس آلیمنتاریوس از فهم این ارزیابی پیشرفته عاجزند. پس یکی از زیرساخت‌های عفاف و حجاب، تغذیه است.

۴/۲. زیرساخت مسکن؛ دومین زیرساخت موردنیاز برای تحقق حجاب و عفاف

آیا مسئله "مسکن و معماری" بر عفاف و حجاب تاثیر دارد یا ندارد؟ این را باید بررسی کنیم. [در این بخش] چند تاثیر ساده‌اش را بحث می‌کنم.

۴/۲/۱. مجتمع‌های آپارتمانی باعث "تنزل و محدودیت در تفریح" و در نتیجه: ایجاد میل بانوان به خیابان‌گردی؛ یکی از علل تاثیر زیرساختی مسکن در مسئله عفاف و حجاب

[یکی از این است که] خانم‌ها نیاز به تفریح دارند. پدیده تفریح برای خانم‌ها و البته آقایان و کودکان، یک امر واجب است؛ اما در مجتمع‌های آپارتمانی فعلی با پدیده "تنزل تفریح" روبرو هستیم. تفریح در محیط‌های آپارتمانی [محدود به] چند گل‌پلاستیکی و چند کمد و مبلمان و اینها است و دیگر تفریح خاصی در خانه پیدا نمی‌کنید. البته ممکن است برنامه خندوانه‌ای هم پخش شود



که آن هم تفریح تلقی شود؛ یعنی بیچاره "انسان مدرن" که تفریح او هم، به اندازه تفریح "انسان مومن" و "تابع انبیاء" علیهم السلام نیست و [تفریح او] همین موارد محدود است؛ بنابراین برای خانم‌ها به صورت طبیعی "میل به خیابان‌گردی" و "جستجوی تفریح در بیرون از خانه" پیدا می‌شود. از خانه بیرون آمدن مکرر به بهانه تفریح که [البته] قصد اولش هم [مثلاً] این است که به پاساژی بروند و لباس یا روسری ببینند - آرام آرام "زمینه بی‌حجابی و تأذی" را برای آنها آماده می‌کند.^{۶۴}

۴/۲/۱/۱. لزوم احیاء
تدریجی تفریح خانگی در
دو دهه آینده + راه‌اندازی
فوری مجتمع‌های تفریحی
ویژه بانوان (لااقل در
شهرهای کلان) جایگزین
تفریح‌های افسارگسیخته
فعلی؛ دو راهکار برای حل
مشکل تفریح بانوان

ما توصیه‌ای داریم؛ می‌گوییم: «سعی کنیم الگوی معماری را در دو دهه آینده تغییر دهیم تا پدیده پیشرفته "تفریح خانگی" احیاء شود.» الان هم، به عنوان دوران گذار، نیازمندیم که مجتمع‌های تفریحی ویژه بانوان را - لااقل در شهرهای بزرگ - راه‌اندازی کنیم. من فکر می‌کنم اگر با آن "الگوی تفریح ده‌گانه" که ما در بحث‌های الگوی پیشرفت بحث کرده‌ایم^{۶۵} - مثلاً فرض کنید ده پانزده مجتمع تفریحی ویژه بانوان در شهرهای کلان افتتاح شود - [آن‌گاه] توانسته‌ایم، [اولاً]: در انتخاب بین بد و بدتر، به عنوان یک گزینه بد،^{۶۶} (به جای تفریح افسارگسیخته فعلی) مجتمع‌های

۶۴. برای مطالعه راجع به گسترش ساخت آپارتمان و ابتلاء به تفریح‌های معیوب خارج از خانه!؛ به "پیوست ۹" مراجعه نمایید.

۶۵. **ارجاع پژوهشی:** حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ الطَّلَقَانِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو سَعِيدٍ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ الْعَدَوِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا صُهَيْبُ بْنُ عَبَّادٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ قَالَ: النَّشْوَةُ (النُّشْرَةُ) فِي عَشْرِ أَشْيَاءَ: فِي الْمَشْيِ وَالرُّكُوبِ وَالِازْتِمَاسِ فِي الْمَاءِ وَالتَّنَظُّرِ إِلَى الْخُصْرَةِ وَالْأَكْلِ وَالشَّرْبِ وَالْجِمَاعِ وَالسَّوَاكِ وَغَسْلِ الرَّأْسِ بِالْحَطْمِيِّ وَالتَّنَظُّرِ إِلَى الْمَرْأَةِ الْحَسَنَاءِ وَ مُحَادَثَةِ الرِّجَالِ.

امام صادق: شادابی، در ده چیز است: پیاده‌روی، سوارکاری، فرو رفتن در آب، نگاه کردن به سبزه، خوردن و آشامیدن، هم‌بستری، مسواک کردن، شستن سر با [کُل] حَطْمِي، نگاه [حلال] به زن زیبا و گفتگو با مردان [بزرگ].

الخصال، ج ۲، ص ۴۴۳ / المحاسن، ج ۱، ص ۱۴

معدن الجواهر و رياضة الخواطر، ص ۷۱

۶۶. انتقال از متن: چون تفریح بیرون از خانه اصلاً گزینه خوبی نیست؛ هم گران است، هم کم کیفیت.



تفریحی بانوان را فعلاً در شهرهای کلان طراحی کنیم. [ثانیاً در کنار این کار،] به عنوان الگوی اصلی و راهبرد اصلی هم درباره پدیده تفریح خانگی بحث کنیم. وقتی به وضعیت خانم‌ها و دختران مان نگاه می‌کنم که در آپارتمان‌های پنجاه، شصت متری هستند، و در جایی هستند که هیچ تفریح و وضعیت فرح‌بخشی برای آنها نیست،^{۶۷} آن موقع به قضاوت‌های دیگری برای مسئله عفاف و حجاب می‌رسم! اگر می‌خواهیم به لحاظ زیرساختی حرکت کنیم، همانطور که می‌گوییم «بانک‌ها غلط می‌کنند»، باید شعار «مجتمع‌های آپارتمانی ام الفساد هستند» را هم بیندازیم؛ یکی از فسادهای آنها همین است که تفریح را تنزل داده‌اند.

۴/۳. زیرساخت آموزش؛ سومین زیرساخت موردنیاز برای تحقق حجاب و عفاف

زیرساخت سوم که باید راه بیندازیم تا مسئله [عفاف و حجاب] راه بیفتد، زیرساخت آموزش است.

۴/۳/۱. عدم آماده سازی پسران و دختران برای مسائل مرتبط زندگی (از جمله: حجاب و عفاف) توسط سیستم آموزشی (با وجود سپری کردن بین ۱۲ هزار الی ۱۶ هزار ساعت!); یکی از موانع زیرساختی در مسئله عفاف و حجاب

در دوران آموزش، ما فرزندان خود را بین ۱۲ هزار تا ۱۶ هزار ساعت تحویل سیستم آموزشی می‌دهیم، اما نه پسران مان، نه دختران مان، تقریباً درباره مسائل مرتبط با زندگی آماده نمی‌شوند. اساساً سیستم آموزشی ما دنبال این نیست که دختران و پسران ما را آماده پذیرش زندگی مشترک و آماده پذیرش حضور در جامعه کند؛ [بلکه] تخصص‌های فنی‌ای را به آنها یاد می‌دهد که ارتباط مستقیمی با بحث زندگی ندارد.^{۶۸}

۶۷. برای مطالعه در مورد برخی از "عوامل شادی‌آفرین در آیات و روایات"؛ به "پیوست ۱۰" مراجعه نمایید.

۶۸. برای مطالعه تفصیلی راجع به: «بررسی آثار سوء نظام آموزشی بر افراد جامعه» به علت اشغال سن تربیت و انتقال مفاهیم مرتبط با اقتصاد به دانش‌آموزان و عدم تربیت و تزکیه در پنج مرحله» به مکتوب جلسه ششم و هفتم از سلسله جلسات تبیین مفهوم برنامه‌ریزی بر مبنای مفاهیم اولین نقشه الگوی پیشرفت اسلامی، برگزار شده در دانشگاه صنعتی شریف، آبان و آذرماه ۱۳۹۵ مراجعه نمایید.

لینک دریافت مکتوب فوق در کانال کتابخانه مدرسه هدایت در پیام‌رسان ایتا:

eitaa.com/ketab_olgou/128



۴/۳/۲. پیشنهاد: ۱. تدوین دو نوع کتاب درسی عفاف و حجاب تابع نیاز پسران و دختران و ۲. راه‌اندازی گفتگو و و مباحثه آزاد مسئله عفاف و حجاب در مدارس به محوریت یک متن مرجع (پرهیز از سخنرانی و تدریس یک طرفه)

ما پیشنهاد می‌کنیم، اولاً کتب درسی خواهران و برادران، تابع نیازهای آنها، دو نوع شود؛ البته ممکن است بخش مشترک نیز تعریف کنیم. دوماً؛ بعضی از بحث‌هایی که اینجا مطرح کردیم، در دوران آموزش با آنها مباحثه شود؛ آنجا هم، مباحثه باید حتماً همراه با اظهار نظر دانش‌آموز و اولیای او باشد، نباید سخنرانی و تدریس یک‌طرفه‌ای باشد.

اگر بتوانیم در مدارس دخترانه خود، گفتگوی آزاد راه‌اندازیم؛ [یعنی] یک متن بدهیم، آن متن را بررسی کنند؛ بعضی آن را نقد و بعضی آن را تایید کنند. در مجموع، آموزش‌های مرتبط با عفاف و حجاب و زیرساخت‌های آن گسترش پیدا می‌کند. بنابراین یکی از مطالبات بحثی ما این است که کتاب‌های "عفاف و حجاب ۱"، "عفاف و حجاب ۲" و "عفاف و حجاب ۳" کجا هستند؟ چرا وزارت آموزش و پرورش این کتاب‌ها را تنظیم نمی‌کند؟ یا خانواده‌ها چرا این آموزش‌ها را به بچه‌های خود نمی‌دهند؟! وقتی بچه‌های ما و شما در ۱۶ هزار ساعت [آموزش]، هیچ درکی از عفاف و حجاب پیدا نکرده‌اند، آیا شما می‌خواهید با یک تجمع یا با یک تیزر تبلیغاتی آنها را اقناع کنید؟ این ساده‌اندیشی نیست؟! پس ببینید سیستم آموزشی ما تخریب کرده است؛ بنابراین کنار هشتگ «بانکها غلط می‌کنند» و کنار هشتگ «آپارتمان ام‌الفساد است»، بایستی هشتگ «تحول بنیادین در آموزش و پرورش و تغییر کتب درسی» را هم احیا کنیم.

هیچ‌کدام از آموزش‌های دوران کودکی و نوجوانی در جامعه ما، الان به محوریت حیا، عفاف و حجاب نیست و این خیلی پدیده خطرناکی است. امیرالمومنین علیه‌السلام می‌فرماید: «قبل از اینکه منحرفان - مثل اینترنشنال، من‌وتو و ... - ایده‌های خودشان را در ذهن بچه‌های شما جا



بیندازند، در سنین کودکی آنها را با احادیث و علم ما آشنا کنید.»^{۶۹} ما [متأسفانه] این‌ها را مطالبه نمی‌کنیم و بعد می‌گوییم چرا وضعیت عفاف و حجاب جامعه دچار مشکل شده است؟!

۶۹. **ارجاع پژوهشی:** عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَمْرِ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ عَنْ رَجُلٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ وَغَيْرِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: بَادِرُوا أَوْلَادَكُمْ بِالْحَدِيثِ قَبْلَ أَنْ يَسْبِقَكُمْ إِلَيْهِمُ الْمُرْجِئَةُ. امام صادق علیه السلام فرمود: فرزندان را در آغاز نوجوانی با (اهل بیت علیه السلام حدیث تربیت کنید؛ پیش از آن که «مرجئه» در افکار فرزندان از شما پیشی گیرند.

الكافي ج ۶ ص ۴۷ / الوافي ج ۲۳ ص ۱۳۸۱

کلام مرحوم علامه مجلسی در شرح روایت فوق:

«أَيُّ عِلْمٍ فِي شَرِّهِمْ بَلَّ فِي أَوَائِلِ ادْرَاكِهِمْ وَبُلُوغِهِمْ التَّمِيْزِ مِنَ الْحَدِيثِ مَا يَهْتَدُونَ بِهِ إِلَى مَعْرِفَةِ الْأُمَّةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَالتَّشِيْعِ قَبْلَ أَنْ يَغْوِيَهُمُ الْمَخَالِفُونَ وَيَدْخُلَهُمْ فِي ضَلَالَتِهِمْ فَيَعْسِرُ بَعْدَ ذَلِكَ صَرْفَهُمْ عَنْ ذَلِكَ، وَ الْمَرْجِئَةُ فِي مَقَابِلَةِ الشَّيْخَةِ مِنَ الْارْجَاءِ بِمَعْنَى التَّأخِيرِ لِتَأْخِيرِهِمْ عَلِيَا عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ مَرْتَبَتِهِ، وَ قَدْ يُطْلَقُ فِي مَقَابِلَةِ الْوَعِيدَةِ الْآ أَنْ الْأَوَّلُ هُوَ الْمُرَادُ هُنَا.»

مرآة العقول؛ ج ۲۱ ص ۸۳

امیرالمومنین ع: وَ إِنَّمَا قَلْبُ الْحَدِيثِ كَالْأَرْضِ الْحَالِيَةِ مَا أَلْقِيَ فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبِلَتْهُ فَبَادَرَتْكَ بِالْأَدَبِ قَبْلَ أَنْ يَتَسَوَّ قَلْبُكَ وَ يَسْتَعْلَ لُبُّكَ...

وصیت امیرالمومنین علیه السلام به امام حسن مجتبی علیه السلام: مانا دل جوان مانند زمین کشت نشده است؛ آنچه را در آن افکنده شود، می‌پذیرد. از این رو، پیش از آنکه قلبت سخت و خردت سرگرم شود، به تربیت تو همت گماشتم.

تحف العقول، ص ۷۰ / نهج البلاغة (نامه ۳۱)، ص ۳۹۳

وسائل الشیعة، ج ۲۱، ص ۴۷۸ / بحار الأنوار، ج ۱، ص ۲۲۳

مُحَمَّدُ بْنُ يُحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيْسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ عَبْدِ الْخَالِقِ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: عَلَيْكَ بِالْأَحَادِيثِ فَإِنَّهُمْ أَسْرَعُ إِلَيَّ كُلِّ خَيْرٍ.

امام صادق علیه السلام: نوجوانان را در یاب، که این گروه در پذیرش هر خوبی، بیشتر شتاب می‌کنند.

قرب الإسناد، ص ۱۲۸ / الكافي، ج ۸، ص ۹۳

الوافي، ج ۳، ص ۹۰۳ / وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۱۸۷

الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ شُعْبَةَ فِي تَحْفِ الْعُقُولِ، عَنِ السَّجَّادِ ع فِي حَدِيثِ الْحُقُوقِ قَالَ ع: وَ أَمَا حَقٌّ وَ لَدَيْكَ فَتَعَلَّمْ أَنَّهُ مِنْكَ وَ مُضَافٌ إِلَيْكَ فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا بِخَيْرِهِ وَ شَرِّهِ وَ أَنْكَ مَسْئُولٌ عَمَّا وُلِّيْتَهُ مِنْ حُسْنِ الْأَدَبِ وَ الدَّلَالَةِ عَلَى رَبِّي وَ الْمَعُونَةَ لَهُ عَلَى طَاعَتِهِ فَبِكَ وَ فِي نَفْسِهِ فَمُنَابٌ عَلَى ذَلِكَ وَ مُعَاقِبٌ فَاعْمَلْ فِي أَمْرِهِ عَمَلِ الْمُتَزَيِّنِ بِحُسْنِ أَثَرِهِ عَلَيْهِ فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا الْمُعَدِّرِ إِلَى رَبِّهِ فِيمَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ بِحُسْنِ الْقِيَامِ عَلَيْهِ وَ الْأَخْذِ لَهُ مِنْهُ.

امام زین العابدین علیه السلام در حدیث «حقوق» می‌فرماید: حق فرزند این است که بدانی از آن تو است، خیر و شرش در دنیا به تو منسوب است. در امر تربیت صحیح، راهنمایی به خدا و کمک به او در راه اطاعت حق درباره تو یا درباره خودش مسئولی، اگر درست انجام وظیفه کنی ثواب داری و اگر نه، گرفتار عذاب خواهی شد، پس در کار او به سان آن کس رفتار کن که می‌داند آثار تربیتش در دنیا مایه افتخار و در پیشگاه خدا موجب نجات است و در رعایت و وظایف تقصیری روا نمی‌دارد.



۴/۴. زیرساخت محله محوری (تقسیمات شهری کوچک)؛ چهارمین زیرساخت مورد نیاز برای

تحقق حجاب و عفاف

چهارمین زیرساخت غیر بیانی که ما برای مسئله عفاف و حجاب اینجا شمرده‌ایم، بحث "محله محوری" است. سوال [محوری در بحث] محله محوری این است که تقسیمات شهری آیا کوچک باشد یا بزرگ؟

۴/۴/۱. وجود "تعرف" (شناخت طرفینی گسترده) و در نتیجه: ایجاد پدیده خود کنترلی؛ علت تحقق بیشتر

عفاف و حجاب در مدیریت شهری محله محور

دو فر وجود دارد: [اول]، ما می‌توانیم تقسیمات شهری را [در مقیاسی] بزرگ طراحی کنیم، همان‌طور که اکنون شهر قم هشت منطقه و یا مثلاً تهران حدود سی منطقه تقسیم شده است. یا [دوم]، می‌توانیم تقسیمات شهری را کوچک کنیم؛ برای مثال قم در آینده چهارصد محله بشود، تهران در آینده دوهزار محله تقسیم شود.

تقسیمات شهری کوچک، لوازمی دارد که در اینجا به آن‌ها نمی‌پردازم.^{۷۰} در احیای ماهیت "محله" "تعرف" وجود دارد؛^{۷۱} یعنی افراد محله همدیگر را بهتر می‌شناسند. "تعرف" یعنی شناخت طرفینی

تحف العقول، ص ۲۶۳ (رساله حقوق امام سجاد)

بحار الأنوار، ج ۷، ص ۱۵ / مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۱، ص ۱۶۱

۷۰. **ارجاع پرورشی:** برای آشنایی اجمالی درباره نظریه مدیریت شهری محله محور که ضمن بررسی و نقد نظریه آمریکایی نوسهرگرایی، فلسفه جدیدی برای مدیریت شهری و تعریف جدیدی برای محله ارائه شده است، به مکتوب پیشخوان این نظریه در قالب ۳۱ صفحه، مراجعه نمایید.

صندوق بیان

[پیشخوان-مدیریت-شهری/09054750511669868382/](http://bayanbox.ir/info/09054750511669868382/)

برای تسلط بیشتر به مفاهیم نظریه مدیریت شهری محله محوری، یک گزارش دقیق از میزان تحقق شاخصه های محله محوری در یکی از محلات شهر خود تهیه کنید. به عنوان مثال دوستان شهر مشهد، کوچه پشت باغ نادری (شیرازی ۱۷)، دوستان شهر اصفهان محله آبر، دوستان شهر کاشان محله پشت مشهد، دوستان شهر بروجرد خیابان فاطمی، دوستان شهر گرگان عیسی محله و دوستان شهر بجنورد چهار راه خوشی را از حیث تحقق ماهیت محله محوری بررسی نمایند.

در بررسی محلات شهر خود شاخصه هایی مانند: ۱- غلبه خانه ویلانی (دار واسعه) بر آپارتمان، ۲- غلبه درختان مثمر و معطر بر درختان غیر مثمر و غیر معطر، ۳- وجود بازارچه در محله، ۴- وجود مسجد با برنامه و کالبد تمدنی، ۵- رواج نگهداری از حیوانات



خانگی بسیار مفید (مانند کیبوتر و خروس و احترام به حقوق حیوانات)، ۶- وجود ساختارهای عبرت آفرین در محلات (مانند ساختمان های قدیمی، قبرستان محله و...)، ۷- کاهش تولید زباله در محله، ۸- تعداد مشاغل موجود در محله (به صورت دقیق) و ۹- وجود حمام های پیشرفته چهار مزاجی در محله را بررسی نمایید.

همانطور که می دانید: برای ساخت و ارزیابی یک محله ۹ گروه شاخص در حوزه های کالبدی و برنامه ای شامل: ۱- شاخصه های امامت و مدیریت، ۲- شاخصه های پاکسازی و تزکیه، ۳- شاخصه های بیان و تبلیغات شهری، ۴- شاخصه های علم و آموزش عمومی، ۵- شاخصه های عبرت و میراث فرهنگی، ۶- شاخصه های مکاسب و تجارت عمومی، ۷- شاخصه های نظم و سنت های شهری، ۸- شاخصه های فرقان و ارزیابی شهری و ۹- شاخصه های نفی سبیل و پدافند غیر عامل، از آیات و روایات استنباط شده است...

معاونت پژوهش مدرسه هدایت، ۴ آبان ۱۴۰۱

منبع: پایگاه اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیامرسان ایتا

eitaa.com/olgou4735/4

در نشست تخصصی مدیریت شهری محله محور (شنبه ۱۸ فروردین ۱۴۰۳) ۲۷ پیشنهاد کاربردی برای بهبود وضعیت شهر کرمانشاه مطرح گردید. فهرست این پیشنهادات راهگشا به شرح زیر است:

الف- خدمات حوزه مدیریت و امامت و راهبری اجتماعی:

۱- ساخت مکان های مدیریت و امامت افراد در محل مناسب (ساخت مسجد در وسط محله، وسط بازار و وسط شهر)

۲- معرفی دائمی شخصیت های اسوه با هدف بهبود روابط انسانی

ب- خدمات حوزه تزکیه، پاکسازی و تفریح:

۳- ساخت حمام های پیشرفته چهار مزاجی

۴- ساخت دستشویی های شهری برای جلوگیری از بیماری های کلبوی

۵- تحول در فضای سبز شهری به محوریت درختان مثمر و معطر

۶- ترویج و عرضه عطرهای طبیعی

ج- خدمات حوزه مکاسب و تجارت

۷- ساخت بازارهای رایگان در پنج منطقه کرمانشاه

۸- ترمیم اراضی پایه شهر کرمانشاه بر اساس اصل پیوستگی اراضی پایه

۹- تقبیح عمومی مشاغل نابود کننده (۴ شغل)

۱۰- راه اندازی باغچه طیبات در سطح شهر (احیای کشاورزی شهری به محوریت طیبات)

د- خدمات عبرت و میراث فرهنگی:

۱۱- ساخت قبرستانها در حاشیه محلات با غرض توسعه خود کنترلی

۱۲- روایت صحیح تاریخ کرمانشاه

۱۳- ارایه مشاوره خانواده محور برای بهبود در اتخاذ تصمیمات بار زندگی (۱۰ تصمیم اصلی زندگی)

ه- خدمات نفی سبیل و پدافند غیر عامل

۱۴- راه اندازی مسابقات سبق و رمایه

۱۵- ممنوعیت حداکثری ساخت آپارتمان



۱۶- احیای قنات ها و چشمه های شهر (احیای مدیریت غیرمتمرکز آب)

۱۷- تولید غیرمتمرکز نان و آرد

و- خدمات تنظیم وقت و طراحی کالبد:

۱۸- ایجاد تقسیمات شهری کوچک مقیاس (ایجاد محلات شهری)

۱۹- توجه جدی به اصل پیوستگی اراضی پایه در طرحهای تفصیلی شهر

ز- خدمات شاخصه گذاری و ارزیابی صحیح شهر:

۲۰- تدوین نقشه جامع محلات شهر کرمانشاه

۲۱- و ۲۲ آغاز ارزیابی مقدماتی شهر کرمانشاه با دو شاخص کاهش حمل و نقل و میزان گسترش خانه های حیاط دار

۲۳- آغاز مطالعات ارزیابی تکمیلی شهر به محوریت ارائه خدمات ۹ گانه در شهر (ترویج ایده محلات ۹ بعدی در ذهنیت مسئولین)

ح- خدمات آموزشی و علمی

۲۴- آموزش وقت های مطلوب و نامطلوب به مردم برای انجام کارهای اصلی

۲۵- آموزش حقوق همسایگی

ط- خدمات بیان و تبلیغات و شعر

۲۶- راه اندازی جشنواره غذای طیب برای بانوان شهر کرمانشاه

۲۷- راه اندازی جشنواره پیشگیری از بیماری در شهر کرمانشاه

حجت الاسلام علی کشوری، ۱۸ فروردین ۱۴۰۳، کرمانشاه

منبع: پایگاه اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیامرسان ایتا

eitaa.com/olgou/6345

۷۱. **ارجاع پرورشی:** اگر مدیریت شهری محله محور را جدی بگیریم و سعی کنیم که نیازهای خانواده را حتی الامکان در محل زندگی خانواده ها تأمین کنیم سه دسته مشکل در شهرها علاج می شوند.

دسته اول مشکلاتی که با این روش کاهش می یابند؛ مشکلات ناشی از گسترش سفرهای درون شهری است. وقتی تأمین نیاز را به درون محله ببریم؛ سفرهای درون شهری کاهش می یابد و کاهش سفرهای درون شهری به معنای کاهش ترافیک، کاهش آلودگی هوا، کاهش آلودگی های صوتی و کاهش بیماریهای روحی و جسمی و کاهش مصرف سوخت و صرفه جویی در هزینه های خانوار است.

دسته دوم مشکلاتی که با گسترش مدیریت شهری محله محور کاهش می یابند؛ مشکلات ناشی از تضعیف خانواده است. وقتی نیازها در محله رفع شود؛ اعضای خانواده به بهانه تأمین نیاز کمتر همدیگر را ترک می کنند و بیشتر در کنار یکدیگر هستند. وقتی اعضای خانواده بیشتر در کنار یکدیگر باشند؛ همه کارکردهای خانواده اعم از کارکرد تربیتی، کارکرد عاطفی، کارکرد فکری، کارکرد جنسی و کارکرد تغذیه ای و... تحقق بهتری می یابند.

دسته سوم مشکلاتی که با گسترش مدیریت شهری محله محور کاهش می یابند؛ مشکلات ۳۰ گانه ناشی از فقدان تعارف است. به عنوان مثال اگر تعارف نباشد خود کنترلی و امنیت و کیفیت خدمات و کالاها کاهش می یابد....

حجت الاسلام علی کشوری، تبریز، ۲۱ آذر ۱۳۹۷

پایگاه اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیامرسان ایتا

eitaa.com/olgou/692



گسترده؛ در بحث‌های محله‌ای، این خیلی پررنگ‌تر است که افراد همدیگر را بشناسند، به خلاف وضعیتی که در یک منطقه شهری زندگی کنیم که کسی دیگری را نمی‌شناسد. در موارد متعددی گزارش شده است که در مجتمع آپارتمانی یک نفر از دنیا رفته است، دیگران از بوی تعفن جنازه متوجه شده‌اند که ایشان مرده است! یعنی تقسیمات شهری بزرگ و مجتمع‌های آپارتمانی، کاملاً موجب قطع ارتباط می‌شود.

اگر به سمت محله‌محوری برویم، تعرف ایجاد می‌شود. یکی از خاصیت‌های تعرف، "خودکنترلی" است. نظیر اینکه یکی از مضرات "گمنامی" این است که آدم‌ها به راحتی حریم‌ها را حذف می‌کنند. بنابراین وقتی شما محله داشته باشید، خود ماهیت محله‌ای و

روز یکشنبه ۱۴ مرداد ۱۳۹۷ دانشگاه محقق اردبیلی شهر اردبیل میزبان نشست تخصصی نظریه تعارف بود؛ به گزارش پایگاه اطلاع رسانی نقشه راه در این نشست ساختار سه بخشی نظریه تعارف توسط حجت الاسلام علی کشوری تبیین گردید. در بخش اول مباحثات این نشست، عوامل ایجاد کننده محرومیت به صورت اجمالی مورد بررسی قرار گرفت. به عنوان مثال اجرای نظریه توانمند سازی و کاهش فقر سازمان ملل - که در آن فقر به عدم قدرت در انتخاب گسترده معنا شده- به دلیل معرفی نهاد خانواده به عنوان بخشی از عوامل نهادی ایجاد کننده فقر، زمینه گسترش فقر عاطفی، تربیتی و فکری را در جامعه ایجاد می‌کند.

همچنین در بخش قوانین محرومیت از قانون بودجه ریزی عملیاتی به دلیل مبنا قرار دادن سود اقتصادی در تعریف هزینه‌ها و درآمد‌ها، هزینه‌های اداره کشور را از پایگاه عدم توجه به سود ارتباطی افزایش می‌دهد. همچنین این مدل بودجه ریزی کشور را از درآمد‌های مبتنی بر سود ارتباطی شامل درآمدهای ناشی از قرض الحسنه، موقوفات، زکات و مصرف صحیح انفال محروم کرده است.

بخش دوم مباحثات نشست تخصصی بررسی و تبیین نظریه تعرف به تبیین مفهوم محرومیت از دیدگاه ادبیات وحی اختصاص داشت. بر اساس تعریف استنباط شده در نظریه تعارف، ابعاد محرومیت برابر با ابعاد رزق است و ابعاد رزق را با بررسی ۱۱ گروه از روایات و آیات شامل ۱- همسایه، ۲- خانواده، ۳- تزکیه، ۴- برکت، ۵- زکات، ۶- رزق، ۷- تقدیر ۸ دعا ۹- فقر ۱۰- فکر ۱۱- علم به دست می‌آوریم. در مجموعه روایات و آیات فوق‌الذکر علاوه بر استنباط مفهوم محرومیت، علت وقوع محرومیت هم به گستردگی و اختلال در روابط انسانی تعریف شده است. مبتنی بر علت استنباط شده برای ایجاد محرومیت؛ تلاش قاعده مند برای تکامل روابط انسانی ایده اصلی نظریه تعارف برای مدیریت محرومیت‌ها می‌باشد و لازمه اصلی تکامل روابط انسانی هم، گسترش تعارف در میان انسان‌ها است. بررسی چگونگی توسعه تعارف بخش تکمیلی مباحثات بخش دوم این نظریه است؛ که بر پایه تعریف شغل با ویژگی‌های مطرح در فقه المکاسب استوار است.

بخش سوم مباحثات نشست تخصصی نظریه تعارف به تبیین بخشی از مهارت‌های بنیادین برای تکامل روابط انسانی و محرومیت زدائی مانند گسترش ارتباطات اقامه‌ای و قدرت تحریک و عااء فکر افراد اختصاص داشت. نمودار نظریه تعارف را از اینجا دریافت کنید.

حجت الاسلام علی کشوری، ۱۴ مرداد ۱۳۹۷، دانشگاه محقق اردبیلی شهر اردبیل

وبگاه فقه‌نظام

m-hedayat.blog.ir/۱۵/۰۵/۱۳۹۷



شناخته شدن، به خانم‌ها کمک می‌کند تا بی‌حجابی کمتر شود، بدون اینکه اصلاً شما بخواهید تذکر خاصی بدهید.

۴/۴/۲. افزایش تاثیر امر به معروف لسانی در محیط‌های کوچک (محلّه و خانواده)؛ یکی دیگر از علل تحقق بیشتر عفاف و حجاب در مدیریت شهری محلّه محور

علاوه بر اینکه، امر به معروف و نهی از منکر که اسلام مطرح کرده، در بستر محلّه و خانواده است؛ فرض کنید در این خیابان ولیعصر تهران، مثلاً به سمت پایین بروید (همین محدوده‌هایی که بی‌حجابی بیشتر مشاهده می‌شود)؛ [اگر] پنج نفر باشند که تذکری هم بدهند. [روشن است که] خیلی تاثیر حداقلی دارد؛ گرچه تاثیر دارد، ولی حداقلی است. اما اگر فرض کنید پنج نفر در یک محلّه‌ای تذکر دهند، همان شب، روایت تذکرشان به صورت قصه در چند خانه گفته می‌شود. امر به معروف و نهی از منکر لسانی در محیط‌های کوچک، نسبت به محیط‌های بزرگ تاثیر بیشتری دارد. خلاصه اینکه، "محلّه محوری" چون منجر به "ایجاد تعرّف" می‌شود و تعرّف از "زیرساخت‌های خودکنترلی" است، لذا از "زیرساخت‌های غیربیانی عفاف و حجاب" هم هست.

ما اینجا دعوت می‌کنیم که هشتگ "محلّه اسلامی" و "محلّه محوری" را زنده کنید. نباید فقط شعار آن مطرح شود؛ [بلکه] باید به جایی برسیم که شهرداری قم بگوید که اساساً چهارصد محلّه مجزای از هم داریم؛ یعنی به سمت "احیای هویت محلّه‌ها" برود. چون بحث محلّه محوری الان به صورت سطحی مطرح است، [اما] عمده [و مهم] این است که تقسیمات شهری تغییر پیدا کند. باید به این مهم دست پیدا کنیم.



۴/۵. زیرساخت بیان و تبلیغات شهری؛ پنجمین زیرساخت تحقق حجاب و عفاف

آخرین زیرساخت برای عفاف و حجاب - که البته یک زیرساخت بیانی است - تحول در بیان و تبلیغات شهری مرتبط با عفاف و حجاب است.

۴/۵/۱. بازتعریف بیان فوائد حجاب و عفاف ذیل نه دسته فائده (زیرساخت‌های نه‌گانه هدایت) و پرهیز

توصیه‌های کلیشه‌ای؛ نحوه تحول در زیرساخت بیان برای تحقق عفاف و حجاب

باید از حالت توصیه‌های کلیشه‌ای به عفاف و حجاب پرهیز کنیم، [و به جای آن،] برویم به سمت اینکه فوائد عفاف و حجاب را با بیان‌های مختلف مطرح کنیم. مثلاً، شهرداری محترم تهران - که هم‌اکنون اقدام به نصب اشعار در سطح شهر کرده است - چقدر خوب می‌شد در یک دوره زمانی، فوائد حجاب را با بیان شعر یا بیان‌های حکیمانه دیگری متذکر شوند. اگر زمانی کسی تصمیم به انجام این کار بگیرد، در مدرسه ما، لااقل نه دسته فائده را بحث کرده‌ایم. باید روی تک‌تک بیلبوردهای تبلیغاتی فکر شود. مثلاً یک بخش‌اش این است که در ده تابلو بزرگ تبلیغاتی - یا به قول ادبیات فرهنگستان، دیوارنوشته‌ها - بایستی پدیده آزار و اذیت بانوان را با بیان آماری و بیان هنری شرح داد. بخش دیگرش این باشد که تاثیر [بی‌حجابی] بر کاهش تعقل و حکمت را شرح دهیم.

[خلاصه] همه این‌ها، باید دانه‌دانه در تبلیغات شهری بحث شود تا مشخص شود طرفداران عفاف و حجاب تا چه اندازه عقلانی فکر می‌کنند و دعوتشان چقدر منطقی است. [تا روشن شود که] دلسوزان آینده ایران، همین طایفه هستند؛ اگر این طایفه نباشد، در ایران آینده - منظور دو دهه آینده است - زنان بسیار اذیت خواهند شد، سطح حکمت و تعقل در جامعه کاهش پیدا خواهد کرد و همه مردان دچار حسرت‌های کوتاه‌مدت و آرزوهای بی‌ارزش خواهند شد. این یک آینده‌نگری است.

پیشنهاد می‌کنم بین آینده مطلوب و حجاب، در اذهان ارتباط برقرار کنید. این ایده اصلی بخش بیان و تبلیغات است؛ [اینکه] آنهایی که در حوزه عفاف و حجاب فعالیت دارند، پیشرفت بهتر و آینده بهتر کشور را تصویر می‌کنند، منوط به اینکه نوع بیان و تبلیغات شهری آنها تغییر پیدا کند.

این اصل عرایض بنده بود. بنابراین، پنج زیرساخت را بحث کردیم، که البته یکی از زیرساخت‌ها، خودش بیانی بود: بحث بیان و تبلیغات شهری درباره حجاب.



جمع‌بندی

من عرایض‌ام را جمع کنم؛ آنچه با "تامل در آیات و روایات"، در مجموع در جلسه امروز محضر شما عرض کردم این است: به عنوان محور بحث حجاب، پنج نکته مفهومی در آیات و روایات مطرح است: (۱) شرح کلمه "جلباب" بود و چهار مورد دیگر را تحت عنوان آثار حجاب بحث کردم. (۲) معنای نظام سازی را بحث کردیم: توجه همزمان به عوامل بیانی و غیر بیانی. از فعالان محترم حوزه عفاف و حجاب تقاضا می‌کنم که زیرساخت‌های غیربیانی عفاف و حجاب را احیا کنند تا فهم از عفاف و حجاب در آینده ارتقا پیدا کند. (۳) پیشنهاد بازتعریف پنج زیرساخت بیانی و غیر بیانی را به غرض گسترش عفاف و حجاب مطرح کردیم: غذا، مسکن، آموزش، محله‌محوری و بیان و تبلیغات شهری.^{۷۲}

۷۲. **ارجاع پرورشی:** معنای نظام سازی برای عفاف و حجاب / ریشه‌های تضعیف حجاب و عفاف کدام است؟ عنوان «نظام سازی برای عفاف و حجاب» (نقشه جامع برای عفاف و حجاب) در مقایسه با عنوان «تبلیغ برای حجاب» و یا «کار فرهنگی برای حجاب» قرار دارد. به عبارت دیگر: حل مسئله حجاب یک مسئله تک بعدی نیست و برای حل آن باید مجموعه‌ای از اقدامات به صورت همزمان در حوزه‌های مختلف در دستور کار قرار گیرد. برای تبیین بیشتر مسئله نظام سازی برای حجاب و عفاف، سه محور زیر را تشریح می‌کنیم.

محور اول: با بررسی دقیق آیات و روایات حوزه حجاب، معلوم می‌گردد که پایه تفاهم درباره حجاب و عفاف مجموعه‌ای از فواید و مفاهیم عمیق است؛ که معمولاً دختران نوجوان ما از آنها بی‌اطلاع هستند. به عنوان مثال: شارع محترم ذیل پنج اصطلاح: ۱- جلباب، فلا یؤذین، دامت حسراته، سبب الشَّره و معلول العقل، فواید حجاب را در حوزه‌های ۱- حفاظت از داشته‌ها، ۲- رفع آزار دیگران، ۳- جلوگیری از اختلال شخصیتی در مردان، ۴- مواجهه با حرص و ۵- مواجهه با کاهش سطح عقل، برای مردم تئوریزه می‌کند. (علل الشرایع حجاب)

محور دوم: برای انتقال و تبیین علل الشرایع حجاب به مخاطبان (خصوصاً دختران محترم جامعه) نیازمند توجه همزمان به زیرساخت‌های بیانی و غیربیانی هدایت و تفکر هستیم. معمولاً در برنامه ریزی‌های کشورهای سازنده زیرساخت‌های غیربیانی تفکر و هدایت غفلت می‌شود و فقط بر روی زیرساخت بیان تمرکز می‌شود. نظام سازی به معنای توجه همزمان، به همه عوامل زیرساختی هدایت و تفکر است. در مجموع برای تحقق حجاب و سایر موضوعات توجه به زیرساخت‌های نه گانه هدایت و تفکر را ضروری می‌دانیم.

محور سوم: با بررسی نص برخی از آیات و روایات و استفاده از قاعده التزام موضوعی، برخی از زیرساخت‌های تحقق حجاب و عفاف شامل موارد بسیار مهم زیر می‌شود:

۱- اصلاح الگوی تغذیه افراد (تغییر الگوی تغذیه بر ارتقای سطح درک افراد از حجاب و مهار اخلاق سوء مؤثر است)،



امیدوارم در جلسات دیگری بتوانم مفاهیم بیشتری که در حوزه عفاف و حجاب وجود دارد را محضرتان شرح دهم.

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

-
- ۲- اصلاح الگوی معماری در ایران و حذف تدریجی مجتمع‌های فساد آفرین آپارتمانی (یکی از علت‌های پدیده مدرن خیابان‌گردی حذف پدیده مترقی تفریح خانگی در محیط‌های آپارتمانی است!)،
 - ۳- تفکیک محتوای آموزشی خواهران و برادران بر اساس قاعده نیاز (در نظام آموزشی مفاهیم مترقی مرتبط با عفاف و حجاب تبیین نمی‌شود و نسل امروز، نسلی بی اطلاع درباره تفکرات انبیاء است)
 - ۴- رواج محله محوری و استفاده از اصل تَعَرُّف و خودکنترلی در مهار جرائم (محله محوری ضریب تأثیر تذکر لسانی را افزایش می‌دهد)
 - ۵- بازتعریف محتوای تبلیغات شهری مرتبط با حجاب براساس علل الشرایع حجاب (تبلیغات شهری کلیشه ای کمکی به ترویج حجاب نمی‌کند)

پیوست‌ها:

پیوست ۱: آمارهای هولناک خشونت جنسی در ایالات متحده آمریکا (توسعه‌یافته‌ترین کشور دنیا)

Sexual violence affects millions of people each year in the United States. Researchers know the numbers underestimate this problem because many cases are unreported. Survivors may be ashamed, embarrassed, or afraid to tell the police, friends, or family about the violence. Victims may also keep quiet because they have been threatened with further harm if they tell anyone or do not think anyone will help them. The data shows:

خشونت جنسی سالانه میلیون‌ها نفر را در ایالات متحده تحت تأثیر قرار می‌دهد. محققان می‌دانند که آمار حقیقی این مشکل دست کم گرفته می‌شود زیرا بسیاری از موارد گزارش نشده است. بازماندگان ممکن است خجالت بکشند یا بترسند که در مورد خشونت به پلیس، دوستان یا خانواده بگویند. قربانیان همچنین ممکن است سکوت کنند زیرا آنها تهدید شده‌اند که اگر به کسی بگویند، آسیب بیشتری خواهند دید یا فکر می‌کنند کسی به آنها کمک نخواهد کرد. داده‌ها نشان می‌دهد:

Sexual violence is common. Over half of women and almost $\frac{1}{3}$ men have experienced sexual violence involving physical contact during their lifetimes. One in $\frac{1}{4}$ women and about $\frac{1}{26}$ men have experienced completed or attempted rape. About $\frac{1}{9}$ men were made to penetrate someone during his lifetime. Additionally, $\frac{1}{3}$ women and about $\frac{1}{9}$ men experienced sexual harassment in a public place.

Sexual violence starts early. More than $\frac{1}{5}$ female rape survivors reported that they were first raped before age ۲۵ and almost half were first raped as a minor (i.e., before age ۱۸). Nearly $\frac{1}{10}$ male rape survivors reported that they were made to penetrate someone before age ۲۵ and about $\frac{1}{10}$ were first made to penetrate as a minor.

Sexual violence disproportionately affects some groups. Women and racial and ethnic minority groups experience a higher burden of sexual violence. For example, more than $\frac{2}{5}$ non-Hispanic American Indian or Alaska Native and non-Hispanic multiracial women were raped in their lifetime.

Sexual violence is costly. Recent estimates put the lifetime cost of rape at \$۱۲۲,۶۱۱ per survivor, including medical costs, lost productivity, criminal justice activities, and other costs.

خشونت جنسی شایع است. بیش از نیمی از زنان و تقریباً $\frac{1}{3}$ از مرد، خشونت جنسی را در رابطه با تماس جسمی در طول زندگی خود تجربه کرده‌اند. از هر ۴ زن، ۱ نفر و از ۲۶ مرد، ۱ نفر مورد تجاوز کامل یا اقدام به تجاوز قرار گرفته‌اند.



حدود ۱ از ۹ مرد در طول زندگی خود وادار به اعمال جنسی شده‌اند. علاوه بر این، ۱ از ۳ زن و حدود ۱ از ۹ مرد آزار و اذیت جنسی را در یک مکان عمومی تجربه کردند.

بیش از ۴ در ۵ بازماندگان تجاوز جنسی گزارش دادند که برای اولین بار قبل از ۲۵ سالگی مورد تجاوز قرار گرفتند و تقریباً نیمی از آنها برای اولین بار به عنوان خردسال مورد تجاوز قرار گرفتند (یعنی قبل از ۱۸ سالگی). نزدیک به ۸ از ۱۰ بازمانده تجاوز جنسی گزارش دادند که آنها قبل از ۲۵ سالگی وادار به اعمال جنسی شده‌اند و در حدود ۴ در ۱۰ مورد برای اولین بار برای نفوذ به عنوان خردسال وادار به اعمال جنسی شده‌اند.

خشونت جنسی به طور نامتناسب بر برخی گروه‌ها تأثیر می‌گذارد. زنان و گروه‌های اقلیت نژادی و قومی بار بیشتر خشونت جنسی را تجربه می‌کنند. به عنوان مثال، بیش از ۲ در ۵ زن غیر اسپانیایی آمریکایی هندی یا آلاسکا بومی و غیر اسپانیایی در طول زندگی مورد تجاوز قرار گرفتند.

خشونت جنسی پرهزینه است. تخمین‌های اخیر هزینه طول عمر تجاوز را در هر بازمانده ۱۲۲۴۶۱ دلار از جمله هزینه‌های پزشکی، بهره‌وری از دست رفته، فعالیت‌های عدالت کیفری و سایر هزینه‌ها قرار داده است.

منبع: مراکز کنترل و پیشگیری از بیماری (CDC) آمریکا

cdc.gov/violenceprevention/sexualviolence/fastfact.html

There are over ۴۳۳,۰۰۰ cases of sexual assault or rape annually in the U.S. among people ages ۱۲ and older, according to The Rape, Abuse & Incest National Network (RAINN). Every ۶۸ seconds, another American is sexually assaulted, RAINN data shows. Sexual assault disproportionately affects women. People of all ages, genders, races, and ethnicities are affected by sexual assault. And, sexual violence is unfortunately common among both women and men — over half of women (۵۳٪) and nearly one-third of men (۲۹٪) report experiencing sexual violence, CDC data shows. On top of that, one-quarter of women and about one in ۲۶ men have experienced completed or attempted rape, according to national data.

College campus sexual assault accounts for ۴۳٪ of total on-campus crimes in the U.S. . over one-quarter (۲۶٪) of female undergraduate students and almost ۷٪ of undergraduate male students report experiencing sexual assault, according to a national ۲۰۲۰ study.

According to the Department of Justice, only ۳۱۰ out of every ۱,۰۰۰ sexual assaults are reported to the police. That means more than two out of three go unreported, with many survivors choosing not to report because they feared retaliation, believed the police would not do anything to help, or for other

reasons. However, ۹۸.۸٪ of sexual abuse offenders were sentenced to prison, according to the United States Sentencing Commission.

Developing a mental health disorder after experiencing sexual assault is common. For instance, a study of teenage girls found that about ۸۰٪ developed a mental health disorder — including depression, anxiety, and post-traumatic stress disorder (PTSD) — months after being sexually assaulted, and over half (۵۵٪) developed two or more conditions.

Developing a mental health disorder after experiencing sexual assault is common. For instance, a study of teenage girls found that about ۸۰٪ developed a mental health disorder — including depression, anxiety, and post-traumatic stress disorder (PTSD) — months after being sexually assaulted, and over half (۵۵٪) developed two or more conditions. Another study, which specifically looked at the long-term effects of childhood sexual abuse, found that childhood sexual abuse was associated with a wide range of negative outcomes, including conversion disorder, borderline personality disorder (BPD), anxiety, and depression.

In fact, PTSD symptoms manifest in nearly all female rape survivors in the two weeks following the rape, The nation's largest anti-sexual violence organization (RAINN) data shows. About one-third (۳۰٪) of female rape victims report symptoms of post-traumatic stress disorder (PTSD) nine months after the rape, according to the same data. According to data reported to RAINN, one-third (۳۳٪) of women who are raped contemplate suicide, and about one in ۱۰ women who are raped (۱۳٪) attempt suicide.

The nation's largest anti-sexual violence organization (RAINN) data shows. Millions of women in the United States have experienced rape. As of ۱۹۹۸, an estimated ۱۷.۷ million American women had been victims of attempted or completed rape. Young women are especially at risk.

۸۲٪ of all juvenile victims are female. ۹۰٪ of adult rape victims are female. Females ages ۱۶-۱۹ are ۴ times more likely than the general population to be victims of rape, attempted rape, or sexual assault. Women ages ۱۸-۲۴ who are college students are ۳ times more likely than women in general to experience sexual violence. Females of the same age who are not enrolled in college are ۴ times more likely.

Millions of men in the United States have been victims of rape. As of ۱۹۹۸, ۲.۷۸ million men in the U.S. had been victims of attempted or completed rape. About ۳٪ of American men—or ۱ in ۳۳—have experienced an attempted or completed rape in their lifetime. ۱ out of every ۱۰ rape victims are male.



The likelihood that a person suffers suicidal or depressive thoughts increases after sexual violence. ۹۴٪ of women who are raped experience symptoms of post-traumatic stress disorder (PTSD) during the two weeks following the rape. ۳۰٪ of women report symptoms of PTSD ۹ months after the rape. ۱۰ ۳۳٪ of women who are raped contemplate suicide. ۱۳٪ of women who are raped attempt suicide. Approximately ۷۰٪ of rape or sexual assault victims experience moderate to severe distress, a larger percentage than for any other violent crime.

People who have been sexually assaulted are more likely to use drugs than the general public. ۳.۴ times more likely to use marijuana ۶ times more likely to use cocaine ۱۰ times more likely to use other major drugs Sexual violence also affects victims' relationships with their family, friends, and co-workers. ۱۲ ۳۸٪ of victims of sexual violence experience work or school problems, which can include significant problems with a boss, coworker, or peer. ۳۷٪ experience family/friend problems, including getting into arguments more frequently than before, not feeling able to trust their family/friends, or not feeling as close to them as before the crime. ۸۴٪ of survivors who were victimized by an intimate partner experience professional or emotional issues, including moderate to severe distress, or increased problems at work or school. ۷۹٪ of survivors who were victimized by a family member, close friend or acquaintance experience professional or emotional issues, including moderate to severe distress, or increased problems at work or school. ۶۷٪ of survivors who were victimized by a stranger experience professional or emotional issues, including moderate to severe distress, or increased problems at work or school.

Victims are at risk of pregnancy and sexually transmitted infections (STIs). Studies suggest that the chance of getting pregnant from one-time, unprotected intercourse is between ۳.۱-۵٪۱۳, depending on a multitude of factors, including the time of month intercourse occurs, whether contraceptives are used, and the age of the female. The average number of rapes and sexual assaults against females of childbearing age is approximately ۲۵۰,۰۰۰.۱ Thus, the number of children conceived from rape each year in the United States might range from ۷,۷۵۰—۱۲,۵۰۰.۱۲ This is a very general estimate, and the actual number may differ. This statistic presents information from a number of different studies. Further, this information may not take into account factors which increase or decrease the likelihood of pregnancy, including, but not limited to: impact of birth control or condom use at the time of attack or infertility. RAINN presents

this data for educational purposes only, and strongly recommends using the citations to review sources for more information and detail.

Native Americans Are at the Greatest Risk of Sexual Violence On average, American Indians ages ۱۲ and older experience ۵,۹۰۰ sexual assaults per year.^{۱۴} American Indians are twice as likely to experience a rape/sexual assault compared to all races. ۴۱٪ of sexual assaults against American Indians are committed by a stranger; ۳۴٪ by an acquaintance; and ۲۵٪ by an intimate or family member. .

Sexual Violence Affects Thousands of Prisoners Across the Country An estimated ۸۰,۶۰۰ inmates each year experience sexual violence while in prison or jail.^{۱۵} ۶۰٪ of all sexual violence against inmates is perpetrated by jail or prison staff.^{۱۵} More than ۵۰٪ of the sexual contact between inmate and staff member—all of which is illegal—is nonconsensual.^{۱۵}

Sexual Violence in the Military Often Goes Unreported ۶,۰۵۳ military members reported experiencing sexual assault during military service in FY ۲۰۱۸. DoD estimates about ۲۰,۵۰۰ service members experienced sexual assault that year.^{۱۶} DoD estimates ۶.۲٪ of active duty women and ۰.۷٪ of active duty men experienced sexual assault in FY ۲۰۱۸.

Statistic presents information on the total number of male and female victims in the United States, using a study from ۱۹۹۸. Because the U.S. population has increased substantially since then, it is probable that the number of victims has, as well.

Sources:

- Department of Justice, Office of Justice Programs, Bureau of Justice Statistics, National Crime Victimization Survey, ۲۰۱۹ (۲۰۲۰). Note: RAINN applies a ۵-year rolling average to adjust for changes in the year-to-year NCVS survey data.
- Department of Justice, Office of Justice Programs, Bureau of Justice Statistics, Sex Offenses and Offenders (۱۹۹۷).
- Department of Justice, Office of Justice Programs, Bureau of Justice Statistics, Crimes Against the Elderly, ۲۰۰۳-۲۰۱۳.(۲۰۱۴)
- National Institute of Justice & Centers for Disease Control & Prevention, Prevalence, Incidence and Consequences of Violence Against Women Survey (۱۹۹۸).
- Department of Justice, Office of Justice Programs, Bureau of Justice Statistics, Sexual Assault of Young Children as Reported to Law Enforcement.(۲۰۰۰)



- Department of Justice, Office of Justice Programs, Bureau of Justice Statistics, Rape and Sexual Victimization Among College-Aged Females, ۱۹۹۵-۲۰۱۳. (۲۰۱۴)
- Department of Justice, Office of Justice Programs, Bureau of Justice Statistics, Female Victims of Sexual Violence, ۱۹۹۴-۲۰۱۰. (۲۰۱۳)
- D.S. Riggs, T. Murdock, W. Walsh, A prospective examination of post-traumatic stress disorder in rape victims. Journal of Traumatic Stress ۴۵۵-۴۷۵. (۱۹۹۲)
- J. R. T. Davidson & E. B. Foa (Eds.) Posttraumatic Stress Disorder: DSM-IV and Beyond. American Psychiatric Press: Washington, DC. (pp. ۲۳-۳۶).
- DG Kilpatrick, CN Edumuds, AK Seymour. Rape in America: A Report to the Nation. Arlington, VA: National Victim Center and Medical University of South Carolina. (۱۹۹۲)
- Department of Justice, Office of Justice Programs, Bureau of Justice Statistics, Socio-emotional Impact of Violent Crime. (۲۰۱۴)
- Allen J. Wilcox, David B. Dunson, Clarice R. Weinberg, James Trussell, and Donna Day Baird, Likelihood of Contraception with a Single Act of Intercourse: Providing Benchmark Rates for Assessment of Post-Coital Contraceptives, Contraception Journal . (۲۰۰۱) ,
- Department of Justice, Office of Justice Programs, Bureau of Justice Statistics, American Indians and Crime, ۱۹۹۲-۲۰۰۲. (۲۰۰۴)
- Department of Justice, Office of Justice Programs, Bureau of Justice Statistics, Sexual Victimization in Prisons and Jails Reported by Inmates, ۲۰۱۱-۲۰۱۲. (۲۰۱۳)
- Department of Defense, Fiscal Year ۲۰۱۹ Annual Report on Sexual Assault in the Military. (۲۰۲۰) ,
- David Cantor, Bonnie Fisher, Susan Chibnall, Reanna Townsend, et. al. Association of American Universities (AAU), Report on the AAU Campus Climate Survey on Sexual Assault and Sexual Misconduct (September ۲۱, ۲۰۱۵).

بر اساس گزارش شبکه ملی تجاوز، سوء استفاده و محارم (RAINN) سالانه بیش از ۴۳۳۰۰۰ مورد تجاوز جنسی یا تجاوز جنسی در ایالات متحده در میان افراد ۱۲ ساله و بالاتر وجود دارد. داده های RAINN نشان می دهد که هر ۶۸ ثانیه یک آمریکایی دیگر مورد تجاوز جنسی قرار می گیرد. تجاوز جنسی به طور نامتناسبی بر زنان تأثیر می گذارد افراد در هر سن، جنسیت، نژاد و قومیت تحت تأثیر تجاوز جنسی قرار می گیرند و متأسفانه خشونت جنسی در بین زنان و مردان رایج است - داده های CDC نشان می دهد که بیش از نیمی از زنان (۵۳٪) و نزدیک به یک سوم از مردان (۲۹٪))



گزارش می‌دهند که خشونت جنسی را تجربه کرده‌اند. علاوه بر این، بر اساس داده‌های ملی، یک چهارم زنان و حدود یک مرد از هر ۲۶ مرد تجاوز کامل یا اقدام به تجاوز جنسی را تجربه کرده‌اند.

بر اساس داده‌های تحلیل‌شده توسط انجمن روان‌شناسی آمریکا (APA)، تجاوز جنسی در دانشگاه، ۴۳ درصد از کل جرایم در دانشگاه را در ایالات متحده تشکیل می‌دهد، طبق یک مطالعه ملی در سال ۲۰۲۰، با فارغ‌التحصیلی، بیش از یک چهارم (۲۶٪) از دانشجویان دختر در مقطع کارشناسی و تقریباً ۷٪ از دانشجویان پسر در مقطع کارشناسی، تجاوز جنسی را تجربه کرده‌اند.

به گفته وزارت دادگستری، از هر ۱۰۰۰ تجاوز جنسی تنها ۳۱۰ مورد به پلیس گزارش می‌شود. این بدان معناست که بیش از دو نفر از هر سه مورد گزارش نمی‌شوند، بسیاری از بازماندگان به دلیل ترس از انتقام، فکر می‌کنند که پلیس کاری برای کمک به آنها انجام نمی‌دهد یا به دلایل دیگر ترجیح می‌دهند گزارش ندهند. با این حال، طبق گزارش کمیسیون مجازات ایالات متحده، ۹۸.۸ درصد از مجرمان سوء استفاده جنسی به زندان محکوم شدند.

پس از تجربه تجاوز جنسی، ابتلا به اختلالات روانی امری رایج است. به عنوان مثال، یک مطالعه در مورد دختران نوجوان نشان داد که حدود ۸۰٪ از آنها پس از تجاوز جنسی ابتلا به اختلالات روانی از جمله افسردگی، اضطراب و اختلال استرس پس از طریق وقوع رویداد تجاوز جنسی ماه‌ها پس از آن شدند و بیش از نیمی از آنها (۵۵٪) دو یا بیشتر از این شرایط را تجربه کردند. یک مطالعه دیگر که به طور خاص به بررسی اثرات بلندمدت سوء استفاده جنسی در دوران کودکی پرداخت، نشان داد که سوء استفاده جنسی در دوران کودکی با مجموعه‌ای گسترده از نتایج منفی ارتباط دارد، شامل اختلال تبدیلی، اختلال شخصیت مرزی، اضطراب و افسردگی.

در واقع، علائم اختلال استرس پس از برخورد با رویدادهای ناگوار در تقریباً تمامی زنانی که قربانی تجاوز شده‌اند، در دو هفته پس از تجاوز ظاهر می‌شود، همانطور که داده‌های سازمان بزرگترین سازمان مبارزه با خشونت جنسی (RAINN) نشان می‌دهد. در همان داده‌ها آمده است که حدود یک سوم (۳۰ درصد) از زنان قربانی تجاوز، نه ماه پس از رویداد، علائم اختلال استرس پس از تروما (PTSD) را گزارش می‌دهند. بر اساس داده‌های گزارش شده به RAINN، یک سوم (۳۳ درصد) از زنانی که تجاوز شده‌اند، به فکر خودکشی می‌افتند، و حدود یک نفر از هر ده زنی که تجاوز شده‌اند (۱۳ درصد) سعی در خودکشی دارند.

بر اساس گزارش شبکه ملی تجاوز، سوء استفاده و محارم (RAINN) میلیون‌ها زن در ایالات متحده تجاوز جنسی را تجربه کرده‌اند. از سال ۱۹۹۸، تخمین زده می‌شود ۱۷.۷ میلیون زن آمریکایی قربانی تجاوز به عنف یا تجاوز شده بودند. زنان جوان به ویژه در معرض خطر هستند. ۸۲٪ از کل قربانیان نوجوان زن هستند. ۹۰٪ قربانیان تجاوز به بزرگسالان



زن هستند. زنان در سنین ۱۶-۱۹ سال ۴ برابر بیشتر از جمعیت عمومی قربانی تجاوز، تجاوز به عنف یا تجاوز جنسی هستند. زنان در سنین ۱۸-۲۴ ساله که دانشجویان دانشگاه هستند ۳ برابر بیشتر از زنان به طور کلی برای تجربه خشونت جنسی هستند. زنان در همان سنی که در کالج ثبت نام نمی کنند ۴ برابر بیشتر هستند.

میلیون ها مرد در ایالات متحده قربانی تجاوز جنسی شده اند. تا سال ۱۹۹۸، ۲.۷۸ میلیون مرد در ایالات متحده قربانی تلاش یا تجاوز کامل شده بودند. حدود ۳٪ از مردان آمریکایی - یا ۱ در ۳۳ - در طول زندگی خود تلاش یا تجاوز کامل را تجربه کرده اند. از هر ۱۰ قربانی تجاوز، ۱ نفر مرد هستند.

احتمال اینکه فرد دچار افکار خودکشی یا افسردگی شود پس از خشونت جنسی افزایش می یابد. ۹۴ درصد از زنانی که مورد تجاوز جنسی قرار می گیرند علائم اختلال استرس پس از سانحه (PTSD) را در طی دو هفته پس از تجاوز تجربه می کنند. ۳۰ درصد از زنان علائم PTSD را ۹ ماه پس از تجاوز گزارش می کنند ۳۳ درصد از زنانی که مورد تجاوز جنسی قرار می گیرند، به خودکشی فکر می کنند ۱۳٪ از زنانی که مورد تجاوز جنسی قرار می گیرند اقدام به خودکشی می کنند. تقریباً ۷۰ درصد از قربانیان تجاوز جنسی یا تجاوز جنسی، پریشانی متوسط تا شدید را تجربه می کنند که درصدی بیشتر از هر جنایت خشونت آمیز دیگری است.

افرادی که مورد تجاوز جنسی قرار گرفته اند بیشتر از عموم مردم به مواد مخدر استفاده می کنند. احتمال مصرف ماری جوانا ۳.۴ برابر بیشتر است. احتمال مصرف کوکائین ۶ برابر بیشتر است. احتمال استفاده از سایر داروهای اصلی ۱۰ برابر بیشتر است. خشونت جنسی همچنین بر روابط قربانیان با خانواده، دوستان و همکارانشان تأثیر می گذارد. ۳۸ درصد از قربانیان خشونت جنسی مشکلات کار یا مدرسه را تجربه می کنند که می تواند شامل مشکلات قابل توجهی با رئیس، همکار یا همسالان باشد. ۳۷ درصد مشکلات خانوادگی/دوستی را تجربه می کنند، از جمله اینکه بیشتر از قبل وارد مشاجره می شوند، احساس نمی کنند که نمی توانند به خانواده/دوستان خود اعتماد کنند، یا مانند قبل از جنایت به آنها نزدیک نیستند. ۸۴ درصد از بازماندگانی که توسط یک شریک صمیمی قربانی شده اند، مشکلات حرفه ای یا عاطفی، از جمله پریشانی متوسط تا شدید، یا افزایش مشکلات در محل کار یا مدرسه را تجربه می کنند. ۷۹ درصد از بازماندگانی که توسط یکی از اعضای خانواده، دوست نزدیک یا آشنا قربانی شده اند، مشکلات حرفه ای یا عاطفی از جمله پریشانی متوسط تا شدید، یا افزایش مشکلات در محل کار یا مدرسه را تجربه می کنند. ۶۷ درصد از بازماندگانی که توسط یک غریبه قربانی شده اند، مشکلات حرفه ای یا عاطفی، از جمله پریشانی متوسط تا شدید، یا افزایش مشکلات در محل کار یا مدرسه را تجربه می کنند.



قربانیان در معرض خطر بارداری و عفونت‌های مقاربتی (STIs) هستند. مطالعات نشان می‌دهند که شانس باردار شدن از طریق یک‌بار رابطه جنسی محافظت‌نشده بین ۱۳-۳.۱ تا ۵ درصد است، بسته به عوامل متعددی، از جمله زمان نزدیکی در ماه، استفاده از داروهای ضد بارداری و سن زن. میانگین تعداد تجاوزها و تجاوزات جنسی علیه زنان در سنین باروری تقریباً ۲۵۰۰۰۰ است. بنابراین، تعداد کودکانی که هر سال از تجاوز جنسی در ایالات متحده باردار می‌شوند ممکن است از ۷۷۵۰ تا ۱۲۵۰۰ متغیر باشد. این یک تخمین بسیار کلی است و تعداد واقعی ممکن است متفاوت باشد. این آمار اطلاعاتی را از تعدادی از مطالعات مختلف ارائه می‌دهد. علاوه بر این، این اطلاعات ممکن است عواملی را در نظر نگیرد که احتمال بارداری را افزایش یا کاهش می‌دهد، از جمله، اما نه محدود به: تاثیر کنترل بارداری یا استفاده از کاندوم در زمان حمله یا ناباروری RAINN. این داده‌ها را فقط برای اهداف آموزشی ارائه می‌کند و قویاً توصیه می‌کند از نقل قول‌ها برای بررسی منابع برای اطلاعات و جزئیات بیشتر استفاده کنید.

بومیان آمریکا در معرض بیشترین خطر خشونت جنسی هستند به طور متوسط، سرخپوستان آمریکایی ۱۲ ساله و بالاتر، سالانه ۵۹۰۰ تجاوز جنسی را تجربه می‌کنند. سرخپوستان آمریکا دو برابر بیشتر از همه نژادها در معرض تجاوز جنسی قرار دارند. ۴۱ درصد از تجاوزات جنسی علیه سرخپوستان آمریکایی توسط یک غریبه انجام می‌شود. ۳۴٪ توسط یک آشنا؛ و ۲۵٪ توسط یکی از اعضای صمیمی یا خانواده.

خشونت جنسی هزاران زندانی را در سراسر کشور تحت تاثیر قرار می‌دهد تخمین زده می‌شود که هر سال ۸۰۶۰۰ زندانی در زندان خشونت جنسی را تجربه می‌کنند. ۶۰ درصد از خشونت‌های جنسی علیه زندانیان توسط کارکنان زندان انجام می‌شود بیش از ۵۰ درصد از تماس جنسی بین زندانی و کارمند - که همگی غیرقانونی است - غیر توافقی است. خشونت جنسی در ارتش اغلب گزارش نمی‌شود ۶۰۵۳ عضو ارتش گزارش کردند که در سال مالی ۲۰۱۸ در طول خدمت سربازی مورد تجاوز جنسی قرار گرفته‌اند. وزارت دفاع تخمین می‌زند که در آن سال حدود ۲۰۵۰۰ نیروی نظامی مورد تجاوز جنسی قرار گرفته‌اند. وزارت دفاع تخمین می‌زند که ۶.۲ درصد از زنان وظیفه فعال و ۰.۷ درصد از مردان وظیفه تجاوز جنسی را در سال مالی ۲۰۱۸ تجربه کرده‌اند.

بعضی از آمارها مربوط به سال ۱۹۹۸ است. از آنجا که جمعیت ایالات متحده از آن زمان به طور قابل توجهی افزایش یافته است، احتمالاً تعداد قربانیان نیز افزایش یافته است.

منابع:

- وزارت دادگستری، دفتر برنامه‌های دادگستری، اداره آمار دادگستری، بررسی ملی قربانیان جنایت، ۲۰۱۹ (۲۰۲۰).
- وزارت دادگستری، دفتر برنامه‌های دادگستری، اداره آمار دادگستری، جرایم و مجرمان جنسی (۱۹۹۷);



- وزارت دادگستری، دفتر برنامه های دادگستری، اداره آمار دادگستری، جنایات علیه سالمندان، ۲۰۰۳-۲۰۱۳ (۲۰۱۴).
- موسسه ملی دادگستری و مراکز کنترل و پیشگیری از بیماری، شیوع، بروز و پیامدهای خشونت علیه زنان (۱۹۹۸).
- وزارت دادگستری، دفتر برنامه های دادگستری، اداره آمار دادگستری، تجاوز جنسی به کودکان خردسال همانطور که به مجریان قانون گزارش شده است (۲۰۰۰).
- وزارت دادگستری، دفتر برنامه های دادگستری، اداره آمار دادگستری، تجاوز جنسی و قربانی شدن جنسی در میان زنان دانشگاهی، ۱۹۹۵-۲۰۱۳ (۲۰۱۴).
- وزارت دادگستری، دفتر برنامه های دادگستری، اداره آمار دادگستری، قربانیان زن خشونت جنسی، ۱۹۹۴-۲۰۱۰ (۲۰۱۳).
- W. Walsh, T. Murdock, DS Riggs. بررسی آینده نگر اختلال استرس پس از سانحه در قربانیان تجاوز جنسی. مجله استرس تروماتیک ۴۵۵-۴۷۵ (۱۹۹۲).
- JRT Davidson & EB Foa (Eds.) اختلال استرس پس از سانحه: DSM-IV و فراتر از آن. انتشارات روانپزشکی آمریکا: واشنگتن دی سی. (ص ۲۳-۳۶).
- AK Seymour, CN Edumuds, DG Kilpatrick. تجاوز جنسی در آمریکا: گزارشی به ملت آرلینگتون، ویرجینیا: مرکز ملی قربانیان و دانشگاه پزشکی کارولینای جنوبی (۱۹۹۲).
- وزارت دادگستری، دفتر برنامه های دادگستری، اداره آمار دادگستری، تأثیر اجتماعی-عاطفی جنایات خشونت آمیز (۲۰۱۴).
- آلن جی. ویلکاکس، دیوید بی. دانسون، کلاریس آر. واینبرگ، جیمز تراسل، و دونا دی بیرد، احتمال پیشگیری از بارداری با یک عمل مقاربتی: ارائه نرخ های معیار برای ارزیابی داروهای ضد بارداری پس از ازدواج، مجله پیشگیری از بارداری، (۲۰۰۱).
- وزارت دادگستری، دفتر برنامه های دادگستری، اداره آمار دادگستری، سرخپوستان آمریکایی و جنایت، ۱۹۹۲-۲۰۰۲ (۲۰۰۴).
- وزارت دادگستری، دفتر برنامه های دادگستری، اداره آمار دادگستری، قربانیان جنسی در زندان ها گزارش شده توسط زندانیان، ۲۰۱۱-۲۰۱۲ (۲۰۱۳).
- گزارش سالانه وزارت دفاع، سال مالی ۲۰۱۹ در مورد تجاوز جنسی در ارتش، (۲۰۲۰).
- دیوید کانتور، بانی فیشر، سوزان چینال، ریانا تاونسند و غیره. al. انجمن دانشگاه های آمریکا (AAU)، گزارش در مورد بررسی آب و هوا پردیس AAU در مورد تجاوز جنسی و سوء رفتار جنسی (۲۱ سپتامبر ۲۰۱۵).

شبکه ملی تجاوز، سوء استفاده و محارم RAINN (بزرگترین سازمان ضد خشونت جنسی در آمریکا)

rainn.org/statistics/victims-sexual-violence

کلینیک آمریکایی مراقبت های روانی Charlie Health

<https://www.charliehealth.com/post/sexual-assault-statistics>

Sexual Assault is an Epidemic

- Every **۹۸ seconds**, someone in the US is sexually assaulted.
- More than **۱ in ۳** women have experienced rape, physical violence, or stalking by an intimate partner in their lifetime.
- **۹۱٪** victims of rape and sexual assault are female; **۹٪** are male.

Rape Reality Check

Women are more in danger of being sexually assaulted by an acquaintance than a stranger, yet law enforcement across the country often treat acquaintance rapes as lower priority.

- About [half](#) of all female victims of rape reported being raped by an intimate partner.
- In [1 out of 10](#) rape cases, the victim knew the perpetrator.

The effects of rape often persist long after an assault occurred. Of women who experience rape:

- [30%](#) report PTSD symptoms 9 months after the rape.
- [33%](#) contemplate suicide.
- [13%](#) attempt suicide.

Women of color, native women, LGBTQ, immigrants and women with disabilities face higher rates of gender-based violence than those who are not part of these groups.

- African American women experience intimate partner violence at a rate [35% higher](#) than that of white females, and about 2.0 times the rate of women of other races.
- Over [84%](#) of American Indian and Alaska Native women have experienced violence in their lifetime.
- [44%](#) of lesbians and [71%](#) of bisexual women experience rape, physical violence, or stalking by an intimate partner, compared to [35%](#) of heterosexual women.
- Many [refugee or immigrant](#) women are especially vulnerable because of poverty, limited language proficiency, social isolation, and immigration status.
- Women with intellectual disabilities are [12 times](#) more likely to experience rape and sexual assault compared to those without disabilities.

Though the #MeToo movement has raised awareness around the prevalence and impact of gender based violence, most rapes aren't reported.

- [63%](#) of sexual assaults are not reported to the police.
- Out of every 1000 rapes, only about [50](#) lead to an arrest or conviction.

Gender-based violence crosses the boundaries of gender, race, economic status, institutions, and geography. It impacts all of us, and that is why we must act together to stop it.

Rape on Campus



Colleges and universities across the country routinely fail to adequately address sexual assault in its ranks. In New York State alone, ۳۰ schools have [Title IX](#) complaints filed against them.

- Nearly [two-thirds](#) of college students experience sexual harassment.
- More than [۹۰٪](#) of campus sexual assault victims do not report.
- By ۲۰۱۵, [۹۷٪](#) of institutions of higher education in a nationally representative study had developed Title IX policies, but only [۶۱٪](#) reported implementing primary prevention programs.

Rape in the Military

Each year, thousands of servicewomen are sexually assaulted by fellow officers. Service members identifying as LGBT are statistically more likely to experience sexual harassment than members who do not identify as LGBT.

- [۱۴,۹۰۰](#) military members experienced unwanted sexual contact in the fiscal year ending September, ۲۰۱۶. Of these survivors, [۴۳٪](#) of females and [۱۷٪](#) of male reported.
- [۱ in ۳](#) convicted military sex offenders remain in the military.
- [۲۷.۵٪](#) of LGBTQ women and [۱۹.۹٪](#) of LGBTQ men indicated experiencing sexual harassment in ۲۰۱۶, compared to [۱۸.۳٪](#) and [۴.۳٪](#) who do not identify as LGBT, respectively.

Rape at Work

In a typical week in the U.S., the average worker spends approximately ۵۵ hours ([۳۳٪](#) of their time) on work-related activities ([NSVRC](#)). There's no room for rape or any type of gender based violence in the workplace.

- [۸٪](#) percent of rapes occur while the victim is at work.
- In [۸۰٪](#) of rape and sexual assault cases that take place at work, women are the victims.
- [۱۹٪](#) of adult female rape survivors and over [۹٪](#) of male rape survivors reported that their assault had caused them to lose time from work.
- Immigrant women, especially those who are undocumented, are especially at risk for being sexually assaulted at work. Fear of having their status revealed contributes to a lack

of agency and fear of reporting the crime or reaching out for help. The investigative piece, [Rape on the Night Shift](#), highlights this.

Rape in Prison

The US pledged to end rape in prisons in ۲۰۰۳ through the Prison Rape Elimination Act (PREA). The [Bureau of Justice](#) estimates that ۲۰۰,۰۰۰ people are sexually abused behind bars in a single year. Incarcerated youth are at an especially high risk. Though PREA calls for a zero-tolerance policy for rape in all prisons, jails and correctional facilities, the problem persists.

- [۶۰٪](#) of sexual violence against inmates is perpetrated by staff: the very people whose job it is to keep them safe.
- Only [۱۰٪](#) of allegations made by inmates were followed by an investigation, and only [۱٪](#) of prison staff found guilty of engaging in sexual misconduct were subjected to criminal conviction.
- Nearly [۱ in ۸](#) youth in a juvenile detention facility were victimized: in [۸۰٪](#) of cases, a staff member was the perpetrator.
- Of the [۱,۲۲۴](#) complaints filed between ۲۰۱۰-۲۰۱۷ about incidents that took place in ICE custody, [۴۳](#) were investigated.

Male Survivors

Rape and sexual assault affects men, too.

- Nearly [۱ in ۶۶](#) men have experienced a completed or attempted rape at some point in their lives.
- [۹۳٪](#) of male survivors reported being raped by men.
- Only [۱۵٪](#) of men report sexual assault to the police.
- [۲۶٪](#) of gay men and [۳۷٪](#) of bisexual men experience rape, physical violence, or stalking by an intimate partner, compared to [۲۹٪](#) of heterosexual men.

Youth

Children and adolescents are at risk for sexual assault and abuse:

- Over [۵۷,۳۰۰](#) children were sexually abused in ۲۰۱۶.



- Almost ۱۰٪ of high school students in a relationship experienced physical dating violence, and just over ۱۰٪ experienced sexual violence.
- More than one third of women who report being raped before age ۱۸ also experience rape as an adult.

تجاوز جنسی یک اپیدمی است

- هر ۹۸ ثانیه یک نفر در ایالات متحده مورد تجاوز جنسی قرار می گیرد.
- بیش از ۱ از هر ۳ زن در طول زندگی خود تجاوز جنسی، خشونت فیزیکی یا تعقیب توسط شریک صمیمی خود را تجربه کرده اند.
- ۹۱ درصد قربانیان تجاوز جنسی و تجاوز جنسی زن هستند. ۹ درصد مرد هستند.

بررسی واقعیت تجاوز جنسی

- زنان بیشتر در خطر تجاوز جنسی توسط یک آشنا هستند تا یک غریبه، با این حال مجریان قانون در سراسر کشور اغلب تجاوز جنسی را در اولویت کمتری قرار می دهند.
- حدود نیمی از قربانیان زن تجاوز جنسی گزارش داده اند که توسط یک شریک جنسی مورد تجاوز قرار گرفته اند.
- در ۸ مورد از ۱۰ مورد تجاوز، قربانی عامل را می شناخت.
- اثرات تجاوز جنسی اغلب مدت ها پس از وقوع یک تجاوز باقی می ماند. از زنانی که تجاوز جنسی را تجربه می کنند:
 - ۳۰٪ علائم اختلال استرس پس از سانحه (PTSD) را ۹ ماه پس از تجاوز گزارش می کنند.
 - ۳۳ درصد به خودکشی فکر می کنند.
 - ۱۳ درصد اقدام به خودکشی می کنند.
- زنان رنگین پوست، زنان بومی، LGBTQ، مهاجران و زنان دارای معلولیت با نرخ بالاتری از خشونت مبتنی بر جنسیت نسبت به کسانی که بخشی از این گروه ها نیستند، مواجه هستند.
- زنان آفریقایی-آمریکایی ۳۵ درصد بیشتر از زنان سفیدپوست و حدود ۲.۵ برابر زنان سایر نژادها، خشونت شریک جنسی را تجربه می کنند.



- بیش از ۸۴ درصد از زنان سرخپوست آمریکایی و بومی آلاسکا در طول زندگی خود خشونت را تجربه کرده اند.
 - ۴۴ درصد از لژیین ها و ۶۱ درصد از زنان دوجنسه تجاوز جنسی، خشونت فیزیکی یا تعقیب توسط شریک صمیمی خود را تجربه می کنند، در مقایسه با ۳۵ درصد از زنان دگرجنسگرا.
 - بسیاری از زنان پناهنده یا مهاجر به دلیل فقر، تسلط محدود به زبان، انزوای اجتماعی و وضعیت مهاجرتی آسیب پذیر هستند.
 - زنان دارای ناتوانی ذهنی ۱۲ برابر بیشتر در معرض تجاوز جنسی و تجاوز جنسی در مقایسه با زنان بدون معلولیت هستند.
 - اگرچه جنبش #MeToo آگاهی را در مورد شیوع و تأثیر خشونت مبتنی بر جنسیت افزایش داده است، بیشتر تجاوزها گزارش نمی شوند.
 - ۶۳ درصد از تجاوزات جنسی به پلیس گزارش نمی شود.
 - از هر ۱۰۰۰ تجاوز، فقط ۵۰ مورد منجر به دستگیری یا محکومیت می شود.
 - خشونت مبتنی بر جنسیت از مرزهای جنسیت، نژاد، وضعیت اقتصادی، نهادها و جغرافیا عبور می کند. این همه ما را تحت تأثیر قرار می دهد و به همین دلیل است که باید با هم برای متوقف کردن آن اقدام کنیم.
 - تجاوز جنسی در محوطه دانشگاه
 - کالج‌ها و دانشگاه‌ها در سرتاسر کشور به طور معمول در رسیدگی به تجاوز جنسی در رتبه‌های خود شکست می‌خورند.
 - نزدیک به دو سوم دانشجویان آزار جنسی را تجربه می کنند.
 - بیش از ۹۰ درصد از قربانیان تجاوز جنسی دانشگاه گزارش نمی دهند.
 - تا سال ۲۰۱۵، ۹۷٪ از مؤسسات آموزش عالی در یک مطالعه نماینده ملی، خط مشی‌های عنوان IX را توسعه داده بودند، اما تنها ۶۱٪ از اجرای برنامه‌های پیشگیری اولیه خبر دادند.
- تجاوز جنسی در ارتش



- سالانه هزاران زن نظامی توسط افسران همکار مورد تجاوز جنسی قرار می گیرند. اعضای خدماتی که به عنوان دگرباشان جنسی شناخته می شوند، از نظر آماری بیشتر از اعضای که خود را دگرباش جنسی نمی دانند، آزار جنسی را تجربه می کنند.

- ۱۴۹۰۰ عضو ارتش در سال مالی منتهی به سپتامبر ۲۰۱۶ تماس جنسی ناخواسته ای را تجربه کردند. از این بازماندگان، ۴۳ درصد از زنان و ۱۷ درصد از مردان گزارش کردند.

- از هر ۳ مجرم جنسی نظامی، ۱ نفر در ارتش باقی می ماند.

- ۲۷.۵ درصد از زنان LGBTQ و ۱۹.۹ درصد از مردان LGBTQ نشان دادند که در سال ۲۰۱۶ آزار جنسی را تجربه کرده اند، در حالی که به ترتیب ۱۸.۳ و ۴.۳ درصد آنها را به عنوان LGBT معرفی نمی کنند.

تجاوز جنسی در محل کار

- در یک هفته معمولی در ایالات متحده، کارگر به طور متوسط تقریباً ۵۵ ساعت (۳۳٪ از زمان خود) را صرف فعالیت های مرتبط با کار (NSVRC) می کند. جایی برای تجاوز جنسی یا هر نوع خشونت مبتنی بر جنسیت در محل کار وجود ندارد.

- ۸ درصد از تجاوزها زمانی رخ می دهد که قربانی سر کار است.

- در ۸۰ درصد موارد تجاوز جنسی و تجاوز جنسی که در محل کار اتفاق می افتد، زنان قربانی می شوند.

- ۱۹٪ از بازماندگان زن بالغ و بیش از ۹٪ از بازماندگان مرد از تجاوز جنسی گزارش دادند که تجاوز آنها باعث شده است که وقت خود را از کار بیاندازند.

- زنان مهاجر، به ویژه آنهایی که فاقد مدرک هستند، به ویژه در معرض خطر تجاوز جنسی در محل کار قرار دارند. ترس از فاش شدن وضعیت آنها به فقدان نمایندگی و ترس از گزارش جرم یا کمک گرفتن کمک می کند. قطعه تحقیقی، تجاوز جنسی در شیفت شب، این موضوع را برجسته می کند.

تجاوز جنسی در زندان

- ایالات متحده در سال ۲۰۰۳ از طریق قانون حذف تجاوز جنسی در زندان (PREA) متعهد شد که به تجاوز جنسی در زندان ها پایان دهد. اداره دادگستری تخمین می زند که ۲۰۰۰۰۰ نفر در یک سال در پشت میله های زندان مورد آزار جنسی قرار می گیرند. جوانان زندانی در معرض خطر بالایی قرار دارند. اگرچه PREA



خواستار یک سیاست عدم تحمل تجاوز جنسی در همه زندان‌ها، زندان‌ها و مراکز اصلاحی است، اما این مشکل همچنان ادامه دارد.

- ۶۰ درصد خشونت‌های جنسی علیه زندانیان توسط کارکنان انجام می‌شود: همان افرادی که وظیفه آنها حفظ امنیت آنهاست.
- تنها ۱۰ درصد از اتهامات مطرح شده توسط زندانیان مورد تحقیق قرار گرفت و تنها ۱ درصد از کارکنان زندان که به اتهام سوء رفتار جنسی مجرم شناخته شدند، مورد محکومیت کیفری قرار گرفتند.
- نزدیک به ۱ نفر از هر ۸ جوان در یک بازداشتگاه نوجوانان قربانی شدند: در ۸۰٪ موارد، یکی از کارکنان مرتکب جرم بود.
- از ۱۲۲۴ شکایتی که بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۷ در مورد حوادثی که در بازداشتگاه ICE ثبت شد، ۴۳ مورد بررسی شد.

بازماندگان مرد

- تجاوز جنسی بر مردان نیز تأثیر می‌گذارد.
- از هر ۶۶ مرد تقریباً ۱ نفر در مقطعی از زندگی خود تجاوز کامل یا اقدام به تجاوز جنسی را تجربه کرده‌اند.
- ۹۳ درصد از بازماندگان مرد گزارش داده‌اند که توسط مردان مورد تجاوز جنسی قرار گرفته‌اند.
- تنها ۱۵ درصد از مردان تجاوز جنسی را به پلیس گزارش می‌دهند.
- ۲۶ درصد از مردان همجنسگرا و ۳۷ درصد از مردان دوجنسگرا تجاوز جنسی، خشونت فیزیکی یا تعقیب را توسط یک شریک صمیمی تجربه می‌کنند، در حالی که این رقم در مردان دگرجنس‌گرا ۲۹ درصد است.

جوانان

- کودکان و نوجوانان در معرض خطر تجاوز و آزار جنسی قرار دارند:
- بیش از ۵۷۳۰۰ کودک در سال ۲۰۱۶ مورد آزار جنسی قرار گرفتند.
- تقریباً ۱۰ درصد از دانش‌آموزان دبیرستانی در یک رابطه، خشونت فیزیکی در رابطه جنسی را تجربه کردند و بیش از ۱۰ درصد خشونت جنسی را تجربه کردند.



- بیش از یک سوم زنانی که قبل از ۱۸ سالگی مورد تجاوز جنسی قرار گرفته اند، در بزرگسالی نیز تجاوز را تجربه می کنند.

سازمان ملی زنان - شهر نیویورک

nownyc.org/issues/get-the-facts-take-rape-seriously/



پیوست ۲: شرح زیرساخت‌های ۹ گانه هدایت

۱. زیرساخت امامت

قبل از اینکه وارد این زیرساخت‌های هدایت شوم، عناوین آنها را بگویم. اگر به دنبال هدایت هستید، باید خیلی مواظبت کنید که امام جامعه شما چه کسی است؟ امام مؤثرترین شخصیت‌ها در هدایت یک جامعه است، حتی اثر آن از پدر و مادر در هدایت بالاتر است. اصطلاحاً امام زیرساخت هدایت است. خیلی تفاوت می‌کند که چه کسی الگو و امام انسان باشد. اگر خدای نکرده رهبر و امام یک جامعه اهل ضلالت باشد، تقریباً همه آن جامعه از ضلالت امام به ضلالت می‌افتند و اگر امام یک جامعه اهل هدایت بود، از هدایت آن امام، همه جامعه هدایت پیدا کنند. پس یکی از موارد مسئله امام است.

۲. زیرساخت معیشت (مکاسب)

یکی دیگر از زیرساخت‌های هدایت، مسئله معیشت جامعه است. اگر به دنبال گسترش هدایت جامعه هستید باید مسئله بهبود معیشت مردم را با دو ویژگی غیر ربوی بودن و حلال بودن، جدی بگیرید. معیشت حرام، هدایت را به چالش می‌کشد. اگر مقاتل روز عاشورا را بررسی کرده باشید، می‌بینید امام حسین علیه السلام چندین بار برای اتمام حجت سپاه کوفه، پیک‌هایی را به سمت آنها می‌فرستادند و وقتی پیک‌ها وارد صحبت می‌شدند، سپاه دشمن هلهله می‌کردند و اجازه نمی‌دادند گفتگوها شکل بگیرد، در برخی موارد اندک هم قاصدین امام علیه السلام موفق به سخن با سپاه کوفه در مورد ترک صحنه عاشورا شدند. وقتی اینها به نزد حضرت علیه السلام بازمی‌گشتند، حضرت علیه السلام یک استدلالی مبنی بر اینکه چرا اینها حرف حق را نمی‌پذیرند، مطرح می‌کردند؛ حضرت فرمودند: به خاطر اینکه شکم‌های اینها پر از حرام است. وقتی کسب انسان، حرام می‌شود. بر روی شکل‌گیری نگرش‌ها، اثر می‌گذارد و نگرش‌های او غلط شده و به سمت ضلالت می‌رود؛ بنابراین مسئله معیشت هم یکی از زیرساخت‌های هدایت است.

۳. زیرساخت پیشگیری از جرم (عبرت)

یکی دیگر از زیرساخت‌های هدایت، مسئله پیشگیری از جرم و قوه قضائیه مؤثر بر جامعه است. در حدیث داریم اثر اجرای یک حدّ از ۴۰ روز بارش باران، برای یک مردم و جامعه مفیدتر است. از افراد جامعه از یک سری خطوط قرمز عبور می‌کنند که باید به نحو مؤثر با آن افراد برخورد شود، ای‌کاش جامعه ما هم به این سمت برود. ان‌شاءالله در آینده ما باید به سمتی برویم که وقتی برخی به بیت‌المال مسلمین دست‌درازی می‌کنند، مجازات درخور دریافت کنند، نه اینکه تبرئه شوند. این خیلی به هدایت جامعه کمک می‌کند. اختلاس در جامعه ما در حال افزایش است.

وقتی فردی به بیت‌المال دست‌درازی کند، چاره چیست؟ چاره این است که او را به عبرت دیگران تبدیل کنیم. در یکی از صحنه‌های مدیریتی امیرالمؤمنین علیه السلام، استاندار ایشان تخلف کرد، حضرت چطور با او برخورد بعضی کردند؟ دستور



شلاق‌زدن او را در نماز جمعه را دادند ۳ و آبروی او را به چالش کشیدند؛ ولی متأسفانه الان خواص سوء استفاده‌کننده در جامعه ما ایمن هستند. اگر یک کسی یک جرم کوچکی انجام دهد، قوه قضائیه او را مجازات می‌کند؛ ولی هنوز بعد از چند سال، فیش‌های حقوق نجومی که مصداق دست‌درازی به بیت‌المال بود، مورد رسیدگی واقع نشده است.

البته قوه قضائیه ما نسبت به گذشته پیشرفت کرده؛ ولی با قوه قضائیه مطلوب فاصله دارد؛ لذا یکی از مواردی که نگاه‌ها را اصلاح می‌کند، جریان آن اختلاس معروف و آن فیش‌های حقوقی هستید. دوستان ما در یک نمونه آماری نظرسنجی کرده بودند؛ از آنها پرسیده بودند: اگر شما هم بتوانید به بیت‌المال دست‌درازی داشته باشید، این کار را می‌کنید؟ متأسفانه ۷۰٪ پاسخ‌دهندگان گفته بودند: بله، ما این کار را می‌کنیم. ببینید وقتی با تخلف برخورد نمی‌شود، اندک‌اندک آن تخلف به معروف تبدیل می‌شود، یعنی منکر به معروف تبدیل می‌شود. از جمله واجبات قوه قضائیه این است که به سمت برخورد جدی با کسانی که فیش‌های حقوقی نجومی و کسانی که اختلاس کردند، برود. فرق نمی‌کند، آنها در کدام دولت مشغول به کار بودند. تخلف را در هر دولتی و از هرکسی نباید تحمل کرد. پس یکی از زیرساخت‌های هدایت، مسئله قوه قضائیه مقتدر و مسئله پیشگیری از جرم است و این باید جدی گرفته شود تا هدایت در جامعه گسترش پیدا کند.

۴. زیرساخت علم

یکی دیگر از زیرساخت‌های هدایت، مسئله علم است. من در جلساتی عرض کردم، نظام آموزش و پرورش و دانشگاهی ما، مفهوم علم را به درستی متوجه نیستند. اصطلاحاً نگاه بیکنی به حوزه علم کشور حاکم است. بیکن چه می‌گوید؟ می‌گوید: «Knowledge is power» علم قدرت است؛ یعنی علم را ابزار تصرف در طبیعت می‌داند. اساساً این تعریف بیکنی از علم است. حال آیا واقعاً علم از نظر اسلام این است؟ ما یعنی برویم یک معادلاتی را یاد بگیریم که تصرفمان در طبیعت بیشتر شود، آیا علم این است؟

همان‌طور که در حدیث امیرالمؤمنین برای شما قرائت کردم، گفتم: «العِلْمُ سُلْطَانٌ» علم ابزار سلطه است. سلطه و سلطان، موضوع روابط انسانی است. همه ما انسان‌ها در حوزه پیرامونی خود، یک تصرفاتی داریم، مثلاً معلم بر کلاس درسش و پدر بر خانواده‌اش مسلط است. مادر به خانواده خود تسلط دارد. رئیس دولت بر زیرمجموعه خود مسلط است. ببینید انسان‌ها ذیل یک نظامی از روابط انسانی طبقه‌بندی شده زندگی می‌کنند؛ حضرت می‌فرماید: «العِلْمُ سُلْطَانٌ» علم آن اطلاعاتی است که نظام روابط انسانی را از حالت سلطه ظالمانه تغییر داده و به سلطه عادلانه تبدیل کند، مسئله تسلط در نظام روابط انسانی، غیرقابل انکار است. همه یک حوزه تسلطی دارند. علم آن ابزاری است که به شما کمک می‌کند در حوزه تسلط خودتان، ظلم نکنید؛ لذا علمی که اسلام تعریف می‌کند به سمت یک چون معنای دیگری می‌رود.



در آن روایت معروف را حتماً شنیدید و بنده سند این روایت را تحقیق کردم، این روایت از نه امام ما نقل شده، حضرت فرمود: «انما العلم ثلاثة: آية محكمة، فريضة عادلة، سنة قائمة، فما خلاهن فضل»؛ از نه امام معصوم این حدیث نقل شده است. علم سه چیز است، «آیه محکمه» و انسان باید نشانه‌های حکمت داشته باشد، آیه‌های حکیمانه داشته باشد. اثر «آیه محکمه» نشانه‌های آن چیست؟ وقتی شما «منازل البراهین» و اهل حکمت بودید و وقتی شما به امام حسین علیه السلام اقتدا کردید، مفاهیمی را یاد گیرید که به شما کمک کند، نظام روابط انسانی پیرامون خودتان را مدیریت کنید. انسان‌ها را نمی‌توان با الزام مدیریت کرد؛ وقتی با الزام انسان‌ها را نشود مدیریت کرد، چه جایگزین آن است؟ انسان باید «آیه» و استدلال داشته باشد. آیه هم آیه محکم است، یعنی آیه‌ای که از سر حکمت است. وقتی شما کلام حکیمانه می‌دانید چه اتفاقی می‌افتد؟ می‌توانید به صورت نرم و عادلانه در طرف مقابل نفوذ کنید. پدر و مادرهایی که حکمت ندارند، به سرعت با فرزندان‌شان به چالش می‌رسند؛ ولی وقتی پدر و مادر اهل حکمت، اهل علم و اهل منبر بود، علم او افزایش پیدا می‌کند و موقعی که می‌خواهد فرزند خود را راهنمایی کند و برای او خیرخواهی کند، چون حکمت دارد به سمت الزام و جبر نمی‌رود. چون الزام و جبر دوامی ندارد و به زودی به اصطکاک می‌انجامد.

بینید علم «آیه محکمه» است. البته این توضیح بنده از «آیه محکمه»، سطح اول آن است و معنای آن سطح عمیق‌تری هم دارد؛ چون من الان در مقام شرح این حدیث نیستم، به همین مقدار اکتفا می‌کنم، علم «فريضة عادلة» و «قائمة» هم هست، یک جای دیگر باید این را توضیح دهم. چون «العلم سلطان» است، و علم برای تنظیم روابط انسانی در حوزه سلطه است تا سلطه به ظلم نینجامد، سه نوع علم داریم؛ ولی اگر Knowledge is power یعنی علم قدرت بود، چه می‌شود؟ اگر علم را ابزار تصرف در طبیعت دانستیم، چه طور؟ این علم به علوم پایه، علوم انسانی و علوم تجربی تقسیم خواهد شد. ببینید طبقه‌بندی که در مدارس و دانشگاه‌های ما در جریان است، تابع نگاه بیکنی است. فیلسوف‌های علم غرب، به علم یک معنای دادند و طبقه‌بندی آن هم تغییر کرده است. بله من هم قبول دارم که اگر تصرف در طبیعت، لازم‌ترین نوع اطلاعات برای بشر هست، پس ریاضی و فیزیک و زیست، لازم‌ترین تخصص‌هاست؛ اما اگر گفتیم لازم‌ترین نوع اطلاعات برای ابنای بشر این است که روابط انسانی‌شان را با یکدیگر و با محیط اطرافشان، تنظیم کنند؛ پس «آیه محکمه»، «فريضة عادلة» و «سنة قائمة» لازم‌ترین انواع اطلاعات است؛ ما باید بر روی اینها برای آینده تأمل کنیم.

من مجدداً در این قسمت از عرایضم، برادران و خواهران گرامی را به تفکر راجع به آینده کشور دعوت کنم. ما باید این حوزه علم را اصلاح کنیم. نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم، فرزندان ما ۱۶ یا ۱۷ هزار ساعت ریاضی ۱، ۲، ۳ و فیزیک ۱، ۲، ۳ و زیست ۱، ۲، ۳ بخوانند و وقتی به سن ازدواج رسیدند، خانواده‌هایشان از حیث عواطف و روابط، خانواده‌های



استانداردی باشد. وقتی همه ساینیتیک است، ۴۲٪ هم طلاق به وجود خواهد آمد؛ نتیجه آن گسستگی روابط انسانی خواهد بود. ببینید یکی از زیرساخت‌های هدایت، نگاه صحیح به علم است. اینها را باید جدی گرفت.

۵. زیرساخت نفی سبیل

یکی دیگر از زیرساخت‌های هدایت، روابط بین‌الملل است. اگر دوست داریم هدایتمان افزایش پیدا کند، باید اجازه سلطه کفر و نفاق به جامعه‌مان را ندهیم. بنا بر فرهنگ قرآن و معارف قرآن، وقتی کفار مسلط می‌شوند، چند کار می‌کنند: یکی اینکه فحشا و فساد را گسترش می‌دهند. این از اخلاق کفار است که وقتی بر جایی مسلط می‌شوند، سعی می‌کنند فساد و فحشا را گسترش دهند. می‌پرسید این چه ضرری می‌زند؟ پاسخ آن روشن است. فساد و فحشا مهم‌ترین عامل ضد خانواده است، یعنی خانواده را دچار فروپاشی می‌کند؛ در خانواده چه اتفاقی می‌افتاد؟ خانواده معدن فکر و معدن رفق است؛ در خانواده فکر ضربدر رفق اتفاق می‌افتد؛ بنابراین گسترش فساد و فحشا هم رفق و همفکر را به چالش کشد. کفار وقتی مسلط می‌شوند عزیزان یک شهر را ذلیل می‌کنند و نخبگان یک شهر را به انسان‌های فرعی تبدیل می‌کنند. شما تاریخ دوران طاغوت را در ایران خواندید، مردمان ایران مردم باهوشی هستند. ما الان کشور خودمان را خودمان اداره می‌کنیم و بعد از انقلاب به پیشرفته‌ای قابل توجهی هم دست پیدا کردیم. در دوران طاغوت چهل هزار مستشار آمریکایی، امور تخصصی مردم ایران را برعهده داشتند؛ یکی دیگر از کارهایی که هنگام تسلط کفار اتفاق می‌افتد، این است که حس استقلال و خودباوری و ملت‌ها به چالش کشیده می‌شود؛ این فرهنگ در کفار هست؛ لذا اگر شما می‌خواهید هدایت در جامعه‌تان گسترش پیدا کند، باید به مسئله نفی سبیل به‌عنوان یکی از زیرساخت‌های هدایت توجه کنید.

نباید اجازه دهید دشمن به هیچ بهانه‌ای بر کشور شما مسلط شود. *أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ (مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ فَتَحَ ۲۹)* «آنهایی که «مع الرسول» هستند و همراه پیامبر حرکت می‌کنند، دو ویژگی دارند: اولاً با کفار شدید هستند و دوم این که بین خودشان کاملاً مهربان هستند؛ چرا با کفار شدید هستند؟ چون کفار معادله رفق ضربدر فکر را به چالش می‌کشند. هرکسی که رفق را به چالش بکشد، شایسته برخورد شدید است؛ چون کمبود رفق، عدم تعادل روحی در جامعه ایجاد می‌کند؛ کمبود فکر باعث می‌شود یک جامعه تصمیمات منطقی اتخاذ نکند.

در حوزه روابط بین‌المللی، به دشمن نباید لبخند زد، چرا؟ چون دشمن به تسلط بر کشور شما امیدوار می‌شود و اگر مسلط شد، فکر ضربدر رفق به چالش کشیده می‌شود. آن استاد دانشگاه تهران دائماً می‌گوید: «شعار مرگ بر آمریکا، جزء شعارهای ذاتی انقلاب اسلامی نیست و من نمی‌دانم چرا باید با آمریکا بجنگیم؟» جناب استاد دانشگاه، اگر آمریکا یا هر مصداق دیگری از استکبار و کفر، بر کشوری استیلا پیدا کنند، معادله فکر ضربدر رفق را به چالش می‌کشند؛ اگر



برای شما رفق ضربدر فکر مهم نیست، بنده هم مشکلی ندارم که بپذیرید تسلط آمریکا چیز خوبی است؛ اما اگر شما در تسلط کفار، این معنا را می‌بینید که رفق ضربدر فکر به چالش کشیده می‌شود، بنابراین ما حتی اگر اول انقلاب هم «مرگ بر آمریکا» را نمی‌گفتیم، باید از الان بگوییم - البته این گزاره، گزاره غلطی است - البته این مباحث، نظری است. اینها باید جواب دهند، چگونه کشور ایران از چاه ویل «برجام» بیرون بیاید؟ ما به معنای واقعی کلمه در یک چاه افتادیم. برجامی که قرار بود تحریم‌ها را از کشور ما بردارد و وضع اقتصادی کشور ایران را خوب کند، خود تبدیل به یک معضلی شده است و باید فکر کنیم چطور آن را حفظ کنیم؟ البته تحریم‌ها که زیادتر شده است؛ حال گفتگو می‌شود که خود برجام را چگونه حفظ کنیم؟ وقتی توصیه‌های اسلام در برخورد با کفر جدی گرفته نمی‌شود، یک چنین مشکلاتی به وجود می‌آید.

مسئله روابط بین‌المللی خیلی مهم است. اگر ما چشمانمان را باز کنیم، کشور عراق، افغانستان و کشورهای اطراف را می‌بینیم. پشت داعش، اسرائیل و آمریکا است. اگر آیت‌الله خامنه‌ای این فقیه شجاع و مرد بصیر، اندکی کوتاه آمده بود، الان داعش در وسط ایران در کرمانشاه، همدان و اصفهان و بود. در مسئله مدیریت روابط بین‌الملل، جدیت قرار داده شده است. البته این منافاتی با حفظ ارتباط با مردم جهان ندارد. داستان ما، داستان برخورد با مستکبرین است. از این مجموعه ۲۰۰ کشوری که در دنیا هست، با ۱۸۰ یا ۱۹۰ کشور می‌توان رابطه داشت؛ دعوا بر سر هفت یا هشت کشور توسعه یافته دنیا است که ادعای رهبری دنیا را دارند. با اینها باید جدی برخورد کرد. تصور من این است که برجام تا روز ظهور برای مردم ایران تبدیل به یک عبرت شده است. آیت‌الله خامنه‌ای بر منع مذاکرات، اجبار یا الزام نکردند و اجازه مذاکره دادند و همیشه به مردم گفتند: مردم خوب، من به مذاکرات خوش بین نیستم. آقای روحانی - که خداوند کمکشان کند - در همان ایام گفتند: در مذاکرات خوش بینی یا بدبینی معنا ندارد. من اخیراً خوشبختانه در کلمات ایشان می‌بینم می‌گویند: به آمریکا نمی‌توان اعتماد کرد، لذا آیت‌الله خامنه‌ای، جناب آقای روحانی را هم هدایت کردند و نگرش ایشان را اصلاح کردند. این خیلی خوب است، ایشان دعوا نکردند که نباید مذاکره کرد، ایشان اجازه مذاکره دادند تا برای همه معلوم شود چرا نمی‌توان به این دنیای استکبار اعتماد کرد؟ لذا یکی از تکالیفی که همه بر عهده دارند، مواظبت از روابط بین‌المللشان است.

الان فضای مجازی را ببینید؛ مثلاً یک جمعیتی در حدود ۵۰ میلیون ایرانی در تلگرام هستند، همه در آن حضور دارند. محیط تلگرام در اختیار ما نیست. این مصداق شکسته شدن نرم نفی سبیل است. نفر سبیل را می‌توان سخت و فیزیکی و نظامی به چالش کشید و همچنین می‌توان اصل نفی سبیل را به صورت نرم به چالش کشید. الان واقعیت مسئله این است که پلیس کشور اعلام می‌کند بخش قابل توجهی از جرائم با استفاده از فضای مجازی اتفاق می‌افتد. حادثه ستایش که



اتفاق افتاد - همه شما باخبر هستید - طبق گزارش رسمی دادگستری، علت اصلی آن به استفاده نابجای قاتل از فضای مجازی در راستای تحریک جنسی، بازمی‌گشت که آن داستان تلخ اتفاق افتاد. البته این یک نمونه بارز آن است. ما باید به سمت آن برویم که مدیریت فضای مجازی خودمان را بر عهده بگیریم. ما نیاز به شبکه ملی اطلاعات داریم. مردم، اینها جزء نیازهای روزمره ماست. فرزندان ما در محیط ناامن تلگرام و محیط ناامن اینترنت حضور دارند. ساخت و پیش برد شبکه ملی اطلاعات توسط وزارت ارتباطات جدی گرفته نمی‌شود؛ نفی سبیل به صورت نرم هم می‌تواند به چالش کشیده شود. این هم یکی از زیرساخت‌های هدایت است.

۶. زیرساخت نظم

یکی دیگر از زیرساخت‌های هدایت، مسئله نظم و قانون در یک جامعه است که دیشب اجمالاً راجع به این مسئله توضیح دادم - کشور ما به اسم نظم و اداره جامعه، الزام حداکثری می‌کند. چرا؟ چون ماهیت قانون مدرن، الزام است. اگر ما می‌خواهیم هدایت داشته باشیم نباید دائماً به مردمان بگویم انجام بده و انجام نده درحالی که این امر ونهی کل هنر قانون مدرن است. دیشب توضیح دادم چرا قانون مدرن کشور ما را به چالش کشیده است؟

ببینید در کشور ۱۱۰ سال سابقه قانون‌گذاری داریم؛ دیشب عرض کردم تعریف قانون چه بود؟ طبق تعریف حقوق‌دان‌ها در ذات قانون، الزام خوابیده است، پس قانون زیاد هم یعنی الزام زیاد؛ این تناسبی با فطرت ندارد؛ لذا نوع قانون‌گذاری و نظم جامعه باید تغییر کند تا هدایت اتفاق بیفتد. الان به برکت تفکری که در مساجد هیئات مطرح می‌شود، بخشی از این معنای نظم اختیاری در جریان است؛ آن خانواده‌هایی که فرهنگ دینی دارند، نظمی بر زندگی‌شان حاکم است؛ ولی نظم آنها بر محوریت الزام و قانون نیست؛ نظم به محوریت علاقه و فکر مشترک و کفویت است. این را می‌توان در تمامی حوزه‌ها تعمیم من عرض کردم، حوزه سلامت کشور را با قانون نمی‌توان تغییر داد؛ سلامت محصول سبک زندگی است. WHO و وزارت بهداشت در جمهوری اسلامی می‌تواند به این افتخار کنند که بیمارستان‌های خوب بسازند و به سمت این بروند که بیمارستان‌های ما را تجهیز کنند؛ ولی واقعیت این است که اگر توانستیم جلوی بیماری را بگیریم، یک سازمان یا مجموعه موفق هستیم و هنر کرده‌ایم. نه اینکه اجازه دهیم بیماری‌ها گسترش پیدا کنند و ما هم با درمان و دارو به مقابله با آن بیماری‌ها برویم. اگر بخواهیم سلامت را تأمین کنیم، راه آن چیست؟ قطعاً با آیین‌نامه و ابلاغ نمی‌شود اینها را در شب‌های قبل عرض کردم - بلکه باید نوع نگاه مردم به زندگی را عوض کنیم. پس ببینید نوع قانون‌گذاری باید در حوزه‌های مختلف تغییر کند.

وزارت بهداشت فکر نکند که اگر یک لایحه‌ای در حوزه بهداشت به مجلس برد، سلامت جامعه را به محوریت آن لایحه و قوانین می‌تواند تنظیم کند و من با صدای بلند اعلام می‌کنم «اگر وزارت بهداشت دلسوز سلامت مردم است، راه آن این



است که تلاش کند سبک زندگی مردم تغییر پیدا کند و راه حل [اصلاح] سبک زندگی، گزاره‌های دینی است». آقای قاضی زاده هاشمی بیش از آنکه به who برود، باید به قم بیاید و با علما مشورت کند که چطور سبک زندگی مردم را تغییر دهد؟ این راه تحقق سلامت است. اگر نوع زندگی و تغذیه مردم ما و تغییر پیدا کرد، سالم‌تر خواهند بود. شما حتماً شنیدید، مصرف شیر جزء اخلاق پیامبران بود؛ یکی از توصیه‌هایی که پیامبران در حوزه تغذیه دارند، مصرف شیر است و در سایر حوزه‌های زندگی مثل تغذیه، یک توصیه‌هایی دارند. وزارت بهداشت با هیئات و مساجد درباره آن توصیه‌ها باید وارد تفاهم شود و آنها با مردم به صورت حداکثری مطرح کند. اگر این توصیه‌ها جدی گرفته شود، مردم ایران در ده سال بعد سالم‌تر هستند. من می‌ترسم این حرف درست باشد و شواهدی هست که درست است.

من بعضی وقت‌ها شواهدی می‌بینم که رد پای مافیای دارو در میان است؛ یعنی عده‌ای بر سر مسئله دارو و درمان به آلف‌والوف رسیدند و اتفاقاً آنها اجازه نمی‌دهند که نوع برنامه‌ریزی برای سلامت کشور، تغییر پیدا کند. اینها را باید بحث کنیم. وقتی ما در حوزه علمیه قم و در رسانه‌ها و در اصفهان و در شهرهای ایران با مردم بحث می‌کنیم، آقای وزیر بهداشت و معاونشان نباید جوش بزنند و عصبانی شوند و بگویند دستگاه وزارتخانه ما متکفل سلامت است. نخیر! چون نگاه شما به سلامت، درمان است؛ فکر می‌کنید دستگاه شما متکفل هست؛ ما به برکت روایات اهل بیت عصمت و طهارت و ادبیات وحی، راه تحقق سلامت را تغییر سبک زندگی می‌دانیم.

روحانیت مسئله سلامت را وظیفه ذاتی خود می‌داند. آقایان خود را خسته نکنند؛ اولاً بدانند ما یک لشکر طلبه هستیم که معتقد به این حرف‌ها هستیم، نه یک نفر، دو نفر و سه نفر. دوم این که دستگاه طب مدرن آن قدر ناکارآمدی ایجاد کرده که مردم از دست این دستگاه ناراضی هستند. مردم از دست طب شیمیایی و عوارض ناراضی هستند. کدام یک از شما هست که عوارض طب شیمیایی را تجربه نکرده باشد. داروهایی که تجویز می‌کنید، ضررهای فراوانی به بدن وارد می‌کند. این دیگر وجدانی و عمومی شده و همه مردم آن را درک می‌کنند. وقتی خود وزارت بهداشت اعلام می‌کند: ۴۷٪ مرگ‌ومیرها در ایران مربوط به بیماری‌های قلب و عروق است، معنای آن این است که به ناکارآمدی مدل سلامت کشور اعتراف می‌کنند. در این فضا به جای اینکه به سمت اصلاح مدل سلامت کشور برویم، به دیگران می‌آیید می‌گویید: ساکت باشید؟ این فرمایش شما چرا این قدر بی‌منطق و بدون استدلال است؟ ما اگر می‌خواهیم هدایت جامعه گسترش پیدا کند، باید قوانینمان را -چه قوانین بخش سلامت و چه بخش آموزش- تغییر دهیم، اگر این نظام قانون‌گذاری فعلی، همین‌طور باشد. مشکلات بیشتر خواهد شد.

من یک داستان تلخ از مجلس برای شما تعریف کنم؛ ذائقه من خیلی تلخ است. سه یا چهار دوره است که به‌عنوان کارشناس به مجلس می‌روم، خلاصه یکی از کارهایی که انجام می‌دهیم این است که با نمایندگان مجلس در دوره‌های



مختلف زیاد گفتگو می‌کنیم؛ یک وقت یکی از کارشناسان مجلس به من می‌گفت: ما بررسی کردیم، نماینده‌ای در طول چهار سال، رأی ممتنع داده است؛ این برایمان جالب بوده که چرا این فرد در هیچ طرح و لایحه‌ای نه موافقت و نه مخالفت کرده است. ما با او رفتیم و صحبت کردیم که وضعیت شما چرا این طور است؟ گفت: من به یقین نمی‌رسم که رأی بدهم؛ بعضی از نمایندگان ما این طور هستند، اینها تصمیم می‌گیرند یک چیزی قانون شود یا نه. فردا آقایان اعتراض نکنند؛ درست است که کشور نیاز به قانون دارد؛ ولی نمایندگان مجلس حق ندارند قانون بد تصویب کنند. قانون بد، نظم اجتماعی را به چالش می‌کشد. حال انتخابات که مطرح می‌شود، مردم چطور رأی می‌دهند؟ معمولاً این ملاک‌ها را در نظر نمی‌گیرند. همان آقای چهارساله رأی ممتنع داده، منتخب همین مردم است. مردم در انتخاب قانون‌گذار دقت نمی‌کنند. نخبگان ما قانون مدرن را به چالش نمی‌کشند، نتیجه آن هم این می‌شود که مشکلات ما حل نمی‌شود. حال من در شب‌های آینده راجع به مسئله مدیریت آب، سدها و تغییر اقلیم و بعضی از مباحث وارد بحث می‌شوم. منشأ اینها بعضی از قوانینی است که قبلاً تصویب شده‌اند. اینها را باید جدی مسئله‌ی نظم اجتماعی و قانون هم یکی از زیرساخت‌های هدایت است. اینها را باید جدی گرفت.

۷. زیرساخت فرقان

یکی دیگر از زیرساخت‌های هدایت که بدون آن، هدایت در جامعه ایجاد نمی‌شود، شاخص‌های ارزیابی است. با چه شاخصی ارزیابی کنیم که در حال پیشرفت هستیم، وضعیتمان در حال بهتر شدن است یا وضعیتمان در حال بدتر شدن است؟ خواهش می‌کنم این بخش را با دقت بیشتری استماع بفرمایید. ببینید الان بسته شاخص WDI (World Development Indicators) یا همان شاخص‌های توسعه جهانی، شاخص‌های پیشرفت کشور ایران را ارزیابی می‌کنند. بانک جهانی این شاخص‌ها را منتشر می‌کند.

اینها هفت یا هشت دسته شاخص هستند؛ بگذارید من برخی از آنها را برای شما بگویم تا ببینید ما با چه مصیبتی روبرو هستیم. با این شاخص‌ها ارزیابی می‌کنند که یک کشوری پیشرفته یا پسررفته است. مثلاً در حوزه سلامت، به میزان تخت‌های بیمارستانی، پیشرفت یک کشور را ارزیابی می‌کنند؛ یعنی هر کشوری که تعداد تخت‌های بیمارستانی آن بیشتر باشد، آن کشور پیشرفته‌تر است؛ یعنی دقیقاً چیزی که شاخص پسررفت است، به عنوان شاخص پیشرفت تلقی می‌کنند. درحالی که در حوزه سلامت، باید کشورها را به میزان قدرت پیشگیری در حوزه سلامت، طبقه‌بندی کنند، ولی به میزان تخت‌های بیمارستانی ارزیابی می‌کنند. شاخص دیگری هست که میزان ابتلا به ایدز را شاخص تعیین می‌کنند، یعنی هر کشوری که به میزان کمتری مبتلا به ایدز شد، آن کشور پیشرفته‌تر است. اصلاً این معنا در ایران موضوعیت دارد؟ مردم در ایران به یک عدد کوچکی به ایدز مبتلا هستند که ۷۰٪ آن‌هم از طریق اعتیاد بوده است؛ یعنی از این حدود ۸۰ میلیون



جمعیت ایران، یک جمعیت بسیار کوچکی مثلاً حدود ۱۰۰ هزار نفر، این داستان را دارند، آیا اساساً این نمی‌کنند شاخص به درد ارزیابی پیشرفت ما می‌خورد؟ این موضوع بر اساس ارزیابی‌ها، شاخص ارزیابی پیشرفت قرار دادند. همچنین میزان حاملگی با سن پایین را شاخص پسرقت معرفی می‌کنند؛ یک دوره زمانی را برای بانوان به‌عنوان زمان بارداری تعیین می‌کنند و اگر یک کشوری آن دوره زمانی را رعایت نکند، آن کشور پسررفته است. شاخص‌های دیگری هم هست. مثلاً در حوزه ارتباطات و فرهنگ، میزان انتشار روزنامه‌ها، کتب و مجلات را شاخص پیشرفت تلقی می‌کنند؛ درحالی‌که بحث کنند در این کتاب‌ها و مجلات چه محتوایی نوشته می‌شود؟ همین تیراژ روزنامه را شاخص تلقی می‌کنند. پس اگر در کشور آمریکا، روزنامه‌ها بیشتر منتشر می‌شوند، می‌گویند: در حوزه فرهنگ، کشور آمریکا پیشرفته‌تر است. درحالی‌که ممکن است در کشور آمریکا، بسیار مطالب خلاف هدایت نوشته شود. موارد بسیار است، میزان استفاده از موبایل را شاخص پیشرفت تلقی می‌کنند. می‌گویند هر کشوری که اعضای آن از موبایل استفاده بیشتری کنند، پیشرفته‌تر هستند. میزان استفاده از کامپیوتر خانگی را علامت پیشرفت تلقی می‌کنند. موارد مختلف است ... حدوداً ۷۰۰ تا ۸۰۰ شاخص است.

مثلاً میزان کشت نسبت به کشت دیم، یک شاخص است. طبیعت قضیه این است که نمی‌توانیم این حدود ۸۰۰ شاخص را بازخوانی کنیم؛ ولی حرف من این است که همه این ۸۰۰ شاخص به سمت این می‌رود که اقتصاد و ارزش افزوده را اصل قرار دهد، درحالی‌که ما نیاز به یک بسته شاخص‌هایی داریم که گسستگی و پیوستگی روابط انسانی را اصل قرار دهد. ما نیاز به یک چنین کاری داریم. مثلاً خانم‌ها به چه کسی «بله» بگویند؟ این یک سؤال است. پدر دختر به چه دامادی رضایت دهد؟ این نیاز به یک شاخص دارد، این را باید بحث کنیم. زندگی‌ها، خیلی وقت‌ها به خاطر یک انتخاب بد، به چالش کشیده می‌شود. انتخاب بد به چه علت است؟ به این علت است که هم خود دخترخانم و هم پدر و مادرش با شاخص غلط، دامادشان را انتخاب می‌کنند و بعد یک عمر دخترشان گرفتار می‌شود. انسان‌ها می‌خواهند خانه بخرند، چطور خانه بخرند؟ پیامبر فرمود: «الجار ثم الدار» اول همسایه‌ات را بررسی کن، این یک شاخص است. انسان‌هایی که بدون بررسی همسایه‌هایشان، خانه می‌خرند، زندگی‌شان تلخ می‌شود.

این شاخص‌ها را باید بحث کرد. مرد خوب چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد؟ آقایان آیا از خود پرسیده‌اید که اگر می‌خواهید زندگی‌تان خوب شود، باید چه ویژگی‌هایی داشته باشید؟ مثلاً در حدیث دارد: مرد خوب حداقل سه ویژگی دارد: اولاً خسیس نباشد، ۲۰ به اندازه‌ای که دارایی دارد، در اختیار خانواده‌اش قرار دهد. یک وقتی ندارد، بحثی نداریم؛ ولی یک وقت دارد؛ ولی خانواده‌اش را محروم می‌کند. در روایت داریم که مرد خسیس، خانواده را به چالش می‌کشد. باید بر روی این بحث شود، افراد باید بدانند. دوماً خوش اخلاق باشد. مرد خوب باید خوش اخلاق باشد. باید کلی کلمات و



پیامک‌های عاشقانه بداند و داشته باشد، در غیر این صورت زندگی او به چالش کشیده می‌شود. بسیاری از دعوایها با یک‌سختن از سر محبت مدیریت می‌شود؛ یک مواردی توصیه شدیم که جدی برخورد کنیم؛ ولی در عمده موارد باید از سر محبت و «لینت» ورود پیدا کنیم. همچنین مرد خوب باید غیرت داشته باشد و اجازه تعرض به حریم خانواده‌اش را به نامحرمان و نااهلان ندهد. اینها باید بحث شود.

این شاخص‌هایی که مثال می‌زنم، همه به بهینه‌شدن روابط انسانی، منجر می‌شود. صدها شاخص است که باید اینها را بحث کنیم. ما فقه ارزیابی (فقه فرقان) می‌خواهیم. انسان‌ها دائماً بر سر دوراهی هستند و باید به اینها گفت: بر سر دوراهی، با چه شاخصی تصمیم بگیرید. یکی از چالش‌هایی که در روابط انسانی هست، مسئله اعتماد است. همه مردم در طول زندگی‌شان، صدها بار به این پدیده برمی‌خورند که آیا به این آقا اعتماد کنند یا نه؟ حضرت ﷺ فرمود: «اگر خواستید به کسی اعتماد کنید به نماز خواندن او نگاه نکنید؛ بلکه به دو چیز دیگر نگاه کنید و بعد به او اعتماد کنید، یکی نگاه کنید که آیا صداقت دارد یا نه؟ از صداقت و راست‌گویی به اعتماد برسید و دیگر نگاه کنید آیا امانت‌دار هست یا نه؟» نماز خواندن، شاخص اعتماد نیست. وقتی شاخص‌ها را درست تشخیص ندهیم، در تصمیماتمان دچار اشتباه می‌شویم. چون فردی ممکن است نماز بخواند؛ ولی نماز او، نماز واقعی نباشد. در واقع حدیث حضرت ﷺ این را می‌گوید که اگر نماز کسی درست باشد، اهل صداقت و امانت است. از صادق بودن و امین بودن او به این برسید که اهل نماز هم بوده، نه اینکه از صورت نماز به اعتماد و صداقت و امانت او برسید. مجموعه‌ای از شاخص‌ها اینجا وجود دارد و همه اینها را باید ارزیابی کرد. من یک مقدار کاربردی‌تر بحث کنم.

انعقاد نطفه در چه زمانی باید اتفاق بیفتد؟ این مبتلا به همه انسان‌ها است. زمان و مکان بد برای انعقاد نطفه روح و جسم و فکر فرزند متولد شده را دچار چالش می‌کند. اینها را مردم باید بدانند، اینها شاخص هستند. در هر زمان و مکانی نمی‌تواند اقدام به انعقاد نطفه کرد. آیا این نوع آموزش‌ها وجود دارد؟ وجود ندارد. ما از بعضی از روایاتمان استفاده می‌کنیم که بعضی از بیماری‌های جسمی، محصول انعقاد نطفه غلط است؛ یعنی پدر و مادری که تشخیص ندهند که چه موقع باید انعقاد نطفه داشته باشند، حتی سلامت جسمی فرزندشان را به چالش می‌کشند. این بحث‌هایی که ما در فقه هدایت مطرح می‌کنیم، نیاز امروز جامعه ماست. شاخص‌ها باید درست بحث شود. اگر ما گفتگو راجع به شاخص‌های پیشرفت را نپذیریم، همین روال‌های غلطی که الان هست، ادامه پیدا می‌کند.

شاخص یک تغذیه خوب چیست؟ آیا کسی به این فکر کرده که تغذیه خوب چه ویژگی‌هایی دارد؟ مثلاً یک بیسکویت یا بستنی را به دست شما دهند و پشت جلد آن نوشته فلان مقدار ویتامین، پروتئین، کالری و انرژی دارد و ریزمغذی‌های آن



کالا را بحث کرده. از نظر فکر متعالی پیامبران، اولین شاخصه تغذیه، غذای کم است. خوردن ناهار کراهت دارد. آن وعده غذایی تفصیلی که در اسلام بحث شده، صبحانه است و شام هم مختصر است و شام هم مختصر است. معده، معدن بیماری‌هاست. اینها را گفتگو نمی‌کنیم. ما مردم ایران به این حکمت عادت نکردیم. بعضی ما به صورت عادی شش یا هفت وعده با احتساب وعده‌ها، میان‌وعده‌ها - غذا می‌خوریم. اصلاً راجع به خود غذا بحث نمی‌کنیم؛ بلکه تعداد وعده‌های غذا، بدن را به چالش می‌کشد. عقل انسانی کم‌غذاست، بیشتر کار می‌کند. اینها مباحثه نمی‌شود. حال اینکه غذا چه بخوریم؟ این یک دنیا بحث است. اینها باید مباحثه شود. شاخص‌های تغذیه باید بحث شوند؛ اینها بحث نمی‌شود. کشور ما گرفتار سنت ترجمه است. WDI را ترجمه می‌کنند و بر اساس آن عمل می‌کنند. وقتی ما دچار چنین انحرافات هستیم، چرا نباید به سازمان برنامه‌بودجه کشور اعتراض کنیم؟ باید این حرف‌ها را زد و این بحث را مطرح کرد تا کشور ما به سمت سعادت حرکت کند.

۸. زیرساخت تربیت (تزکیه)

من جلسه امروز را به بحث زیرساخت‌های هدایت اختصاص دادم؛ یعنی غیر از حرف زدن، باید خیلی کارهای دیگر باید کرد و باید دستگاه قضایی قدرت پیشگیری از جرم و عبرت آفرینی داشته باشد. دستگاه تقنینی باید قانون خوب تصویب کند. نظام آموزش و پرورش تلقی خود را از علم تغییر دهد. پدر و مادرها باید تربیت را به صورت جدی انجام دهند. الان همه این کارها به چالش کشیده می‌شود و همه هم انتظار دارند تنها در یک منبر همه مسائل حل شود. حال وقت منبر چقدر است؟

تازه هیئت شما خوب است، ما ده شب فرصت حرف زدن داریم؛ کل منبر ده شب در محرم است. آیا در این سطح از گفتگو می‌توان هدایت را ایجاد و فربه کرد؟ نظام آموزش و پرورش ۱۶ هزار ساعت وقت داشته باشد تا ساینیتیک و پوزیتویسم " را آموزش دهد، جهان بینی مادی ایجاد کند و ما هم ده جلسه وقت داشته باشیم و اینجا بیاییم از یک مدل دیگری برای اداره جامعه سخن بگوییم. معلوم است هدایت هر روز به چالش بیشتری کشیده می‌شود. اگر پدر و مادرها دوره تربیت را مدیریت هیچ پیامبری فرزند آنها را نمی‌تواند هدایت کند. خیلی سخت می‌شود. اصل هدایت در نهاد خانواده شکل می‌گیرد. اینها حرف‌های جدی ماست.

حال ۹ [سرفصل محل] بحث است. چون من بی‌سواد هستم، بیشتر از این نمی‌فهمم. کسی بعداً ممکن است بیاید آیات و روایات را بررسی کند و بگوید بیشتر از اینهاست؛ من از دوستان هیئت خواهش می‌کنم این جدول زیرساخت‌های هدایت را از کانال الگوی پیشرفت به کانال هیئت انتقال دهند تا دوستان هم من به برخی از آنها اشاره کردم، اگر اصلاح شود، هدایت جامعه افزایش پیدا کند. هدایت جامعه فقط به نصیحت، اندرز و وعظ نیست؛ بلکه به خیلی مسائل مرتبط است.



ان شاء الله فردا شب، من تربیت را توضیح می‌دهم. تربیت یکی از زیرساخت‌های هدایت است تا این معنا یک مقدار تفصیل بیشتری محضر عزیزان حاضر در جلسه پیدا کند. برای تمام این نه زیرساخت باید برنامه‌ریزی شود. اصطلاحاً ما در الگوی پیشرفت اسلامی می‌گوییم: «پردازش زیرساخت‌های نه‌گانه هدایت» اگر می‌بینید جامعه‌مان دچار بعضی از چالش‌ها می‌شود، ریشه‌های آن را در اینجاها پیدا کنید. اگر می‌خواهید جامعه‌مان به سمت صلاح و سداد حرکت کند، باید همت کنیم این نه زیرساخت را تقویت کنیم. من چند مورد از این نه زیرساخت را در دو یا سه شب آینده به صورت موردی توضیح می‌دهم تا کاملاً ملموس شود که چه بلایی بر سر جامعه ما می‌آید و چرا ما با سازمان برنامه‌بودجه و برنامه‌ریزی‌های مدرن در ایران مخالفت داریم؟!^{۷۳}

۹. زیرساخت تبلیغات (بیان)

یکی از این زیرساخت‌های نه‌گانه هدایت، مسئله بیان است و مراد ما از بیان، نحوه مخاطب است. مخاطب و بیان، ذیل چه قواعدی موفق عمل می‌کند؟ این، موضوع سرفصل فقه البیان است. یکی از موضوعاتی که هدایت را افزایش می‌دهد، نحوه بیان است. چطور وارد سخن با دیگران بشویم؟ به نظر ما این، یک باب فقهی جدی است. اگر به دنبال هدایت هستیم، بیان باید در حوزه‌های علمیه فقیهانه مورد بررسی قرار بگیرد. الزاماً هر نوع بیانی به تفاهم ختم نمی‌شود. موضوع اصلی در بحث فقه البیان، تحلیل مخاطب است. به‌هرحال مسئله مخاطب، یک مسئله عمومی است و در میان کفار، دستگاه نفاق و دستگاه مؤمنین در جریان است، هزار سال پیش مسئله مخاطب موضوعیت داشته، الان هم موضوعیت دارد و هزار سال آینده نیز موضوعیت خواهد داشت. اصطلاحاً مسئله مخاطب یک مسئله عام البلواست و فهم ما از اینکه شرایط حاکم بر مخاطب باید چگونه باشد، بیان ما را مدیریت می‌کند. من همین‌جا عرض کنم که خیلی‌ها راجع به مخاطب بحث کرده‌اند. مثلاً در حوزه‌های روان‌شناسی بسیاری از افراد در مورد شرایط حاکم بر مخاطب وارد بحث شده‌اند، در حوزه تبلیغ مبلغین ما در حوزه‌های علمیه بسیاری از تکنیک‌های حاکم بر مسئله مخاطب را بحث می‌کنند. در علم اصول که ما در حوزه علمیه می‌خوانیم بخش قابل توجهی از قواعد علم اصول، قواعد و شرایط مخاطب را بحث می‌کنند. در خود فقه بخش‌هایی از مباحثات به شواهدی اختصاص دارد که به فهم عرف مخاطب کمک کند. لذا به این معنا تقریباً تخصص‌های مختلف راجع به این حوزه بحث کرده‌اند. منتهی ما به دو استدلال گفته‌ایم شرایط حاکم بر مخاطب باید "استظهاری" و با دقتی که از بازخوانی روایات و آیات به دست می‌آید مورد بررسی قرار گیرد. دلیل اول ما

۷۳. حجت الاسلام علی کشوری، مکتوب معرفه الامام، محرم الحرام، اصفهان، جلسه چهارم، توضیح زیرساخت‌های هدایت، ص ۵۶-۶۶



این است که از نظر شریعت اسلام و از نظر فکری اسلامی هدفِ تخاطب، فربه کردن امر هدایت است، یعنی غرض نهایی از تخاطب را گسترش هدایت می‌دانیم. پس ما در حوزه ادبیات دینی با یک تخاطب خاص روبرو هستیم، تخاطب و بیانی که ما را به هدایت برساند.

دلیل دومی که ما را واداشته و قانع کرده که به سمت بحث از فقه البیان و بحث استظهار از قواعد بیان و نه بحث عقلی محض برویم این است که فطرت انسان دارای ابعاد پیچیده‌ای است که علم به شرایط این فطرت برای غیرمعصوم و برای غیر خالق متصور نیست. گاه شما با یک موجود بسیط روبرو هستید که شناخت او آسان است. تخاطب با موجودی که پیچیده نیست و لایه‌های درونی متفاوتی ندارد احتمالاً کار ساده‌ای باشد، ولی گاه شما می‌گویید موضوع تخاطب انسان است و اولین ویژگی انسان این است که یک فطرت پیچیده دارد و علم به فطرت از طریق روش‌های پوزیتیویستی و تجربی به نحو تام به دست نمی‌آید. پس اگر می‌خواهیم تخاطب مان تابع شرایط فطرت و متأثر در فطرت باشد، ما نیاز داریم به اینکه قواعد تخاطب را استظهاری بحث کنیم. چرا؟ چون اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم‌السلام) علم لدنی ای که دارند بر ابعاد فطرت مسلط هستند و تأثیرات فطرت را می‌دانند. پس دودسته دلیل وجود دارد؛ دسته دوم استدلالات ما این را بحث می‌کند که شما بدون یک انسان‌شناسی پیچیده نمی‌توانید تخاطب منجر به هدایت داشته باشید.

دسته اول استدلالات ما می‌گوید تخاطب، به غرض هدایت یعنی به غرض فهم توحید و به غرض ارتقاء حجیت. گاه پدری می‌خواهد با فرزند خود تخاطب کند تا به بازار بروند و بیایند. در این صورت تخاطب کاملاً عرفی است و ممکن است در تخاطب عرفی این مقدار پیچیدگی لازم نباشد، ولی گاهی شما می‌گویید امام با عرف زمان تخاطب خود وارد بحث شده و می‌خواهد هدایت را فربه کند پس بنابراین دودسته دلیل ما به فقه البیان نیاز داریم. وقتی ما داریم راجع به فقه البیان صحبت می‌کنیم؛ هدایت، ما را به فقه البیان هدایت کرده است. گاه هدایت را امر ساده‌ای فرض می‌کنید و می‌گویید تخاطب حاکم بر هدایت از نوع حرف‌زدن یک مادر بزرگ با نو خود است. گاه می‌گویید تخاطب حاکم بر هدایت پیچیدگی‌های فطرت را در نظر گرفته است که اگر پیچیدگی‌های فطرت را در نظر نگیرید نمی‌توانید با مخاطب خود وارد بحث شوید. با توجه به این بحث، ما نه دسته قواعد تخاطب را بحث کرده‌ایم که اگر این قواعد رعایت نشوند تخاطب منجر به هدایت نمی‌شود.^{۷۴}

۷۴. حجت الاسلام علی کشوری، دوره پژوهشی فقه البیان، ص ۱۴؛ و ۳۳-۳۷



پیوست ۳: برخی روایات در باب غذا به عنوان یکی از زیرساخت‌های قوت و ضعف

تأثیر نان بر قوت بدن:

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ التَّمِيمِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ حَكِيمٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنِ الْوَلِيدِ بْنِ صَبِيحٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّمَا بُنِيَ الْجَسَدُ عَلَى الْخُبْزِ.

امام صادق (علیه السلام): این است و جز این نیست که بدن انسان بر پایه نان بنا نهاده شده (و استوار است).

الكافي، ج ۶، ص ۲۸۶ و ص ۲۸۷ (بهذا السند: مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ وَ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً

عَنِ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنِ الْوَلِيدِ بْنِ صَبِيحٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ

المحاسن، ج ۲، ص ۵۸۵ (بهذا السند: عَنْهُ عَنِ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنِ الْوَلِيدِ بْنِ صَبِيحٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ

بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۲۷۰ / الوافي، ج ۱۹، ص ۲۷۱ / وسائل الشيعة، ج ۲۴، ص ۳۲۲ / هداية الأمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام، ج ۸، ص

۱۱۷

عَنِ الصَّادِقِ ع قَالَ: بُنِيَ الْجَسَدُ عَلَى الْخُبْزِ.

امام صادق (علیه السلام): بدن انسان بر پایه نان بنا نهاده شده است.

مکارم الأخلاق، ص ۱۵۴

تأثير سويق بر قوت بدن:

عَنْهُ (احمد بن محمد بن خالد) عَنْ بَكْرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُنَيْمَةَ أُمِّ وَلَدِ عَبْدِ السَّلَامِ قَالَتْ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع: اسْتَفُوا صَبِيَانَكُمْ السَّوِيقَ فِي صِغَرِهِمْ فَإِنَّ ذَلِكَ يُنْبِتُ اللَّحْمَ وَيَشُدُّ الْعَظْمَ. وَ قَالَ: مَنْ شَرِبَ سَوِيقاً أَرْبَعِينَ صَبَاحاً امْتَلَأَتْ كَنْفَاهُ قُوَّةً.

امام صادق علیه السلام: به کودکانتان در خردسالی‌شان سويق بدهید؛ چرا که گوشت می‌روياند و استخوان را استحکام می‌بخشد.

و فرمود: هر کس چهل روز سويق بخورد، دو کتف او پُرَتوان می‌شود.

المحاسن، ج ۲، ص ۴۸۹

وسائل الشيعة، ج ۲۵، ص ۱۷ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۲۷۷ و ج ۱۰۱، ص ۱۰۵

عَنْهُ (عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ بُنْدَارٍ) عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ عَنْ بَكْرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ حَيْثَمَةَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع: مَنْ شَرِبَ السَّوِيقَ أَرْبَعِينَ صَبَاحاً امْتَلَأَتْ كَنْفَاهُ قُوَّةً.

امام صادق علیه السلام: هر کس چهل روز سويق بخورد، دو کتف او پُرَتوان می‌شود.

الكافي، ج ۶، ص ۳۰۶ / المحاسن، ج ۲، ص ۴۹۰

وسائل الشيعة، ج ۲۵، ص ۲۷۸ / الوافي، ج ۱۹، ص ۲۷۹ / هداية الأمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام، ج ۸، ص ۱۴۹ / وسائل الشيعة، ج ۲۵،

ص ۱۵ / الفصول المهمة في أصول الأئمة (تكملة الوسائل)، ج ۳، ص ۶۱



الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ بَكْرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: السَّوِيقُ يُنْبِتُ اللَّحْمَ وَيَشُدُّ الْعَظْمَ.
امام صادق علیه السلام: سویق، گوشت می‌رویاند و استخوان را استحکام می‌بخشد.

الكافي، ج ۶، ص ۳۰۵ / المحاسن، ج ۲، ص ۴۸۸ (عنه) (احمد بن محمد بن خالد) عَنْ أَبِيهِ عَنْ بَكْرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَزْدِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ

دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۵۰

الوافي، ج ۱۹، ص ۲۷۷ / وسائل الشيعة، ج ۲۵، ص ۱۴ / الفصول المهمة في أصول الأئمة (تكملة الوسائل)، ج ۳، ص ۶۱ / هداية الأمة إلى

أحكام الأئمة عليهم السلام، ج ۸، ص ۱۴۹ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۲۷۶ / مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۳۳۷

عنه (احمد بن محمد بن خالد) عَنْ أَبِيهِ عَنْ بَكْرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَزْدِيِّ عَنْ خَضِرٍ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فَأَتَاهُ رَجُلٌ مِنْ أَصْحَابِنَا فَقَالَ لَهُ: يُوَلَّدُ لَنَا الْمَوْلُودُ فَيَكُونُ مِنْهُ الْقِلَّةُ وَالضَّعْفُ. فَقَالَ: مَا يَمْنَعُكَ مِنَ السَّوِيقِ؟! فَإِنَّهُ يَشُدُّ الْعَظْمَ وَيُنْبِتُ اللَّحْمَ.
بکر بن محمد ازدی نقل می‌کند: نزد امام صادق (علیه السلام) بودم که مردی از اصحاب ما (شیعیان) نزد ایشان آمد و عرض کرد: برای ما فرزندی متولد می‌شود پس برخی از آنها ضعف و کمبود دارند. حضرت فرمود: چه چیز تو را از سویق باز داشته است؟! همانا سویق استخوان‌ها را محکم می‌کند و گوشت را می‌رویاند.

المحاسن، ج ۲، ص ۴۸۸

بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۲۷۶ و ج ۱۰۱، ص ۸۰

عنه (احمد بن محمد بن خالد) عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى وَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنْ بَكْرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَزْدِيِّ قَالَ: دَخَلْتُ عُثَيْمَةَ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع وَ مَعَهَا ابْنُهَا أَظُنُّ اسْمُهُ مُحَمَّدًا فَقَالَ لَهَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع: مَا لِي أَرَى جِسْمَ ابْنِكَ نَحِيفًا؟ قَالَتْ: هُوَ عَلِيلٌ. فَقَالَ لَهَا: أَسْقِيهِ السَّوِيقَ فَإِنَّهُ يُنْبِتُ اللَّحْمَ وَيَشُدُّ الْعَظْمَ.

به نقل از بکر بن محمد ازدی: عیثمه، در حالی که پسر خویش را به همراه داشت و به گمانم نام او محمد بود بر امام صادق علیه السلام وارد شد. امام صادق علیه السلام به او فرمود: «چرا جسم فرزندت، را نحیف می‌بینم؟». گفت: او علیل و بیمار است. امام علیه السلام به او فرمود: «به او سویق بخوران؛ چرا که گوشت می‌رویاند و استخوان را استحکام می‌بخشد».

المحاسن، ج ۲، ص ۴۸۹

بحار الأنوار، ج ۱۰۱، ص ۱۰۵ و ج ۶۳، ص ۲۷۷



عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ بُنْدَارٍ وَغَيْرُهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الدَّهْقَانِيِّ عَنْ دُرُسْتِ بْنِ أَبِي مَنْصُورٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ: شُرْبُ السَّوِيقِ بِالزَّيْتِ يُنْبِتُ اللَّحْمَ وَيُشَدُّ الْعَظْمَ وَيُرِقُّ الْبَشْرَةَ وَيَزِيدُ فِي الْبَاهِ.

امام صادق علیه السلام: خوردن سویق با روغن زیتون، گوشت می‌رویاند، استخوان را استحکام می‌بخشد، پوست را نازک می‌کند و بر توان جنسی می‌افزاید.

الكافي، ج ۶، ص ۳۰۶ / المحاسن، ج ۲، ص ۴۸۸

سند محاسن: عنه (احمد بن محمد بن خالد) عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ دُرُسْتِ بْنِ أَبِي مَنْصُورٍ الْوَاسِطِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ بَحَارِ الْأَنْوَارِ، ج ۱۰۱، ص ۸۰ و ج ۶۳، ص ۲۷۶ / وسائل الشيعة، ج ۲۵، ص ۱۸ / الوافي، ج ۱۹، ص ۲۷۸ / الفصول المهمة في أصول الأئمة (تكملة الوسائل)، ج ۳، ص ۶۵

تأثير زياد آب نوشیدن بر ضعف بدن:

عنه (احمد بن محمد بن خالد) عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَسَّانَ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِيَّاكُمْ وَالْإِكْتَارَ مِنْ شُرْبِ الْمَاءِ فَإِنَّهُ مَادَّةٌ لِكُلِّ دَاءٍ. قَالَ وَفِي حَدِيثٍ آخَرَ: لَوْ أَنَّ النَّاسَ أَقْلُوا مِنْ شُرْبِ الْمَاءِ لَأَسْتَقَامَتْ أْبْدَانُهُمْ.

امام صادق (علیه السلام): بر شما باد پرهیز از زیاد آب نوشیدن! چرا که ریشه همه بیماری‌هاست. و در حدیث دیگر: اگر مردم آب کم می‌نوشیدند، همانا بدن‌هایشان استقامت می‌یافت.

المحاسن، ج ۲، ص ۵۷۱ / مکارم الأخلاق، ص ۱۵۷

بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۴۵۵ / وسائل الشيعة، ج ۲۵، ص ۲۳۹ / طب الأئمة عليهم السلام (للشبر)، ص ۱۹۸

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَسَّانَ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: لَا تُكْثِرْ مِنْ شُرْبِ الْمَاءِ فَإِنَّهُ مَادَّةٌ لِكُلِّ دَاءٍ.

امام صادق (علیه السلام): زیاد آب نوش؛ چرا که ریشه همه بیماری‌هاست.

الكافي، ج ۶، ص ۳۸۲

الفصول المهمة، ج ۳، ص ۱۴۰ / وسائل الشيعة، ج ۲۵، ص ۲۳۸

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ سَعِيدِ بْنِ جَنَاحٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عُمَرَ الْحَلَبِيِّ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع وَهُوَ يُوصِي رَجُلًا فَقَالَ لَهُ: أَقِلِّلْ مِنْ شُرْبِ الْمَاءِ فَإِنَّهُ يَمُدُّ كُلَّ دَاءٍ وَاجْتَنِبِ الدَّوَاءَ مَا احْتَمَلَ بَدَنُكَ الدَّاءَ.

امام صادق (علیه السلام) در حالی که مردی را توصیه می‌کردند به او فرمودند: کم آب بنوش؛ چرا که ریشه همه بیماری‌هاست و تا جاییکه بدنت تحمل دارد از دواء پرهیز کن.



الكافي، ج ۶، ص ۳۸۲ / المحاسن، ج ۲، ص ۵۷۱

وسائل الشيعة، ج ۲۵، ص ۲۳۸ / / طب الأئمة عليهم السلام (للشبر)، ص ۱۹۸

عَنْهُ (احمد بن محمد بن خالد) عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَسَّانَ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِيَّاكُمْ وَ الْإِكْتِثَارَ مِنْ شُرْبِ الْمَاءِ فَإِنَّهُ مَادَّةٌ لِكُلِّ دَاءٍ .

امام صادق (علیه السلام): بر شما باد پرهیز از زیاد آب نوشیدن! چرا که ریشه همه بیماری‌هاست.

المحاسن، ج ۲، ص ۵۷۱

بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۴۵۵

عَنْهُ (احمد بن محمد بن خالد) عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَيْمَانَ الدَّيْلَمِيِّ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ أَشِيْمَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَنْ أَقَلَّ مِنْ شُرْبِ الْمَاءِ صَحَّ بَدَنُهُ .

امام صادق (علیه السلام): هر کس کم آب بنوشد، بدنش سالم گردد.

المحاسن، ج ۲، ص ۵۷۲

بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۴۵۶ / وسائل الشيعة، ج ۲۵، ص ۲۳۹

عَنْهُ (احمد بن محمد بن خالد) عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَيْمَانَ الدَّيْلَمِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: لَا يَشْرَبُ أَحَدُكُمْ الْمَاءَ حَتَّى يَشْتَهِيَهُ فَإِذَا اشْتَهَاهُ فَلْيَقِلِّ مِنْهُ .

امام صادق (علیه السلام): هیچکدام از شما آب ننوشد مگر در صورتی که اشتها و میل شدید به آن داشته باشد؛ پس هر گاه میل شدید پیدا کردید نیز کم بنوشید.

المحاسن، ج ۲، ص ۵۷۱

وسائل الشيعة، ج ۲۵، ص ۲۳۸ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۴۵۵ / طب الأئمة عليهم السلام (للشبر)، ص ۱۹۸

فوائد نوشیدن ماء فاتر (آب جوشیده ولرم) بر تقویت اعضای بدن:

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ الْعَبَّاسِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِذَا أَفْطَرَ بَدَأَ بِحَلْوَاءٍ يُفْطِرُ عَلَيْهَا فَإِنْ لَمْ يَجِدْ فَسُكَّرَةً أَوْ تَمْرَاتٍ فَإِذَا أَعْوَزَ ذَلِكَ كُلَّهُ



فَمَاءٍ فَاتِرٍ وَ كَانَ يَقُولُ يُنْقِي الْمَعِدَةَ وَ الْكَبِدَ وَ يُطَيِّبُ النَّكْهَةَ وَ الْفَمَ وَ يَقْوِي الْأَضْرَاسَ وَ يَقْوِي الْحَدَقَ وَ يَجْلُو النَّاخِرَ وَ يَغْسِلُ الذُّنُوبَ غَسْلًا وَ يُسَكِّنُ الْعُرُوقَ الْهَائِجَةَ وَ الْمِرَّةَ الْعَالِبَةَ وَ يَقْطَعُ الْبُلْغَمَ وَ يُطْفِئُ الْحَرَارَةَ عَنِ الْمَعِدَةِ وَ يَذْهَبُ بِالصَّدَاعِ.

از حضرت صادق (ع): پیغمبر (ص) با شیرینی افطار می فرمود و اگر شیرینی نمی یافت با آب ولرم افطار می کرد و می فرمود که کبد و معده را شست و شو می دهد و تمیز می نماید و دهان را خوشبو می سازد، و دندانش و سیاهی و قرنیه چشم را محکم و چشم را تیز بین می نماید و گناهان را کاملاً می شوید و رگهایی که به هیجان در می آید و همچین مژه (سودا و صفرا) را آرام می کند و بلغم را برطرف می کند و حرارت معده را فرو می نشاند و سردرد را از بین می برد.

الکافی، ج ۴، ص ۱۵۳

الوافی، ج ۱۱، ص ۲۴۷ / وسائل الشیعة، ج ۱۰، ص ۱۵۸

عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ رَفَعَهُ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع: شَيْئَانِ صَالِحَانِ لَمْ يَدْخُلَا جَوْفَ وَاحِدٍ قَطُّ فَاسِدًا إِلَّا أَضْلَحَاهُ وَ شَيْئَانِ فَاسِدَانِ لَمْ يَدْخُلَا جَوْفًا قَطُّ صَالِحًا إِلَّا أَفْسَدَاهُ فَالصَّالِحَانِ الرُّمَّانُ وَ الْمَاءُ الْفَاتِرُ وَ الْفَاسِدَانِ الْجُبْنُ وَ الْقَدِيدُ.

امام صادق علیه السلام: دو چیز مناسب است که به هیچ درون نادرستی در نمی آیند، مگر این که آن را به درستی می آورند، و دو چیز نامناسب است که به هیچ درون سالمی در نمی آیند، مگر این که آن را نادرست [و ناسالم] می کنند. آن دو چیز مناسب، عبارت اند از: انار و آب نیم گرم (ولرم)؛ و آن دو چیز نامناسب، عبارت اند از: پنیر و گوشت خشک شده.

الکافی، ج ۶، ص ۳۱۴ / المحاسن، ج ۲، ص ۴۶۳

وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۵۵ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۶۴ / الوافی، ج ۱۹، ص ۲۹۷

الفاतर: الحار الذي سكن حره. ماء فاتر: بين الحار والبارد.

ماء فاتر: آب گرمی که حرارتش فرونشسته، آب فاتر آبی که بین داغ و سرد است.

لسان العرب، ج ۵، ص ۴۳

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ سِنَانٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ ع: ... الْمَاءُ وَ هُوَ يُؤَلِّدُ الْبُلْغَمَ.

أبو الحسن عليه السلام ميفرمود: ... و آب بلغم پديد می آورد.

الکافی، ج ۸، ص ۲۳۰

الوافی، ج ۲۶، ص ۵۲۶ / بحار الأنوار، ج ۵۸، ص ۳۰۶



تأثیر خوردن صبحانه بر قوت و سلامتی بدن:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: مَنْ أَرَادَ الْبَقَاءَ وَ لَا بَقَاءَ فَلْيَبَاكِرِ الْغَدَاءَ وَ لِيَجُودِ الْحِدَاءَ وَ لِيُخَفِّفِ الرِّدَاءَ وَ لِيُقِلَّ مُجَامَعَةَ النِّسَاءِ . قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! وَ مَا خِفَّةُ الرِّدَاءِ؟ قَالَ: قَلَّةُ الدِّينِ.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هر که می خواهد جاودانه بماند - که البته جاودانگی، در کار نیست -، صبحانه تناول کند، کفش نیکو [و مناسب] بپوشد، ردایش سبک باشد، و با زنان، کمتر نزدیکی کند». گفته شد: ای پیامبر خدا! سبکی ردا چیست؟ فرمود: «اندک بودن دین».

من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۵۵۵

و با تفاوت‌هایی در متن؛ در مصادر و منابعی مثل:

صحيفة الإمام الرضا عليه السلام، ص ۶۹ / عيون أخبار الرضا عليه السلام، ج ۲، ص ۳۸ / الأمالي (للطوسي)، ص ۶۶۶

سند امالی: وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ حَدَّثَنَا الشَّيْخُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْحَسَنِ الطُّوسِيُّ (رَحِمَهُ اللَّهُ)، قَالَ: أَخْبَرَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ الْقُرُونِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ وَهْبَانَ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو الْقَاسِمِ عَلِيُّ بْنُ حُبْشِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو الْفَضْلِ الْعَبَّاسُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى، وَ جَعْفَرَ بْنِ عَيْسَى بْنِ يَقْطِينٍ، قَالَا: حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ أَبِي عُثْمَانَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ

دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۴۴ / الجعفریات (الأشعثیات)، ص ۲۴۴ / طب الأئمة عليهم السلام (ابن‌اسطام)، ص ۲۹

مكارم الأخلاق، ص ۲۱۲ / الدعوات (للراوندي)، ص ۷۵ / مجموعة ورام، ج ۲، ص ۸۰

الوافي، ج ۲۶، ص ۵۵۸ / وسائل الشيعة، ج ۵، ص ۶۱ و ج ۲۰، ص ۲۴۱ و ص ۲۴۳ / بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۲۶۷ / طب الأئمة عليهم السلام

(للشبر)، ص ۲۱۶ / مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۳۸۷ / جامع أحاديث الشيعة (للبروجردي)، ج ۲۳، ص ۶۷۰

تأثير ترك وعده شام بر ضعف بدن:

عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: أَضْلُ حَرَابِ الْبَدَنِ تَرُكُ الْعِشَاءِ .

امام صادق (علیه السلام): ریشه‌ی ویرانی بدن، ترک خوردن شام است.

الكافي، ج ۶، ص ۲۸۸

وسائل الشيعة، ج ۲۴، ص ۳۲۹ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۳۴۳ / الوافي، ج ۲۰، ص ۵۰۸

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ الْحَجَّالِ عَنِ نَعْلَبَةَ عَنْ رَجُلٍ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: طَعَامُ اللَّيْلِ أَنْفَعُ مِنْ طَعَامِ النَّهَارِ.

امام صادق (علیه السلام): غذای شب نافع‌تر از غذای روز است.

الكافي، ج ۶، ص ۲۸۹

وسائل الشيعة، ج ۲۴، ص ۳۳۲ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۳۴۷ / الوافي، ج ۲۰، ص ۵۱۰



عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ بَكْرِ بْنِ صَالِحٍ عَنِ ابْنِ فَضَالٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي عَلِيٍّ اللَّهُبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ: مَا تَقُولُ أَطْبَاؤُكُمْ فِي عَشَاءِ اللَّيْلِ؟ قُلْتُ: إِنَّهُمْ يَنْهَوْنَنَا عَنْهُ. قَالَ: لَكِنِّي أَمُرُّكُمْ بِهِ. ابو علی لهبی نقل می‌کند: امام صادق (علیه السلام) فرمود: اطباء و پزشکان شما در مورد شام خوردن چه می‌گویند؟ گفتم: آنها از خوردن شام ما را نهی می‌کنند. امام فرمود: ولی ما شما را به خوردن شام امر می‌کنیم.

الكافي، ج ۶، ص ۲۸۹

الوافي، ج ۲۰، ص ۵۰۹ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۳۴۷ / وسائل الشيعة، ج ۲۴، ص ۳۳۲

عَنْهُ (احمد بن محمد بن خالد) عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ عُرْوَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: تَرَكَ الْعَشَاءَ خَرَابُ الْبَدَنِ. امام صادق (علیه السلام): ترك کردن غذای شب، خرابی بدن است.

المحاسن، ج ۲، ص ۴۲۱

وسائل الشيعة، ج ۲۴، ص ۳۳۰ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۳۴۲

عَنْهُ (احمد بن محمد بن خالد) عَنِ التَّوْفَلِيِّ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: أَوَّلُ خَرَابِ الْبَدَنِ تَرَكَ الْعَشَاءَ. امام باقر (علیه السلام): آغاز خرابی بدن، ترك غذای شب است. قَالَ وَ رَوَاهُ أَبِي عَنِ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ مِثْلَهُ.

المحاسن، ج ۲، ص ۴۲۱

وسائل الشيعة، ج ۲۴، ص ۳۳۰ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۳۴۳ / هداية الأمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام (شيخ حرّ)، ج ۸، ص ۱۱۹

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنِ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع: عَشَاءُ الْأَنْبِيَاءِ ع بَعْدَ الْعَتَمَةِ فَلَا تَدْعُوهُ فَإِنَّ تَرَكَ الْعَشَاءَ خَرَابُ الْبَدَنِ. اميرالمومنين (علیه السلام): شام خوردن انبياء در ثلث اول شب است، خوردن شام را فراموش نکنید که ترك آن بدن را فرسوده می‌کند.

الكافي، ج ۶، ص ۲۸۸ / المحاسن، ج ۲، ص ۴۲۰

سند محاسن: عَنْهُ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنِ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع

تحف العقول، ص ۱۱۰ / الخصال، ج ۲، ص ۶۱۹ / مكارم الأخلاق، ص ۱۹۴



الوافي، ج ۲۰، ص ۵۰۸ / وسائل الشيعة، ج ۲۵، ص ۲۹ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۳۴۲

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: تَرَكَ الْعِشَاءَ مَهْرَمَةً وَ يَنْبَغِي لِلرَّجُلِ إِذَا أَسَنَّ إِلَّا يَبِيَّتَ إِلَّا وَ جَوْفُهُ مُمْتَلِئٌ مِنَ الطَّعَامِ.

امام صادق (علیه السلام): ترک کردن غذای شب (شام) پیرکننده انسان است! و سزاوار است که وقتی انسان به سن پیری رسید که شب نخوابد مگر آنکه شکمش پر از غذا باشد.

الكافي، ج ۶، ص ۲۸۸ / المحاسن، ج ۲، ص ۴۲۲

سند محاسن: عَنْهُ عَنِ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَادٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع

دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۴۵ (فيه: خَرَابُ الْجَسَدِ، بدل مَهْرَمَةً)

وسائل الشيعة، ج ۲۴، ص ۳۳۴ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۳۴۴ / الوافي، ج ۲۰، ص ۵۰۸

عَنْهُ عَنِ أَبِي أَيُّوبَ الْمَدَائِنِيِّ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَنْ تَرَكَ الْعِشَاءَ نَقَصَتْ مِنْهُ قُوَّةٌ وَ لَا تَعُودُ إِلَيْهِ.

امام صادق (علیه السلام): هر کس شام را ترک کند، قوتی از او کم می شود و به او بر نمی گردد.

المحاسن، ج ۲، ص ۴۲۳

وسائل الشيعة، ج ۲۴، ص ۳۳۱ / هداية الأمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام، ج ۸، ص ۹۸ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۳۴۵

عَنْهُ عَنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ حَمَادٍ عَنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْمُهَلَّبِيِّ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: تَرَكَ الْعِشَاءَ مَهْرَمَةً وَ قَالَ: أَوَّلُ انْهَادِ الْبَدَنِ تَرَكَ الْعِشَاءَ.

امام صادق (علیه السلام): ترک کردن شام، مایه پیری است. و فرمود: اول انهدام بدن، ترک کردن شام است!

المحاسن، ج ۲، ص ۴۲۲

وسائل الشيعة، ج ۲۴، ص ۳۳۰ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۳۴۴

قَالَ النَّبِيُّ ص: تَعَشُّوْا وَ لَوْ بِكَفٍّ مِنْ حَشْفٍ؛ فَإِنَّ تَرَكَ الْعِشَاءَ مَهْرَمَةً.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): شام بخورید اگر چه مشتی خرمای پست باشد؛ زیرا شام نخوردن مایه ضعف و پیری است.

شرح فارسی شهاب الأخبار (کلمات قصار پیامبر خاتم ص)، ص ۳۲۵

مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۲۶۶ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۳۴۴ / نهج الفصاحة، ص ۳۸۶



عَنْ جَعْفَرٍ عَنِ ابْنِ الْقَدَّاحِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي حُمَيْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْمُنْكَدِرِ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص لَا تَدْعُوا الْعِشَاءَ وَ لَوْ عَلَى حَشْفَةٍ إِنِّي أَخْشَى عَلَى أُمَّتِي مَنْ تَرَكَ الْعِشَاءَ الْهَرَمَ فَإِنَّ الْعِشَاءَ قُوَّةُ الشَّيْخِ وَالشَّابِّ.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: شام را وا مگذارید، هر چند به خوردن دانه خرماى خشکیده‌ای باشد. من بر امت خویش از این بیم دارم که از وا گذاردن شام پیری و درهم شکستگی به سراغشان آید؛ چرا که شام، مایه نیرومندی پیر و جوان است.

المحاسن، ج ۲، ص ۴۲۱

وسائل الشيعة، ج ۲۴، ص ۳۳۰ / هداية الأمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام، ج ۸، ص ۹۷ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۳۴۳ / طب الأئمة عليهم

السلام (للشبر)، ص ۱۰۲

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَثْمَانَ عَنِ الْوَلِيدِ بْنِ صَبِيحٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ: لَا خَيْرَ لِمَنْ دَخَلَ فِي السَّنِّ أَنْ يَبِيَّتَ خَفِيفًا بَلْ يَبِيَّتَ مُمْتَلِيًا خَيْرَ لَهُ.

امام صادق (علیه السلام): هیچ خیری برای کسی که داخل در پیری شده است نیست که با شکم سبک شب را صبح کند؛ بلکه اینکه با شکم پر بخوابد برای او بهتر است.

الكافي، ج ۶، ص ۲۸۹ / المحاسن، ج ۲، ص ۴۲۲

سند محاسن: عَنْ أَبِيهِ عَنْ صَفْوَانَ وَ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ الْوَلِيدِ بْنِ صَبِيحٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ

وسائل الشيعة، ج ۲۴، ص ۳۳۳ / الوافي، ج ۲۰، ص ۵۰۹



پیوست ۴: برخی روایات درباره طبیات در میوه‌ها، گیاهان، سبزیجات و صیفی‌جات

انار:

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: الْفَاكِهَةُ مِائَةٌ وَعِشْرُونَ لَوْ نَأَى سَيِّدَهَا الرُّمَّانُ.

امام صادق علیه السلام: میوه، صد و بیست گونه است و سید و آقای همه آنها، انار است.

الكافي، ج ۶، ص ۳۵۲ / المحاسن، ج ۲، ص ۵۳۹

الوافي، ج ۱۹، ص ۳۸۹ / وسائل الشيعة، ج ۲۵، ص ۱۵۲ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۱۵۶

عَنْهُ (احمد بن محمد بن خالد) عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ ع أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص قَالَ: الرُّمَّانُ سَيِّدُ الْفَاكِهَةِ وَمَنْ أَكَلَ رُمَّانَهُ أَغْضَبَ شَيْطَانَهُ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا. وَرَوَاهُ عَنْ خَلَادِ بْنِ خَالِدٍ الْمُثَرِّيِّ عَنْ قَيْسِ.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: انار، سید و آقای همه میوه‌هاست و هر کس یک انار بخورد، چهل پگاه، شیطان خویش را به خشم می‌آورد.

المحاسن، ج ۲، ص ۵۴۵ / مکارم الأخلاق، ص ۱۷۱

بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۱۶۳ / وسائل الشيعة، ج ۲۵، ص ۱۵۴

سیب:

أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ بَكْرِ بْنِ صَالِحٍ عَنِ الْجَعْفَرِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ مُوسَى ع يَقُولُ التُّفَّاحُ يَنْفَعُ مَنْ خِصَالٍ عِدَّةٍ مِنَ السَّمِّ وَالسَّحْرِ وَاللَّمَمِ يَعْرِضُ مِنْ أَهْلِ الْأَرْضِ وَالْبَلْغَمِ الْعَالِبِ وَ لَيْسَ شَيْءٌ أَسْرَعَ مِنْهُ مَنَفَعَةً.

حضرت رضا (ع): سیب برای چند چیز سود بخش است: سحر، زهر، جنون، بلغم و هیچ چیز از آن زودتر نفع نبخشد.

الكافي، ج ۶، ص ۳۵۵ / المحاسن، ج ۲، ص ۵۵۳

جَابِرُ بْنُ عُمَرَ السَّكْسَكِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَيْسَى عَنْ أَيُّوبَ بْنِ فَضَالَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقُ ع: لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي التُّفَّاحِ مَا دَاوَوْا مَرَضَاهُمْ إِلَّا بِهِ إِلَّا وَ إِنَّهُ أَسْرَعُ شَيْءٍ مَنَفَعَةً لِلْفُؤَادِ حَاصَةً وَ إِنَّهُ نَضُوحُهُ.

امام ششم علیه السلام که اگر مردم اثر سیب را میدانستند بیمارانشان را جز با آن درمان نمی‌کردند هلا که آن سودمندتر از هر چیز است زودتر بویژه برای قلب و پاک کننده آن است.

طب الأئمة عليهم السلام (ابن‌اسطام)، ص ۱۳۵

بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۱۷۵ / مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۶، ص ۳۹۷

الْحُسَيْنُ بْنُ سِطَامٍ فِي طِبِّ الْأَيِّمَةِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ سَمِعْتُ الْبَاقِرَ ع يَقُولُ إِذَا أَرَدْتَ أَكْلَ التُّفَّاحِ فَشَمِّهِ ثُمَّ كُلْهُ فَإِنَّكَ إِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ أَخْرَجَ مِنْ جَسَدِكَ كُلَّ دَاءٍ وَ غَائِلَةٍ وَ عِلَّةٍ وَ سَكَنَ مَا يُوجَدُ مِنْ قِبَلِ الْأَرْوَاحِ كُلِّهَا.

و از ابی بصیر است که شنیدم امام باقر علیه السلام میفرمود: چون خواستی سیب بخوری بویش کن و بخور که چون چنین کنی از تن هر درد و بلا را بیرون کند و هر آسیب روحی را آرام سازد که از طرف ارواح (جنیان) باشند.

طب الأئمة عليهم السلام (ابن‌اسطام)، ص ۱۳۵

وسائل الشيعة، ج ۲۵، ص ۱۶۰ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۱۷۵

عَنْهُ (عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ) عَنْ أَبِيهِ عَنْ يُونُسَ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي التُّفَّاحِ مَا دَاوَوْا مَرْضَاهُمْ إِلَّا بِهِ. قَالَ وَ رَوَى بَعْضُهُمْ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: أَطْعَمُوا مَحْمُومِيكُمْ التُّفَّاحَ فَمَا مِنْ شَيْءٍ أَنْفَعَ مِنَ التُّفَّاحِ.

امام صادق علیه السلام: اگر مردم می دانستند در سیب چیست، بیمارانشان را جز به آن درمان نمی کردند. به تباداران خود سیب بخورانید؛ چرا که هیچ چیزی سودمندتر از سیب برای آنها نیست.

الكافي، ج ۶، ص ۳۵۷ / المحاسن، ج ۲، ص ۵۵۱

وسائل الشيعة، ج ۲۵، ص ۱۶۲ / بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۹۳ / الوافي، ج ۱۹، ص ۳۹۷

انگور:

عَنْهُ (عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ) عَنْ الْقَاسِمِ الرَّيَّانِيِّ عَنْ أَبِي بَانٍ عَنْ عُثْمَانَ عَنِ مَوْسَى بْنِ الْعَلَاءِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: لَمَّا حَسَرَ الْمَاءُ عَنْ عِظَامِ الْمَوْتَى فَرَأَى ذَلِكَ نُوحٍ ع جَزَعًا شَدِيدًا وَ اغْتَمَّ لِذَلِكَ فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيْهِ هَذَا عَمَلِكَ بِنَفْسِكَ أَنْتَ دَعَوْتَ عَلَيْهِمْ فَقَالَ يَا رَبِّ إِنِّي أَسْتَعْفُزُكَ وَ أَتُوبُ إِلَيْكَ فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيْهِ أَنْ كُلِ الْعِنَبَ الْأَسْوَدَ لِيَذْهَبَ عَمُّكَ.

امام صادق علیه السلام: هنگامی که آب فرو نشست و استخوان‌های مردگان، پدیدار شد، نوح، این را بدید و بدین سبب، بسیار آشفته و اندوهگین شد. سپس خداوند عز و جل به او وحی کرد: «این، کاری است که خود با خویش کرده‌ای! تو خود، آنان را نفرین کردی!». گفت: پروردگارا! من از تو آمرزش می‌طلبم و به درگاه تو، توبه می‌کنم. سپس خداوند عز و جل به او وحی فرستاد: «انگور سیاه بخور تا اندوهت از میان برود.

الكافي، ج ۶، ص ۳۵۰

الجواهر السننية في الأحاديث القدسية (كليات حديث قدسی)، ص ۳۷ / الوافي، ج ۱۹، ص ۳۸۴



مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع: أَكَلُ السَّفْرَجَلِ قُوَّةٌ لِلْقَلْبِ الضَّعِيفِ وَيُطَيِّبُ الْمَعِدَةَ وَيُدَكِّي الْفُوَادَ وَيَشَجِّعُ الْجَبَانَ.

امیرالمومنین (علیه السلام): خوردن به، نیروی قلب ضعیف است، معده را پاک می‌سازد، دل را پاک می‌کند و ترسورا شجاعت می‌بخشد.

الكافي، ج ۶، ص ۳۵۷ / المحاسن، ج ۲، ص ۵۵۰

سند محاسن: عَنْهُ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ

بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۱۷۰ / وسائل الشيعة، ج ۲۵، ص ۱۶۵ / الوافي، ج ۱۹، ص ۳۹۹

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيْعٍ عَنْ عَمِّهِ حَمْرَةَ بْنِ بَزِيْعٍ عَنْ أَبِي إِبْرَاهِيمَ ع قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص لِيَجْعَفِرَ: يَا جَعْفَرُ! كُلِ السَّفْرَجَلَ فَإِنَّهُ يُقَوِّي الْقَلْبَ وَيَشَجِّعُ الْجَبَانَ.

امام کاظم علیه السلام: پیامبر خدا، به جعفر بن ابی طالب فرمود: «ای جعفر! به بخور، که قلب را قوت می‌دهد و ترسورا شجاعت می‌بخشد».

الكافي، ج ۶، ص ۳۵۷ / المحاسن، ج ۲، ص ۵۴۹

سند اول محاسن: عَنْهُ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَيِّدَانَ أَوْ عَمْرٍو عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ حَمْرَةَ بْنِ بَزِيْعٍ عَنْ أَبِي إِبْرَاهِيمَ

سند دوم محاسن: وَ رَوَاهُ أَبُو سَمِينَةَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَسَدِيِّ عَنْ زَيْدِ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ

بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۱۷۰ / الوافي، ج ۱۹، ص ۴۰۰ / وسائل الشيعة، ج ۲۵، ص ۱۶۵

عَنْهُ (احمد بن محمد بن خالد) عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمِّ عَنْ شُعَيْبِ الْعَقْرُقُوفِيِّ عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: أَكَلُ السَّفْرَجَلِ قُوَّةٌ لِلْقَلْبِ وَ ذِكَاءٌ لِلْفُوَادِ وَيَشَجِّعُ الْجَبَانَ.

امام صادق (علیه السلام): خوردن به باعث قوت قلب و پاکی دل است و ترسورا شجاع می‌کند.

المحاسن، ج ۲، ص ۵۵۰

وسائل الشيعة، ج ۲۵، ص ۱۶۸ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۱۷۰

گلابی:

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى، عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: كُلُوا الْكُمَّتْرَى، فَإِنَّهُ يَجْلُو الْقَلْبَ وَيَسْكُنُ أَوْجَاعَ الْجَوْفِ بِإِذْنِ اللَّهِ.

امام رضا علیه السلام فرمود: گلابی بخورید؛ زیرا گلابی قلب را جلا می‌دهد و به اذن خداوند، دردهای شکم را برطرف می‌سازد.

الكافي، ج ۶، ص ۳۵۸ / المحاسن، ج ۲، ص ۵۵۳



سند محاسن: عَنْهُ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ زَائِدٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ

الخصال، ج ۲، ص ۶۳۲

سند خصال: حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَيْسَى بْنُ عُثَيْدٍ الْفُطَيْنِيُّ عَنْ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ زَائِدٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ وَ مُحَمَّدٍ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ

حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ جَدِّي عَنْ أَبِيهِ ع أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع عَلَّمَ أَصْحَابَهُ فِي مَجْلِسٍ وَاحِدٍ أَرْبَعَةَ تَابٍ مِمَّا يُضْلَعُ لِلْمُسْلِمِ فِي دِينِهِ وَ دُنْيَاهُ

الفصول المهمة، ج ۳، ص ۱۱۲ / بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۱۷۱ / الوافي، ج ۱۹، ص ۴۰۳ / وسائل الشيعة، ج ۲۵، ص ۱۷۰

مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ الْبُرْسِيِّ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْأَزْمَعِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ سِنَانِ الرَّاهِرِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا يُونُسُ بْنُ ظَبْيَانَ عَنِ الْمُفْضَلِ بْنِ عُمَرَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ أَبِي زَيْنَبٍ عَنْ جَابِرِ الْجَعْفِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ عَنْ آبَائِهِ ع قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع: كُلُوا الْكُمْتَرَى فَإِنَّهُ يُجَلِّي الْقَلْبَ.

امیر المؤمنین علیه السلام: گلابی بخورید زیرا دل را روشن کند.

طب الأئمة عليهم السلام (ابن‌ابسطام)، ص ۱۳۵

مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۶، ص ۴۰۴

خرما:

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ مُيَسَّرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ أَوْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: «فَلْيَنْظُرْ أَيُّهَا أَزْكَى طَعَاماً فَلْيَأْتِكُمْ بِرِزْقٍ مِنْهُ» قَالَ: أَزْكَى طَعَاماً التَّمْرُ.

امام باقر و صادق (علیهما السلام) در تفسیر قول خدا تعالی «باید بنگرد کدام خوراک پاکتر است، (کهف/۱۹) فرمود: خوراک پاکتر همان خرما است.

الكافي، ج ۶، ص ۳۴۵ / المحاسن، ج ۲، ص ۵۳۱

وسائل الشيعة، ج ۲۵، ص ۱۳۲ / الوافي، ج ۱۹، ص ۳۷۵

عَنْهُ (عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ) عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ سِنَانٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مِهْرَمٍ عَنْ عَنبَسَةَ بْنِ بَجَادٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَا قُدِّمَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ع طَعَامٌ فِيهِ تَمْرٌ إِلَّا بَدَأَ بِالتَّمْرِ.

امام صادق (علیه السلام): هیچ طعامی که به همراه خرما بود در کنار رسول خدا (صلی الله علیه و آله) قرار داده نشد؛ مگر اینکه به وسیله خرما آغاز کردند.

الكافي، ج ۶، ص ۳۴۵ / المحاسن، ج ۲، ص ۵۳۱

الوافي، ج ۱۹، ص ۳۷۵ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۱۳۱ / وسائل الشيعة، ج ۲۵، ص ۱۳۲

عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَنَانَ بْنِ سَدِيرٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: كَانَ عَلِيٌّ بْنُ الْحُسَيْنِ ع يُحِبُّ أَنْ يَرَى الرَّجُلَ تَمْرِيًّا لِحُبِّ رَسُولِ اللَّهِ ص التَّمْرِ.



همیشه امام سجاد (علیه السلام) دوست داشت که کسی خرما را دوست داشته باشد؛ چون رسول خدا صلی الله علیه و آله خرما را دوست داشت.

الکافی، ج ۶، ص ۳۴۵ / المحاسن، ج ۲، ص ۵۳۱

سند محاسن: عنه (احمد بن محمد بن خالد) عن أبي القاسم الكوفي وغيره عن حنان بن سدير عن أبيه قال: كان علي بن الحسين

الوافي، ج ۱۹، ص ۳۷۵ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۱۳۲ / وسائل الشيعة، ج ۲۵، ص ۱۳۲

زیتون:

عنه (أحمد بن أبي عبد الله) عن منصور بن العباس عن محمد بن عبد الله بن واسع عن إسحاق بن إسماعيل عن محمد بن يزيد عن أبي داود التميمي عن أبي عبد الله ع قال قال أمير المؤمنين ع: ادھنوا بالزيت و أتدوموا به فإنه دھنة الأخيـار و إدام المصطفين مسح بالقدس مرتين بوركك مقبله و بوركك مدبرة لا يضرمعها داء.

امام علی علیه السلام: با روغن زیتون، بدن را چرب کنید و با آن، خورش بسازید؛ چرا که روغن نیکان و خورش برگزیدگان است، دو بار به پاکی سوده شده، [و] در آن، بدان هنگام که روی می کند و بدان هنگام که پشت می کند، برکت نهاده شده است و با وجود آن، هیچ بیماری ای زیان نمی رساند.

الکافی، ج ۶، ص ۳۳۱ / المحاسن، ج ۲، ص ۴۸۴

الوافي، ج ۱۹، ص ۳۳۴ / وسائل الشيعة، ج ۲۵، ص ۹۵ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۱۸۲ / طب الأئمة عليهم السلام (للشبر)، ص ۱۴۰

بإسناده قال قال رسول الله ص عليكم بالزيت فإنه يكشف المرّة - و يذهب بالبلغم و يشد العصب و يحسن الخلق - و يطيب النفس و يذهب بهم.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بر شما باد روغن زیتون؛ زیرا تلخه را می زداید، بلغم را می برد، پی را استحکام می بخشد، بیماری مزمن را از میان بر می دارد، خوی را خوش می سازد، دل را پیراسته می دارد و اندوه را می برد.

صحيفة الإمام الرضا عليه السلام، ص ۵۳ / عيون أخبار الرضا عليه السلام، ج ۲، ص ۳۵ / مكارم الأخلاق، ص ۱۹۰

وسائل الشيعة، ج ۲۵، ص ۲۳ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۱۷۹ / مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۳۶۵

سنجد:

محمد بن يحيى عن محمد بن موسى عن أحمد بن الحسن بن علي عن أبيه عن ابن بكير أنه سمع أبا عبد الله ع يقول: العبيراء لحمه ينبت اللحم و عظمه ينبت العظم و جلده ينبت الجلد و مع ذلك [فإنه] يسخن الكليتين و يدبغ المعدة و هو أمان من البواسير و التفتير و يقوي الساقين و يفتح عرق الجذام.



امام صادق علیه السلام: سنجد، گوشتش گوشت می‌رویاند، استخوانش استخوان را رشد می‌دهد و پوستش پوست را می‌پرورد. علاوه بر این، سنجد، کلیه‌ها را گرم می‌کند، معده را پاک می‌سازد، مایه ایمنی از بواسیر و تقطیر البول است، ساق پا را قوی می‌کند و رگ جذام را به کلی قطع می‌نماید.

الکافی، ج ۶، ص ۳۶۱

مکارم الأخلاق، ص ۱۷۶

بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۱۸۸ / الوافی، ج ۱۹، ص ۴۱۱ / وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۱۷۵

انجیر:

عَنْ أَبِي ذَرٍّ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ أَهْدَيْتَنِي إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَطَبَّقَ عَلَيَّ تِينًا فَقَالَ لِأَصْحَابِهِ: كُلُوا فَلَوْ قُلْتُمْ فَآكِهَةٌ نَزَلَتْ مِنَ الْجَنَّةِ لَقُلْتُمْ هَذِهِ لِأَنَّهَا فَآكِهَةٌ بِلَا عَجْمٍ فَكُلُوهَا فَإِنَّهَا تَقْطَعُ الْبَوَاسِيرَ وَتَنْفَعُ مِنَ النَّقْرِسِ.

به نقل از ابو ذر: سینی ای از انجیر به پیامبر (صلی الله علیه و آله) هدیه شد. به اصحابش فرمود: «بخورید؛ چراکه اگر بنا بود بگویم میوه‌ای از بهشت است، همین میوه را می‌گفتم؛ زیرا میوه‌ای است بدون هسته. آن را بخورید؛ زیرا بواسیر را ریشه‌کن می‌سازد و برای [درمان] نقرس، سودمند است».

مکارم الأخلاق، ص ۱۷۳

بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۱۸۶ / مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۶، ص ۴۰۳

عَلَيْ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرَّضَاعِ قَالَ: التَّيْنُ يَذْهَبُ بِالْبَخْرِ وَيَشُدُّ الْفَمَ وَالْعَظْمَ وَيُنْبِتُ الشَّعْرَ وَيَذْهَبُ بِالذَّاءِ وَلَا يُحْتَاجُ مَعَهُ إِلَى دَوَاءٍ وَقَالَ ع: التَّيْنُ أَشْبَهُ شَيْءٍ بِنَبَاتِ الْجَنَّةِ. وَرَوَاهُ سَهْلُ بْنُ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْأَشْعَثِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ أَبِي نَصْرٍ أَيْضًا مِثْلَهُ.

امام رضا علیه السلام: انجیر، بوی بد دهان را می‌برد، دهان و استخوان‌ها را استحکام می‌بخشد، مو بر می‌رویاند، درد را می‌برد و با وجود آن، دیگر به دارویی نیاز نیست. و فرمود: انجیر، شبیه‌ترین چیز به گیاهان بهشت است.

الکافی، ج ۶، ص ۳۵۸ / المحاسن، ج ۲، ص ۵۵۴

مکارم الأخلاق، ص ۱۷۳

الوافی، ج ۱۹، ص ۴۰۱ / وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۱۷۰ / الفصول المهمة فی أصول الأئمة (تکملة الوسائل)، ج ۳، ص ۱۱۲



برخی گیاهان و سبزیجات از طیبات:

کاسنی

عَنْهُ (مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى) عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ خَالِدِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ جَدِّهِ سُفْيَانَ بْنِ السَّمْطِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَكْثُرَ مَأْوُهُ وَوُلْدُهُ فَلْيُتِمِّنْ أَكْلَ الْهِنْدَبَاءِ.

امام صادق (علیه السلام): هر کس دوست دارد که نطفه‌اش و فرزندش زیاد گردد، پس به خوردن کاسنی مداومت کند.

الكافي، ج ۶، ص ۳۶۲

وسائل الشيعة، ج ۲۵، ص ۱۸۲

عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ التَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَكْثُرَ مَأْوُهُ وَوُلْدُهُ فَلْيُكْثِرْ أَكْلَ الْهِنْدَبَاءِ.

امام صادق (علیه السلام): هر کس دوست دارد که نطفه‌اش و فرزندش زیاد گردد، پس زیاد کاسنی بخورد.

الكافي، ج ۶، ص ۳۶۳

وسائل الشيعة، ج ۲۵، ص ۱۸۳

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ جَمِيعاً عَنِ الْحَجَّالِ عَنْ ثَعْلَبَةَ عَنْ رَجُلٍ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: عَلَيْكَ بِالْهِنْدَبَاءِ! فَإِنَّهُ يَزِيدُ فِي الْمَاءِ وَيُحَسِّنُ الْوَلَدَ وَهُوَ حَارٌّ لَيِّنٌ يَزِيدُ فِي الْوَلَدِ الذُّكُورَةَ.

امام صادق (علیه السلام): بر تو باد به خوردن کاسنی! چرا که نطفه را زیاد و فرزند را زیبا می‌کند. و کاسنی (دارای طبیعتی) گرم ملایم است و فرزند پسر را زیاد می‌کند.

الكافي، ج ۶، ص ۳۶۳ / مكارم الأخلاق، ص ۱۷۸

وسائل الشيعة، ج ۲۵، ص ۱۷۹ / الوافي، ج ۱۹، ص ۴۳۸

عَنْهُ (احمد بن محمد بن خالد) عَنْ بَعْضِهِمْ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: عَلَيْكَ بِالْهِنْدَبَاءِ! فَإِنَّهُ يَزِيدُ فِي الْمَاءِ وَيُحَسِّنُ الْوَجْهَ.

امام صادق (علیه السلام): بر تو باد به خوردن کاسنی! چرا که نطفه را زیاد و چهره را زیبا می‌کند.

المحاسن، ج ۲، ص ۵۰۹

وسائل الشيعة، ج ۲۵، ص ۱۸۱ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۲۰۸



تره

عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ بُنْدَارٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْهَمْدَانِيِّ عَنْ عَمْرِو بْنِ عَيْسَى عَنْ فُرَاتِ بْنِ أَحْنَفَ قَالَ: سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْكُرَّاتِ فَقَالَ كُلُّهُ فَإِنَّ فِيهِ أَرْبَعُ خِصَالٍ يُطَيَّبُ النَّكْهَةَ وَيَطْرُدُ الرِّيَّاحَ وَيَقْطَعُ الْبَوَاسِيرَ وَهُوَ أَمَانٌ مِنَ الْجَذَامِ لِمَنْ أَدْمَنَ عَلَيْهِ.

به نقل از فرات بن احنف: از امام صادق علیه السلام، درباره تره پرسیدند. فرمود: «آن را بخور؛ چرا که در آن، چهار ویژگی است: بوی دهان را خوش می‌سازد؛ بادها را [از بدن] می‌راند؛ بواسیر را ریشه کن می‌کند؛ و برای کسی که بر [خوردن] آن مداومت ورزد، مایه ایمنی از جذام است».

الكافي، ج ۶، ص: ۳۶ / المحاسن، ج ۲، ص ۵۱۰

سند محاسن: عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْهَمْدَانِيِّ عَنْ عَمْرِو بْنِ عَيْسَى عَنْ فُرَاتِ بْنِ أَحْنَفَ

الخصال، ج ۱، ص ۲۴۹

سند خصال: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْهَمْدَانِيِّ عَنْ عَمْرِو بْنِ عَيْسَى عَنْ فُرَاتِ بْنِ أَحْنَفَ

الوافي، ج ۱۹، ص ۴۳۳ / وسائل الشيعة، ج ۲۵، ص ۱۸۹

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَسَّانَ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرِ قَالَ: اشْتَكَى غُلَامٌ لِأَبِي الْحَسَنِ عَ فَسَأَلَ عَنْهُ فَقِيلَ بِهِ طَحَالٌ فَقَالَ أَطْعَمُوهُ الْكُرَّاتِ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ فَأَطْعَمْنَاهُ فَقَعَدَ الدَّمُ ثُمَّ بَرَأَ.

به نقل از موسی بن بکر: یکی از غلامان امام کاظم علیه السلام بیمار شد. امام علیه السلام از حال او پرسید. گفتند: بیماری طحال گرفته است. فرمود: «سه روز به او تره بخورانید».

آن را به او خوراندیم. پس خون، فرو نشست و سپس بهبود یافت.

الكافي، ج ۶، ص ۳۶۵ / المحاسن، ج ۲، ص ۵۱۱ / مكارم الأخلاق، ص ۱۷۸

وسائل الشيعة، ج ۲۵، ص ۱۸۸ / الوافي، ج ۱۹، ص ۴۳۳ / بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۱۶۹

تُرب

عَنْهُ (عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ بُنْدَارٍ) عَنِ السَّيَّارِيِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْمُبَارَكِ عَنْ أَبِي عَثْمَانَ عَنْ دُرَيْسَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: الْفُجْلُ أَصْلُهُ يَقْطَعُ الْبَلْغَمَ وَ لُبُّهُ يَهْضُمُ وَ وَرَقُهُ يَحْدُرُ الْبُؤُولَ حَدْرًا.

امام صادق علیه السلام: تُرب، بیخ‌ش (ریشه‌اش) بلغم را از میان می‌برد، قسمت میانی‌اش هضم‌کننده است، و برگ‌ش ادرار آور است.

الكافي، ج ۶، ص ۳۷۱ / المحاسن، ج ۲، ص ۵۲۴



الوافي، ج ۱۹، ص ۴۱۹ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۲۳۱ / الفصول المهمة في أصول الأئمة (تكملة الوسائل)، ج ۳، ص ۱۲۵ / وسائل الشيعة، ج ۲۵، ص ۲۰۶

و بهذا الإسناد، (أَخْبَرَنَا أَبُو الْفَتْحِ هَلَالُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَقَّارِ، قَالَ: أَخْبَرَنَا أَبُو الْقَاسِمِ إِسْمَاعِيلُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ عَلِيٍّ الدَّعْبَلِيُّ قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ رَزِينَ بْنِ عُثْمَانَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُدَيْلِ بْنِ وَرْقَاءَ أَخُو دَعْبَلِ بْنِ عَلِيٍّ الْخُرَاعِيِّ (رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ) بِبَعْدَادَ سَنَةَ اثْنَتَيْنِ وَ سَبْعِينَ وَ مِائَتَيْنِ) قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): الْفُجْلُ أَصْلُهُ يَقْطَعُ الْبَلْغَمَ، وَ يَهْضُمُ الطَّعَامَ، وَ وَرْقُهُ يَحْدِرُ الْبَوْلَ.

امام صادق علیه السلام: تَرُبُّ، بِيخَش (ریشه اش) بلغم را از میان می برد و غذا را هضم می کند، و برگش ادرار را روان می کند.

الأمالی (للطوسي)، ص ۳۶۲

مکارم الأخلاق، ص ۱۸۲

بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۲۳۰ / مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۴۲۷ / وسائل الشيعة، ج ۲۵، ص ۳۲

عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ بُنْدَارٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْهَمْدَانِيِّ عَنْ حَنَانَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع وَ كُنْتُ مَعَهُ عَلَى الْمَائِدَةِ فَنَاوَلَنِي فُجْلَةً وَ قَالَ: يَا حَنَانُ! كُلِّ الْفُجْلَ فَإِنَّ فِيهِ ثَلَاثَ خِصَالٍ وَرَقُهُ يَطْرُدُ الرِّيَّاحَ وَ لُبُّهُ يُسْرِبِلُ الْبَوْلَ وَ أَصْلُهُ يَقْطَعُ الْبَلْغَمَ. - وَ فِي رِوَايَةٍ أُخْرَى وَرَقُهُ يُمْرِئُ

به نقل از حنان: در حالی که با امام صادق (علیه السلام) بر سر سفره ای نشسته بودم، او تَرِبُّی به دست من داد و گفت: «ای حنان! تَرُبُّ بخور؛ چرا که در آن، سه ویژگی است: برگش بادها را دور می کند، قسمت میانی اش پیشاب (ادرار) را به جریان می اندازد و بیخش، بلغم را از میان می برد».

الكافي، ج ۶، ص ۳۷۱

المحاسن، ج ۲، ص ۵۲۴ (عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ حَنَانَ)

الخصال، ج ۱، ص ۱۴۴

سند خصال: حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْهَمِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ حَنَانَ بْنِ سَدِيرٍ

روضة الواعظين، ج ۲، ص ۳۱۰ / مکارم الأخلاق، ص ۱۸۲ (فيه "يسهل" بدل "يسربل")

الوافي، ج ۱۹، ص ۴۱۹ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۲۳۰ / وسائل الشيعة، ج ۲۵، ص ۲۰۵



برگ چغندر

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: أَطْعِمُوا مَرْضَاكُمْ السَّلْقَ يَغْنِي وَرَقَهُ فَإِنَّ فِيهِ شِفَاءً وَلَا دَاءَ مَعَهُ وَلَا غَائِلَةَ لَهُ وَ يُهْدِي نَوْمَ الْمَرِيضِ وَ اجْتَنِبُوا أَصْلَهُ فَإِنَّهُ يُهَيِّجُ السَّودَاءَ.

امام رضا علیه السلام: به بیمارانتان، چغندر یعنی برگ آن را بدهید؛ چرا که در آن، شفاست و هیچ بیماری‌ای به همراه ندارد و هیچ عارضه‌ای در آن نیست و خواب بیمار را آرام می‌سازد. از خود چغندر پرهیزید؛ زیرا سودا را تحریک می‌کند.

الكافي ج ۶ ص ۳۶۹

بحار الانوار ج ۶۳ ص ۲۱۶ / الوافي ج ۱۹ ص ۴۲۲ / الفصول المهمة ج ۳ ص ۱۲۰ / وسائل الشيعة ج ۲۵ ص ۱۹۸

عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ قَالَ قَالَ أَبُو الْحَسَنِ الرَّضَا ع: يَا أَحْمَدُ كَيْفَ شَهْوَتُكَ لِلْبُقُولِ؟ فَقُلْتُ: إِنِّي لِأَشْتَهِي عَامَّتَهُ قَالَ فَإِذَا كَانَ كَذَلِكَ فَعَلَيْكَ بِالسَّلْقِ فَإِنَّهُ يُبْتُ عَلَى شَاطِئِ الْفِرْدَوْسِ وَ فِيهِ شِفَاءٌ مِنَ الْأَدْوَاءِ وَ هُوَ يُغَلِّظُ الْعَظْمَ وَ يُبْتُ اللَّحْمَ وَ لَوْ لَا أَنْ تَمَسَّهُ أَيْدِي الْخَاطِئِينَ لَكَانَتْ الْوَرَقَةُ مِنْهُ تَسْتُرُ رِجَالًا قُلْتُ مِنْ أَحَبِّ الْبُقُولِ إِلَيَّ فَقَالَ أَحْمَدُ اللَّهُ عَلَى مَعْرِفَتِكَ بِهِ

به نقل از احمد بن محمد بن ابی نصر: امام رضا علیه السلام پرسید: «ای احمد! علاقه‌ات به سبزی‌ها چگونه است؟» گفتم: همه آنها را دوست دارم.

فرمود: «اگر چنین است، بر تو باد چغندر! زیرا بر کرانه‌های فردوس می‌روید و شفای دردها در آن است، استخوان را درشت می‌کند، گوشت می‌رویانند و اگر نبود که دستان گناهکاران به آن می‌رسد، هر برگ از آن برای پوشش چند مرد، بسنده می‌کرد.» گفتم: برای من، از دوست‌داشتنی‌ترین سبزی‌هاست. فرمود: «خدا را بر این که با آن آشنایی، سپاس بگزار.»

المحاسن، ج ۲، ص ۵۱۹

بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۲۱۷ / وسائل الشيعة، ج ۲۵، ص ۲۰۰

پیاز

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ زَيْدِ بْنِ أَسْلَمَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: إِذَا دَخَلْتُمْ بِلَادًا فَكُلُوا مِنْ بَصْلِهَا يَطْرُدُ عَنْكُمْ وَبَاءَهَا.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: چون به سرزمینی درآمدید، از پیاز آن بخورید تا وبای آن را از شما دور کند.

الكافي، ج ۶، ص ۳۷۴ / المحاسن، ج ۲، ص ۵۲۲

سند محاسن: عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضِيلِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ زَيْدِ بْنِ أَسْلَمَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ

مكارم الأخلاق، ص ۱۸۲



الوافي، ج ۱۹، ص ۴۳۰ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۲۴۹ / وسائل الشيعة، ج ۲۵، ص ۲۱۳

الْفُؤْدُوسُ، عَنْ أَبِي الدَّرْدَاءِ عَنِ النَّبِيِّ ص قَالَ: إِذَا دَخَلْتُمْ بَلَدَهُ وَبَيْنَا فَخِفْتُمْ وَبَاءَهَا فَعَلَيْكُمْ بِبَصَلِهَا فَإِنَّهُ يُجَلِّي الْبَصَرَ وَيُنْقِي الشَّعْرَ وَيَزِيدُ فِي مَاءِ الصُّلْبِ وَيَزِيدُ فِي الْخُطَا وَيَذْهَبُ بِالْحَمَاءِ [بِالْحَمَى] وَهُوَ السَّوَادُ فِي الْوَجْهِ وَالْإِعْيَاءِ أَيْضًا.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اگر به آبادی ای و با زده درآمدید و از وبای آن ترسیدید، بر شما باد پیاز آن؛ چرا که چشم را جلا می‌دهد، مو را تمیز می‌کند، آب کمر را افزون می‌سازد، برگام‌ها می‌افزاید، و آفتاب‌زدگی (سیاهی چهره) و نیز خستگی را از میان می‌برد.

بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۲۵۲ / مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۴۳۱

وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: إِذَا دَخَلْتُمْ بَلَدًا فَكُلُوا مِنْ بَقْلِهِ أَوْ بَصَلِهِ يَطْرُدُ عَنْكُمْ دَاءَهُ وَيَذْهَبُ بِالنَّصَبِ وَيَشُدُّ الْعَصَبَ وَيَزِيدُ فِي الْبَاءِ وَيَذْهَبُ بِالْحَمَى.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هرگاه به سرزمینی داخل شدید، از سبزی و پیاز آن بخورید تا وبای آن را از شما دور کند و خستگی را می‌برد، بی را استحکام می‌بخشد، میل جنسی را افزون می‌سازد و تب را می‌برد.

طب النبي صلی الله علیه و آله و سلم (مستغفری)، ص ۳۱

بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۳۰۰ / مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۴۳۱

أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ النَّضْرِ عَنْ عَمْرِو بْنِ شِمْرٍ عَنْ جَابِرٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع: الْبَصَلُ يَذْهَبُ بِالنَّصَبِ وَيَشُدُّ الْعَصَبَ وَيَزِيدُ فِي الْخُطَى وَيَزِيدُ فِي الْمَاءِ وَيَذْهَبُ بِالْحَمَى.

امام صادق علیه السلام: پیاز، خستگی را می‌برد، بی را استحکام می‌بخشد، برگام‌ها می‌افزاید، آب را افزون می‌سازد و تب را می‌برد.

الکافی، ج ۶، ص ۳۷۴ / المحاسن، ج ۲، ص ۵۲۲ (عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ النَّضْرِ عَنْ عَمْرِو بْنِ شِمْرٍ عَنْ جَابِرٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ)

مکارم الأخلاق، ص ۱۸۲

بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۲۴۷ / الفصول المهمة في أصول الأئمة (تكملة الوسائل)، ج ۳، ص ۱۲۹ / الوافي، ج ۱۹، ص ۴۲۹ / وسائل الشيعة،

ج ۲۵، ص ۲۱۱



وَمِنَ الْفِرْدَوْسِ عَنِ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: كُلُوا الثُّومَ وَتَدَاوُوا بِهِ فَإِنَّ فِيهِ شِفَاءً مِنْ سَبْعِينَ دَاءً.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: "سیر" بخورید و بدان درمان کنید؛ چرا که درمان هفتاد درد در آن هست.

مکارم الأخلاق، ص ۱۸۲

مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۴۳۳ / طب الأئمة عليهم السلام (للشبر)، ص ۱۹۴

عَنْ عَلِيٍّ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص يَا عَلِيُّ! كُلِ الثُّومَ فَلَوْ لَا أَنِّي أَنَا جِي الْمَلِكُ لَأَكُتُّهُ.

پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) از سفارش‌های ایشان امام علی (علیه السلام): ای علی! «سیر» بخور. اگر نبود که من

با فرشته هم سخن می‌شوم، «سیر» می‌خوردم.

مکارم الأخلاق، ص ۱۸۲

مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۴۳۲ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۲۵۱

عَنْ عَلِيٍّ ع: لَا يَصْلُحُ أَكْلُ الثُّومِ إِلَّا مَطْبُوخًا.

امیرالمومنین (علیه السلام): خوردن "سیر" اصلاح نمی‌شود، مگر به صورت پخته شده.

مکارم الأخلاق، ص ۱۸۲

بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۲۵۱ / مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۴۳۲

الرِّسَالَةُ الذَّهَبِيَّةُ، لِلرِّضَا ع: مَنْ أَرَادَ أَنْ لَا يُصِيبَهُ رِيحٌ فَلْيَأْكُلِ الثُّومَ فِي كُلِّ سَبْعَةِ أَيَّامٍ.

امام رضا (علیه السلام): هر کس می‌خواهد بادی دامنگیر او نشود، در هر هفت روز، [یک بار] «سیر» بخورد.

طب الإمام الرضا عليه السلام (الرسالة الذهبية)، ص ۴۱

بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۳۲۵ / طب الأئمة عليهم السلام (للشبر)، ص ۳۳۹ / مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۴۳۳ / مکاتیب الأئمة عليهم

السلام، ج ۵، ص ۲۰۹ و ۲۳۱

کاهو

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي حَفْصِ الْأَبَّارِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ:

عَلَيْكُمْ بِالْخَسِّ فَإِنَّهُ يُصَفِّي الدَّمَ.

امام صادق (علیه السلام): بر شما باد به خوردن کاهو؛ چرا که خون را تصفیه می‌کند.

الکافی، ج ۶، ص ۳۶۷ / المحاسن، ج ۲، ص ۵۱۴



وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۱۹۵ / الوافی، ج ۱۹، ص ۴۵۳ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۲۳۹ (به نقل از خ ل: يُطْفِئُ الدَّم) / هداية الأمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام، ج ۸، ص ۱۷۶

حنا

عَنْهُ (أَحْمَدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ) عَنْ عَبْدِ دُوسِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْبَغْدَادِيِّ رَفَعَهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: الْحِنَاءُ يَذْهَبُ بِالسَّهْكِ، وَ يَزِيدُ فِي مَاءِ الْوَجْهِ، وَ يُطَيِّبُ التَّكْهَةَ، وَ يُحَسِّنُ الْوَلَدَ.

امام صادق (علیه السلام): حنا، بوی بد عرق را از میان می برد، بر طراوت صورت می افزاید، دهان را خوش بو می کند و فرزند را نیکو می سازد.

الكافي، ج ۶، ص ۴۸۴

عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: الْحِنَاءُ يَزِيدُ فِي مَاءِ الْوَجْهِ وَ يُكْثِرُ الشَّيْبَ.

امام صادق (علیه السلام): حنا بر طراوت صورت می افزاید و (قوت و یا ظاهر) جوانی را زیاد می کند.

الكافي، ج ۶، ص ۴۸۳

رسول الله صلى الله عليه و آله: عَلَيْكُمْ بِسَيِّدِ الْخِضَابِ الْحِنَاءِ؛ فَإِنَّهُ يُطَيِّبُ الْبَشْرَةَ، وَ يَزِيدُ فِي الْجَمَاعِ.

پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله): بر شما باد سید و آقای همه خضابها، حنا، که پوست را پاکیزه می کند و بر توان همبستری می افزاید.

كنز العمال، ج ۶، ص ۶۶۸، ح ۱۷۳۱۶ / صحيفة الإمام الرضا عليه السلام، ص ۹۰ / مكارم الأخلاق، ص ۸۲ (وليس فيهما الحناء)

مَنْ الْفَزْدُوسِ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: الْحِنَاءُ سَيِّدُ رِيحَانِ أَهْلِ الْجَنَّةِ النَّائِمِ فِي الْحِنَاءِ كَالْمَتَّسِحِّطِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ.

پیغمبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: حنا سید گلهای بهشت است...

مكارم الأخلاق، ص ۸۲

وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص الْحِنَاءُ خِضَابُ الْإِسْلَامِ يَزِيْنُ الْمُؤْمِنَ وَ يَذْهَبُ بِالْصُّدَاعِ وَ يُجِدُّ الْبَصَرَ وَ يَزِيدُ فِي الْجَمَاعِ وَ الْحَسَنَةَ بَعْشْرَةَ وَ الدَّرْهَمَ بِسَبْعِمِائَةٍ.



بیغمبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: حنا خضاب اسلام است، مؤمن را زینت می‌بخشد، و درد سر را میبرد، و نور چشم را می‌افزاید، و نیروی آمیزش را زیاد می‌کند، و مثل ثواب را ده برابر میکند، و یک درهم را ۷۰۰ برابر میکند.

مکارم الأخلاق، ص ۸۲

آویشن

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ زِيَادِ الْقُنْدِيِّ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ ع قَالَ: كَانَ دَوَاءَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع السَّعْتَرِ وَكَانَ يَقُولُ إِنَّهُ يُصَيِّرُ لِلْمَعِدَةِ حَمَلًا كَحَمْلِ الْقَطِيفَةِ.

امام کاظم علیه السلام: داروی امیر مؤمنان علیه السلام، آویشن بود. او می‌فرمود: «آویشن برای معده، پُرزی همانند پُرز پارچه‌های مخمل می‌شود».

الکافی، ج ۶، ص ۳۷۵ / المحاسن، ج ۲، ص ۵۹۴ (عَنْ أَبِي يُوسُفَ عَنْ زِيَادِ بْنِ مَرْوَانَ الْقُنْدِيِّ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ)

الوافي، ج ۱۹، ص ۴۴۷ / وسائل الشيعة، ج ۲۵، ص ۲۱۷ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۲۴۴ / مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۴۳۳

رُويَ عَنِ النَّبِيِّ ص أَنَّهُ دَعَا بِالْهَاضِمِ وَالسَّعْتَرِ وَالْحَبَّةِ السُّودَاءِ فَكَانَ يَسْتَفْتِيهَا إِذَا أَكَلَ الْبَيَاضَ وَطَعَامًا لَهُ غَائِلَةٌ وَكَانَ يَجْعَلُهُ مَعَ الْمِلْحِ الْجَرِيشِ وَيَفْتَتِحُ بِهِ الطَّعَامَ وَيَقُولُ مَا أَبَالِي إِذَا تَعَادَيْتُهُ مَا أَكَلْتُ مِنْ شَيْءٍ وَ يَقُولُ هُوَ يَقْوِي الْمَعِدَةَ وَيَقْطَعُ الْبَلْغَمَ وَهُوَ أَمَانٌ مِنَ اللَّقْوَةِ.

درباره پیامبر خدا، چنین روایت شده که داروی هضم کننده و آویشن و سیاه‌دانه خواست. چون مواد سفیده‌دار یا غذایی که سنگین بود، می‌خورد این موارد را با هم آسیاب کرده، آرد آن را با نمک نیم‌کوفته همراه می‌کرد و غذای خویش را بدان آغاز می‌کرد و می‌فرمود: «چون این دارو را بخورم، باکی از این ندارم که چه چیزی خورده باشم».

مکارم الأخلاق، ص ۱۸۷

عَنِ الصَّادِقِ ع قَالَ أَرْبَعَةُ أَشْيَاءَ تَجْلُو الْبَصَرَ وَتَفْعُ وَ لَا تَضُرُّ فِقِيلَ لَهُ مَا هِيَ فَقَالَ السَّعْتَرُ وَالْمِلْحُ وَ النَّانِخَوَاءُ وَ الْجَوْزُ إِذَا اجْتَمَعْنَ فِقِيلَ لَهُ وَ لِأَيِّ شَيْءٍ تَصْلُحُ هَذِهِ الْأَرْبَعَةُ إِذَا اجْتَمَعْنَ فَقَالَ النَّانِخَوَاءُ وَ الْجَوْزُ يُحْرِقَانِ الْبَوَاسِيرَ وَ يَطْرُدَانِ الرِّيحَ وَ يُحْسِنَانِ اللَّوْنَ وَ يُحْسِنَانِ الْمَعِدَةَ وَ يُسَخِّنَانِ الْكُلَى وَ السَّعْتَرُ وَ الْمِلْحُ يَطْرُدَانِ الرِّيحَ عَنِ الْفُؤَادِ وَ يَفْتَحَانِ السَّدَدَ وَ يُحْرِقَانِ الْبَلْغَمَ وَ يِدْرَانِ الْمَاءَ وَ يُطَيِّبَانِ التَّكْهَةَ وَ يُلَيِّنَانِ الْمَعِدَةَ وَ يَذْهَبَانِ الرِّيحَ الْحَبِيئَةَ مِنَ الْفَمِ وَ يُصَلِّبَانِ الدَّكْرَ.



امام صادق علیه السلام فرمود: «چهار چیز، چشم را جلا می‌دهد، سودمند است و هیچ زیانی ندارد». درباره آنها از امام علیه السلام پرسیدند. فرمود: «آویشن و نمک، وقتی با هم باشند، و نانخواه (زنیان) و گردو، وقتی با هم باشند». به ایشان گفتند: این چهار چیز، وقتی با هم باشند، به چه کار می‌آیند؟ فرمود: «نانخواه و گردو، [چون در برهم قرار گیرند،] بواسیر را می‌سوزانند، باد را دور می‌کنند، رنگ پوست را زیبا می‌سازند، معده را سختی (مقاومت) می‌دهند و کلیه‌ها را گرم می‌کنند. اما آویشن و نمک، [چون با هم جمع و مخلوط شوند،] بادهای را از دل برون می‌رانند، انسدادها را می‌کشایند، بلغم را می‌سوزانند، آب (منی) را زیاد می‌گردانند، بوی دهان را خوش می‌سازند، معده را نرمی می‌دهند، بوهای بد را از دهان می‌برند و آلت را سفتی می‌بخشند».

مکارم الأخلاق، ص ۱۹۱

مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۳۴۲ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۱۹۸

نیشکر

عَنْ الْكَازِمِ ع قَالَ: قَصَبُ السُّكَّرِ يَفْتَحُ الشَّدْوَدَ وَلَا دَاءَ فِيهِ وَلَا عَائِلَةَ.

امام کاظم علیه السلام: نیشکر، گرفتگی‌های مجاری و رگ‌ها را باز می‌کند و هیچ بیماری و بدی‌ای در آن نیست.

مکارم الأخلاق، ص ۱۶۸

بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۱۸۹ / طب الأئمة عليهم السلام (للشیر)، ص ۱۷۰ / مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۳۹۱

حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ التَّهِيَكِيِّ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ يُونُسَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ ع يَقُولُ: ثَلَاثَةٌ لَا تَضُرُّ الْعَنْبَ الرَّازِقِيَّ وَ قَصَبُ السُّكَّرِ وَ التَّفَّاحُ اللَّبْنَانِيُّ.

امام کاظم علیه السلام: سه چیز است که هیچ زیانی ندارد: انگور رازقی، نیشکر و سیب لبنانی.

الخصال، ج ۱، ص ۱۴۴ / المحاسن، ج ۲، ص ۵۲۷ (عنه) احمد بن محمد بن خالد) عَنِ التَّهِيَكِيِّ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ يُونُسَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ

مُوسَى) (و فيه "التفاح" بدون ذكر "اللبناني")

الفصول المهمة، ج ۳، ص ۷۰ (نقلاً عن المحاسن) / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۱۶۸ (نقلاً عن الخصال) / وسائل الشيعة، ج ۲۵، ص ۱۴۶ (نقلاً عن

المحاسن) / هداية الأمة، ج ۸، ص ۱۸۳



نعنا

فکتب إليه أبو الحسن عليه السلام كتاباً هذه نسخته: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ تَشْرِيبُ الْآخِرِ ثَلَاثُونَ يَوْمًا فِيهِ يُقَطَّعُ الْمَطْرُ الْوَسْمِيُّ وَيُنْهَى فِيهِ عَنِ شُرْبِ الْمَاءِ بِاللَّيْلِ وَيُقَلَّلُ فِيهِ مِنْ دُخُولِ الْحَمَامِ وَالْجِمَاعِ وَيُشْرَبُ بِكُرَّةٍ كُلِّ يَوْمٍ جُرْعَةً مَاءٍ حَارًّا وَ يُجْتَنَّبُ أَكْلُ الْبُقُولِ كَالْكَرْفَسِ وَالنَّعْنَاعِ وَالْجِرْجِيرِ.

امام رضا (علیه السلام): [در تبیین ماه‌های رومی]: ... تشرین آخر سی روز است، در این ماه باران درشت قطره از نزول باز میماند در آن از نوشیدن آب هنگام شب نهی شده از دخول حمام و جماع باید کم کرد در اول هر صبح جرعه از آب گرم نوشیدن مصلحت است از خوردن سبزیهائی مانند کرفس و نعناع و تره تیزک باید اجتناب کرد.

بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۳۱۴

مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۴۵۷ / مکاتیب الأئمة علیهم السلام، ج ۵، ص ۱۹۹

برخی از صیفی جات از طیبات:

هندوانه

رَوَى مُحَمَّدُ بْنُ سِنَانٍ قَالَ حَدَّثَنِي الْمُفَضَّلُ بْنُ عُمَرَ قَالَ: قَالَ الصَّادِقُ ع: فَكَّرْتُ يَا مُفَضَّلُ فِي حَمَلِ الْيَقُطِينِ الصَّعِيفِ مِثْلَ هَذِهِ الثَّمَارِ الثَّقِيلَةِ مِنَ الدُّبَاءِ وَالْقَثَاءِ وَالْبَطِيخِ وَمَا فِي ذَلِكَ مِنَ التَّدْبِيرِ وَالْحِكْمَةِ فَإِنَّهُ حِينَ قُدِّرَ أَنْ يَحْمَلَ مِثْلَ هَذِهِ الثَّمَارِ جُعِلَ نَبَاتُهُ مُنْبَسِطًا عَلَى الْأَرْضِ وَ لَوْ كَانَ يَنْتَصِبُ قَائِمًا كَمَا يَنْتَصِبُ الزَّرْعُ وَالشَّجَرُ لَمَا اسْتَطَاعَ أَنْ يَحْمَلَ مِثْلَ هَذِهِ الثَّمَارِ الثَّقِيلَةِ وَ لَتَقْصِفَ [لَيَنْقَصِفَ] قَبْلَ إِدْرَاكِهَا وَ انْتِهَائِهَا إِلَى غَايَاتِهَا فَانْظُرْ كَيْفَ صَارَ يَمْتَدُّ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ لِيَلْقَى عَلَيْهَا ثِمَارَهُ فَتَحْمِلَهَا عَنْهُ فَتَرَى الْأَصْلَ مِنَ الْقُرْعِ وَ الْبَطِيخِ مُفْتَرِشًا لِلْأَرْضِ وَ ثِمَارَهُ مَبْنُوتَةً عَلَيْهَا وَ حَوَالِيهِ كَأَنَّهُ هِرَّةٌ مُمْتَدَّةٌ وَ قَدْ اِكْتَنَفَتْهَا جِرَاؤُهَا لِتَرْضَعَ مِنْهَا.

تفکر کن ای مفضل در خلقت کدو و خربوزه و هندوانه و خیار و امثال اینها. چون خالق حکیم مقدر فرموده که میوه‌های بزرگ از اینها به وجود آید چنان کرده که بر روی زمین پهن شوند، و اگر مانند زراعات و درختان دیگر راست می‌ایستادند کجا تاب برداشتن این میوه‌های گران می‌آوردند و پیش از رسیدن میوه در حد کمال، در هم می‌شکستند، پس نظر کن که چگونه مقدر ساخته که بر روی زمین پهن گردد تا میوه‌های خود را بر روی زمین گذارد و زمین حامل میوه‌های آن گردد می‌بینی يك بته از کدو و خربوزه را چند دانه به روبروی خوابیده و میوه‌هایش بر دورش گذاشته مانند گریه که خوابیده باشد و فرزندان‌ش بر دورش گرد آمده باشند و پستان‌های او را در دهن گرفته و شیر می‌مکند. (ترجمه علامه مجلسی)



توحید المفضل، ص ۱۶۰
بحار الأنوار، ج ۳، ص ۱۳۳

خریزه

عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ أَنَّهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: عَلَيْكُمْ بِالْبَطِيخِ فَإِنَّ فِيهِ عَشْرُ خِصَالٍ هُوَ طَعَامٌ وَ شَرَابٌ وَ أَسْنَانٌ وَ رِيحَانٌ يَغْسِلُ الْمَثَانَةَ وَ يَغْسِلُ الْبَطْنَ وَ يَكْتَبُ مَاءَ الظَّهْرِ وَ يَزِيدُ فِي الْجَمَاعِ وَ يَقْطَعُ الْبُرُودَةَ وَ يُنْقِي الْبَشْرَةَ.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بر شما باد خوردن خربزه؛ چرا که در آن، ده ویژگی است: غذاست، آب است، شستشو دهنده است، خوشبو کننده است، مثانه را می‌شوید، شکم را می‌شوید، آب کمر را فراوان می‌سازد، بر نیروی همبستری می‌افزاید، سردی مزاج را از میان می‌برد، و پوست را تمیز می‌کند.

طب النبی صلی الله علیه و آله و سلم، ص ۲۷
بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۲۹۷ / مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۴۱۱

حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: كُلُوا الْبَطِيخَ فَإِنَّ فِيهِ عَشْرَ خِصَالٍ مُجْتَمِعَةٍ هُوَ شَحْمَةٌ الْأَرْضِ لَا دَاءَ فِيهِ وَلَا عَائِلَةٌ وَ هُوَ طَعَامٌ وَ هُوَ شَرَابٌ وَ هُوَ فَاكِهَةٌ وَ هُوَ رِيحَانٌ وَ هُوَ أَسْنَانٌ وَ هُوَ أَدَمٌ وَ يَزِيدُ فِي الْبَاهِ وَ يَغْسِلُ الْمَثَانَةَ وَ يَدْرِ الْبَوْلَ. وَ فِي حَدِيثٍ آخَرَ وَ يُذِيبُ الْحَصَى فِي الْمَثَانَةِ.

امام صادق علیه السلام: خربزه بخورید؛ چرا که در آن، ده ویژگی است: [مانند] دنبان کوهی است، نه دردی در آن هست و نه فساد؛ خوراک است؛ نوشیدنی است؛ میوه است؛ خوشبو کننده است؛ شست و شو دهنده است؛ خورش است؛ توان جنسی را می‌افزاید؛ مثانه را می‌شوید؛ و ادرار آور است.

در حدیثی دیگر امام صادق (علیه السلام) درباره ویژگی‌های خربزه: سنگ را در مثانه، ذوب می‌کند.

الخصال، ج ۲، ص: ۴۴۳

سند دوم خصال: وَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ زِيَادٍ بْنُ جَعْفَرِ الْهَمْدَانِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَثْرَةَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ يَحْيَى بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع مِثْلَهُ.

مكارم الأخلاق، ص ۱۸۵ / روضة الواعظين، ج ۲، ص ۳۱۱

بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۱۹۶ / وسائل الشيعة، ج ۲۵، ص ۱۷۷



هویج (زردک)

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ أَوْ غَيْرِهِ عَنْ دَاوُدَ بْنِ فَرْقَدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: أَكَلُ الْجَزْرِ يُسَخِّنُ الْكُلَيْتَيْنِ وَيُقِيمُ الذَّكَرَ.

امام صادق (علیه السلام): خوردن هویج (زردک) کلیه‌ها را گرم و آلت را راست می‌گرداند.

الكافي، ج ۶، ص ۳۷۲

وسائل الشيعة، ج ۲۵، ص ۲۰۶ / الوافي، ج ۱۹، ص: ۴۲۳

عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ دَاوُدَ بْنِ فَرْقَدٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ ع يَقُولُ: أَكَلُ الْجَزْرِ يُسَخِّنُ الْكُلَيْتَيْنِ وَيَنْصِبُ الذَّكَرَ. قَالَ: فَقُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ كَيْفَ أَكَلُهُ وَ لَيْسَ لِي أَسْنَانٌ؟! قَالَ: فَقَالَ لِي: مُرِ الْجَارِيَةَ تَسْلُقُهُ وَ كُلَّهُ.

به نقل از داوود بن فرقاد: از امام کاظم علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: «خوردن زردک، کلیه‌ها را گرم می‌کند و آلت را راست می‌گرداند». به ایشان گفتم: فدایت شوم! در حالی که دندان ندارم، چگونه آن را بخورم؟ به من فرمود: «به کنیز خود بگو آن را برای آب‌پز کند. سپس آن را بخور».

المحاسن، ج ۲، ص ۵۲۴ / الكافي، ج ۶، ص ۳۷۲

وسائل الشيعة، ج ۲۵، ص ۲۰۷ / بحار الأنوار، ج ۱۰۱، ص ۸۲ / الفصول المهمة، ج ۳، ص ۱۲۶

بادمجان

الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْهَاشِمِيِّ قَالَ: قَالَ لِبَعْضِ مَوَالِيهِ أَقْلِلْ لَنَا مِنَ الْبَصَلِ وَ أَكْثِرْ لَنَا مِنَ الْبَادَنْجَانِ فَقَالَ لَهُ مُسْتَفْهِمًا الْبَادَنْجَانُ قَالَ نَعَمْ الْبَادَنْجَانُ جَامِعُ الطَّعْمِ مَنْفِيءٌ الدَّاءِ صَالِحٌ لِلطَّبِيعَةِ مُنْصَفٌ فِي أَحْوَالِهِ صَالِحٌ لِلشَّيْخِ وَ الشَّابِّ مُعْتَدِلٌ فِي حَرَارَتِهِ وَ بُرُودَتِهِ حَارٌّ فِي مَكَانِ الْحَرَارَةِ وَ بَارِدٌ فِي مَكَانِ الْبُرُودَةِ.

به نقل از عبد الرحمن هاشمی: ایشان به یکی از وابستگان خود گفت: «برای ما پیاز کمتر و بادمجان بیشتر بیاور». او پرسش‌کنان گفت: بادمجان؟ فرمود: «آری. بادمجان، در بردارنده همه مزه‌ها، بی‌زیان، سازگار با طبع، معتدل در میان گونه‌های خویش، مناسب برای پیر و جوان، میانه در گرما و سرما، و گرم در جای گرم و سرد در جای سرماست».

الكافي، ج ۶، ص ۳۷۳

الوافي، ج ۱۹، ص ۴۲۸ / وسائل الشيعة، ج ۲۵، ص ۲۱۰



عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا قَالَ قَالَ أَبُو الْحَسَنِ الثَّلَاثِ عَ لِبَعْضِ قَهَّارِمَتِهِ: اسْتَكْتَرُوا لَنَا مِنَ الْبَادِئِجَانِ فَإِنَّهُ حَارٌّ فِي وَقْتِ الْحَرَارَةِ وَبَارِدٌ فِي وَقْتِ الْبُرُودَةِ مُعْتَدِلٌ فِي الْأَوْقَاتِ كُلِّهَا جَيِّدٌ عَلَى كُلِّ حَالٍ.

امام هادی علیه السلام خطاب به یکی از مردان خود: برای ما، بادمجان فراوان بیاورید؛ چرا که در هنگام گرمی، گرم و در هنگام سردی، سرد است. آن، در همه اوقات، معتدل و در هر حال، خوب است.

الکافی، ج ۶، ص ۳۷۳ / المحاسن، ج ۲، ص ۵۲۶ (عَنِ السَّيَّارِيِّ عَنْ بَعْضِ الْبَغْدَادِيِّينَ)

مکارم الأخلاق، ص ۱۸۳

الوافي، ج ۱۹، ص ۴۲۷ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۲۲۲ / وسائل الشيعة، ج ۲۵، ص ۲۱۰ / مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۴۲۹

کدو

وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ [حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الشَّاهِ الْفَقِيهِ الْمَرْوَزِيُّ بِمَرْوَرِدٍ فِي دَارِهِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ النَّيْسَابُورِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْقَاسِمِ عَبْدِ اللَّهِ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَامِرِ بْنِ سُلَيْمَانَ الطَّائِيَّ بِالْبَصْرَةِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي فِي سَنَةِ سِتِّينَ وَمِائَتَيْنِ قَالَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرَّضَاعِ سَنَةَ أَرْبَعٍ وَتِسْعِينَ وَمِائَةً وَحَدَّثَنَا أَبُو مَنْصُورٍ أَحْمَدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ بَكْرِ الْخُورِيِّ بِنَيْسَابُورَ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو إِسْحَاقَ إِبْرَاهِيمُ بْنُ هَارُونَ بْنِ مُحَمَّدِ الْخُورِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادِ الْفَقِيهِ الْخُورِيِّ بِنَيْسَابُورَ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْهَرَوِيُّ الشَّيْبَانِيُّ عَنِ الرَّضَا عَلِيِّ بْنِ مُوسَى عَ وَحَدَّثَنِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدِ الْأَشْنَانِيِّ الرَّازِيِّ الْعَدْلُ يَبْلُغُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ مَهْرَوَيْهِ الْقَرْوِينِيُّ عَنْ دَاوُدَ بْنِ سُلَيْمَانَ الْفَرَّاءِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرَّضَاعِ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَ قَالَ حَدَّثَنِي [حَدَّثَنِي] أَسْمَاءُ بِنْتُ عُمَيْسٍ قَالَتْ حَدَّثَنِي فَاطِمَةُ [قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: إِذَا طَبَخْتُمْ فَأَكْتَرُوا الْقُرْعَ فَإِنَّهُ يَسِّرُ الْقَلْبَ الْحَزِينَ.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): هر وقت آشپزی کردید، پس از کدو زیاد استفاده کنید؛ چرا که قلب محزون را شاد می کند.

عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۳۶ / صحيفة الإمام الرضا علیه السلام، ص ۵۴ / الدعوات (للراوندي)، ص ۱۴۸ / مکارم الأخلاق، ص ۱۷۷

وسائل الشيعة، ج ۲۵، ص ۲۴ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۲۲۵ / مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۴۲۵



عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى ع قَالَ: كَانَ فِيمَا أَوْصَى بِهِ - رَسُولُ اللَّهِ ص عَلِيًّا ع أَنَّهُ قَالَ لَهُ: يَا عَلِيُّ! عَلَيْكَ بِالذُّبَابِ فَكُلْهُ فَإِنَّهُ يَزِيدُ فِي الدِّمَاغِ وَالْعَقْلِ.

امام کاظم علیه السلام: از جمله سفارش‌هایی که پیامبر خدا به علی (علیه السلام) کرد، این بود که به وی فرمود: «ای علی! بر تو باد کدو. آن را بخور؛ چرا که مغز و عقل را افزون می‌سازد».

الکافی، ج ۶، ص ۳۷۱ / المحاسن، ج ۲، ص ۵۲۱ (عنه عن أبيه عن عمه عن موسى بن جعفر عن أبيه عن جدّه)

الوافي، ج ۱۹، ص ۴۱۸ / الفصول المهمة في أصول الأئمة (تكملة الوسائل)، ج ۳، ص ۱۲۳ / وسائل الشيعة، ج ۲۵، ص ۲۰۳ / بحار الأنوار،

ج ۶۳، ص ۲۲۷

قَالَ النَّبِيُّ ص لِعَلِيِّ ع: كُلِ الْيَقِطِينَ فَإِنَّهُ مِنْ أَكْلِهَا حَسَنٌ وَجَهَةٌ وَنَضْرٌ وَجَهَةٌ وَهِيَ طَعَامِي وَ طَعَامُ الْأَنْبِيَاءِ قَبْلِي.

پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) خطاب به امیرالمومنین (علیه السلام): کدو بخور؛ زیرا هر کس آن را بخورد، خویش نیکو و رویش شاداب می‌شود. آن، خوراک من و پیامبران پیش از من است.

الدعوات (للراوندي)، ص ۱۵۴

بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۲۲۹ / مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۴۲۵

عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص كُلُوا الْيَقِطِينَ فَلَوْ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّ شَجَرَةً أَخْفَ مِنْ هَذِهِ لَأَنْبَتَهَا عَلَى أَخِي يُونُسَ ع إِذَا اتَّخَذَ أَحَدُكُمْ مَرَقًا فَلْيُكْتَرْ فِيهِ مِنَ الذُّبَابِ فَإِنَّهُ يَزِيدُ فِي الدِّمَاغِ وَ فِي الْعَقْلِ.

پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله): کدو بخورید، که اگر خداوند می‌دانست درختی سبک‌تر از این وجود دارد، آن را برای برادرم یونس می‌رویانند. هرگاه کسی از شما خورشی می‌سازد، در آن کدوی بسیار بریزد؛ چرا که آن مغز و عقل را می‌افزاید.

مکارم الأخلاق، ص ۱۷۷ / طب النبي صلى الله عليه و آله و سلم، ص ۲۸

بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۲۲۸ / مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۴۲۶

کرفس

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى أَوْ غَيْرِهِ عَنْ قُتَيْبَةَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ حَمَادِ بْنِ زَكَرِيَّا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: عَلَيْكُمْ بِالْكَرْفَسِ! فَإِنَّهُ طَعَامُ الْيَاسِ وَ الْيَسَعِ وَ يَوْشَعِ بْنِ نُونٍ.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): بر شما باد به کرفس! چرا که طعام الیاس و یسع و یوشع بن نون بوده است.

الکافی، ج ۶، ص ۳۶۶ / المحاسن، ج ۲، ص ۵۱۵



الوافي، ج ۱۹، ص ۴۴۵ / وسائل الشيعة، ج ۲۵، ص ۱۹۳ / بحار الأنوار، ج ۱۳، ص ۳۹۷ / طب الأئمة عليهم السلام (للشبر)، ص ۱۷۹

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: الْكَرْفُسُ بَقْلَةٌ الْأَنْبِيَاءِ وَيُذَكَّرُ أَنَّ طَعَامَ الْخَضِرِ وَالْيَاسِ الْكَرْفُسُ وَالْكَمَّاءُ.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): کرفس سبزی انبیاء است. و طعام خضر و الیاس، کرفس و قارچ می باشد.

مکارم الأخلاق، ص ۱۸۰

بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۲۴۰ / مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۴۲۰

عَنْهُ (احمد بن محمد بن خالد) عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنِ الْبَجَلِيِّ فَسَمَّاهُ قَالَ حَدَّثَنِي الشَّعْبِيُّ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: الْكَرْفُسُ بَقْلَةٌ الْأَنْبِيَاءِ.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): کرفس، سبزی پیامبران بوده است.

المحاسن، ج ۲، ص ۵۱۵

دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۱۳ / طب النبي صلى الله عليه و آله و سلم (مستغفري، ۴۳۲ق)، ص ۲۸

وسائل الشيعة، ج ۲۵، ص ۱۹۴ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۲۳۹ / مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۴۱۹

رسول الله صلى الله عليه و آله: الْكَرْفُسُ يَفْتَحُ السُّدَدَ، وَيُذَكِّي الْقَلْبَ، وَيَرْتُ الْحِفْظَ، وَيَطْرُدُ الْجُنُونََ وَالْجُذَامَ وَالْبَرَصَ وَالْجُبْنَ.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: کرفس، انسدادها را می گشاید، دل را طراوت می دهد، حافظه می آورد و دیوانگی، جذام، پیسی و ترس را دور می کند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص ۲۵۲ (انتشارات دارالحدیث)

به نقل از: الفردوس، ج ۵، ص ۳۷۰، ح ۸۴۶۸ عن الإمام الحسين عليه السلام

و شبیه این روایت در: مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۹۰، ح ۱۳۱۷ و بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۲۴۰

الشَّهِيدُ فِي الدُّرُوسِ، رُوي: أَنَّهُ يَعْنِي الْكَرْفُسَ يورث الحفظ، و يذكي القلب، و ينفي الجنون و الجذام و البرص.

شهید اول (ره) در کتاب دروس: روایت شده است که: همانا کرفس حافظه را زیاد می کند، و قلب را تذکیه می کند، و جنون و جذام و برص را از بین می برد.

الدروس الشرعية في فقه الإمامية؛ ج ۳، ص ۴۵



مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۴۲۰ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۲۴۰ و ج ۵۹، ص ۲۸۴

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: عَلَيْكُمْ بِالْكَرْفِسِ فَإِنَّهُ إِنْ كَانَ شَيْءٌ يَزِيدُ فِي الْعَقْلِ فَهُوَ هُوَ.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بر شما باد کرفس؛ زیرا اگر چیزی باشد که بر عقل بیفزاید، همان است.

طب النبی صلی الله علیه و آله و سلم، ص ۳۱

بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۳۰۰ / مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۴۲۰

قارچ

عَنْهُ (احمد بن محمد بن خالد) عَنِ التَّوْفَلِيِّ عَنِ عَيْسَى بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْهَاشِمِيِّ عَنْ إِبرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْهَاشِمِيِّ عَنْ إِبرَاهِيمَ

بْنِ عَلِيٍّ الرَّافِعِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: الْكَمَاءُ مِنْ نَبْتِ الْجَنَّةِ وَ مَاؤُهَا نَافِعٌ مِنْ وَجَعِ الْعَيْنِ.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: قارچ از گیاهان بهشت است و آب آن برای درد چشم، سودمند است.

المحاسن، ج ۲، ص ۵۲۷

بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۲۳۲ / وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۲۰۲

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ ع عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضِيلِ ع عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ زَيْدٍ ع عَنْ أَبِي

عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: الْكَمَاءُ مِنَ الْمَنْ وَ الْمَنْ مِنَ الْجَنَّةِ وَ مَاؤُهَا شِفَاءٌ لِلْعَيْنِ.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: قارچ، از «مَنْ» است و «مَنْ» از بهشت است. آب آن نیز درمانی برای چشم است

الكافي، ج ۶، ص ۳۷۰ / المحاسن، ج ۲، ص ۵۲۷ (عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ ع عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضِيلِ ع عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ زَيْدٍ ع عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ

طَب الْأُئِمَّة عَلَيْهِمُ السَّلَامُ (ابن‌بسطام)، ص ۸۲

سند طب الائمه: أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ سِنَانٍ قَالَ: حَدَّثَنَا يُونُسُ بْنُ طَبَّيَانَ عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ الْجُعْفِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ

الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنِ رَسُولِ اللَّهِ

مه اضافه: وَ الْعَجْوَةُ مِنَ الْجَنَّةِ وَ فِيهَا شِفَاءٌ مِنَ السَّمِّ

الوافي، ج ۱۹، ص ۴۴۹ / مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۴۲۴ / وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۲۰۱ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۲۳۲ و ج ۵۹، ص ۱۵۲

و ۲۰۸ / الفصول المهمة في أصول الأئمة (تكملة الوسائل)، ج ۳، ص ۱۱۰



أَخْبَرَنَا ابْنُ مَخْلَدٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يُونُسَ الْقُرَشِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا سَعِيدُ بْنُ عَامِرٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَمْرٍو بْنِ عَلْقَمَةَ، عَنْ أَبِي سَلَمَةَ، عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): الْكُمَاءُ مِنَ الْمَنِّ، وَمَا وَهَا شِفَاءٌ لِلْعَيْنِ. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: قارچ، از «مَن» است و آب آن درمانی برای چشم است.

الأمالی (للطوسی)، ص ۳۸۴

دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۴۷ / مکارم الأخلاق، ص ۱۹۵ / عوالي اللئالی العزیزة فی الأحادیث الدینیة، ج ۱، ص ۱۸۴ و ۱۰۷

بحار الأنوار، ج ۱۳، ص ۱۹۰ و ۵۹، ص ۱۵۱ / مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۴۲۴

وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ يُوسُفَ الْبُعْدَادِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عُيَيْنَةَ قَالَ حَدَّثَنَا دَارِمُ بْنُ قَبِيصَةَ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرَّضَاعِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (ع) قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: الْكُمَاءُ مِنَ الْمَنِّ الَّذِي أَنْزَلَهُ اللَّهُ عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ وَ هِيَ شِفَاءٌ لِلْعَيْنِ وَ الْعَجْوَةُ الَّتِي فِي الْبَرْنِيِّ مِنَ الْجَنَّةِ وَ هِيَ شِفَاءٌ مِنَ السَّمِّ.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: قارچ، از همان «مَن» است که خداوند بر بنی اسرائیل نازل کرد، و آن، شفایی برای چشم است...

عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۷۵

الفصول المهمة فی أصول الأئمة (تکملة الوسائل)، ج ۳، ص ۱۱۱ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۲۳۱ و ۱۲۷

قَالَ زَيْدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ صِفَةً ذَلِكَ أَنْ تَأْخُذَ كُمَاءً فَتَغْسِلُهَا حَتَّى تُتَّقِيَهَا ثُمَّ تَعَصِرُهَا بِخِرْقَةٍ وَ تَأْخُذَ مَاءَهَا فَتَرْفَعَهُ عَلَى النَّارِ حَتَّى يَنْعَقِدَ ثُمَّ تُلْقِي فِيهِ قِيرَاطًا مِنْ مِسْكِ ثُمَّ تَجْعَلُهُ فِي قَارُورَةٍ فَتَكْتَجِلُ مِنْهُ مِنْ أَوْجَاعِ الْعَيْنِ كُلِّهَا فَإِذَا جَفَّ فَاسْحَقْهُ بِمَاءِ السَّمَاءِ أَوْ غَيْرِهِ ثُمَّ اكْتَجِلْ مِنْهُ.

زید بن علی بن الحسین گفت: باید قارچ را بگیرد و بشوید تا پاک شود و آن را در پارچه‌ای بفشارد و آبش را بگیرد، و بجوشاند تا بر آتش بسته شود، و قیراطی مشک در آن اندازد، و در شیشه‌ای نهد و از آن به چشم کشد برای هر درد چشم و چون خشک شود با آب باران یا جز آن آن را بساید و به چشم کشد.

دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۴۷

بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۱۵۱ / مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۴۲۴



پیوست ۵: برخی روایات در باب غذا به عنوان یکی از زیرساخت‌های فهم

تأثیر سرکه بر افزایش فهم:

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: الْخَلُّ يَشُدُّ الْعُقْلَ.

امام صادق علیه السلام: سرکه، عقل را استحکام می‌بخشد.

الكافي، ج ۶، ص ۳۲۹ / المحاسن، ج ۲، ص ۴۸۵

سند اول محاسن: عَنْهُ (احمد بن محمد بن خالد) عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ الْجَوَالِيقِيِّ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ
سند دوم محاسن: عَنْهُ (احمد بن محمد بن خالد) عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ زَكَرِيَّا بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي الْيَسَعِ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ

الوافي، ج ۱۹، ص ۳۲۴ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۳۰۱ / وسائل الشيعة، ج ۲۵، ص ۹۱

عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ بُنْدَارٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْهَمْدَانِيِّ أَنَّ رَجُلًا كَانَ عِنْدَ الرِّضَا ع بِخُرَاسَانَ فَقَدِمَتْ إِلَيْهِ مَائِدَةٌ عَلَيْهَا خَلٌّ وَ مِلْحٌ فَافْتَتَحَ ع بِالْخَلِّ فَقَالَ الرَّجُلُ جُعِلْتُ فِدَاكَ أَمْرَتَنَا أَنْ نَفْتَحَ بِالْمِلْحِ فَقَالَ هَذَا مِثْلُ هَذَا يَعْنِي الْخَلُّ وَ إِنَّ الْخَلَّ يَشُدُّ الذَّهْنَ وَ يَزِيدُ فِي الْعُقْلِ.

به نقل از محمد بن علی همدانی: مردی در خراسان نزد امام رضا علیه السلام بود. در این هنگام، نزد امام سفره‌ای گسترده که در آن، سرکه و نمک بود. امام علیه السلام با سرکه آغاز کرد. آن مرد گفت: فدایت شوم! به ما فرموده‌ای که با نمک، آغاز کنیم! فرمود: «این، همانند آن (یعنی نمک) است. سرکه، ذهن را استحکام می‌بخشد و عقل را افزون می‌کند».

الكافي، ج ۶، ص ۳۲۹ / المحاسن، ج ۲، ص ۴۸۷ (عَنْهُ) (احمد بن محمد بن خالد) عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْهَمْدَانِيِّ

الوافي، ج ۱۹، ص ۳۲۴ / وسائل الشيعة، ج ۲۴، ص ۴۰۸ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۳۰۳

عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ ابْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ جَابِرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّا لَتَبْدَأُ بِالْخَلِّ عِنْدَنَا كَمَا تَبْدَأُونَ بِالْمِلْحِ عِنْدَكُمْ فَإِنَّ الْخَلَّ لَيَشُدُّ الْعُقْلَ.

امام صادق علیه السلام: ما با سرکه آغاز می‌کنیم، چنان که شما با نمک آغاز می‌کنید؛ چرا که سرکه، عقل را استحکام می‌بخشد.



الكافي، ج ۶، ص ۳۲۹ / المحاسن، ج ۲، ص ۴۸۵ (عنه) (احمد بن محمد بن خالد) عَنْ أَبَانِ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ جَابِرٍ عَنْ

أَبِي عَبْدِ اللَّهِ

مكارم الأخلاق، ص ۱۹۰

الوافي، ج ۱۹، ص ۳۲۴ / وسائل الشيعة، ج ۲۴، ص ۴۰۷ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۳۰۳ و ۳۹۸

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: خَلَّ الْخَمْرُ يَشُدُّ اللَّثَّةَ وَيَقْتُلُ دَوَابَّ الْبُطْنِ وَيَشُدُّ الْعَقْلَ.

امام صادق علیه السلام: سرکه شراب، لثه را تقویت می کند، جنبندگان شکم را می کشد و عقل را استحکام می بخشد.

الكافي، ج ۶، ص ۳۳۰ / المحاسن، ج ۲، ص ۴۸۷

سند اول محاسن: عنه (احمد بن محمد بن خالد) عَنْ أَبِيهِ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ صَبَّاحِ الْحَدَّاءِ عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ

سند دوم محاسن: وَ رَوَاهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ صَبَّاحِ الْحَدَّاءِ

وسائل الشيعة، ج ۲۵، ص ۹۳ / الوافي، ج ۱۹، ص ۳۲۵

تأثير ميوه به بر افزایش دریافت انسان:

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ يُوسُفَ الْبَغْدَادِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عُبَيْنَةَ قَالَ حَدَّثَنَا دَارِمُ بْنُ قَيْصَةَ قَالَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرَّضَاعِ عَنْ أَبِيهِ مُوسَى عَنْ أَبِيهِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ [مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ] عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَلِيٍّ ع قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ص يَوْمًا وَ فِي يَدِهِ سَفْرَجَلَةٌ فَجَعَلَ يَأْكُلُ وَ يُطْعِمُنِي وَ يَقُولُ كُلْ يَا عَلِيُّ فَإِنَّهَا هَدِيَّةُ الْجَبَّارِ الْإِيَّ وَ إِلَيْكَ. قَالَ: فَوَجَدْتُ فِيهَا كُلَّ لَذَّةٍ فَقَالَ: يَا عَلِيُّ مَنْ أَكَلَ السَّفْرَجَلَةَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ عَلَى الرَّيْقِ صَفَا ذَهْنُهُ وَ أَمْتَلَأَ جَوْفُهُ حِلْمًا وَ عِلْمًا وَ وَقِي مِنْ كَيْدِ إِبْلِيسَ وَ جُنُودِهِ.

امام علی علیه السلام: روزی، در حالی که پیامبر خدا یک به در دست داشت، بر ایشان وارد شدم. ایشان به خوردن به و دادن پاره‌هایی از آن به من پرداخت و می فرمود: «ای علی! بخور، که این، هدیه خداوند به من و توست». من در آن، همه لذت‌ها را دیدم. پیامبر صلی الله علیه و آله همچنين فرمود: «ای علی! هر کس سه روز ناشتا به بخورد، ذهنش صفا می‌یابد، درونش از دانش و بردباری پُر می‌گردد و از نیرنگ ابلیس و سپاهیان‌ش ننگه داشته می‌شود».

عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۷۳

مكارم الأخلاق، ص ۱۷۲

بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۱۶۷ و ج ۳۹، ص ۱۲۵ / وسائل الشيعة، ج ۲۵، ص ۱۶۹

تأثير غسل بر فهم:



عن رسول الله صلى الله عليه و آله: نِعَمَ الشَّرَابِ الْعَسَلُ؛ يَرَعَى الْقَلْبَ، وَ يَذْهَبُ بَرْدَ الصَّدْرِ.

پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: عسل، چه خوب نوشیدنی‌ای است! قلب را مراقبت می‌کند و سردی سینه را از میان می‌برد.

مکارم الأخلاق، ص ۱۶۵

بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۲۹۵ و ج ۶۳، ص ۲۹۰ / طب الأئمة عليهم السلام (للشبر)، ص ۱۲۸ / مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۳۷۰

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص يُعْجِبُهُ الْعَسَلُ وَ قَالَ ع عَلَيْكُمْ بِالشِّفَاءِ مِنَ الْعَسَلِ وَ الْقُرْآنِ.

امام صادق (علیه السلام): رسول خدا (صلى الله عليه و آله) همیشه عسل را دوست داشتند. و فرمود: بر شما باد دو شفاء: عسل و قرآن.

مکارم الأخلاق، ص ۱۶۵

بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۲۹۰

عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع قَالَ: الْعَسَلُ شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ لَا دَاءَ فِيهِ يُقْلُ الْبَلْغَمَ وَ يَجْلُو الْقَلْبَ.

امام علی علیه السلام: عسل، شفای هر بیماری است و بیماری‌ای هم در آن نیست؛ بلغم را کم می‌کند و دل را جلا می‌دهد.

مکارم الأخلاق، ص ۱۶۶

بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۲۹۴

وَ بِإِسْنَادِهِ [أَخْبَرَنَا الشَّيْخُ الْإِمَامُ الْأَجَلُّ الْعَالِمُ الرَّاهِدُ الرَّاشِدُ أَمِينُ الدِّينِ تَقَّةُ الْإِسْلَامِ أَمِينُ الرُّوسَاءِ أَبُو عَلِيٍّ الْفَضْلُ بْنُ الْحَسَنِ الطَّبْرَسِيُّ أَطَالَ اللَّهُ بَقَاءَهُ فِي يَوْمِ الْخَمِيْسِ غُرَّةَ شَهْرِ اللَّهِ الْأَصَمِّ رَجَبِ سَنَةِ تِسْعٍ وَ عِشْرِينَ وَ خَمْسِمِائَةٍ قَالَ أَخْبَرَنَا الشَّيْخُ الْإِمَامُ السَّعِيدُ الرَّاهِدُ أَبُو الْفَتْحِ عُبَيْدُ اللَّهِ بْنُ عَبْدِ الْكَرِيمِ بْنِ هَوَازِنَ الْقُشَيْرِيُّ أَدَامَ اللَّهُ عَزَّةَ قِرَاءَةً عَلَيْهِ دَاخِلَ الْفُتْبَةِ الَّتِي فِيهَا قَبْرُ الرِّضَا ع غُرَّةَ شَهْرِ اللَّهِ الْمُبَارِكِ رَمَضَانَ سَنَةِ إِحْدَى وَ خَمْسِمِائَةٍ قَالَ حَدَّثَنِي الشَّيْخُ الْجَلِيلُ الْعَالِمُ أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْحَنَامِيُّ الرَّوزَنِيُّ قِرَاءَةً عَلَيْهِ سَنَةِ اثْنَتَيْنِ وَ خَمْسِينَ وَ أَرْبَعِمِائَةٍ قَالَ أَخْبَرَنَا أَبُو الْحَسَنِ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ هَارُونَ الرَّوزَنِيُّ بِهَا قَالَ أَخْبَرَنَا أَبُو بَكْرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ حَفَدَةَ الْعَبَّاسِ بْنِ حَمَزَةَ النَّيْسَابُورِيِّ سَنَةِ سَبْعٍ وَ ثَلَاثِينَ وَ ثَلَاثِمِائَةٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْقَاسِمِ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَامِرِ الطَّائِيِّ بِالْبَصْرَةِ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي سَنَةَ سِتِّينَ وَ مِائَتَيْنِ قَالَ حَدَّثَنِي



پیوست ۶: بررسی ارتباط بین گوشت خوک و افزایش بی‌غیرتی و فحشاء در جوامع

۱/۶. روایات ارتباط خوک با بی‌غیرتی و فحشاء

حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ مَسْرُورٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ بْنِ بَطَّةَ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيُّ عَنْ أَبِيهِ يَرْفَعُهُ إِلَى زُرَّارَةَ بْنِ أَوْفَى قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ فَقَالَ يَا زُرَّارَةُ النَّاسُ فِي زَمَانِنَا عَلَى سِتِّ طَبَقَاتٍ أَسَدٍ وَ ذَنْبٍ وَ ثَعْلَبٍ وَ كَلْبٍ وَ خِنْزِيرٍ وَ شَاةٍ فَأَمَّا الْأَسَدُ فَمُلُوكُ الدُّنْيَا يُحِبُّ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ أَنْ يُغْلَبَ وَ لَا يُغْلَبَ وَ أَمَّا الذَّنْبُ فَتَجَارِكُمْ يَدْمُونَ إِذَا اشْتَرَوْا وَ يَمْدَحُونَ إِذَا بَاعُوا وَ أَمَّا الثَّعْلَبُ فَهَؤُلَاءِ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ بِأَدْيَانِهِمْ وَ لَا يَكُونُ فِي قُلُوبِهِمْ مَا يَصِفُونَ بِالسِّنْتِهِمْ وَ أَمَّا الْكَلْبُ يَهْرُ عَلَى النَّاسِ بِلِسَانِهِ وَ يُكْرِمُهُ النَّاسُ مِنْ شَرِّ لِسَانِهِ وَ أَمَّا الْخِنْزِيرُ فَهَؤُلَاءِ الْمُخْتَثُونَ وَ أَشْبَاهُهُمْ لَا يَدْعُونَ إِلَى فَاحِشَةٍ إِلَّا أَجَابُوا وَ أَمَّا الشَّاةُ فَالْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ تُجَزُّ شُعُورُهُمْ وَ يُؤْكَلُ لَحْمُهُمْ وَ يُكْسَرُ عَظْمُهُمْ فَكَيْفَ تَصْنَعُ الشَّاةُ بَيْنَ أَسَدٍ وَ ذَنْبٍ وَ ثَعْلَبٍ وَ كَلْبٍ وَ خِنْزِيرٍ .

زراره بن اوفی می‌گوید: بر امام سجاد (علیه السلام) وارد شدم، فرمودند: ای زراره؛ مردم در زمان ما شش طبقه‌اند شیر، گرگ، روباه، سگ خوک، گوسفند، پادشاهان چون شیرند که هر کدام آنها می‌خواهند غالب باشند و مغلوب نگردند، بازرگانان شما گرگند هنگامی که می‌خرند بدی کالا را می‌گویند و چون می‌فروشند از آن تمجید میکنند روباه آن کسانی‌اند که بنام دین نان می‌خورند و آنچه را بزبان شرح میدهند در دل خود قبول ندارند. سگان مردمان بدزبان و فحاشند که چون سگ با زبان خود مردم را می‌گزند و مردم از ترس نیش زبان آنها را احترام میکنند. خوک آنانند که طبع و خوی شبه زنانه دارند و به هر هرزگی و ننگی خوانده شوند می‌پذیرند. گوسفند مؤمنان رنج کشند که موی آنها را می‌برند و گوشت آنها را می‌خورند و استخوانشان را خرد میکنند، چه کند گوسفندی میان چنگال شیر و گرگ و روباه و سگ و خوک!؟!

الخصال ج ۱ ص ۳۳۸

بحار الأنوار ج ۶۴ ص ۲۲۵ و ج ۶۷ ص ۱۰

حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْكُوفِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ الْبَرْمَكِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْعَبَّاسِ قَالَ حَدَّثَنَا الْقَاسِمُ بْنُ الرَّبِيعِ الصَّحَّافُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ أَنَّ الرِّضَا كَتَبَ إِلَيْهِ فِيمَا كَتَبَ مِنْ جَوَابِ مَسَائِلِهِ حَرَّمَ الْخِنْزِيرَ لِأَنَّهُ مُشَوَّهٌ جَعَلَهُ اللَّهُ تَعَالَى عِظَةً لِلْخَلْقِ وَ عِبْرَةً وَ تَخْوِيفًا وَ دَلِيلًا عَلَى مَا مُسِخَ عَلَى خَلْقَتِهِ وَ لِأَنَّ غِذَاءَهُ أَقْدَرُ الْأَقْدَارِ مَعَ عَلَلٍ كَثِيرَةٍ ...



امام رضا علیه السلام: خداوند خوردن خوک را حرام فرموده، چون حیوانی است مهیب و زشت صورت که خدا او را برای پند و عبرت گرفتن خلق، آفریده (یعنی از دیدنش بفهمند که خدا بر هر چیزی توانا است و خدای را بر زیبایی صورت بشری خود شکر کنند) و بترسند از شهوترانی و بی بندوباری که موجب این می شود که خدای تعالی صورت زیبای بشری را از ایشان گرفته و به صورت خوکشان کند و مسخ شوند (چنانچه با جماعتی از پیشینیان در دنیا چنین فرمود و سایرین در عالم برزخ و قیامت در اثر داشتن خوی خوک به صورت او محسوس می شوند) و نیز خوک را در بین بشر گذارد تا دلیلی برای گذشتگانی که به این صورت درآمده بودند باشد. و جهت دیگر حرمت گوشت خوک آن است که خوراکش پلیدترین پلیدیها و کثیف ترین کثافتها است با مفاسد و زیانهای بسیاری که در خون او است. (ترجمه: شهید آیت الله دستغیب در کتاب گناهان کبیره)

علل الشرائع، ج ۲، ص ۴۸۵

وسائل الشیعة، ج ۲۴، ص ۱۰۲

۶/۲. آیات و روایات حرمت گوشت خوک

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيْعٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عُدَّافِرٍ عَنْ بَعْضِ رِجَالِهِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قُلْتُ لَهُ لِمَ حَرَّمَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الْخَمْرَ وَالْمَيْتَةَ وَالْدَّمَ وَالْحَمَّ الْخِنْزِيرِ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمْ يُحَرِّمْ ذَلِكَ عَلَى عِبَادِهِ وَ أَحَلَّ لَهُمْ مَا سِوَى ذَلِكَ مِنْ رَغْبَةٍ فِيمَا أَحَلَّ لَهُمْ وَ لَا زُهْدٍ فِيمَا حَرَّمَ عَلَيْهِمْ وَ لَكِنَّهُ تَعَالَى خَلَقَ الْخَلْقَ فَعَلِمَ مَا يَقُومُ بِهِ أَبْدَانُهُمْ وَ مَا يُصْلِحُهُمْ فَأَحَلَّهُ لَهُمْ وَ أَبَاَحَهُ وَ عَلِمَ مَا يَضُرُّهُمْ فَتَهَاَهُمْ عَنْهُ وَ حَرَّمَهُ عَلَيْهِمْ...

محمد بن عُدافِر از پدرش از امام باقر علیه السلام نقل کرده است: به امام علیه السلام عرض کردم: «چرا خداوند عزوجل، شراب، مردار، خون و گوشت خوک را حرام فرموده است؟» حضرت فرمود: «خداوند تبارک و تعالی این اشیاء را بر بندگان، حرام و غیر آنها را حلال، قرار نداد تا ایشان را به آنچه حلال کرده راغب و از آنچه حرام فرموده بی میل نموده باشد؛ بلکه پس از آفرینش مخلوقات، آنچه که بدن ایشان به آن قائم و در راستای مصلحت و خیر آنهاست را می دانسته است. پس آن ها را بر ایشان مباح و حلال کرده است و آنچه به ضرر بدن آنهاست را نیز می دانسته لذا آن ها را حرام و بندگان را از [استفاده‌ی] آن اشیاء نهی کرده است

علل الشرائع، ج ۲، ص ۴۸۴ / الکافی، ج ۶، ص ۲۴۲ (با اندکی تفاوت)



سند کافی: عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَعَلِيِّ بْنِ إِسْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنْ عَمْرِو بْنِ عُثْمَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع وَ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا أَيْضاً عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَسْلَمَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ مُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْمَحَاسِنِ، ج ۲، ص ۳۳۴ / تهذيب الأحكام، ج ۹، ص ۱۲۸ / من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۳۴۵ / الأمالي (للصدوق)، ص ۶۶۵ الإختصاص، ص ۱۰۳ / تفسير العياشي، ج ۱، ص ۲۹۱ بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۳۴ / وسائل الشيعة، ج ۲۴، ص ۹۹ / مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۱۶۳ / الوافي، ج ۱۹، ص ۲۵

الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ شُعْبَةَ فِي تَحْفِ الْعُقُولِ عَنِ الصَّادِقِ ع أَنَّهُ سُئِلَ عَنْ مَعَايِشِ الْعِبَادِ فَقَالَ: ... وَ أَمَّا وَجُوهُ الْحَرَامِ مِنَ الْبَيْعِ وَ الشَّرَاءِ فَكُلُّ أَمْرٍ يَكُونُ فِيهِ الْفَسَادُ مِمَّا هُوَ مَنْهِيٌّ عَنْهُ مِنْ جِهَةِ أَكْلِهِ وَ شُرْبِهِ أَوْ كَسْبِهِ أَوْ نِكَاحِهِ أَوْ مَلَكَهِ أَوْ إِمْسَاكِهِ أَوْ هَبْتِهِ أَوْ عَارِيَّتِهِ أَوْ شَيْءٍ يَكُونُ فِيهِ وَجْهُ مِنْ وَجُوهِ الْفَسَادِ: نَظِيرُ الْبَيْعِ بِالرَّبَا لِمَا فِي ذَلِكَ مِنَ الْفَسَادِ، أَوْ الْبَيْعِ لِلْمَيْتَةِ أَوْ الدَّمِ أَوْ لَحْمِ الْخِنْزِيرِ أَوْ لُحُومِ السَّبَاعِ مِنْ صُوفِ سَبَاعِ الْوَحْشِ أَوْ الطَّيْرِ أَوْ جُلُودِهَا أَوْ الْخَمْرِ أَوْ شَيْءٍ مِنْ وَجُوهِ النَّجَسِ. فَهَذَا كُلُّهُ حَرَامٌ وَ مُحَرَّمٌ لِأَنَّ ذَلِكَ كُلَّهُ مَنْهِيٌّ عَنْ أَكْلِهِ وَ شُرْبِهِ وَ لُبْسِهِ وَ مَلَكَهِ وَ إِمْسَاكِهِ وَ التَّقْلُبِ فِيهِ بِوَجْهِهِ مِنَ الْوُجُوهِ لِمَا فِيهِ مِنَ الْفَسَادِ فَجَمِيعُ تَقْلِبِهِ فِي ذَلِكَ حَرَامٌ. وَ كَذَلِكَ كُلُّ بَيْعٍ مَلْهُوٌّ بِهِ وَ كُلُّ مَنْهِيٍّ عَنْهُ مِمَّا يُتَقَرَّبُ بِهِ لِغَيْرِ اللَّهِ أَوْ يَقْوَى بِهِ الْكُفْرُ وَ الشَّرْكَ مِنْ جَمِيعِ وَجُوهِ الْمَعَاصِي أَوْ بَابٌ مِنَ الْأَبْوَابِ يَقْوَى بِهِ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الضَّلَالَةِ أَوْ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْبَاطِلِ أَوْ بَابٌ يُوَهِّنُ بِهِ الْحَقُّ فَهُوَ حَرَامٌ مُحَرَّمٌ حَرَامٌ بَيْعُهُ وَ شِرَاؤُهُ وَ إِمْسَاكُهُ وَ مَلَكَهُ وَ هَبْتُهُ وَ عَارِيَّتُهُ وَ جَمِيعُ التَّقْلِبِ فِيهِ إِلَّا فِي حَالٍ تَدْعُو الضَّرُورَةَ فِيهِ إِلَى ذَلِكَ. ...

امام صادق (علیه السلام): ... اما داد و ستدهای حرام، عبارت است از خرید و فروش هر چیزی که مایه فساد باشد، و از جهت خوردن، نوشیدن، کاسبی، ازدواج، مالک شدن، نگهداشتن، بخشیدن، عاریه دادن ممنوع و مورد نهی خدا باشد، یا از جهتی برای مردم فساد داشته باشد، مانند: معاملات ربا که مفسده‌آمیز است، یا فروش مردار، خون، گوشت خوک، گوشت درندگان، زمینی یا هوایی، پوست درندگان، شراب، و کلیه نجاسات. اینها همه حرام و نامشروع است بخاطر مفسادی که دارد کلیه تصرفات در آنها چه خوردن و نوشیدن و پوشیدن چه نگهداشتن و مالک شدن و غیره همه حرام است. و همچنین معامله هر چیزی که مایه سرگرمی باشد (چون آلات موسیقی) یا موجب تقرب به غیر خدا (از دستگاه‌های طاغوت) یا باعث تقویت کفر و شرک گردد (مانند فروش سلاح و غیره به دشمنان اسلام) یا نوعی گمراهی و ضلالت را نیرو بخشد، یا باطلی را تقویت کند (چون نشر افکار مسموم یا ترویج بی‌عفتی و غیره) یا حقی را



تضعیف نماید (و باعث سستی عقاید مردم شود، از قبیل نشر کتب و نوشته‌های ضد دین) که اینها همه فروش، خرید، نگهداشتن، مالک شدن، عاریه دادن و کلیه تصرفاتش حرام است جز اینکه ضرورتی پیش آید (و کار به اجبار و اکراه و امثال آن کشد که در صورت ناچاری قهرا تکلیف برداشته می‌شود و از این قبیل است تهیه و نگهداری قسمتی از کتب مضره به منظور پاسخگویی و رد آنها که امری لازم و ضروری است).

تحف العقول، ص ۳۳۳

وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۸۴

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ الْهَيْثَمِ الْعَجَلِيُّ وَ أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ الْقَطَّانُ وَ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ السَّنَانِيُّ وَ الْحُسَيْنُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ هِشَامِ الْمُكْتَبِ وَ عَبْدِ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدِ الصَّائِعِ وَ عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْوَرَّاقُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ قَالُوا حَدَّثَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ أَحْمَدُ بْنُ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا الْقَطَّانُ قَالَ حَدَّثَنَا بَكْرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَبِيبٍ قَالَ حَدَّثَنَا تَمِيمُ بْنُ بَهْلُولٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو مُعَاوِيَةَ عَنِ الْأَعْمَشِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ ع قَالَ: هَذِهِ شَرَائِعُ الدِّينِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يَتَمَسَّكَ بِهَا وَ أَرَادَ اللَّهُ هُدَاهُ... وَ الْكَبَائِرُ مُحَرَّمَةٌ وَ هِيَ الشُّرْكُ بِاللَّهِ وَ قَتْلُ النَّفْسِ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ وَ عُقُوقُ الْوَالِدَيْنِ وَ الْفِرَارُ مِنَ الرَّحْفِ وَ أَكْلُ مَالِ الْيَتِيمِ ظُلْمًا وَ أَكْلُ الرِّبَا بَعْدَ الْبَيِّنَةِ وَ قَدْفُ الْمُحْصَنَاتِ وَ بَعْدَ ذَلِكَ الزَّانَا وَ اللَّوَاطُ وَ السَّرِيقَةُ وَ أَكْلُ الْمَيْتَةِ وَ الدَّمِ وَ لَحْمِ الْخِنْزِيرِ وَ مَا أَهَلَ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ مِنْ غَيْرِ ضُرُورَةٍ وَ أَكْلُ الشُّحْتِ وَ الْبَحْسُ فِي الْمِيرَانِ وَ الْمِكْيَالِ وَ الْمَيْسِرِ وَ شَهَادَةُ الزُّورِ وَ الْيَأْسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ وَ الْأَمْنُ مِنْ مَكْرِ اللَّهِ وَ الْقُنُوطُ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ وَ تَرْكُ مُعَاوَنَةِ الْمُظْلَمِينَ وَ الرُّكُونُ إِلَى الظَّالِمِينَ وَ الْيَمِينُ الْعَمُوسُ وَ حَبْسُ الْحُقُوقِ مِنْ غَيْرِ عُسْرٍ وَ اسْتِعْمَالُ التَّكْبِيرِ وَ التَّجْبُرِ وَ الْكَذِبِ وَ الْإِسْرَافِ وَ التَّبْذِيرِ وَ الْخِيَانَةَ وَ الْإِسْتِخْفَافَ بِالْحَجِّ وَ الْمُحَارَبَةَ لِأَوْلِيَاءِ اللَّهِ وَ الْمَلَاهِي الَّتِي تَصُدُّ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مَكْرُوهَةٌ كَالْغِنَاءِ وَ ضَرْبِ الْأَوْتَارِ وَ الْإِضْرَارِ عَلَى صَعَائِرِ الدُّنُوبِ. ثُمَّ قَالَ ع إِنَّ فِي هَذَا لَبَلَاغًا لِقَوْمٍ عَابِدِينَ. أَقُولُ: الْكِرَاهَةُ فِي آخِرِهِ مَحْمُولٌ عَلَى التَّحْرِيمِ أَوْ عَلَى التَّقْيَةِ لِمَا يَأْتِي.

امام صادق (علیه السلام): اینها شرایع و دستورات دین است برای کسی که بخواهد پایبند آنها شده و خداوند هدایت او را خواسته باشد: ... و گناهان کبیره حرام است و عبارتند از: (۱) شریک قرار دادن برای خدای عز و جل و (۲) کشتن انسانی که خداوند کشتنش را حرام کرده و (۳) ناراضی نمودن پدر و مادر و (۴) گریختن از میدان جنگ و (۵) خوردن مال یتیم از راه ستم و (۶) ربا خوردن پس از آنکه حرمت آن را بداند و (۷) زنان پاکدامن را تهمت زنا زدن و بعد از اینها: (۸) زنا و (۹) لواط و (۱۰) دزدی و (۱۱) خوردن مردار و (۱۲) خوردن خون، (۱۳) خوردن گوشت خوک، و (۱۴) خوردن گوشت هر حیوانی که بنام غیر خدا (از بت‌ها) سر بریده شده باشد بجز در جایی که ناچار از خوردن باشند و (۱۵) خوردن



مال‌های حرام و ۱۶) کم فروشی و ۱۷) قمار و ۱۸) گواهی دروغ و ۱۹) نومییدی از رحمت خدا و ۲۰) ایمنی از مکر خدا و ۲۱) نومییدی از رحمت خدا و ۲۲) ترك یاری ستمدیدگان و ۲۳) اعتماد به ستمکاران و ۲۴) قسم دروغ و ۲۵) بدون تنگ دستی حقوق دیگران را نگه داشتن و ۲۶) تکبر نمودن و ۲۷) زورگوئی و ۲۸) دروغ و ۲۹) اسراف و ۳۰) بیهوده خرج کردن و ۳۱) خیانت و ۳۲) سبک شمردن حج و ۳۴) با دوستان خدای عز و جل جنگ نمودن و اما بازی‌هایی که شخص را از یاد خدای تبارک و تعالی باز میدارد ناپسند است مانند ۳۵) غنا و ۳۶) تار زدن و ۳۷) اصرار کردن بر گناه کوچک سپس فرمود در این که گفتم برای مردمی که اهل عبادت باشند کفایت است. شیخ حرّ عاملی می‌گوید: کراهت و ناپسندبودن که در آخر روایت نقل شده است، حمل بر حرام بودن و یا حمل بر تقیه می‌شود.

الخصال، ج ۲، ص ۶۱۰ / عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۲۶

وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۳۳۱

آیاتی از قرآن کریم در مورد حرام بودن گوشت خوک:

إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخِنْزِيرِ وَ مَا أَهْلًا بِهِ لِعَیْرِ اللَّهِ فَمَنْ اضْطُرَّ غَیْرَ بَاطِلٍ وَ لَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (سوره مبارکه بقره، آیه ۱۷۳)

جز این نیست که خدا [برای مصون ماندن شما از زیان‌های جسمی و روحی] مردار و خون و گوشت خوک و حیوانی را که [هنگام ذبح] نام غیر خدا بر آن برده شده بر شما حرام کرده. پس کسی که [برای نجات جاننش از خطر] به خوردن آنها ناچار شود، در حالی که خواهان لذت نباشد و از حدّ لازم تجاوز نکند، گناهی بر او نیست زیرا خدا بسیار آمرزنده و مهربان است. (ترجمه انصاریان)

حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَالدَّمَ وَ لَحْمَ الْخِنْزِيرِ وَ مَا أَهْلًا لِعَیْرِ اللَّهِ بِهِ وَ الْمُنْخَنِقَةُ وَ الْمُوقُودَةُ وَ الْمُتَرَدِّيَةُ وَ النَّطِيحَةُ وَ مَا أَكَلَ السَّبْعُ إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ وَ مَا ذُبِحَ عَلَى النَّصْبِ وَ أَنْ تَسْتَفْسِمُوا بِالْأَزْلَامِ ذَلِكُمْ فَسُقُ الْيَوْمَ بَيِّنَاتٌ لَكُمْ فَكْفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَ أَحْسَنُوا الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا فَمَنْ اضْطُرَّ فِي مَخْمَصَةٍ غَيْرِ مُتَجَانِفٍ لِإِثْمٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (سوره مبارکه مائده، آیه ۳)

[خوردن مواد ناپاک که تناسبی با جسم و روح شما ندارند] بر شما حرام شده است [مانند] گوشت مردار و خون و گوشت خوک و آنچه به نام غیر خدا کشته‌اند و حیوان خفه شده و آنچه به ضرب چوب و سنگ مرده و آنچه به سبب پرت شدن از بلندی جان داده و حیوانی که به ضرب شاخ حیوان دیگر از بین رفته و حیوانی که درنده‌ای آن را کشته و از آن



خورده، مگر آنچه را که در آستانه مرگ، قابل تزکیه بوده و شما به دستور شرع تزکیه کرده‌اید، و نیز آنچه برای بت‌ها قربانی شده، و آنچه به وسیله تیرهای قمار سهم بندی می‌کنید بر شما حرام گشته است. [همه] این [امور] فسق و نافرمانی [از احکام خدا] است. امروز کفر پیشگان از [شکست] دین شما ناامید شده‌اند بنابراین از آنان مترسید و از من بترسید. امروز [با نصب علی بن ابی طالب به ولایت، امامت، حکومت و فرمانروایی بر امت] دینتان را برای شما کامل، و نعمتم را بر شما تمام کردم، و اسلام را برایتان به عنوان دین پسندیدم. پس هر که در حال گرسنگی شدید بی‌آنکه مایل به گناه باشد [به خوردن مُحَرَّمات بیان شده] ناچار شود، [می‌تواند به اندازه ضرورت از آنها بهره گیرد] یقیناً خدا بسیار آمرزنده و مهربان است.

إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخِنْزِيرِ وَ مَا أَهْلَ لِعَیْرِ اللَّهِ بِهِ فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَ لَا عَادٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ
(سوره مبارکه نحل، آیه ۱۱۵)

خدا فقط مردار و خون و گوشت خوک و آنچه را با نام غیر خدا ذبح کرده‌اند، بر شما حرام کرده است پس کسی که [برای نجات جان از خطر، به خوردن آنها] ناچار شود در حالی که خواهان لذت نباشد و از حد لازم تجاوز نکند [گناهی بر او نیست] یقیناً خدا بسیار آمرزنده و مهربان است.

۶/۳. فراوانی مصرف فرآورده‌های خوکی و افزایش چشمگیر بی‌غیرتی و فحشاء در کشورهای اروپایی ۶/۳/۱. فراوانی مصرف فرآورده‌های خوکی در کشورهای اروپایی

Pork: Pork is the most consumed of all red meats in the EU, at ۳۲.۵kg per capita. Pork consumption is expected to reduce by ۶۵۰,۰۰۰tonnes by ۲۰۲۹(source: OECD). EU pork production is high at ۲۲.۵m tonnes, with Spain, Germany, Denmark and the Netherlands the main producers. The EU is producing more pork than it consumes, but there are limited levels of imports and exports. Production is expected to fall by ۷۵۰,۰۰۰tonnes. However, this should not cause too much of an impact due to the similar decrease in consumption levels. The majority of imported pork comes from the UK, and as imports are expected to rise by ۱۱,۰۰۰tonnes over the next decade this presents a slight opportunity for UK exporters (source: OECD). While the UK's main exports to the EU are fresh carcasses and loins, the EU provides a market for cuts of pork less popular with UK consumers, important for ensuring carcase balance.

گوشت خوک: گوشت خوک با ۳۲.۵ کیلوگرم سرانه بیشترین مصرف را در بین تمام گوشت‌های قرمز در اتحادیه اروپا دارد. انتظار می‌رود مصرف گوشت خوک تا سال ۲۰۲۹ به میزان ۶۵۰۰۰۰ تن کاهش یابد (منبع: OECD). تولید گوشت خوک اتحادیه اروپا با ۲۲.۵ میلیون تن بالا است و اسپانیا، آلمان، دانمارک و هلند تولیدکنندگان اصلی آن هستند. اتحادیه اروپا بیش از میزان مصرف گوشت خوک تولید می‌کند، اما واردات و صادرات محدود است. انتظار می‌رود تولید ۷۵۰۰۰۰ تن کاهش یابد. با این حال، این نباید به دلیل کاهش مشابه در سطوح مصرف، تأثیر زیادی داشته باشد. اکثر گوشت خوک وارداتی از بریتانیا می‌آید، و از آنجایی که انتظار می‌رود واردات طی دهه آینده ۱۱۰۰۰ تن افزایش یابد، این فرصت کمی برای صادرکنندگان بریتانیا ایجاد می‌کند (منبع: OECD) در حالی که صادرات اصلی بریتانیا به اتحادیه اروپا لاشه و کمر تازه است، اتحادیه اروپا بازاری را برای برش‌های گوشت خوک فراهم می‌کند که در بین مصرف‌کنندگان بریتانیایی محبوبیت کمتری دارد و برای اطمینان از تعادل لاشه مهم است.

منبع: هیئت توسعه کشاورزی و باغبانی (AHDB)

ahdb.org.uk/trade-and-policy/export-ops/regions/europe/consumption#:~:text=Pork%20is%20the%20most%20consumed,the%20Netherlands%20the%20main%20producers.

Per capita consumption of meat in the EU: Between ۲۰۰۰ and ۲۰۳۲, the per capita consumption of pork and poultry was consistently higher than the amount of mutton and beef consumed in the European Union.



Between ۲۰۲۰ to ۲۰۲۲, Europeans consumed ۳۲.۴kilos of pork, while the per capita consumption of beef was significantly lower, at ۱۰.۳kilos in total. The per capita consumption of both pork and beef were forecast to decrease over the following years, while the amount of poultry consumed was expected to grow.

مصرف سرانه گوشت در اتحادیه اروپا: بین سال های ۲۰۰۰ تا ۲۰۳۲، مصرف سرانه گوشت خوک و طیور به طور مداوم بالاتر از میزان مصرف گوشت گوسفند و گاو در اتحادیه اروپا بود. بین سال های ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۲، اروپایی ها ۳۲.۴ کیلوگرم گوشت خوک مصرف کردند، در حالی که مصرف سرانه گوشت گاو به میزان قابل توجهی کمتر بود و در کل ۱۰.۳ کیلوگرم بود. پیش بینی می شد مصرف سرانه گوشت خوک و گاو طی سال های بعد کاهش یابد، در حالی که انتظار می رفت میزان مصرف طیور افزایش یابد.

منبع: پلتفرم جهانی Statista

[statista.com/statistics/۱۰۴۵۰۲۳/per-capita-consumption-of-meat-in-europe-by-type/](https://www.statista.com/statistics/۱۰۴۵۰۲۳/per-capita-consumption-of-meat-in-europe-by-type/)

۶/۳/۲. افزایش چشمگیر بی غیرتی و فحشاء (همجنس گرایی!)، افزایش تولد فرزندان خارج ازدواج!!، زندگی بدون پدر! و... در کشورهای اروپایی

In recent years, fertility rates have fallen sharply in the Nordic countries. Showing a small increase during the years of the pandemic, the figures are alarming: the fertility rate in Finland is the lowest of the Nordics, at ۱,۳, and the fertility rate in Iceland is the highest, at ۱,۶. However, the same trend is clearly visible in the rest of Europe too. Life expectancy has risen constantly in the Nordic Region. Finnish men live an average of ۷۴.۱ years, only men in Greenland have a lower life expectancy. Northerners are living longer and at the same time the proportion of the older population is increasing. According to population forecasts for the Nordic countries, the proportion of over ۸۰-year-olds will rise to ۸ percent in ۲۰۳۰ from ۴.۳ percent today.

در سال های اخیر، نرخ باروری در کشورهای شمال اروپا به شدت کاهش یافته است. این ارقام که در طول سال های همه گیری افزایش اندک نشان می دهند، هشداردهنده هستند: نرخ باروری در فنلاند پایین ترین نرخ باروری در میان کشورهای شمال اروپا با ۱.۳ است و نرخ باروری در ایسلند با ۱.۶ بالاترین میزان است. با این حال، همین روند در بقیه اروپا نیز به وضوح قابل مشاهده است. امید به زندگی در منطقه نوردیک به طور مداوم افزایش یافته است. مردان

فنلاندی به طور متوسط ۷۴.۱ سال عمر می کنند، تنها مردان در گرینلند امید به زندگی کمتری دارند. شمالی ها بیشتر زندگی می کنند و در عین حال نسبت جمعیت مسن در حال افزایش است. بر اساس پیش بینی های جمعیتی برای کشورهای شمال اروپا، نسبت افراد بالای ۸۰ سال از ۴.۳ درصد امروز به ۸ درصد در سال ۲۰۳۰ افزایش خواهد یافت.

مرکز اطلاعات منطقه ای اروپای غربی سازمان ملل متحد

unric.org/en/family-day-nordic-fertility-rates-in-steady-decline/

Sweden, in the view of many progressives, is the closest thing we have to the Promised Land. Among other things, the Swedish welfare state has done an exceptional job of fostering an egalitarian income distribution and minimizing poverty. The generosity of the Swedish welfare state has led some progressives to claim that the impact of recent family changes—e.g., increases in divorce, single parenthood, and nonmarital childbearing—is minimal on Swedish children. Last year, for instance, Paul Krugman argued that family structure didn't seem to matter much for Swedish kids, "perhaps because the welfare state is so strong" there. The thinking here is that family structure need not matter for children's well-being, so long as parents are guaranteed a decent income, as they are in Sweden.

There is only one problem with this theory: it doesn't capture the emotional and social costs of family instability and single parenthood that play out apart from the economic toll associated with family breakdown. Because, even in Sweden, the evidence continues to mount that family structure matters. a ۲۰۰۳ Lancet study of the entire population of Swedish children found that "children in single-parent families were about twice as likely to suffer from serious psychological problems, drug use, alcohol abuse, and attempted suicide, compared to children in two-parent families." Now, there is more evidence that family structure matters, even in Sweden. A new study of divorce (which included separation for cohabiting parents) finds that young adults from divorced homes are ۴۸ percent more likely to experience psychological problems than their peers from intact families. In ۲۰۰۰, ۱۷ percent of young adults from divorced homes were depressed, compared to ۹ percent from intact families; and ۲۰ percent from divorced homes had "nervous trouble" compared to ۱۲ percent from intact families. This study, as well as others, finds that marriage continues to lose ground, and family instability continues to rise in the Land of the Midnight Sun. Moreover, according to this new research, "psychological problems have increased substantially among young Swedes during recent decades" among young adults from both divorced and intact homes.



سوئد، در دیدگاه بسیاری از پیشروان، نزدیک‌ترین چیزی است که ما به سرزمین موعود داریم. از جمله، دولت رفاهی سوئدی کار استثنایی انجام داده است در ایجاد توزیع درآمد برابری و کاهش فقر. سخاوت دولت رفاهی سوئدی برخی از پیشروان را به ادعای آن رهنموده است که تأثیر تغییرات اخیر در خانواده - مانند افزایش طلاق، تنهایی والدین و تولید فرزند/ان خارج از دواج - بر کودکان سوئدی حداقل است. به عنوان مثال، سال گذشته، پل کروگمن ادعا کرد که ساختار خانواده به نظر نمی‌آید که برای کودکان سوئدی مهم باشد، "شاید به خاطر اینکه دولت رفاهی در آنجا به این قوت است". اینجا این است که فکر می‌کنند ساختار خانواده نباید برای رفاه کودکان مهم باشد، تا زمانی که والدین تأمین شده‌اند برای درآمد مناسب، همانطور که در سوئد هستند.

تنها یک مشکل در این نظریه وجود دارد: هزینه‌های عاطفی و اجتماعی ناشی از بی‌ثباتی خانواده و تک‌والد بودن که جدای از تلفات اقتصادی مرتبط با فروپاشی خانواده است را در بر نمی‌گیرد. زیرا، حتی در سوئد، شواهد نشان می‌دهد که ساختار خانواده اهمیت دارد. یک مطالعه لانست در سال ۲۰۰۳ بر روی کل جمعیت کودکان سوئدی نشان داد که "کودکان خانواده‌های تک‌والد تقریباً دو برابر بیشتر از مشکلات روانی جدی، مصرف مواد مخدر، سوء مصرف الکل و اقدام به خودکشی رنج می‌برند. در مقایسه با فرزندان خانواده‌های دو‌والد." اکنون، شواهد بیشتری وجود دارد که نشان می‌دهد ساختار خانواده حتی در سوئد اهمیت دارد. یک مطالعه جدید در مورد طلاق (که شامل جدایی برای والدینی است که با هم زندگی می‌کنند) نشان می‌دهد که بزرگسالان جوان از خانه‌های مطلقه ۴۸ درصد بیشتر از همسالان خود از خانواده‌های سالم دچار مشکلات روانی می‌شوند. در سال ۲۰۰۰، ۱۷ درصد از بزرگسالان جوان از خانه‌های مطلقه افسرده بودند، در مقایسه با ۹ درصد از خانواده‌های سالم. و ۲۰ درصد از خانه‌های مطلقه «مشکلات عصبی» داشتند در مقایسه با ۱۲ درصد از خانواده‌های سالم.

ارتباط بین طلاق و مشکلات روانی جوانان در سوئد عمدتاً به دلیل اختلافات خانوادگی و تا حدی کمتر، مشکلات اقتصادی است. بنابراین، بله، همانطور که کروگمن ممکن است گمان کند، پول مهم است. اما اختلافات مرتبط با فروپاشی خانواده در توضیح اینکه چرا طلاق با مشکلات روانی در بین جوانان سوئدی مرتبط است، مهمتر از پول بود. ارتباط بین طلاق و مشکلات روانی جوانان در سوئد به طور اساسی به دلیل نزاع خانوادگی، سختی



اقتصادی بزرگ است. پس بله، پول مهم است اما نزاع مرتبط با شکست خانوادگی مهم‌تر از پول بود که توضیح می‌دهد چرا طلاق با مشکلات روانی در میان جوانان سوئدی ارتباط دارد. این مطالعه، و همچنین مطالعات دیگر، نشان می‌دهد که ازدواج همچنان جایگاه خود را از دست می‌دهد و بی‌ثباتی خانواده همچنان در این سرزمین خورشید افزایش می‌یابد. علاوه بر این، طبق این تحقیق جدید، «مشکلات روانی در بین جوانان سوئدی در دهه‌های اخیر به طور قابل توجهی افزایش یافته است. در میان بزرگسالان جوان از هر دو خانه مطلقه و سالم.

مشکل در بهشت؟ بی‌ثباتی خانواده در سوئد در حال افزایش است، ۲۰۱۳

موسسه آمریکایی مطالعات خانواده (IFS)

ifstudies.org/blog/trouble-in-paradise-family-instability-on-the-rise-in-sweden

As compared with the rest of the industrial world, the Swedish now have the lowest marriage rate, the highest non-marital cohabitation rate, and possibly the highest family dissolution rate. Contents of this article focus on the history of nuptuality in Sweden, the gradual replacement of marriage by non-marital cohabitation, and the high rate of divorce in Sweden, the Swedish "deinstitutionalization of marriage," the need for data on the break-up rate of consensual unions, and the high percentage of single parent families in Sweden. Because Sweden may have the highest rate of family dissolution in the industrial world, it is concluded that more research and public discussion about the possible personal and social consequences of current Swedish family trends is needed.

در مقایسه با سایر کشورهای صنعتی، سوئدی‌ها اکنون کمترین نرخ ازدواج، بالاترین نرخ زندگی مشترک غیرازدواجی و احتمالاً بالاترین نرخ انحلال خانواده را دارند. مطالب این مقاله بر تاریخچه ازدواج در سوئد، جایگزینی تدریجی ازدواج با زندگی مشترک غیر زناشویی و نرخ بالای طلاق در سوئد تمرکز دارد. از آنجایی که سوئد ممکن است بالاترین نرخ انحلال خانواده را در جهان صنعتی داشته باشد، نتیجه‌گیری می‌شود که تحقیقات و بحث عمومی بیشتری در مورد پیامدهای شخصی و اجتماعی احتمالی روندهای فعلی خانواده سوئدی مورد نیاز است.

مقاله: چه اتفاقی برای خانواده در سوئد می‌افتد؟

کتابخانه ملی استرالیا

catalogue.nla.gov.au/catalog/0576580



MARRIAGE IS SLOWLY DYING IN SCANDINAVIA. A majority of children in Sweden and Norway are born out of wedlock. Sixty percent of first-born children in Denmark have unmarried parents. Not coincidentally, these countries have had something close to full gay marriage for a decade or more. Same-sex marriage has locked in and reinforced an existing Scandinavian trend toward the separation of marriage and parenthood. The Nordic family pattern--including gay marriage--is spreading across Europe. And by looking closely at it we can answer the key empirical question underlying the gay marriage debate. Will same-sex marriage undermine the institution of marriage? It already has. More precisely, it has further undermined the institution. The separation of marriage from parenthood was increasing; gay marriage has widened the separation. Out-of-wedlock birthrates were rising; gay marriage has added to the factors pushing those rates higher. Instead of encouraging a society-wide return to marriage, Scandinavian gay marriage has driven home the message that marriage itself is outdated, and that virtually any family form, including out-of-wedlock parenthood, is acceptable. The family dissolution rate is different from the divorce rate. Because so many Scandinavians now rear children outside of marriage, divorce rates are unreliable measures of family weakness. Instead, we need to know the rate at which parents (married or not) split up. Precise statistics on family dissolution are unfortunately rare. Yet the studies that have been done show that throughout Scandinavia (and the West) cohabiting couples with children break up at two to three times the rate of married parents. So rising rates of cohabitation and out-of-wedlock birth stand as proxy for rising rates of family dissolution. By that measure, Scandinavian family dissolution has only been worsening. Between ۱۹۹۰ and ۲۰۰۰, Norway's out-of-wedlock birthrate rose from ۳۹ to ۵۰ percent, while Sweden's rose from ۴۷ to ۵۵ percent. In Denmark out-of-wedlock births stayed level during the nineties (beginning at ۴۶ percent and ending at ۴۵ percent). But the leveling off seems to be a function of a slight increase in fertility among older couples, who marry only after multiple births (if they don't break up first). That shift masks the ۲۵ percent increase during the nineties in cohabitation and unmarried parenthood among Danish couples (many of them young). About ۶۰ percent of first born children in Denmark now have unmarried parents. The rise of fragile families based on cohabitation and out-of-wedlock childbearing means that during the nineties, the total rate of family dissolution in Scandinavia significantly increased.

And now that married parenthood has become a minority phenomenon, it has lost the critical mass required to have socially normative force. As Danish sociologists Wehner, Kambskard, and Abrahamson describe it, in the wake of the changes of the nineties, "Marriage is no longer a precondition for settling a family--neither legally nor normatively. . . . What defines and makes the foundation of the Danish family can be said to have moved from marriage to parenthood."

In Sweden, as elsewhere, the sixties brought contraception, abortion, and growing individualism. Sex was separated from procreation, reducing the need for "shotgun weddings." These changes, along with the movement of women into the workforce, enabled and encouraged people to marry at later ages. With married couples putting off parenthood, early divorce had fewer consequences for children. That weakened the taboo against divorce. Since young couples were putting off children, the next step was to dispense with marriage and cohabit until children were desired. Americans have lived through this transformation. The Swedes have simply drawn the final conclusion: If we've come so far without marriage, why marry at all? Our love is what matters, not a piece of paper. Why should children change that?

ازدواج در اسکاندیناوی به آرامی در حال مرگ است. اکثریت کودکان در سوئد و نروژ خارج از ازدواج به دنیا می‌آیند. شصت درصد از فرزندان اول در دانمارک والدین مجرد دارند. تصادفی نیست، این کشورها برای یک دهه یا بیشتر چیزی نزدیک به ازدواج کامل همجنس‌گرایان داشته‌اند. ازدواج همجنس‌گرایان گرایش موجود اسکاندیناوی را به سمت جدایی ازدواج و والدین تقویت کرده است. الگوی خانواده نوردیک - از جمله ازدواج همجنس‌گرایان - در سراسر اروپا در حال گسترش است. و با نگاهی دقیق به آن می‌توانیم به پرسش تجربی کلیدی زیربنای بحث ازدواج همجنس‌گرایان پاسخ دهیم. آیا ازدواج همجنس‌گرایان نهاد ازدواج را تضعیف می‌کند؟ قبلاً داشته است. به عبارت دقیق‌تر، این نهاد را بیشتر تضعیف کرده است. جدایی ازدواج از والدین در حال افزایش بود. ازدواج همجنس‌گرایان باعث گسترش جدایی شده است. نرخ زاد و ولد خارج از ازدواج در حال افزایش بود. ازدواج همجنس‌گرایان به عوامل افزایش این نرخ‌ها افزوده است. ازدواج همجنس‌گرایان اسکاندیناوی به جای تشویق بازگشت به ازدواج در سراسر جامعه، این پیام را به خانه منتقل کرده است که خود ازدواج منسوخ شده است، و تقریباً هر شکل خانواده، از جمله والدین خارج از ازدواج، قابل قبول است. نرخ انحلال خانواده با نرخ طلاق متفاوت است. از آنجایی



که بسیاری از اسکاندیناویایی‌ها اکنون خارج از ازدواج فرزندان خود را پرورش می‌دهند، نرخ طلاق معیارهای غیرقابل اعتمادی برای ضعف خانواده است. در عوض، ما باید بدانیم که والدین (متاهل یا غیر متاهل) با چه سرعتی از هم جدا می‌شوند. آمار دقیق از انحلال خانواده متأسفانه نادر است. با این حال، مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که در سراسر اسکاندیناوی (و غرب) زوج‌های دارای فرزند دو تا سه برابر بیشتر از والدین متاهل از هم جدا می‌شوند. بنابراین افزایش نرخ زندگی مشترک و تولد خارج از ازدواج به عنوان نماینده‌ای برای افزایش نرخ انحلال خانواده است.

با این معیار، انحلال خانواده اسکاندیناوی فقط بدتر شده است. بین سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۰، نرخ زاد و ولد خارج از ازدواج نروژ از ۳۹ به ۵۰ درصد، در حالی که سوئد از ۴۷ به ۵۵ درصد افزایش یافت. در دانمارک تولدهای خارج از ازدواج در طول دهه نود به همان میزان باقی ماند (از ۴۶ درصد شروع و به ۴۵ درصد ختم شد). اما به نظر می‌رسد که این یکسان‌سازی تابعی از افزایش جزئی در باروری در میان زوج‌های مسن‌تر است که تنها پس از چند قلوژی ازدواج می‌کنند (اگر اول از هم جدا نشوند). این تغییر، افزایش ۲۵ درصدی زندگی مشترک و والدین مجرد در میان زوج‌های دانمارکی (بسیاری از آنها جوان) را در دهه نود پنهان می‌کند. حدود ۶۰ درصد از فرزندان اول در دانمارک اکنون دارای والدین مجرد هستند. افزایش خانواده‌های شکننده بر اساس زندگی مشترک و فرزندآوری خارج از ازدواج به این معنی است که در طول دهه نود، نرخ کل انحلال خانواده در اسکاندیناوی به طور قابل توجهی افزایش یافته است.

و اکنون که والدین متاهل به یک پدیده اقلیت تبدیل شده است، توده حیاتی لازم برای داشتن نیروی هنجاری اجتماعی را از دست داده است. همانطور که ونر، کامبسکارد، و آبراهامسون جامعه‌شناسان دانمارکی آن را توصیف می‌کنند، در پی تغییرات دهه نود، "ازدواج دیگر پیش شرطی برای استقرار یک خانواده نیست - نه از نظر قانونی و نه از نظر هنجاری. می‌توان گفت که خانواده دانمارکی از ازدواج به پدر و مادر شدن رفته‌اند. در سوئد، مانند جاهای دیگر، دهه شصت باعث پیشگیری از بارداری، سقط جنین و فردگرایی فزاینده شد. رابطه جنسی از تولید مثل جدا شد و نیاز به "عروسی با تفنگ ساچمه‌ای" کاهش یافت. این تغییرات، همراه با جابجایی زنان به سمت نیروی کار، افراد را قادر و تشویق به ازدواج در سنین بعدی کرد. با به تعویق انداختن والدین توسط زوج‌های متاهل، طلاق زودهنگام عواقب کمتری برای فرزندان داشت. این امر تابوی طلاق را تضعیف کرد. از آنجایی که زوج‌های جوان بچه‌ها را به تعویق می‌اندازند، گام بعدی کنار گذاشتن ازدواج و زندگی مشترک تا زمانی که بچه‌ها مورد نظر باشد، بود. آمریکایی‌ها از طریق



این تحول زندگی کرده اند. سوئدی ها به سادگی به نتیجه نهایی رسیده اند: اگر ما بدون ازدواج تا این حد پیش رفته ایم، اصلاً چرا ازدواج کنیم؟ عشق ما مهم است، نه یک تکه کاغذ. چرا کودکان باید آن را تغییر دهند؟

مقاله: پایان ازدواج در اسکاندیناوی، استنلی کورتز - مجله استاندارد ۲۰۰۴/۰۲/۰۲، جلد ۰۰۹، شماره ۲۰

فدراسیون حقوق بشر لبنان کانادایی

clhrf.com/marriage/scandinavia.marriage۱۹.۱.۰۴.htm

Family life is changing. Two-parent households are on the decline in the United States as divorce, remarriage and cohabitation are on the rise. And families are smaller now, both due to the growth of single-parent households and the drop in fertility. Not only are Americans having fewer children, but the circumstances surrounding parenthood have changed. While in the early ۱۹۶۰s babies typically arrived within a marriage, today fully four-in-ten births occur to women who are single or living with a non-marital partner. At the same time that family structures have transformed, so has the role of mothers in the workplace - and in the home. As more moms have entered the labor force, more have become breadwinners - in many cases, primary breadwinners - in their families. As a result of these changes, there is no longer one dominant family form in the U.S. Parents today are raising their children against a backdrop of increasingly diverse and, for many, constantly evolving family forms. By contrast, in ۱۹۶۰, the height of the post-World War II baby boom, there was one dominant family form. At that time ۷۳% of all children were living in a family with two married parents in their first marriage. By ۱۹۸۰, ۶۱% of children were living in this type of family, and today less than half (۴۶%) are. The declining share of children living in what is often deemed a "traditional" family has been largely supplanted by the rising shares of children living with single or cohabiting parents. Fertility in the U.S. has been on the decline since the end of the post-World War II baby boom, resulting in smaller families. In the mid-۱۹۷۰s, a ۴۰% plurality of mothers who had reached the end of their childbearing years had given birth to four or more children. Now, a similar share (۴۱%) of mothers at the end of their childbearing years has had two children, and just ۱۴% have had four or more children. At the same time, the share of mothers ages ۴۰ to ۴۴ who have had only one child has doubled, from ۱۱% in ۱۹۷۶ to ۲۲% today. The share of mothers with three children has remained virtually unchanged at about a quarter.



زندگی خانوادگی در حال تغییر است. خانواده های دو والد در ایالات متحده رو به کاهش هستند زیرا طلاق، ازدواج مجدد و زندگی مشترک در حال افزایش است. و خانواده ها در حال حاضر کوچکتر شده اند، هم به دلیل رشد خانواده های تک والدی و هم به دلیل کاهش باروری. نه تنها آمریکایی ها فرزندان کمتری دارند، بلکه شرایط مربوط به پدر و مادر شدن نیز تغییر کرده است. در حالی که در اوایل دهه ۱۹۶۰ نوزادان معمولاً در یک ازدواج به دنیا می آمدند، امروزه به طور کامل چهار در ده تولد برای زنانی اتفاق می افتد که مجرد هستند یا با یک شریک غیر زناشویی زندگی می کنند. همزمان با تغییر ساختارهای خانواده، نقش مادر در محل کار - و در خانه نیز تغییر کرده است. همانطور که مادران بیشتری وارد نیروی کار شده اند، تعداد بیشتری نان آور خانه - در بسیاری موارد، نان آور اصلی - در خانواده های خود شده اند. در نتیجه این تغییرات، دیگر یک خانواده غالب در ایالات متحده وجود ندارد، امروزه والدین فرزندان خود را در پس زمینه ای از اشکال خانواده به طور فزاینده متنوع و، برای بسیاری، که دائماً در حال تکامل هستند، بزرگ می کنند. در مقابل، در سال ۱۹۶۰، اوج شکوفایی کودک پس از جنگ جهانی دوم، یک خانواده غالب وجود داشت. در آن زمان ۷۳ درصد از کل فرزندان در یک خانواده با دو والدین متاهل در اولین ازدواج خود زندگی می کردند. تا سال ۱۹۸۰، ۶۱ درصد از کودکان در این نوع خانواده زندگی می کردند و امروزه کمتر از نیمی از آنها (۴۶ درصد) هستند. کاهش سهم کودکانی که در خانواده ای «سنتی» زندگی می کنند، تا حد زیادی با افزایش سهم کودکانی که با والدین مجرد یا هم زمان زندگی می کنند، جایگزین شده است.

باروری در ایالات متحده پس از پایان رونق نوزاد پس از جنگ جهانی دوم رو به کاهش بوده است که منجر به تشکیل خانواده های کوچک تر شده است. در اواسط دهه ۱۹۷۰، ۴۰ درصد از مادرانی که به پایان سال های باروری خود رسیده اند، چهار فرزند یا بیشتر به دنیا آورده اند. (۱۴) در حال حاضر، سهم مشابهی (۴۱ درصد) از مادران در پایان سال های باروری به دنیا آمده است. دارای دو فرزند و تنها ۱۴ درصد دارای چهار فرزند یا بیشتر بوده اند در عین حال، سهم مادران ۴۰ تا ۴۴ ساله که تنها یک فرزند داشته اند، دو برابر شده و از ۱۱ درصد در سال ۱۹۷۶ به ۲۲ درصد امروز رسیده است. سهم مادران دارای سه فرزند تقریباً بدون تغییر در حدود یک چهارم باقی مانده است.

مقاله: خانواده آمریکایی امروز

مرکز تحقیقات آمریکایی پیو

<https://www.pewresearch.org/social-trends/2015/12/17/1-the-american-family-today/>



In ۱۹۷۰, ۶۷% of Americans ages ۲۵ to ۴۹ were living with their spouse and one or more children younger than ۱۸. Over the past five decades, that share has dropped to ۳۷%.

در سال ۱۹۷۰، ۶۷٪ از آمریکایی‌های ۲۵ تا ۴۹ ساله با همسر خود و یک یا چند کودک کوچکتر از ۱۸ سال زندگی می‌کردند. طی پنج دهه گذشته، این سهم به ۳۷٪ کاهش یافته است.

مقاله: خانواده مدرن آمریکایی، ۲۰۲۳

مرکز تحقیقات آمریکایی پیو

pewresearch.org/social-trends/2023/09/14/the-modern-american-family/

Too many American children experience the hurt from broken bonds at an early age. About ۳۵% of American adolescents live without one of their parents, and around ۴۰% of American children are born outside of marriage. Although these kids' parents are usually in a relationship or even cohabiting at birth, mom and dad often break up while their child is still young. Of course, if the biological parents of a child split up, the child in question will usually continue to reside with the mother. And although many of these children continue to have a close relationship with their father, this is the exception and not the rule, especially when it comes to children whose parents were never married in the first place. In other words, the problem of broken families is interchangeable with "fatherlessness." Simply put, father-absence is the now-widespread phenomena of children who have no close relationship with, or even knowledge of, their biological father. Only ۹% of children were raised without their father in ۱۹۶۰, yet today a quarter of American kids are raised without their father. The consequences are far from benign.

First, family breakdown fuels poverty. On average, even high school dropouts who are married have a far lower poverty rate than do single parents with several years of college. But family structure has the biggest impact on children. According to Raj Chetty—the preeminent researcher on the topic of social mobility—having fathers in the neighborhood is a primary factor in predicting upward income mobility for the children in that neighborhood later in life, even when controlling for other variables such as the available schools, race, or ethnicity. In part, that's because family structure influences the choices that children will make: controlling for race and parental income, boys raised without their father are much more likely to use drugs, engage in violent or criminal behavior, go to jail, and drop out of school; girls,



meanwhile, are more likely to engage in early sexual activity or have a child out of wedlock. Children without a father in the home are even more likely to suffer from mental health problems as adults.

Family breakdown is extremely important if we care about a child's social mobility—the average child does best with married parents, and, more specifically, with their biological father residing in their home.^۲ Yet America's poor children have relatively few involved or present fathers. That's because the vast majority of America's overall marriage decline is concentrated among poor and working-class Americans, leading to a "marriage divide" based on class (see figure below).

بسیاری از کودکان آمریکایی آسیب ناشی از شکستن پیوندها را در سنین پایین تجربه می کنند. حدود ۳۵ درصد از نوجوانان آمریکایی بدون یکی از والدین خود زندگی می کنند و حدود ۴۰ درصد از کودکان آمریکایی خارج از ازدواج به دنیا می آیند. اگرچه والدین این کودکان معمولاً در هنگام تولد در یک رابطه یا حتی زندگی مشترک هستند، مادر و پدر اغلب در حالی که فرزندشان هنوز جوان است از هم جدا می شوند. البته، اگر والدین بیولوژیکی کودک از هم جدا شوند، کودک مورد نظر معمولاً با مادر زندگی می کند. و اگرچه بسیاری از این کودکان همچنان با پدر خود رابطه نزدیک دارند، اما این یک استثنا است و نه یک قاعده، به خصوص در مورد کودکانی که والدین آنها از ابتدا ازدواج نکرده بودند. به عبارت دیگر، مشکل خانواده های از هم پاشیده با «بی پدری» قابل تعویض است. به زبان ساده، غیبت پدر پدیده ای است که در حال حاضر به طور گسترده در کودکانی که هیچ رابطه نزدیکی با پدر بیولوژیکی خود ندارند یا حتی از او اطلاعی ندارند، وجود دارد. در سال ۱۹۶۰ تنها ۹ درصد از کودکان بدون پدر بزرگ شدند، اما امروزه یک چهارم کودکان آمریکایی بدون پدر بزرگ می شوند. عواقب آن بسیار خوش خیم نیست.

اول، فروپاشی خانواده به فقر دامن می زند. به طور متوسط، حتی افرادی که از دبیرستان بازمانده اند و متاهل هستند، نسبت به والدین مجرد با چندین سال تحصیل در دانشگاه، نرخ فقر بسیار کمتری دارند. اما ساختار خانواده بیشترین تأثیر را بر فرزندان دارد. به گفته راج چتی - محقق برجسته در موضوع تحرک اجتماعی - وجود پدران در همسایگی عامل اصلی پیش بینی تحرک درآمد بالا برای کودکان آن محله در آینده است. تا حدودی به این دلیل است که ساختار

خانواده بر انتخاب‌هایی که فرزندان انجام می‌دهند تأثیر می‌گذارد. پسرانی که بدون پدر بزرگ می‌شوند، به احتمال زیاد مواد مخدر مصرف می‌کنند، رفتارهای خشونت‌آمیز یا مجرمانه انجام می‌دهند، به زندان می‌روند و ترک تحصیل می‌کنند. مدرسه؛ در همین حال، دختران بیشتر احتمال دارد که در اوایل فعالیت جنسی شرکت کنند یا فرزندی خارج از ازدواج داشته باشند. کودکانی که پدری در خانه ندارند، حتی در بزرگسالی بیشتر از مشکلات روانی رنج می‌برند.

اگر ما به تحرک اجتماعی کودک اهمیت دهیم، تجزیه خانواده بسیار مهم است - کودک متوسط با والدین متاهل بهترین کار را می‌کند، و به طور خاص، با پدر بیولوژیکی خود که در خانه خود ساکن هستند. این امر به این دلیل است که اکثریت قریب به اتفاق کاهش کلی ازدواج آمریکا در بین آمریکایی‌های فقیر و کارگر متمرکز است و منجر به "تقسیم ازدواج" بر اساس کلاس می‌شود (شکل زیر را ببینید).

تجزیه خانواده و سیستم رفاهی آمریکا، ۲۰۱۹

موسسه آمریکایی مطالعات خانواده (IFS)

ifstudies.org/blog/family-breakdown-and-americas-welfare-system



پیوست ۷: گسترش فراوان و مخفیانه فرآورده‌های خوکی در بسیاری از مواد خوراکی و غیر خوراکی!!

Many people are not aware that various unexpected food and drinks contain animal-derived ingredients such as body parts from pigs. Small amounts can be found in a variety of foods which are skillfully hidden by creative names and vague labelling. FOUR PAWS created a short list to make you aware of some of the more common ones listed as ingredients which explain where pigs are often included. By checking the ingredients list carefully, familiarising the terms and looking out for words like lard, animal fat, animal glyceride, hydrolysed animal protein, glycerin and gelatin on the label you can reduce your intake of animal-based products .

بسیاری از مردم نمی‌دانند که غذاها و نوشیدنی‌های غیرمنتظره مختلف حاوی ترکیبات حیوانی مانند اعضای بدن خوک‌ها هستند. مقادیر کمی را می‌توان در انواع غذاها یافت که به طرز ماهرانه ای با نام‌های خلاقانه و برجسب‌های مبهم پنهان می‌شوند. ما یک لیست کوتاه ایجاد کرده‌ایم تا شما را از برخی از رایج‌ترین مواردی که به عنوان مواد تشکیل دهنده فهرست شده‌اند و توضیح می‌دهند که خوک‌ها اغلب در کجا گنجانده شده‌اند، آگاه کند. با بررسی دقیق لیست مواد تشکیل دهنده، آشنایی با اصطلاحات و جستجوی کلماتی مانند گوشت خوک، چربی حیوانی، گلیسرید حیوانی، پروتئین حیوانی هیدرولیز شده، گلیسرین و ژلاتین روی برجسب، می‌توانید مصرف محصولات حیوانی خود را کاهش دهید.

Wine: Gelatin, a product derived from pig body parts, is used in many wine purification processes.

Baking goods: Cysteine is used in many baking goods such as bread, to create a more extensible dough with improved pan flow. Cysteine is most often synthesised from hair, such as pig bristles .

Cereal: Many cereals are sugar coated which can also contain gelatin.

Yogurt: Gelatin is used in many products, especially in the low-calorie variety.

Fruit Gum: Again gelatin is used in the production of fruit gums .

Chewing Gum: Stearic acid is used in many chewing gums. It is obtained from animal fats, mostly from a pig's stomach.

Instant soup: Some seasonings in soup contain traces of bacon.

Cream Cheese: In some products, gelatin is used as a thickener .

Chips: 'Bacon flavour' is used in some branded products to enhance the flavour.

Juice: For purification of some juice (especially multivitamin-juice) gelatin is used.



شراب واین: ژلاتین، محصولی که از اعضای بدن خوک به دست می‌آید، در بسیاری از فرآیندهای تصفیه شراب استفاده می‌شود.

محصولات پخت: سیستین در بسیاری از کالاهای پخت مانند نان استفاده می‌شود تا خمیر قابل انبساط بیشتری با جریان بهتر تابه ایجاد کند. سیستین اغلب از مو، مانند موهای خوک، سنتز می‌شود.
غلات: بسیاری از غلات دارای پوشش قندی هستند که می‌تواند حاوی ژلاتین نیز باشد.
ماست: ژلاتین در بسیاری از محصولات به خصوص در انواع کم کالری آن استفاده می‌شود.
صمغ میوه: باز هم از ژلاتین در تولید صمغ میوه استفاده می‌شود.

آدامس: اسید استتاریک در بسیاری از آدامس‌ها استفاده می‌شود. از چربی‌های حیوانی، بیشتر از معده خوک به دست می‌آید.

سوپ فوری: برخی از چاشنی‌های موجود در سوپ حاوی آثار بیکن هستند.
پنیر خامه‌ای: در برخی محصولات از ژلاتین به عنوان غلیظ کننده استفاده می‌شود.
چیپس: «طعم بیکن» در برخی از محصولات مارک دار برای افزایش طعم استفاده می‌شود.
آبمیوه: برای تصفیه مقداری آب میوه (به ویژه آب میوه مولتی ویتامین) از ژلاتین استفاده می‌شود.

insulin shots have a gelatin base. Some vaccines that contain pork gelatin may include, but are not limited to: rabies, flu, yellow fever, MMR+varicella, HPB, meningococcal and hepatitis A and B.

تزریق انسولین دارای پایه ژلاتینی است. برخی از واکسن‌های حاوی ژلاتین گوشت خوک ممکن است شامل موارد زیر باشد، اما محدود به این موارد نیست: هاری، آنفولانزا، تب زرد، MMR+واریسلا، HPB، مننگوکوک و هپاتیت A و B.

Gelatin is often used as a thickener, a gelling agent, stabilizer, or texturizer in several food sources. It's made from the bones, skin, tendons, and ligaments of cows or pigs. When you have a pork allergy, it's important to either avoid gelatin all-together or be confident in the source of the gelatin (cows or pigs).

Fast Food: many fast food items that are not seemingly pork also contain products related to pork.

Juice: some juice contains gelatin.

Toothpaste: some toothpastes use glycerin that is derived from pork.

Yogurt: some yogurt contains gelatin.



ژلاتین اغلب به عنوان غلیظ کننده، عامل ژل کننده، تثبیت کننده یا بافت دهنده در چندین منبع غذایی استفاده می شود. این از استخوان ها، پوست، تاندون ها و رباط های گاو یا خوک ساخته شده است. هنگامی که به گوشت خوک حساسیت دارید، مهم است که یا به طور کامل از ژلاتین اجتناب کنید یا به منبع ژلاتین (گاو یا خوک) اطمینان داشته باشید. فست فود: بسیاری از فست فودها که ظاهراً گوشت خوک نیستند نیز حاوی محصولات مرتبط با گوشت خوک هستند. آب میوه: مقداری آب میوه حاوی ژلاتین است. خمیر دندان: برخی از خمیردندان ها از گلیسرین استفاده می کنند که از گوشت خوک به دست می آید. ماست: مقداری ماست حاوی ژلاتین است.

So many unsuspecting foods contain pork products. Be sure to read the labels very closely .

canned biscuits

chips

cold cuts from the deli

commercial baked goods

fruit snacks

ice cream

pre-made pie shells

pudding

store-bought gravy

بسیاری از غذاهای غیرقابل تصور حاوی محصولات گوشت خوک هستند. حتماً برچسب ها را با دقت بخوانید.

بیسکویت های کنسرو شده

چیپس

برش های سرد از اغذیه فروشی ها

محصولات پخته تجاری

میان وعده های میوه ای

بستنی

پودینگ

سس خریداری شده در فروشگاه

When purchasing dairy products, be sure to know and understand everything listed on the label. If gelatin is used as a thickener, you should avoid that food item.

you need to be a close label-watcher if you eat cereal. It's especially important to avoid cereals with marshmallows, unless you are ۱۰۰٪ certain that the gelatin used comes from cows instead of pork.

اگر غلات می‌خورید باید از نزدیک مراقب برچسب‌ها باشید. به خصوص مهم است که از غلات با مارشمالو اجتناب کنید، مگر اینکه ۱۰۰٪ مطمئن باشید که ژلاتین استفاده شده از گاو به جای گوشت خوک تهیه می‌شود. هنگام خرید محصولات لبنی، مطمئن شوید که همه موارد ذکر شده روی برچسب را بدانید و درک کنید. اگر از ژلاتین به عنوان غلیظ کننده استفاده می‌شود، باید از آن ماده غذایی اجتناب کنید.

منبع: سازمان جهانی حمایت از حیوانات Four Paws (مستقر در اتریش)

four-paws.org/campaigns-topics/topics/nutrition/food-which-contains-pig

کری (مریی تغذیه جامع نگر CHNC)

mybigfatgrainfreelife.com/۲۰۲۳/۰۴/pork-allergy-foods.html

Research Shows Pig Parts Exist in Many Consumable Products. Christien Meindertsma, is the author of "Pig ۰۵۰۴۹". During her ۳ years of research for the book, she documented the life and afterlife of one pig named as the number ۰۵۰۴۹. This included the trail and post life distribution of all of its parts and was covered over the course of seven chapters.

Incredibly she found that after harvesting, Pig ۰۵۰۴۹ became a part of ۱۸۵ non-pork products that ranged from bullets to artificial hearts. In a Ted Talk, "How Pig Parts Make the World Turn", she carefully explains that the purpose of the book is to show how pig parts are used in many commonly consumed products, many of which are unbeknownst to a great majority of the world's population.

تحقیقات نشان می‌دهد که قطعات خوک در بسیاری از محصولات مصرفی وجود دارد. کریستین مایندرتسما، نویسنده "Pig ۰۵۰۴۹" است. او در طول ۳ سال تحقیق خود برای این کتاب، زندگی و زندگی پس از مرگ یک خوک به نام



۰۵۰۴۹ را مستند کرد. این شامل ردیابی و توزیع پس از زندگی همه قسمت‌های آن بود و در طول هفت فصل پوشش داده شد.

او به طور باورنکردنی متوجه شد که پس از برداشت، ۰۵۰۴۹ Pig بخشی از ۱۸۵ محصول غیر خوک است که از گلوله تا قلب مصنوعی را شامل می‌شود. در یک گفتگوی تد، "چگونه اجزای خوک دنیا را به چرخش در می‌آورند"، او با دقت توضیح می‌دهد که هدف کتاب نشان دادن چگونگی استفاده از قطعات خوک در بسیاری از محصولات پرمصرف است، که بسیاری از آنها برای اکثریت عظیمی از مردم جهان ناشناخته هستند.

The chapters of the book each represent a part of the pig from which goods are produced. These include :

Skin

Bones

Meat

Internal Organs

Blood

Fat

Miscellaneous

She went on to give many examples from the nearly ۲۰۰ products that contain materials derived from pig's bones, hide, bristles, and other parts. Additives derived from pigs can be seen in many consumer goods.

Here are some examples:

Food Products

Meindertma discovered that protein from pig hair is often used as a "dough improver" in bread. In other words, proteins of animal origin are used for solubility, high emulsifying and foaming capacity and stability in baked goods. An ingredient like L-Cysteine, derived from hair, helps improve shelf life of bread and other products.

In addition, some low-fat products need additional texture so gelatin is often added to cheese, yogurt and other dairy products to make them more palatable. Gelatin is also commonly used in prepared deserts and bakery products.

فصل‌های کتاب هر کدام بخشی از خوک را نشان می‌دهد که از آن کالا تولید می‌شود. این شامل:

پوست



استخوان‌ها

گوشت

اعضای داخلی

خون

چربی

متفرقه

او در ادامه نمونه‌های زیادی از نزدیک به ۲۰۰ محصولی که حاوی موادی است که از استخوان‌های خوک، پوست، موها و سایر قسمت‌ها به دست می‌آیند، ارائه کرد. افزودنی‌های مشتق شده از خوک‌ها را می‌توان در بسیاری از کالاهای مصرفی مشاهده کرد. در اینجا چند نمونه آورده شده است:

محصولات غذایی

Meindertsmā کشف کرد که پروتئین موی خوک اغلب به عنوان "بهبود دهنده خمیر" در نان استفاده می‌شود. به عبارت دیگر، پروتئین‌های با منشأ حیوانی برای حلالیت، ظرفیت امولسیون‌کنندگی و کف‌کنندگی بالا و پایداری در محصولات پخته شده استفاده می‌شود. ماده‌ای مانند ال سیستئین که از مو به دست می‌آید، به بهبود ماندگاری نان و سایر محصولات کمک می‌کند.

علاوه بر این، برخی از محصولات کم‌چرب نیاز به بافت اضافی دارند، بنابراین ژلاتین اغلب به پنیر، ماست و سایر محصولات لبنی اضافه می‌شود تا آنها را خوش طعم‌تر کند. ژلاتین همچنین معمولاً در تهیه دسر و محصولات نانوائی استفاده می‌شود.

One of her most disturbing findings is what some grocers call "portion-controlled meat cuts". It is sold in the frozen section of the supermarket and looks like beef steaks. The unsuspecting consumer naturally assumes that it is a ۱۰۰٪ beef product. In reality it is beef trimmings that cannot be sold on their own, so they are gathered together, molded into a steak and held together with fibrin from pig blood. It is a huge sausage that is then cut up and made to look like steak. The same process is used to make fish products like tuna and scallops.



یکی از آزردهنده‌ترین یافته‌های او چیزی است که برخی از خواربارفروشان آن را «برش‌های گوشت با سهم کنترل‌شده» می‌نامند. در بخش یخ زده سوپرمارکت فروخته می‌شود و شبیه استیک گوشت گاو است. مصرف کننده ناآگاه به طور طبیعی فرض می‌کند که یک محصول ۱۰۰٪ گوشت گاو است. در حقیقت این تکه‌های گوشت گاو است که به تنهایی قابل فروش نیستند، بنابراین آنها را با هم جمع می‌کنند، به شکل استیک در می‌آورند و با فیبرین خون خوک در کنار هم نگه می‌دارند. این یک سوسیس بزرگ است که سپس برش داده و شبیه استیک می‌شود. از همین فرآیند برای تولید محصولات ماهی مانند ماهی تن و گوش ماهی استفاده می‌شود.

Non-Food Items Containing Pig Parts

Many common non-food items also include ingredients derived from pigs.. Meindertma found that most paint, sandpaper and brushes contain parts of a pig.

Meindertma made another interesting find in her research. Most people don't realize that the bone in fine bone china is really animal bone. And, surprisingly, the bone in fine bone china is pig bone.

Pig parts are also used in the production of some cigarettes. There's a company in Greece that produces cigarettes that contain hemoglobin from pigs inside the filter.

Fatty acids extracted from boiling pig bones are often used as a hardening agent in soaps. These fatty acids also give an aesthetically pleasing, pearl like, creamy appearance. Sticking with the bathroom theme, Meindertma added that she found substances derived from pigs in shampoo, conditioner, creams, lotions and even toothpaste.

اقلام غیر غذایی حاوی قطعات خوک

بسیاری از اقلام غیر غذایی رایج نیز شامل موادی هستند که از خوک‌ها به دست می‌آیند. Meindertma دریافت که بیشتر رنگ‌ها، کاغذ سنباده‌ها و قلم‌موها حاوی قسمت‌هایی از خوک هستند.

مایندرتسما در تحقیقات خود به یافته جالب دیگری دست یافت. اکثر مردم نمی‌دانند که استخوان موجود در چین با استخوان ظریف واقعاً استخوان حیوانی است. و در کمال تعجب، استخوان چینی با استخوان خوب، استخوان خوک است.

از قطعات خوک نیز در تولید برخی از سیگارها استفاده می‌شود. شرکتی در یونان وجود دارد که سیگارهای حاوی هموگلوبین را از خوک‌های داخل فیلتر تولید می‌کند.



اسیدهای چرب استخراج شده از جوشاندن استخوان خوک اغلب به عنوان یک عامل سخت کننده در صابون‌ها استفاده می‌شود. این اسیدهای چرب از نظر زیبایی ظاهری کرم مانند و مروارید مانند می‌دهند. مایندرتسما با رعایت تم حمام اضافه کرد که موادی را که از خوک‌ها به دست می‌آید در شامپو، نرم کننده، کرم‌ها، لوسیون‌ها و حتی خمیر دندان پیدا کرده است.

منبع: خدمات اسلامی آمریکا (ISA) Inc.

isahalal.com/news-events/blog/pork-derivatives-everyday-products

مطالعه بیشتر:

سخنرانی تد، چگونه اجزای خوک دنیا را می‌چرخاند، کریستین مایندرتسما | جولای ۲۰۱۰

How pig parts make the world turn / Christien Meindertsma, July ۲۰۱۰

ted.com/talks/christien_meindertsma_how_pig_parts_make_the_world_turn?subtitle=en

In Processed Food

Enzymes: Found in cheese and other dairy products, these can be derived from pork.

Example: Some cheeses use enzymes from pork in the cheese-making process.

Glycerin and Animal Glyceride: Used as sweeteners or to maintain moisture in baked goods.

Example: Glycerin might be listed in snack and protein bars' ingredients.

Emulsifiers and Additives: These include stearates and others that can be pork-based.

Example: Check the labels on sauces and dressings, as they might contain emulsifiers from pork.

در غذاهای فرآوری شده

آنزیم‌ها: در پنیر و سایر محصولات لبنی یافت می‌شوند و می‌توانند از گوشت خوک گرفته شوند.

مثال: برخی از پنیرها از آنزیم‌های گوشت خوک در فرآیند پنیر سازی استفاده می‌کنند.

گلیسرین و گلیسیرید حیوانی: به عنوان شیرین کننده یا برای حفظ رطوبت در محصولات پخته شده استفاده می‌شود.

مثال: گلیسرین ممکن است در میان وعده‌ها و مواد پروتئینی موجود باشد.

امولسیفایرها و افزودنی‌ها: اینها شامل استئارات و سایر موادی هستند که می‌توانند بر پایه گوشت خوک باشند.

مثال: برچسب روی سس‌ها و سس‌ها را بررسی کنید، زیرا ممکن است حاوی امولسیفایرهای گوشت خوک باشند.

In Non-Food Products

Pork derivatives can be found in items that aren't even edible, making them hidden culprits in everyday items.



Glycerin: Used in creams and lotions for its moisturizing properties .

Example: Glycerin is a common component in skincare products.

Fatty Acids and Stearic Acid: Found in soaps, candles, and cosmetics .

Example: Fatty acids can lurk in your favorite lipstick or soap bar .

Gelatin: Utilized in the pharmaceutical industry, particularly in the production of capsules and some tablets.

Example: Some of your vitamins or supplements might be encapsulated in gelatin.

Animal Fats: Used in producing plastic bags and to help print ink on newspapers .

Example: The plastic bags from your grocery store may contain animal fats.

در محصولات غیر غذایی

مشتقات گوشت خوک را می توان در اقلامی یافت که حتی خوراکی نیستند، و آنها را مقصر پنهان در اقلام روزمره می کند.

گلیسرین : به دلیل خاصیت مرطوب کنندگی در کرم ها و لوسیون ها استفاده می شود.

مثال : گلیسرین یک جزء رایج در محصولات مراقبت از پوست است.

اسیدهای چرب و استئاریک اسید : در صابون ها، شمع ها و لوازم آرایشی یافت می شود.

مثال : اسیدهای چرب می توانند در کمین رژ لب یا نوار صابون مورد علاقه شما باشند.

ژلاتین : در صنعت داروسازی به ویژه در تولید کپسول ها و برخی از قرص ها استفاده می شود.

مثال : برخی از ویتامین ها یا مکمل های شما ممکن است در ژلاتین کپسوله شده باشند.

چربی های حیوانی : در تولید کیسه های پلاستیکی و کمک به چاپ جوهر روی روزنامه ها استفاده می شود.

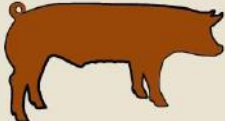
مثال : کیسه های پلاستیکی فروشگاه مواد غذایی شما ممکن است حاوی چربی حیوانی باشد.

Key takeaway: Awareness extends beyond food; personal care items, medications, and even some household products can contain hidden pork derivatives .

نکته کلیدی: آگاهی فراتر از غذا است. اقلام مراقبت شخصی، داروها، و حتی برخی از محصولات خانگی می توانند حاوی مشتقات مخفی گوشت خوک باشند.

منبع: دانشنامه غذایی Food Sense


foodsense.is/blog/list-of-food-that-contain-pork/



No other animal provides us with a wider range of products than the hog. Of course, hogs provide us with meat called "PORK" which we find in the grocery store as pork chops, ham roast and etc.

Did you know that hogs also provide many non-food items called "by-products"? You may be surprised to find that hog by-products are used to develop each of the items listed here.

South Dakota
Pork Producers
Council



School

Look through your school classroom. How many of the following items can you find?

- Crayons
- Chalk
- Art Brushes
- Glue
- Glass
- Plastic
- Floor Wax
- Cement



Food

Look through your school classroom. How many of the following items can you find?

- Ice Cream
- Low Fat Butter
- Fruit Juice
- Bread
- Yogurt
- Sweets - Gummy Bears
- Energy Bars
- Cream Cheese
- Whipped Cream

Medical

Hogs are a source for nearly 40 different drugs and medical products. Some examples are:

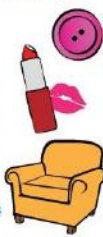
- Heart Valves for human transplants
- Insulin hormone to treat diabetics
- Specially selected skin to treat burn victims



Home

How many of the following by-products do you have at your house?

- Buttons
- Pet Food
- Upholstery
- Cosmetics
- Antifreeze
- Insulation
- Matches
- Ornaments
- Putty
- Weed Killers




هیچ حیوان دیگری به اندازه خوک طیف وسیعی از محصولات را در اختیار ما قرار نمی‌دهد. البته گرازها گوشتی به نام خوک را در اختیار ما قرار می‌دهند که در خواربارفروشی به عنوان گوشت خوک، کباب زامبون و غیره پیدا می‌کنیم.

آیا می‌دانستید که خوک همچنین بسیاری از اقسام غیرغذایی به نام "محصولات جانبی" را ارائه می‌دهند؟ ممکن است تعجب کنید اگر متوجه شوید که محصولات جانبی خوک برای توسعه هر یک از موارد ذکر شده در اینجا استفاده می‌شود.

داکوتای جنوبی
شورای تولیدکنندگان
گوشت خوک

مدرسه

به کلاس مدرسه خود نگاه کنید. چند مورد از موارد زیر را می‌توانید پیدا کنید؟

- مداد شمعی
- کج
- براش های هنری
- چسب
- شیشه
- پلاستیک
- واکس کف
- سیمان



غذا

به کلاس مدرسه خود نگاه کنید. چند مورد از موارد زیر را می‌توانید پیدا کنید؟

- بستنی
- کره کم چرب
- آب میوه
- نان
- ماست
- شیرینی - خرس صمغی
- شکلات انرژی زا
- پیر خامه ای
- خامه زده شده

پزشکی

گراز شمعی برای نزدیک به 40 دارو و محصول پزشکی مختلف است. چند نمونه عبارتند از:

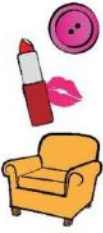
- دریچه های قلب برای انسان
- هورمون انسولین برای درمان دیابت ها
- پوست برای درمان سوختگی قربانیان



خانه

چه تعداد از محصولات جانبی زیر را در خانه خود دارید؟

- دکمه ها
- غذای دام
- کتان یا لوازم داخلی
- لوازم آرایشی
- ضد یخ
- عایق
- مسامبهات
- زیور آلات
- بنزونه
- علف کش ها



منبع تصویر:

amorimcoutho.com.br/?u=do-you-know-what-foods-pork-is-found-in-ww-M.nXvgHE



پیوست ۸: برخی روایات در باب غذا به عنوان یکی از زیرساخت‌های رذائل و فضائل

۸/۱. آنچه انسان را خوش اخلاق می‌کند:

کدو:

عنه صلى الله عليه و آله لِعَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كُلِّ الْيَقُطِينِ؛ فَإِنَّهُ مِنْ أَكْلِهَا حَسَنٌ خُلُقُهُ، وَ نَضَرَ وَجْهَهُ، وَ هِيَ طَعَامِي وَ طَعَامُ الْأَنْبِيَاءِ قَبْلِي.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله خطاب به امام علی علیه السلام: کدو بخور؛ زیرا هر کس آن را بخورد، اخلاقش نیکو و رویش شاداب می‌شود. آن، خوراک من و پیامبران پیش از من است.

الدعوات (للراوندي)، ص ۱۵۴

روغن زیتون:

و بالاسناد عَنِ الرَّضَا عَنْ أَبِيهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: عَلَيْكُمْ بِالزَّيْتِ فَإِنَّهُ يَكْشِفُ الْمِرَّةَ وَ يَذْهَبُ الْبَلْغَمَ وَ يَشُدُّ الْعَصَبَ وَ يُحَسِّنُ الْخُلُقَ وَ يُطَيِّبُ النَّفْسَ وَ يَذْهَبُ بِالْغَمِّ.

امام رضا (علیه السلام) از پدرانش از رسول خدا (صلی الله علیه و آله): بر شما باد به روغن زیتون! چرا که تلخه (صفرا و سودا) را می‌شکند و بلغم را می‌برد و عصب را محکم می‌کند و اخلاق را نیکو می‌گرداند و نفس انسان را پاک می‌کند و غم را از بین می‌برد.

عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۳۵ / الدعوات (للراوندي)، ص ۱۴۷ / صحيفة الإمام الرضا علیه السلام، ص ۵۳ / وسائل الشيعة، ج ۲۵، ص ۲۳

مویز - کشمش:

حَدَّثَنَا أَبُو مَنْصُورٍ أَحْمَدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ بَكْرِ الْخُوزِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا زَيْدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْبَغْدَادِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْقَاسِمِ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَحْمَدَ الطَّائِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي قَالَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرَّضَا عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِيهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله: عَلَيْكُمْ بِالزَّبِيبِ؛ فَإِنَّهُ يَكْشِفُ الْمِرَّةَ، وَ يَذْهَبُ بِالْبَلْغَمِ، وَ يَشُدُّ الْعَصَبَ، وَ يَذْهَبُ بِالْإِعْيَاءِ، وَ يُحَسِّنُ الْخُلُقَ، وَ يُطَيِّبُ النَّفْسَ، وَ يَذْهَبُ بِالْغَمِّ.



پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بر شما باد مویز؛^{۷۵} چرا که تلخه را می‌زداید، بلغم را می‌برد، پی را استحکام می‌بخشد، رنجیدگی و خستگی را از میان برمی‌دارد، خوی را خوش می‌سازد، دل را پاک (پیراسته) می‌دارد و اندوه (پریشانی) را می‌برد.

الخصال، ج ۲، ص ۳۴۴ / روضة الواعظین، ج ۲، ص ۳۱۰

۸/۲. آنچه انسان را بد اخلاق می‌کند:

۴۰ روز گوشت نخوردن:

عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ الْمُغْبِرَةِ عَنْ غِيَاثِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: اللَّحْمُ مِنَ اللَّحْمِ، مَنْ تَرَكَهُ أَرْبَعِينَ يَوْمًا سَاءَ خُلُقُهُ، كُلُّهُ فَإِنَّهُ يَزِيدُ فِي السَّمْعِ وَالْبَصَرِ.

امام صادق علیه السلام: گوشت، از گوشت است. هر کس چهل روز آن را وا گذارد، بدخوی می‌شود. آن را بنخورید؛ چرا که بر شنوایی و بینایی می‌افزاید.

المحاسن، ج ۲، ص ۴۶۴

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: اللَّحْمُ يُنْبِتُ اللَّحْمَ وَ مَنْ تَرَكَ اللَّحْمَ أَرْبَعِينَ يَوْمًا سَاءَ خُلُقُهُ وَ مَنْ سَاءَ خُلُقُهُ فَادْنُوا فِي أُذُنِهِ.

امام صادق علیه السلام: گوشت، گوشت می‌رویاند. هر کس گوشت را چهل روز وا گذارد، بدخوی می‌شود. و هر کس بدخوی شد، در گوشش اذان بگویند.

الكافي، ج ۶، ص ۳۰۹

۸/۳. آنچه خشم را فرو می‌نشانند:

کشمش - مویز:

۷۵. این حدیث، در: عیون أخبار الرضا علیه السلام، صحیفة الإمام الرضا علیه السلام، مکارم الأخلاق، و الدعوات هم وجود دارد؛ لیکن در آنها به جای «زیب (مویز)»، واژه «زیت (روغن زیتون)» آمده که با توجه به نزدیک بودن نگارش این دو کلمه به همدیگر در زبان عربی، احتمال تصحیف در یکی از آن دو، وجود دارد و چون خواص و آثار ذکر شده در این حدیث، کم و بیش در احادیث دیگر درباره مویز هم وارد شده، احتمال ترجیح نسخه زیب بیشتر داده می‌شود.



حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ زَنْجَوَيْهِ الدِّيَنْوَرِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو عُثْمَانَ سَعِيدُ بْنُ زِيَادٍ فِي قَرْيَةِ رَامَ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي زِيَادُ بْنُ قَيْدٍ عَنْ أَبِيهِ قَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنْ جَدِّهِ زِيَادِ بْنِ أَبِي هِنْدٍ عَنْ أَبِي هِنْدٍ الدَّارِيِّ قَالَ: أَهْدَيْتَنِي إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ طَبَقٌ مُعَطَّى، فَكَشَفَ الْغِطَاءَ عَنْهُ، ثُمَّ قَالَ: كُلُوا بِاسْمِ اللَّهِ، نِعَمَ الطَّعَامِ الرَّيِّبُ؛ يَشُدُّ الْعَصَبَ، وَيَذْهَبُ بِالْوَصْبِ، وَيُطْفِئُ الْغَضَبَ، وَيُرِضِي الرَّبَّ، وَيَذْهَبُ بِالْبَلْغَمِ، وَيُطَيِّبُ النَّكْهَةَ، وَيُصَفِّي اللَّوْنَ.

الاختصاص به نقل از ابو هند داری: طَبَقِي رُوی پوشیده به پیامبر خدا اهدا کردند. ایشان، پوشش را از آن برداشت و سپس فرمود: «به نام خدا بخورید. مویز، چه نیکو خوراکی است! پی را استحکام می‌بخشد، بیماری را از میان می‌برد، خشم را فرو می‌نشانند، پروردگار را خشنود می‌سازد، بلغم را می‌برد، بوی دهان را خوش می‌سازد و رنگ را صفا می‌دهد.

الإختصاص، ص ۱۲۴

روغن زیتون:

مِنْ صَحِيفَةِ الرَّضَاعِ... الرَّضَاعُ قَالَ: نِعَمَ الطَّعَامِ الزَّيْتُ يُطَيِّبُ النَّكْهَةَ وَيَذْهَبُ بِالْبَلْغَمِ وَيُصَفِّي اللَّوْنَ وَيَشُدُّ الْعَصَبَ وَيَذْهَبُ بِالْوَصْبِ وَيُطْفِئُ الْغَضَبَ.

امام رضا (علیه السلام): روغن زیتون چه خوب طعمی است! بوی دهان را خوش می‌کند و بلغم را از بین می‌برد و رنگ چهره را صفا و روشنی می‌بخشد و عصب را محکم می‌کند و غضب را فرو می‌نشانند.

مکارم الأخلاق، ص ۱۹۰ / مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۳۶۵

نوشیدن آب:

سَهْلُ بْنُ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ شَمُونِ الْبَصْرِيِّ عَنْ أَبِي طَيْفُورِ الْمُتَطَبِّبِ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ الْمَاضِي عَلَيْهِ السَّلَامُ فَتَهَيَّئْتُ عَنْ شُرْبِ الْمَاءِ، فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَمَا بَأْسُ بِالْمَاءِ؛ وَهُوَ يُدِيرُ الطَّعَامَ فِي الْمَعِدَةِ، وَيُسَكِّنُ الْغَضَبَ، وَيَزِيدُ فِي اللَّبِّ، وَيُطْفِئُ الْمِرَارَ.

الكافي به نقل از ابوطیفور طبیب: بر امام کاظم علیه السلام وارد شدم و او را از نوشیدن آب، باز داشتم. فرمود: «نوشیدن آب، اشکالی ندارد. آب، غذا را در معده می‌چرخاند، خشم را فرو می‌نشانند، بر هوش می‌افزاید و تلخه را خاموش می‌کند».

الكافي، ج ۶، ص ۳۸۱

خوردن گوشت کبک:



السَّيَّارِيُّ عَمَّنْ رَوَاهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَقِلَّ غَيْظُهُ، فَلْيَأْكُلْ لَحْمَ الدَّرَاجِ.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس دوست دارد خشمش کاستی بگیرد، گوشت درّاج (کبکنجیر) بخورد.

الکافی، ج ۶، ص ۳۱۲

۸/۴. آنچه به انسان حلم (بردباری) می‌بخشد:

خوردن به ناشتا:

حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرَّضَاعِ عَنْ أَبِيهِ مُوسَى عَنْ أَبِيهِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ [مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ] عَلِيِّ بْنِ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ ع قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَوْمًا وَفِي يَدِهِ سَفْرَجَلَةٌ، فَجَعَلَ يَأْكُلُ وَيُطْعِمُنِي وَيَقُولُ: كُلْ يَا عَلِيُّ؛ فَإِنَّهَا هَدِيَّةُ الْجَبَّارِ إِلَيَّ وَإِلَيْكَ. قَالَ: فَوَجَدْتُ فِيهَا كُلَّ لَذَّةٍ. فَقَالَ: يَا عَلِيُّ، مَنْ أَكَلَ السَّفْرَجَلَةَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ عَلَى الرَّيِّقِ صَفَا ذَهْنُهُ، وَامْتَلَأَ جَوْفُهُ حِلْمًا وَعِلْمًا، وَوُقِيَ مِنْ كَيْدِ إِبْلِيسَ وَجُنُودِهِ.

امام علی علیه السلام: روزی، در حالی که پیامبر خدا یک به در دست داشت، بر ایشان وارد شدم. ایشان به خوردن به و دادن پاره‌هایی از آن به من پرداخت و می‌فرمود: «ای علی! بخور، که این، هدیه خداوند به من و توست». من در آن، همه لذت‌ها را دیدم. پیامبر صلی الله علیه و آله همچنین فرمود: «ای علی! هر کس سه روز ناشتا به بخورد، ذهنش صفا می‌یابد، درونش از دانش و بردباری می‌آگند و از نیرنگ ابلیس و سپاهیان‌ش ننگه داشته می‌شود».

عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۷۳

خوردن باقیمانده سفره:

قَالَ النَّبِيُّ ص لِعَلِيِّ ع كُلُّ مَا وَقَعَ تَحْتَ مَائِدَتِكَ فَإِنَّهُ يُنْفِي عَنْكَ الْفَقْرَ وَهُوَ مُهُورُ الْحُورِ الْعَيْنِ وَ مَنْ أَكَلَهُ حَشِي قَلْبُهُ عِلْمًا وَ حِلْمًا وَ إِيمَانًا وَ نُورًا.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به امیرالمومنین (علیه السلام) فرمود: آنچه از سفره‌ات باقی بماند بخور؛ چرا که فقر را از تو ببرد و مهریه حورالعین باشد. و هر که از آن بخورد دلش از دانش و بردباری و ایمان آکنده شود.

الدعوات (للراوندي)، ص ۱۵۴ / بحار الانوار، ج ۶۳، ص ۴۳۱



۸/۵. آنچه تکبر را از بین می‌برد:

عدس:

عنه صلى الله عليه و آله: شكا نبي من الأنبياء إلى الله عز و جل فسوة قلوب قوميه، فأوحى الله عز و جل إليه و هو في مصلاة أن مر قومك أن يأكلوا العدس؛ فإنه يرق القلب، و يدمع العين، و يذهب بالكبرياء، و هو طعام الأبرار. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: یکی از پیامبران، از سنگ‌دلی قوم خویش، به درگاه خداوند عز و جل شکایت برد. خداوند عز و جل، در حالی که او در نمازگه خویش بود، به او وحی فرستاد که: «به قوم خویش بفرما تا عدس بخورند؛ چرا که دل را نازک می‌کند، چشم را به اشک می‌آورد، خودبرتربینی (تکبر) را از میان می‌برد و خوراک نیکان است».

مکارم الأخلاق، ص ۱۸۸

۸/۶. آنچه شهوت حرام را از بین می‌برد:

خوردن سرکه:

محمَّد بن يحيى عن علي بن إبراهيم الجعفري عن محمد و أحمد ابني عمر بن موسى عن أبيهما رفعه إلى أبي عبد الله ع قال: الاضطباع بالخل يقطع شهوة الزنا.

امام صادق علیه السلام: خورش ساختن سرکه (استفاده مقداری از سرکه با غذا)، شهوت زنا را ریشه کن می‌کند.

الكافي، ج ۶، ص ۳۳۰

۸/۷. آنچه بخیل را سخاوتمند می‌کند:

حدَّثنا محمد بن الحسن رضي الله عنه قال حدثنا محمد بن يحيى العطار عن محمد بن أحمد عن محمد بن علي البصري عن فضالة بن أيوب و وهب بن حفص عن شهاب بن عبد ربه قال سمعت أبا عبد الله ع يقول إن الزبير دخل على رسول الله ص و بيده سفرجله فقال له رسول الله ص يا زبير ما هذه بيدك فقال له يا رسول الله هذه سفرجله فقال يا زبير كل السفرجل فإن فيه ثلاث خصال قال و ما هي يا رسول الله قال يجم الفؤاد و يسخي البخيل و يسجع الجبان.

شهاب بن عبد ربه گوید شنیدم امام ششم میفرمود زبیر حضور رسول خدا (ص) آمد و یک دانه به در دست داشت رسول خدا باو گفت ای زبیر این چیست در دستت؟ عرض کرد یا رسول الله این یک دانه به است، فرمود ای زبیر به بخور زیرا در آن سه خصلت است، عرض کرد یا رسول الله آن خصلتها چیست؟ فرمود دل را گرم میکند بخیل را سخاوت می‌بخشد، ترسو را پردل میکند.



النخال، ج ۱، ص ۱۵۷ / المحاسن، ج ۲، ص ۵۵۰ / مکارم الأخلاق، ص ۱۷۱

۸/۸. آنچه ترسو را شجاع می‌کند:

به:

طَبُّ الْأَثَمَةِ عَنْ طَلْحَةَ بْنِ زَيْدٍ عَنِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ فِي السَّفَرِ جَلَّ خَصَلَةً لَيْسَتْ فِي سَائِرِ الْفَوَاكِهِ. قُلْتُ: وَ مَا ذَاكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ؟ قَالَ: يُشَجِّعُ الْجَبَانَ، هَذَا وَاللَّهِ مِنْ عِلْمِ الْأَنْبِيَاءِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ.

طَبُّ الْأَثَمَةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ بِهِ نَقَلَ مِنْ طَلْحَةَ بْنِ زَيْدٍ: إِمَامِ صَادِقٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَرَمُود: «دَرْبِهِ، وَبِزْغِي أَيِ اسْتِ كَهْ دَرِ دِیْگَرِ مِیَوَهَا نِیْسَتْ». پَرَسِیدَم: ای پسر پیامبر خدا! آن چیست؟ فرمود: «ترسو را دلیر می‌کند. به خداوند سوگند، این، از دانش پیامبران که دروهای خداوند بر تمامی آنان باد است».

طَبُّ الْأَثَمَةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، ص ۱۳۶

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنِ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع أَكُلُ السَّفَرِ جَلَّ قُوَّةٌ لِلْقَلْبِ الضَّعِيفِ وَ يُطَيِّبُ الْمَعِدَةَ وَ يُدَكِّي الْفُؤَادَ وَ يُشَجِّعُ الْجَبَانَ.

إِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: خُورْدَنِ بَهْ، نِیْرُوبِیِ بَرایِ قَلْبِیِ اسْتِ كَهْ ضَعِیْفِ شَدَهْ بَاشَد، مَعْدَهْ رَا پَاكْ مِی‌كَنْد، دَلْ رَا ذِكَاوَتْ مِی‌بَخْشَد، تَرْسُو رَا دَلِیْر مِی‌كَنْد.

الكافي، ج ۶، ص ۳۵۷

۸/۹. آنچه باعث قساوت قلب می‌شود:

ترک گوشت ۴۰ روز:

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: مَنْ أَكَلَ اللَّحْمَ أَرْبَعِينَ يَوْمًا صَبَاحًا قَسَا قَلْبُهُ.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس چهل روز گوشت بخورد، سنگ دل می‌شود.

طَبُّ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَمُ، ص ۲۴

پرخوری:

عَنْهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: إِيَّاكُمْ وَ فُضُولَ الطَّعَامِ؛ فَإِنَّهُ يَسِئُ الْقَلْبَ بِالْقَسْوَةِ، وَ يُبْطِئُ بِالْجَوَارِحِ عَنِ الطَّاعَةِ، وَ يُصِمُّ الْهِمَمَ عَنِ سَمَاعِ الْمَوْعِظَةِ.



پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از زیادی غذا پرهیزید؛ چرا که نشان قساوت بر دل می‌نهد، بدن را در فرمانبری از خدا کند می‌کند و اراده‌ها را از شنیدن اندرز ناشنوا می‌سازد.

عدة الداعي، ص ۳۱۳

الإمام علي عليه السلام: إِيَّاكُمْ وَ الْبِطْنَةَ؛ فَإِنَّهَا مَقْسَاةٌ لِلْقَلْبِ، مَكْسَلَةٌ عَنِ الصَّلَاةِ، مَفْسَدَةٌ لِلْجَسَدِ.

امام علی علیه السلام: از شکم‌سیری حذر کنید؛ چرا که مایه: قساوت دل، سستی در نماز و تباهی تن است.

غرر الحکم و درر الکلم، ص ۱۷۵

و رُوِيَ مَنْ قَلَّ طَعَامُهُ صَحَّ بَدَنُهُ وَ صَفَا قَلْبُهُ وَ مَنْ كَثُرَ طَعَامُهُ سَقَمَ بَدَنُهُ وَ قَسَا قَلْبُهُ.

روایت شده که هر کس غذایش کم شد بدنش سالم و قلبش باصفا می‌گردد، و هر کس غذایش زیاد گردید بدنش بیمار و قلبش سخت می‌گردد.

الدعوات (للراوندي)، ص ۷۸

۸/۱۰. آنچه قساوت قلب را از بین می‌برد:

عدس:

عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ فُرَاتِ بْنِ أَحْنَفٍ أَنَّ بَعْضَ بَنِي إِسْرَائِيلَ شَكَا إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ قَسْوَةَ الْقَلْبِ وَ قِلَّةَ الدَّمْعَةِ فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيْهِ أَنْ كُلِّ الْعَدَسِ فَأَكَلَ الْعَدَسَ فَزَقَّ قَلْبُهُ وَ جَزَتْ دَمْعَتُهُ.

یکی از [پیامبران] بنی اسرائیل، از سنگ‌دلی و کمی اشک به درگاه خداوند عز و جل نالید. خداوند عز و جل به او وحی فرستاد که: «عدس بخور». او نیز عدس خورد و از آن پس، دلش نازک شد و اشکش جاری گشت.

الکافی، ج ۶، ص ۳۴۳

عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ التَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع أَكَلُ الْعَدَسِ يُرِقُّ الْقَلْبَ وَ يُكْثِرُ الدَّمْعَةَ.

امام علی علیه السلام: عدس، دل را نازک می‌کند و اشک را می‌افزاید.

الکافی، ج ۶، ص ۳۴۳

۸/۱۱. آنچه باعث نورانیت قلب می‌شود:

انار:



عَلِيٍّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ: مَنْ أَكَلَ زُمَانَةً عَلَى الرَّيِّقِ، أَنْارَتْ قَلْبَهُ أَرْبَعِينَ يَوْمًا.

امام صادق علیه السلام: هر کس ناشتا انار بخورد، [آن انار]، قلبش را چهل روز نورانی می‌کند.

الكافي، ج ۶، ص ۳۵۴

وَ بِالْإِسْنَادِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: كُلُّوا الزُّمَانَ؛ فَلَيْسَتْ مِنْهُ حَبَّةٌ تَقَعُ فِي الْمَعِدَةِ إِلَّا أَنْارَتْ الْقَلْبَ، وَ أَخْرَجَتِ الشَّيْطَانَ أَرْبَعِينَ يَوْمًا.

امام رضا (علیه السلام) از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: انار بخورید؛ زیرا هیچ دانه‌ای از آن در معده جای نمی‌گیرد، مگر این که چهل روز، قلب را نورانی می‌سازد و شیطان را برون می‌راند.

عيون أخبار الرضا عليه السلام، ج ۲، ص ۳۵

عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ يَقُولُ: مَنْ أَكَلَ زُمَانَةً حَتَّى يَسْتَتِمَّهَا، نَوَّرَ اللَّهُ قَلْبَهُ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس اناری را کامل بخورد، خداوند قلب او را چهل شب، نورانی می‌دارد.

مكارم الأخلاق، ص ۱۷۱

سرکه:

مِنْهُ (احمد بن محمد بن خالد) عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ رِفَاعَةَ وَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ فَضَالَةَ عَنْ رِفَاعَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: الْخَلُّ يُنِيرُ الْقَلْبَ.

امام صادق علیه السلام: سرکه، قلب را نورانی می‌کند.

بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۳۰۲ / طب الأئمة عليهم السلام (للشبر)، ص ۱۴۰

۸/۱۲. آنچه باعث دوری شیطان می‌شود:

انار:

رَوَى التَّوْفَلِيُّ بِإِسْنَادِهِ قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كُلُّوا الزُّمَانَ بِشَحْمِهِ؛ فَإِنَّهُ دِبَاغُ الْمَعِدَةِ، وَ مَا مِنْ حَبَّةٍ اسْتَقَرَّتْ فِي مَعِدَةِ امْرِئٍ مُسْلِمٍ إِلَّا أَنْارَتْهَا وَ نَفَتِ الشَّيْطَانَ وَ الْوَسْوَسةَ عَنْهَا أَرْبَعِينَ صَبَاحًا.



امام علی علیه السلام: انار را با پیه آن بخورید؛ چرا که معده را پاک می‌کند. و هیچ دانه‌ای [از انار] در معده انسانی مسلمان، جای نمی‌گیرد، مگر این که آن را روشن می‌سازد و تا چهل صبح، شیطان و وسوسه را از آن دور می‌کند.

المحاسن، ج ۲، ص ۵۴۲

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: عَلَيْكُمْ بِالزَّمَانِ الْحُلُوِّ فَكُلُوهُ؛ فَإِنَّهُ لَيْسَتْ مِنْ حَبَّةٍ تَقَعُ فِي مَعِدَةِ مُؤْمِنٍ إِلَّا أَبَادَتْ دَاءً، وَأَطْفَأَتْ شَيْطَانَ الْوَسْوَسَةِ عَنْهُ. امام صادق علیه السلام: بر شما باد انار شیرین. آن را بخورید؛ چرا که هیچ دانه‌ای از آن به معده مؤمنی در نمی‌آید، مگر این که بیماری‌ای از آن ریشه‌کن می‌کند و شیطان و وسوسه را از او دور می‌سازد.

الكافي، ج ۶، ص ۳۵۴

عَنْهُ (احمد بن محمد بن خالد) عَنِ النَّهْبِيِّ عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ زِيَادِ بْنِ مَرْوَانَ الْقُنْدِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ يُعْنِي الْأَوَّلَ يَقُولُ: مَنْ أَكَلَ زُمَانَةً يَوْمَ الْجُمُعَةِ عَلَى الرَّيْقِ نَوَّرَتْ قَلْبَهُ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا، فَإِنْ أَكَلَ زُمَانَتَيْنِ فَثَمَانِينَ يَوْمًا، فَإِنْ أَكَلَ ثَلَاثًا فَمِئَةً وَعِشْرِينَ يَوْمًا وَطُرِدَتْ عَنْهُ وَسْوَسَةُ الشَّيْطَانِ، وَمَنْ طُرِدَتْ عَنْهُ وَسْوَسَةُ الشَّيْطَانِ لَمْ يَعِصِ اللَّهَ عِزَّ وَجَلَّ، وَمَنْ لَمْ يَعِصِ اللَّهَ أَدْخَلَهُ اللَّهُ الْجَنَّةَ.

امام کاظم علیه السلام: هر کس روز جمعه يك انار بخورد، آن انار، دل او را تا چهل پگاه، نورانی می‌دارد؛ اگر دو انار بخورد، تا هشتاد روز؛ و اگر سه انار بخورد، تا صد و بیست روز؛ و نیز وسوسه شیطان از او دور می‌شود و هر کس وسوسه شیطان از او دور شود، خداوند عز و جل را نافرمانی نمی‌کند و هر کس خداوند را نافرمانی نکند، خدای او را به بهشت درمی‌آورد.

الكافي، ج ۶، ص ۳۵۵

روغن زیتون:

عَنْهُ (احمد بن محمد بن خالد) عَنْ أَبِيهِ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ ع قَالَ: كَانَ فِيمَا أُوصِيَ بِهِ رَسُولُ اللَّهِ ص عَلِيًّا ع أَنْ قَالَ لَهُ يَا عَلِيُّ كُلِّ الزَّيْتِ وَادَّهِنْ بِهِ فَإِنَّهُ مَنْ أَكَلَ الزَّيْتِ وَادَّهِنْ بِهِ لَمْ يَقْرَبْهُ الشَّيْطَانُ أَرْبَعِينَ يَوْمًا.



در وصیت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به امیرالمومنین (علیه السلام): یا علی! روغن زیتون بخور و با آن روغن مالی کن؛ چرا که هر کس این دو کار را انجام دهد، شیطان چهار روز به او نزدیک نمی شود.

المحاسن، ج ۲، ص ۴۸۵

خوردن به ناشتا:

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ يُوسُفَ الْبَغْدَادِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَيْنَةَ قَالَ حَدَّثَنَا دَارِمُ بْنُ قَبِيصَةَ قَالَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرَّضَاعِ عَنْ أَبِيهِ مُوسَى عَنْ أَبِيهِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ [مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ] عَلِيُّ عَنْ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَلِيٍّ ع قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَوْمًا وَفِي يَدِهِ سَفْرَجَلَةٌ، فَجَعَلَ يَأْكُلُ وَيُطْعِمُنِي وَيَقُولُ: كُلْ يَا عَلِيُّ، فَإِنَّهَا هَدِيَّةُ الْجَبَّارِ إِلَيَّ وَإِلَيْكَ. قَالَ: فَوَجَدْتُ فِيهَا كُلَّ لَذَّةٍ. فَقَالَ: يَا عَلِيُّ، مَنْ أَكَلَ السَّفْرَجَلَةَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ عَلَى الرَّيْقِ صَفَا ذَهْنُهُ، وَامْتَلَأَ جَوْفُهُ حِلْمًا وَعِلْمًا، وَوُقِيَ مِنَ كَيْدِ إِبْلِيسَ وَجُنُودِهِ.

امام علی علیه السلام: روزی، در حالی که پیامبر خدا یک به در دست داشت، بر ایشان وارد شدم. ایشان به خوردن به و دادن پاره‌هایی از آن به من پرداخت و می فرمود: «ای علی! بخور، که این، هدیه خداوند به من و توست». من در آن، همه لذت‌ها را دیدم. پیامبر صلی الله علیه و آله همچنین فرمود: «ای علی! هر کس سه روز ناشتا به بخورد، ذهنش صفا می یابد، درونش از دانش و بردباری می آکند و از نیرنگ ابلیس و سپاهیان‌ش ننگه داشته می شود».

عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۷۳

۸/۱۳. آنچه نفس و دل را پاک می کند:

انار:

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدِ الْبَرْقِيِّ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا رَفَعَهُ إِلَى صَعْصَعَةَ بْنِ صَوْحَانَ فِي حَدِيثٍ أَنَّهُ دَخَلَ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَهُوَ عَلَى الْعِشَاءِ فَقَالَ: يَا صَعْصَعَةُ، ادْنُ فَكُلْ. قَالَ: قُلْتُ: قَدْ تَعَشَيْتُ، وَبَيْنَ يَدَيْهِ نِصْفُ رُمَانَةٍ، فَكَسَّرَ لِي وَنَاوَلَنِي بَعْضَهُ، وَقَالَ: كُلْهُ مَعَ قِشْرِهِ يُرِيدُ مَعَ شَحْمِهِ فَإِنَّهُ يَذْهَبُ بِالْحَفْرِ، وَبِالْبَخْرِ، وَيُطَيِّبُ النَّفْسَ.

المحاسن به نقل از محمد بن خالد برقی، از یکی از شیعیان، در حدیثی که سندش را به معصوم رساند: از صعصعة بن صوحان نقل شده است که وی، هنگامی که امیر مؤمنان در حال شام خوردن بود، بر ایشان وارد شد. امام علیه السلام فرمود: «ای صعصعه! پیش آی و بخور». [صعصعه می گوید: گفتم: شام خورده‌ام. در این هنگام، نیمه‌ای از یک انار، نزد



امام علیه السلام بود. تگه‌ای از آن را شکست و به دستم داد و فرمود: «آن را با پیهش بخور؛ چرا که زردشدگی دندان‌ها و بدبویی دهان را می‌برد و انسان را پاک می‌سازد».

المحاسن، ج ۲، ص ۵۴۳

طَبُّ الْأَثَمَةِ عَنِ الْحَارِثِ بْنِ الْمَغِيرَةِ: شَكَوْتُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ثِقَلًا أَجِدُهُ فِي فُؤَادِي، وَكَثْرَةَ التُّخْمَةِ مِنْ طَعَامِي. فَقَالَ: تَتَأَوَّلُ مِنْ هَذَا الرُّمَانِ الْحُلُوِّ، وَكُلُّهُ بِشَحْمِهِ؛ فَإِنَّهُ يَدْبَعُ الْمَعْدَةَ دَبْعًا، وَيَشْفِي التُّخْمَةَ، وَيَهْضِمُ الطَّعَامَ، وَيُسَبِّحُ فِي الْجَوْفِ.

طَبُّ الْأَثَمَةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ بِهِ نَقَلَ مِنَ الْحَارِثِ بْنِ مَغِيرَةَ: أَنَّ سَنَكِينِي أَيْ كَمَا فِي قَلْبِي أَحْسَاسٌ مِمَّا كَرَّمْتُ مِنْ بَدَاغِي وَبَدَاغِي سَوَاءً هَاضِمَةٌ أَيْ كَمَا دَأَبْتُمْ، نَزَدَ أَمَامَ صَادِقٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَظْهَرَ نَارَاحَتِي كَرَّمْتُ. فَرَمَدَ: «أَزْ أَيْنَ أَنْارِ شِيرِينَ، مِيلَ كُنْ وَأَنْ رَا بَا بِيَهَاشِ بَخُورٍ؛ چَرَا كَمَا مَعْدَةَ رَا كَامَلًا پَاك مِي كَنْد، بَدَاغِي رَا دَرْمَان مِي سَازَد، غَذَا رَا هَضْم مِي كَنْد وَ دَر دَرُون بَدَن، تَسْبِيح مِي كَوِيد»

طب الأئمة عليهم السلام ج ۱ ص ۱۳۴

وسائل الشيعة ج ۲۵ ص ۱۵۸ / الفصول المهمة ج ۳ ص ۱۶۵ / بحار الأنوار ج ۶۳ ص ۱۶۴

مویز - کشمش:

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ أَبِي نَصْرِ قَالَ حَدَّثَنِي رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ مِصْرَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: الزَّيْبُ يَشُدُّ الْعَصَبَ، وَيَذْهَبُ بِالنَّصَبِ، وَيُطَيِّبُ النَّفْسَ.

امام صادق علیه السلام: مویز، پی را استحکام می‌بخشد، خستگی را می‌برد و دل را خوشی و پاکی می‌دهد.

الكافي، ج ۶، ص ۳۵۲

وَ بِالْإِسْنَادِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) أَنَّهُ قَالَ: إِنَّ الزَّيْبَ يَشُدُّ الْقَلْبَ وَيَذْهَبُ بِالْمَرَضِ، وَيُطْفِئُ الْحَرَارَةَ، وَيُطَيِّبُ النَّفْسَ.

امام علی علیه السلام: مویز، قلب را استحکام می‌بخشد، بیماری را می‌برد، حرارت را خاموش می‌سازد و دل را پاک می‌کند.

الأمالی (للطوسی)، ص ۳۶۲ / وسائل الشيعة، ج ۲۵، ص ۳۲



۸/۱۴. آنچه غم و غصه را از بین می‌برد:

کدو:

بالاسناد عن رسول الله صلى الله عليه وآله: إِذَا طَبَخْتُمْ فَأَكْثِرُوا الْقِرْعَ؛ فَإِنَّهُ يَسْرِقَلِبَ الْحَزِينَ.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اگر خواستید چیزی بپزید، از کدو زیاد بهره بجوید؛ چرا که دل اندوهگین را شاد می‌کند.

عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۳۶ / صحیفه الإمام الرضا علیه السلام، ص ۵۴

انگور:

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ بَكْرِ بْنِ صَالِحٍ رَفَعَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّهُ قَالَ: شَكَأ نَبِيٌّ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ الْغَمَّ فَأَمَرَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِأَكْلِ الْعِنَبِ.

امام صادق علیه السلام: پیامبری از پیامبران، به درگاه خداوند عز و جل از اندوه، شکایت برد. خداوند عز و جل او را به خوردن انگور، امر فرمود.

الکافی، ج ۶، ص ۳۵۱

انگور سیاه:

عَنْهُ (احمد بن محمد بن خالد) عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيْسَى عَنْ فُرَاتِ بْنِ أَحْنَفَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ نُوْحًا شَكَأ إِلَى اللَّهِ الْغَمَّ، فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ: كُلِّ الْعِنَبِ الْأَسْوَدَ؛ فَإِنَّهُ يَذْهَبُ بِالْغَمِّ.

امام صادق علیه السلام: نوح، از اندوه، به درگاه خداوند، شکایت برد. خداوند به او چنین وحی فرستاد: «انگور سیاه بخور؛ چرا که اندوه را می‌برد».

المحاسن، ج ۲، ص ۵۴۸

گوشت کبک:

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ اشْتَكَى فُؤَادَهُ وَكَثُرَ غَمُّهُ، فَلْيَأْكُلْ لَحْمَ الدَّرَاجِ.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس از بیماری روحی، رنج می‌برد و اندوهش بسیار است، گوشت دراج (کبکنجیر) بخورد.

مکارم الأخلاق، ص ۱۶۱ / طب الأئمة عليهم السلام (ابن‌اسطام)، ص ۱۰۷



الإمام الصادق عليه السلام: إِذَا وَجَدَ أَحَدُكُمْ غَمًّا أَوْ كَرْبًا لَا يَدْرِي مَا سَبَبُهُ، فَلْيَأْكُلْ لَحْمَ الدَّرَاجِ؛ فَإِنَّهُ يَسْكُنُ عَنْهُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى.

امام صادق علیه السلام: هر گاه کسی از شما، اندوه یا گرفتاری ای دارد و نمی داند علتش چیست، گوشت درّاج (کبکنجیر) بخورد. در این صورت، به خواست خداوند متعال، این اندوه و گرفتاری، فرو خواهد نشست.

مکارم الأخلاق، ص ۱۶۱

به:

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَصْبَاطٍ عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ الْجَوْهَرِيِّ عَنْ سُفْيَانَ بْنِ عُيَيْنَةَ قَالَ سَمِعْتُ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ يَقُولُ: السَّفَرَجَلُ يَذْهَبُ بِهِمُ الْحَزِينِ، كَمَا تَذْهَبُ الْيَدُ بِعَرَقِ الْجَبِينِ.

امام صادق علیه السلام: به، اندوه اندوهگین را از میان می برد، چنان که دست، عرق پیشانی را می برد.

الكافي، ج ۶، ص ۳۵۸

۱۵/۸. تاثیر غذای زن باردار بر اخلاق فرزند:

خوردن خرما بعد از زایمان؛ عاملی برای حلیم (صبور) شدن فرزند

رسول الله صلى الله عليه و آله: أَطْعَمُوا الْمَرْأَةَ فِي شَهْرِهَا الَّذِي تَلِدُ فِيهِ، التَّمْرَ؛ فَإِنَّ وَلَدَهَا يَكُونُ حَلِيمًا نَقِيًّا.

پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: به زن، در ماهی که فرزند به دنیا می آورد، خرماى تازه بدهید؛ چرا که در این صورت، کودک وی بردبار و پاک خواهد بود.

مکارم الأخلاق، ص ۱۶۹

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ عَبْدِ الْعَزِيزِ بْنِ حَسَّانَ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع خَيْرُ ثَمُورِكُمْ الْبُرْنِيُّ فَأَطْعِمُوهُ نِسَاءَكُمْ فِي نَفَاسِهِنَّ تَخْرُجَ أَوْلَادُكُمْ زَكِيًّا حَلِيمًا.

امام علی علیه السلام: برنی، بهترین خرماى شماست. آن را در دوره نزدیک زایمان، به زنان خویش بدهید تا فرزندان پاک و بردبار [به دنیا] آیند.

الكافي، ج ۶، ص ۲۲



عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِي سَعِيدِ الشَّامِيِّ عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ أَطْعَمُوا الْبُرْنَ بِنِسَاءِكُمْ فِي نَفْسِهِنَّ تَحْلُمَ أَوْلَادِكُمْ.

امام صادق علیه السلام: به زنان خود در دوران زایمان، خرما می‌برنی بدهید تا فرزندانمان بردبار شوند.

الکافی، ج ۶، ص ۲۲

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ عَمِّهِ يَعْقُوبَ بْنِ سَالِمٍ رَفَعَهُ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص لِيَكُنْ أَوَّلُ مَا تَأْكُلُ النُّفْسَاءُ الرُّطْبَ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَالَ لِمَرْيَمَ « وَهُزِّي إِلَيْكِ بِجِذْعِ النَّخْلَةِ تُسَاقِطْ عَلَيْكِ زُطْبًا جَنِيًّا » قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ أَوْانُ الرُّطْبِ قَالَ سَبَعَ تَمْرَاتٍ مِنْ تَمْرِ الْمَدِينَةِ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ فَسَبَعَ تَمْرَاتٍ مِنْ تَمْرِ أَمْصَارِكُمْ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ وَ عِزَّتِي وَ جَلَالِي وَ عَظَمَتِي وَ اِرْتِفَاعِ مَكَانِي لَا تَأْكُلْ نَفْسَاءَ يَوْمَ تَلِدُ الرُّطْبَ فَيَكُونُ غُلَامًا إِلَّا كَانَ حَلِيمًا وَ إِنْ كَانَتْ جَارِيَةً كَانَتْ حَلِيمَةً.

امام علی علیه السلام: پیامبر خدا فرموده است: «باید نخستین چیزی که زن تازه‌زای می‌خورد، خرما باشد؛ چرا که خداوند به مریم فرمود: «تته درخت را به سوی خود، تکان ده. خرما می‌تازه‌ای بر تو فرو ریزد»». گفته شد: ای پیامبر خدا! اگر وقت خرما نباشد، چه طور؟ فرمود: «هفت خرما از خرما می‌دینه؛ و اگر این نباشد، هفت خرما از خرما می‌شهر خودتان؛ زیرا خداوند عز و جل می‌گوید: به عزت و جلال و عظمت و جایگاه والایی که دارم، سوگند، جز این نیست که اگر زن تازه‌زای در همان روز که فرزند آورده است، خرما بخورد و آن فرزند، پسر باشد، پسری بردبار می‌شود و اگر نیز دختر باشد، دختری بردبار می‌شود».

الکافی، ج ۶، ص ۲۲

به؛ عاملی برای خوش‌خلقی فرزند

رسول الله صلى الله عليه وآله: أَطْعَمُوا حَبَالَكُمْ السَّفْرَجَلِ؛ فَإِنَّهُ يُحَسِّنُ أَخْلَاقَ أَوْلَادِكُمْ.

پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: به زنان باردار خود، به بدهید؛ چرا که اخلاق فرزندانتان را نکو می‌سازد.

الدعوات (للراوندي)، ص ۱۵۱

عن رسول الله صلى الله عليه وآله: كُتِلُوا السَّفْرَجَلِ وَ تَهَادَوْهُ بَيْنَكُمْ؛ فَإِنَّهُ يَجْلُو الْبَصَرَ، وَ يُنْبِتُ الْمَوَدَّةَ فِي الْقَلْبِ، وَ أَطْعَمُوهُ حَبَالَكُمْ؛ فَإِنَّهُ يُحَسِّنُ أَوْلَادَكُمْ. وَ فِي رِوَايَةٍ: يُحَسِّنُ أَخْلَاقَ أَوْلَادِكُمْ.



مکارم الأخلاق به نقل از پیامبر خدا: «به بخورید و به همدیگر هدیه دهید؛ چرا که چشم را جلا می‌دهد و دوستی را در دل می‌رویاند. به زنان باردار خود هم از آن بخورانید؛ چرا که فرزندان را نکو می‌سازد». در روایتی دیگر است که: «خوی فرزندان را نکو می‌سازد».

مکارم الأخلاق، ص ۱۷۲

خریزه؛ عاملی برای خوشرویی و خوش‌خویی فرزند

رسول الله صلی الله علیه و آله: ما من امرأة حاملٍ أكلت البَطِيخَ، إلا يكون مولودها حسن الوجه و الخلق. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ زن بارداری نیست که خربزه بخورد، مگر این که نوزادش خوش‌چهره و خوش‌خوی خواهد شد.

طب النبي صلی الله علیه و آله و سلم، ص ۲۹

کندر؛ عاملی برای زیرکی، شجاعت، زیبایی و خوش‌خلقی فرزند

عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ الرَّضَاعِ قَالَ: أَطْعَمُوا حَبَالَاكُمْ ذَكَرَ اللَّبَانِ فَإِنَّ يَكُ فِي بَطْنِهَا غَلَامٌ خَرَجَ ذِكِيءَ الْقَلْبِ عَالِمًا شَجَاعًا وَإِنْ تَكُ جَارِيَةً حَسَنَ خَلْقِهَا وَخُلُقِهَا وَعَظَمَتْ عَجِيزَتُهَا وَحَظِيَّتْ عِنْدَ زَوْجِهَا.

امام رضا علیه السلام: به زنان باردارتان، کندر نر بدهید. در این صورت، اگر آنچه در شکم زن است، پسر باشد، بیداردل، آگاه و دلیر می‌گردد، و اگر دختر باشد، روی و خوی وی نکو می‌شود و سرین او سترگ می‌گردد و نزد همسرش بهره می‌یابد.

الکافی، ج ۶، ص ۲۳

رسول الله صلی الله علیه و آله: أطعموا نساءكم الحوامل اللبن؛ فإنه يزيد في عقل الصبي.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به زنان باردار خود، کندر بدهید؛ چرا که عقل کودک را افزون می‌کند.

مکارم الأخلاق، ص ۱۹۴

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ قَبِيصَةَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ التَّيْسَابُورِيِّ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي مُوسَى عَنْ أَبِي الْعَلَاءِ الشَّامِيِّ عَنْ سُفْيَانَ الثَّوْرِيِّ عَنْ أَبِي زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: أَطْعَمُوا حَبَالَاكُمْ اللَّبَانَ فَإِنَّ الصَّبِيَّ إِذَا عُذِّي فِي بَطْنِ أُمِّهِ بِاللَّبَانِ اشْتَدَّ قَلْبُهُ وَزِيدَ فِي عَقْلِهِ فَإِنَّ يَكُ ذَكَرًا كَانَ شَجَاعًا وَإِنْ وُلِدَتْ أُتَتْ عَظَمَتْ عَجِيزَتُهَا فَتَحْطَى بِذَلِكَ عِنْدَ زَوْجِهَا.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به زنان باردار خود، کُنْدَر بخورانید؛ زیرا اگر کودک در شکم مادر با کُنْدَر تغذیه شود، قلبش استحکام و عقلش فزونی می‌یابد. پس اگر مردینه باشد، دلیر باشد و اگر ماده زاده شود، سِتْرگ سرین گردد و بدین سبب، نزد همسر خویش، برخوردار باشد.

الکافی، ج ۶، ص ۲۳



پیوست ۹: گسترش ساخت آپارتمان و ابتلاء به تفریح‌های معیوب خارج از خانه!

اگر شما مجتمع‌های آپارتمانی و شهرهای فعلی را پذیرفتید، مجبورید "تفریح خارج از خانه" را بپذیرید و تفریح خارج از خانه، سه عیب خیلی مشخص دارد:

[عیب اول این است که: [تفریح خارج از خانه (مثل پارک)، همیشه در دسترس نیست. [مثلاً] شما شب نمی‌توانید از پارک استفاده کنید. [یا اینکه] در اطراف خانه همه، پارک وجود ندارد و [برای رفتن به پارک] باید یک مسافتی را طی کنید. دسترسی به تفریح‌های خارج از خانه محدود است. به لحاظ زمان همیشگی نیست.

الان آقایان در شهرداری و شورای شهر قم، چون این نوع روایات را بلد نیستند، دائماً می‌گویند: ما داریم برای قم "پارک پرندگان" و مثلاً بزرگترین "آکواریوم" خاورمیانه را می‌سازیم. و [یا اینکه] مثلاً در شهر اصفهان [در راستای تامین نیاز تفریحی مردم،] "باغ گلها" وجود دارد. یا اطراف کوه خضر [در شهر قم] را دارند درختکاری می‌کنند، و می‌گویند آنجا [در آینده] یک محوطه تفریحی خواهد شد. یا مثلاً تفریح [اهالی] تهران، [سفر به شهرهای] شمال است. شما دیده‌اید که در آخر هفته‌ها چه ترافیکی [در جاده‌های منتهی به شمال کشور] ایجاد می‌شود و مردم [برای تامین تفریح خود] با چه زحمتی [به آنجا] می‌روند [و مثلاً] یک جوجه کبابی می‌خورند و برمی‌گردند. این قدر ما در مسئله تفریح عقب‌افتاده هستیم!

ما همیشه به آقایان می‌گوییم: -بالاخره آقایان درس غربی خوانده‌اند [و با ادبیات و اشکالات علمی آشنا هستند] - این مدل تفریحی که شما ایجاد می‌کنید، همیشه در دسترس نیست. این اولین اشکال.

دومین [عیب و] اشکال این است که: تفریح [در صورت منتقل شدن به خارج از محیط خانه،] "گران" است. چه برای شهرداری که این تفریح‌گاه‌ها را حفظ کند، چه برای کسانی که [به آنجا] می‌روند. [یعنی:] هم برای خانواده گران‌تر تمام می‌شود هم برای حاکمیت. مثلاً درخت‌هایی که اطراف این محیط‌های طبیعی می‌کارند، شما محاسبه کنید چقدر اینها خرج دارند؟ آبیاری، هرس، آفت‌کشی، زیرساخت‌های اینها و در مجموع رسیدگی به آنها [چقدر هزینه دارد؟] وقتی انسان می‌نشیند و محاسبه می‌کند، می‌بیند یک [برای] پارک رفتن، یک رفتن به باغ پرندگان؛ چند میلیون تومان هزینه شده است! حالا چه خودتان خرج کنید، چه حاکمیت ساخته است و به شما یارانه می‌دهد. یکی از مشکلات این است که بعضی‌ها این کارهای زیرساختی حاکمیت را در محاسبات خودشان نمی‌آورند. اگر همه را باهم محاسبه کنیم می‌بینیم شهر را خیلی گران اداره می‌کنیم.



[عیب و اشکال سوم این است که:] تفریح‌های بیرون از خانه تفریح‌اش "محدود" است. من از شما خواهش می‌کنم، خصوصاً از خواهرانی که در جلسه هستند، هیچ وقت زیر بار تفریح محدود برای خانواده‌تان نروید. در روایت دارد که: «اگر تفریح محدود شد، تقریباً اختلال کلی در زندگی انسان ایجاد می‌شود، حتی در عبادت انسان!»^{۷۶} آقایان فقها می‌فرمایند: اگر دونفر در مظان امام جماعت بودن قرار داشتند، آن که مجرد است، او را امام جماعت قرار ندهید، [و فرد] متاهل را امام جماعت قرار دهید.^{۷۷} دلیلش همین است؛ چون آدم مجرد "لذت حلال" کمتری دارد؛ بنابراین "توجه قلبی" هم کمتر اتفاق می‌افتد.

۷۶. **ارجاع پژوهشی:** عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ فِي حِكْمَةِ آلِ دَاوُدَ يَنْبَغِي لِلْمُسْلِمِ الْعَاقِلِ أَنْ لَا يُرَى ظَاعِنًا إِلَّا فِي ثَلَاثِ مَرَمَّةٍ لِمَعَاشٍ أَوْ تَزْوُودٍ لِمَعَادٍ أَوْ لَذَّةٍ فِي غَيْرِ ذَاتِ مُحَرَّمٍ وَ يَنْبَغِي لِلْمُسْلِمِ الْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ لَهُ سَاعَةٌ يُفْضِي بِهَا إِلَى عَمَلِهِ فِيمَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ سَاعَةٌ بِلَاقِي إِخْوَانِهِ الَّذِينَ يُفَاوِضُهُمْ وَ يُفَاوِضُونَهُ فِي أَمْرِ آخِرَتِهِ وَ سَاعَةٌ يُخَلِّي بَيْنَ نَفْسِهِ وَ لَذَائِهَا فِي غَيْرِ مُحَرَّمٍ فَإِنَّهَا عَوْنٌ عَلَى تِلْكَ السَّاعَتَيْنِ؛

امام صادق Γ به نقل از کتاب پیامبران گذشته می‌فرماید: هر مسلمان دانا، باید فرصت‌های زندگی خود را بر سه بخش تقسیم کند، بدین ترتیب که بخشی از آن را جهت کسب درآمد و گذران زندگی صرف کرده و بخش دیگری را به جمع‌آوری توشه و زاد برای آخرت بپردازد. بخش سوم زندگی او نیز باید به تفریحات سالمی که از رفتار حرام در آن خبری نیست، سپری شود و پرداختن به این بخش سوم (تفریحات)، کمکی برای این فرد مؤمن خواهد بود که آن دو بخش اول را با کیفیت بهتری انجام دهد.

الکافی، ج ۵، ص ۸۷

وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۶۳ / مرآة العقول، ج ۱۹، ص ۳۵

قَالَ الرِّضَا ع: اجْتَهِدُوا فِي أَنْ يَكُونَ زَمَانُكُمْ أَرْبَعَ سَاعَاتٍ سَاعَةٌ لِمُنَاجَاةِ اللَّهِ وَ سَاعَةٌ لِأَمْرِ الْمَعَاشِ وَ سَاعَةٌ لِمُعَاشِرَةِ الْإِخْوَانِ وَ الثَّقَاتِ الَّذِينَ يَعْرِفُونَكُمْ غُيُوبَكُمْ وَ يُخْلِصُونَ لَكُمْ فِي الْبَاطِنِ وَ سَاعَةٌ تَخْلُونَ فِيهَا لِلذَّاتِ فِي غَيْرِ مُحَرَّمٍ وَ بِهَذِهِ السَّاعَةِ تَقْدِرُونَ عَلَى الثَّلَاثَةِ سَاعَاتِ؛

امام رضا Γ فرمودند: تلاش کنید زمان شما چهار قسم باشد: زمانی برای مناجات با خدا؛ زمانی برای تأمین زندگی؛ زمانی برای رابطه با برادران و افراد مطمئن که شما را با عیوب خودتان آشنا می‌کنند و در باطن، ارادتمند شما هستند؛ و زمانی برای خلوت برای لذت‌های غیر حرام خود، و به وسیله این زمان، توان انجام دادن سه کار نخست را می‌یابید.

الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا، ص ۳۳۷

بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۳۲۱ / تحف العقول، ص ۴۰۹ / جامع أحاديث الشیعة، ج ۲۲، ص ۲۴۰

۷۷. **ارجاع پژوهشی:** به دو حدیث در فضیلت عبادت شخص متاهل اشاره می‌کنیم: وَ عَنْهُ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَيْمُونِ الْقَدَّاحِ، عَنْ جَعْفَرٍ، عَنْ أَبِيهِ قَالَ: إِنَّ رُكْعَتَيْنِ يُصَلِّيَهُمَا رَجُلٌ مُتَزَوِّجٌ أَفْضَلُ مِنْ رَجُلٍ يَتُومُ لَيْلَهُ وَ يَصُومُ نَهَارَهُ أَعْرَبُ؛

امام صادق Γ فرمود: دو رکعت نمازی که مرد زن دار بخواند، بهتر است از مرد بی همسری که شب را به عبادت و روز را به روزه داری سپری کند.

قرب الإنسان، ص ۲۰ / مکارم الأخلاق، ص ۱۹۷

بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۲۱۷



من عرض می‌کنم "لذت محدود" و "تفریح محدود" - به شرحی که عرض خواهم کرد- باعث "اختلال در شخصیت انسان" می‌شود. شارع به ما می‌گوید: «لا اقل ده نوع لذت را باید در زندگی خودتان داشته باشید»؛ ولی افراد خودشان پرونده لذت‌های حلال را می‌بوسند و کنار می‌گذارند! اگر لذت را محدود کردید (مضافاً به اینکه لذت محدود، اختلال شخصیتی می‌آورد و چالش درست می‌کند)، پرونده "لذت‌های حرام" هم باز می‌شود!

من امیدوارم بعداً شهردار محترم قم این عرائض ما را از طریق سایر بلندگوها بشنود؛ پس: مدرنیته یک الگویی به ما داده که "تفریح متمرکز و بیرون از خانه" [را اصل قرار داده است. و این مدل از تفریح] این سه تا عیب را دارد: اولاً: همیشه در دسترس نیست. ثانیاً: هزینه‌بر و گران است. ثالثاً: محدود است.

اما اگر ما با "مجتمع‌های آپارتمانی" به عنوان "ام‌الفساد" مبارزه کنیم و کنار بگذاریم، نتیجه کار این می‌شود که "الگوی تفریح خانگی" احیاء می‌شود. و الگوی تفریح خانگی [هم عیوب مجتمع‌های آپارتمانی را ندارد و در عوض سه ویژگی خوب دارد: ۱) همیشه در دسترس است، ۲) ارزان و (بلکه در بخش‌های مهم‌اش) رایگان است. و ۳) محدود نیست.

مکتوب مقررات فقهی ساختمان، حجت الاسلام کشوری، ۱۹ تیر ۱۴۰۲، ص ۱۳ الی ۱۶

آدرس دریافت متن کامل مکتوب مقررات فقهی برگزار شده در شهر مقدس قم:

پایگاه اطلاع‌رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیام‌رسان ایتا

eitaa.com/olgou۱۱۸۳/۴

رَوَى عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مَيْمُونٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: رَكَعَتَانِ يُصَلِّيهِمَا مُتَزَوِّجٌ أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ رَكَعَةً يُصَلِّيهِمَا أَعَزَبَ؛

امام صادق Γ فرمود: دو رکعت نمازی که ازدواج کرده می‌خواند، برتر از هفتاد رکعت نمازی است که فرد عزب (مجرد) بخواند.

من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۳۸۴ / مکارم الأخلاق، ص ۱۹۷

وسائل الشيعة، ج ۲۰، ص ۱۹ / هداية الأمة إلى أحكام الأئمة، ج ۲، ص ۲۶۶



پیوست ۱۰: برخی آیات و روایات در باب عوامل شادی آفرین

۱۰/۱. برخی غذاها (خوراکی‌ها):

کدو:

و بِهَذَا الْإِسْنَادِ [حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الشَّاهِ الْفَقِيهِ الْمَرْزُوقِيُّ بِمَرْزُوقٍ فِي دَارِهِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ التَّيْسَابُورِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْقَاسِمِ عَبْدِ اللَّهِ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَامِرِ بْنِ سُلَيْمَانَ الطَّائِيَّ بِالْبَصْرَةِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي فِي سَنَةِ سِتِّينَ وَمِائَتَيْنِ قَالَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرَّضَاعِ سَنَةَ أَرْبَعٍ وَتِسْعِينَ وَمِائَةً وَحَدَّثَنَا أَبُو مَنْصُورٍ أَحْمَدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ بَكْرِ الْخُورِيِّ بَنِيَسَابُورَ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو إِسْحَاقَ إِبْرَاهِيمُ بْنُ هَارُونَ بْنِ مُحَمَّدِ الْخُورِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادِ الْفَقِيهِ الْخُورِيِّ بَنِيَسَابُورَ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْهَرَوِيُّ الشَّيْبَانِيُّ عَنِ الرَّضَا عَلِيِّ بْنِ مُوسَى ع وَحَدَّثَنِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدِ الْأَشْثَانِيِّ الرَّازِيُّ الْعَدْلُ بِيَلْخِ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ مَهْرَوَيْهِ الْقَرْوِينِيُّ عَنْ دَاوُدَ بْنِ سُلَيْمَانَ الْفَرَّاءِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرَّضَاعِ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ع قَالَ حَدَّثَنِي [حَدَّثَنِي] أَسْمَاءُ بِنْتُ عُمَيْسٍ قَالَتْ حَدَّثَنِي فَاطِمَةُ [قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِذَا طَبَخْتُمْ فَأَكْتَرُوا الْقُرْعَ فَإِنَّهُ يُسِّرُ الْقَلْبَ الْحَزِينَ.

عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۳۶ / صحیفة الإمام الرضا علیه السلام، ص ۵۴ / الدعوات (للراوندي)، ص ۱۴۸ / مکارم الأخلاق، ص ۱۷۷

وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۲۴ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۲۲۵ / مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۴۲۵

انگور (خصوصاً سیاه):

عَنْهُ (عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ) عَنِ الْقَاسِمِ الزَّيَّاتِ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ مُوسَى بْنِ الْعَلَاءِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: لَمَّا حَسَرَ الْمَاءُ عَنْ عِظَامِ الْمَوْتَى فَرَأَى ذَلِكَ نُوحٌ جَزَعَ جَزَعًا شَدِيدًا وَ اغْتَمَّ لِذَلِكَ فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيْهِ هَذَا عَمَلِكَ بِنَفْسِكَ أَنْتَ دَعَوْتَ عَلَيْهِمْ فَقَالَ يَا رَبِّ إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ وَ أَتُوبُ إِلَيْكَ فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيْهِ أَنْ كُلِ الْعِنَبَ الْأَسْوَدَ لِيَذْهَبَ عَمُّكَ؛

امام صادق(علیه السلام): هنگامی که آب از استخوان‌های مردگان کنار رفت، نوح از دیدن آن، بسیار غمناک شد. پس خداوند متعال به او وحی کرد: «این، کاری است که خود با خویش کرده‌ای! تو خود، آنان را نفرین کردی!». گفت: پروردگارا! من از تو آمرزش می‌طلبم و به درگاه تو، توبه می‌کنم. سپس خداوند متعال به او وحی فرستاد: «انگور سیاه بخور تا اندوهت از میان برود.

المحاسن، ج ۲، ص ۵۴۸ / الکافی، ج ۶، ص ۳۵۰ / مکارم الأخلاق، ص ۱۷۴

الوافی، ج ۱۹، ص ۳۸۳ / وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۱۵۰



المحاسن، ج ۲، ص ۴۰۴ / کافی ج ۱۲، ص ۴۵۰
الوافی، ج ۱۹، ص ۳۱۱ . وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۶۹

خوردن گوشت کبک:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: مَنْ اشْتَكَى فُؤَادَهُ وَ كَثُرَ غَمُّهُ فَلْيَأْكُلْ لَحْمَ الدَّرَاجِ؛

پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله): هر کس دلش دردمند و اندوهش بسیار است، گوشت دراج بخورد.

مکارم الأخلاق، ص ۱۶۱ / طب الأئمة عليهم السلام (للشیر)، ص ۱۲۲
بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۷۵

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ إِذَا وَجَدَ أَحَدُكُمْ غَمًّا أَوْ كَرْبًا لَا يَدْرِي مَا سَبَبُهُ فَلْيَأْكُلْ لَحْمَ الدَّرَاجِ فَإِنَّهُ يَسْكُنُ عَنْهُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ؛

امام صادق ع: هر گاه کسی از شما، به اندوه یا گرفتاری ای دچار گردد که سببش را نمی داند، گوشت کبکنجیر بخورد. در این صورت، به خواست خدا، اندوه و گرفتاری اش، تسکین خواهند یافت.

مکارم الأخلاق، ص ۱۶۱
بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۷۵ / طب الأئمة، ص ۱۲۲

عسل:

حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الشَّاهِ الْفَقِيهِ الْمَرْوَزِيُّ بِمَرْوَرٍ فِي دَارِهِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ التَّيْسَابُورِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْقَاسِمِ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَامِرِ بْنِ سُلَيْمَانَ الطَّائِيُّ بِالْبَصْرَةِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي فِي سَنَةِ سِتِّينَ وَ مِائَتَيْنِ قَالَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرَّضَاعِ سَنَةَ أَرْبَعٍ وَ تِسْعِينَ وَ مِائَةٍ وَ حَدَّثَنَا أَبُو مَنْصُورٍ أَحْمَدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ بَكْرِ الْخُورِيِّ بَنِيْسَابُورَ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو إِسْحَاقَ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَارُونَ بْنِ مُحَمَّدِ الْخُورِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادِ الْفَقِيهِ الْخُورِيِّ بَنِيْسَابُورَ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْهَرَوِيُّ الشَّيْبَانِيُّ عَنِ الرَّضَا عَلِيِّ بْنِ مُوسَى ع وَ حَدَّثَنِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدِ الْأَشْثَانِيِّ الرَّازِيِّ الْعَدْلُ بِلَخٍ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ مَهْرَوَيْهِ الْقَرْوِينِيُّ عَنْ دَاوُدَ بْنِ سُلَيْمَانَ الْفَرَّاءِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرَّضَاعِ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي مُوسَى بْنُ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ع: ... وَ الْعَسَلُ نُشْرَةٌ ...
امام علی (علیه السلام): عسل نشاط آفرین است.

عیون أخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۵ / نهج البلاغة (للصبحي صالح) ص ۵۴۶
بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۲۹۱

مویز (کشمش):



حَدَّثَنَا أَبُو مَنْصُورٍ أَحْمَدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ بَكْرِ الْخَوْزِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا زَيْدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْبَغْدَادِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْقَاسِمِ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَحْمَدَ الطَّائِيَّ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي قَالَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرَّضَا عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيٍّ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ [عَلَيْكُمْ بِالزَّيْبِ فَإِنَّهُ يَكْشِفُ الْمِرَّةَ وَ يَذْهَبُ بِالْبَلْعَمِ وَ يَشُدُّ الْعَصَبَ وَ يَذْهَبُ بِالْإِعْيَاءِ وَ يُحَسِّنُ الْخُلُقَ وَ يُطَيِّبُ النَّفْسَ وَ يَذْهَبُ بِالْغَمِّ؛

پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله): بر شما باد مویز؛ چرا که تلخه را می‌زداید، بلغم را می‌برد، پی را استحکام می‌بخشد، رنجیدگی را از میان برمی‌دارد، خلق و خورا خوش می‌سازد، دل را پاک می‌کند و اندوه را می‌برد.

الخصال، ج ۲، ص ۳۴۴

وسائل الشيعة، ج ۲۵، ص ۱۵۲ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۱۵۱

تلبینه:

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَدِيدٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ التَّلْبِينَ يَجْلُو الْقَلْبَ الْحَزِينَ كَمَا تَجْلُو الْأَصَابِعُ الْعَرَقَ مِنَ الْجَبِينِ.

امام صادق علیه السلام: تلبینه،^{۷۸} غم را از دلِ غمگین می‌زداید، همچنان که انگشتان، عرق را از پیشانی کنار می‌زنند.

الكافي ج ۶ ص ۳۲۰ / المحاسن ج ۲ ص ۴۰۵

بحار الانوار ج ۶۳ ص ۹۶ / وسائل الشيعة ج ۲۵ ص ۷۱ / الوافي ج ۱۹ ص ۳۵۳

رسول الله ص: التَّلْبِينَةُ مُجِمَّةٌ لِفُؤَادِ الْمَرِيضِ، تَذْهَبُ بِبَعْضِ الْحُزَنِ؛

پیامبر (صلی الله علیه و آله): تلبینه، قلب بیمار را قوت [و نشاط] می‌بخشد و بخشی از اندوه او را برطرف می‌سازد.

صحيح البخاري، ج ۵، ص ۲۱۵۴، ح ۵۳۶۵ و ص ۲۰۶۷، ح ۵۱۰۱ / صحيح مسلم، ج ۴، ص ۱۷۳۶، ح ۲۲۱۶ / السنن الكبرى، ج ۹، ص ۵۸۱، ح

۱۹۵۷۳ / المعجم الأوسط، ج ۹، ص ۱۹، ح ۹۰۰۱ / الفردوس، ج ۲، ص ۷۶، ح ۲۴۲۶ کلها عن عائشة.

گوشت:

رسول الله ص: إِنَّ لِلْقَلْبِ فَرْحَةً عِنْدَ أَكْلِ اللَّحْمِ؛

پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله): هنگام خوردن گوشت، قلب را شادی ای است.

۷۸. **ارجاع پرورشی:** التَّلْبِينَةُ وَ التَّلْبِينُ: حساء يعمل من دقيق أو نخالة، و ربّما جعل فيها عسل، سمّيت به تشبيهاً باللبن. لبياضها و رقتها.

النهاية في غريب الحديث و الاثر، ج ۴، ص ۲۲۹

التَّلْبِينُ - [لبن]: شوريا یا غذائی که از سبوس و شیر و عسل تهیه کنند.

التَّلْبِينَةُ - [لبن]: مترادف (التَّلْبِين) است.

فرهنگ ابجدی عربی فارسی، ص ۲۵۴



کنز العمال: ج ۱۵ ص ۲۸۲ ح ۴۱۰۰۶ نقلاً عن شعب الإيمان عن سلمان.

سرکه:

عَنْ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ رِفَاعَةَ وَ أَحْمَدَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ فَضَالَةَ عَنْ رِفَاعَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع: يَقُولُ الْخَلُّ يُسِّرُ الْقَلْبَ؛
امام صادق (علیه السلام): سرکه، قلب را شاداب می‌کند.

المحاسن، ج ۲، ص ۴۸۷

اسپند:

أَخْبَرَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ حَدَّثَنِي مُوسَى بْنُ إِسْمَاعِيلَ حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ
عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع قَالَ: مَا مِنْ شَجَرَةٍ حَرَمَلٍ نَبَتَتْ إِلَّا وَ مَعَهَا مَلَائِكَةٌ
يَحْرُسُونَهَا حَتَّى تَصِلَ إِلَى مَنْ وَصَلَتْ وَ فِي أَصْلِ الْحَرَمَلِ سِيرَةٌ وَ فِي فَرْعِهَا شِفَاءٌ مِنْ اثْنَيْنِ وَ سَبْعِينَ دَاءً؛
امام علی (علیه السلام): هیچ گیاه اسپندی نیست مگر این که، همراهش فرشتگانی هستند که از آن حفاظت می‌کنند تا به
آن که باید برسد، و در ریشه گیاه اسپند، خاصیت نشاط آفرینی است و در شاخه و برگ و میوه آن، خاصیت شفادهی از
هفتاد و دو درد است.

الجعفریات (الأشعثیات) ص ۲۴۴ / دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۵۰

مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۶، ص ۴۶۰

۱۰/۲. برخی مسائل اعتقادی:

ایمان و اعتماد به فضل و رحمت خداوند:

«قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَ بِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ»

«بگو: به فضل خدا و رحمت او پس باید بدان شادمان باشند که آن، از هر چه گردآوری می‌کنند، بهتر است».

(سوره مبارکه یونس، آیه ۵۸)

عَنْ عَلِيِّ ع قَالَ مَنْ وَثِقَ بِاللَّهِ أَرَاهُ السُّرُورَ وَ مَنْ تَوَكَّلَ عَلَيْهِ كَفَاهُ الْأُمُورَ.

امام علی علیه السلام: هر کس به خدا اعتماد کند، خداوند، شادمانی را به وی می‌نمایاند و هر کس بر او توکل کند،
کارهای او را کفایت می‌نماید.

كشف الغمة في معرفة الأئمة (اربلی)، ج ۲، ص ۳۴۶

بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۱۵۱



عَنْهُ (احمد بن محمد) عَنْ حَمَادِ بْنِ عَمْرٍو التَّصْيِيَّ عَنْ السَّرِيِّ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ آبَائِهِ عَنِ النَّبِيِّ ص قَالَ: قَالَ لِعَلِيِّ ع: يَا عَلِيُّ إِنَّ اللَّهَ بِحُكْمِهِ وَفَضْلِهِ جَعَلَ الرَّوْحَ وَ الْفَرَحَ فِي الْيَقِينِ وَ الرِّضَا وَ جَعَلَ الْهَمَّ وَ الْحَزْنَ فِي الشُّكِّ وَ السَّخَطِ.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند - از روی حکمت و فضل خویش -، آسایش و شادمانی را در یقین [به خداوند] و خرسندی [از او] قرار داد و غم و اندوه را در شک [به خدا] و ناخرسندی [از او].

المحاسن، ج ۱، ص ۱۷ / تحف العقول، ص ۶

بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۶۸

الإمام علي عليه السلام - في صفات المتقين -: بَيْتٌ حَذِرًا وَيُصْبِحُ فَرِحًا؛ حَذِرًا لِمَا حُدِّرَ مِنَ الْغَفْلَةِ، وَفَرِحًا بِمَا أَصَابَ مِنَ الْفَضْلِ وَالرَّحْمَةِ.

امام علی علیه السلام - در بیان ویژگی‌های پرهیزگاران - : شب را با پروا و روز را با شادمانی به سر می‌آورد؛ پروا از غفلتی که از آن برحذر داشته شده و شاد از فضل و رحمتی که به او رسیده است.

نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳، ص ۳۰۵ / تحف العقول، ص ۱۶۱ / روضة الواعظین (فتال نیشابوری)، ج ۲، ص ۴۳۹

بحار الأنوار، ج ۶۴، ص ۳۱۶

۱۰/۳. برخی از ویژگی‌ها و کارهای اخلاقی:

زهد (بی رغبتی به دنیا):

رسول الله صلی الله علیه و آله: الرَّغْبَةُ فِي الدُّنْيَا تُطِيلُ الْهَمَّ وَالْحُزْنَ، وَالزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا رَاحَةُ الْقَلْبِ وَالْبَدَنِ.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دلدادگی به دنیا، گرفتاری و اندوه را دراز می‌کند و زهد در دنیا، مایه آسودگی جان و تن می‌شود.

تحف العقول، ص ۳۵۸

بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۲۴۰

قناعت:

رسول الله صلی الله علیه و آله: إِنَّ الْقَنَاعَةَ رَاحَةٌ لِلْقَلْبِ.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: قناعت، آسودگی است.

أعلام الدين (دیلمی)، ص ۱۸۸

بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۱۸۳

پرهیز از کینه‌ورزی:



الإمام علي عليه السلام: مَنْ أَطْرَحَ الْحِقْدَ، اسْتَرَّاحَ قَلْبُهُ وَ لُبُّهُ.

امام علی علیه السلام: هر کس که کینه را دور افکند، دل و دماغش آرامش پیدا می کند.

غرر الحکم، ص ۶۲۴

تغافل (چشم پوشی):

الإمام علي عليه السلام: مَنْ لَمْ يَتَغَافَلْ وَ لَا يَعْضُ عَنْ كَثِيرٍ مِنَ الْأُمُورِ، تَنَغَّصَتْ عَيْشَتُهُ.

امام علی علیه السلام: کسی که [نسبت به کاستی های دیگران] تظاهر به غفلت نکند و از بسیاری کارها چشم نبوشد، زندگی اش ناگوار می شود.

تصنيف غرر الحکم، ص ۴۵۱

خوش اخلاقی:

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ لِحُمْرَانَ بْنِ أَعْيَنَ يَا حُمْرَانُ ... لَا عَيْشَ أَهْنَأُ مِنْ حُسْنِ الْخُلُقِ.

امام صادق علیه السلام: هیچ زندگی ای، گواراتر از خوش خلقی نیست.

الكافي، ج ۸، ص ۲۴۴ / تحف العقول، ص ۳۶۰ / علل الشرائع، ج ۲، ص ۵۶۰

الوافي، ج ۲۶، ص ۲۶۹

حُسن نیت:

الإمام علي عليه السلام: مَنْ حَسَنَتْ نِيَّتُهُ كَثُرَتْ مَثُوبَتُهُ، وَ طَابَتْ عَيْشَتُهُ، وَ وَجَبَتْ مَوَدَّتُهُ.

امام علی علیه السلام: هر کس نیتش نیکو باشد، پاداشش فراوان و زندگی اش خوش می شود و دوست داشتنش [بر دیگران] لازم می آید.

غرر الحکم، ص ۶۶۱

مزاح (شوخی کردن):

عَنْهُ (عده من اصحابنا عن احمد بن محمد) عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ يَحْيَى بْنِ سَلَامٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ يُونُسَ الشَّيْبَانِيِّ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع كَيْفَ مَدَاعِبَةُ بَعْضِكُمْ بَعْضاً قُلْتُ قَلِيلٌ قَالَ فَلَا تَفْعَلُوا فَإِنَّ الْمَدَاعِبَةَ مِنْ حُسْنِ الْخُلُقِ وَ إِنَّكَ لَتَدْخُلُ بِهَا السُّرُورَ عَلَى أَخِيكَ وَ لَقَدْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص يُدَاعِبُ الرَّجُلَ يُرِيدُ أَنْ يَسْرَهُ.

به نقل از یونس شیبانی - : امام صادق علیه السلام فرمود: «با یکدیگر شوخی هم می کنید؟». گفتم: کم. فرمود: «این گونه نکنید؛ زیرا شوخی، از خوشخویی است و تو بدان وسیله، برادرت را شاد می سازی. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله برای این که کسی را شاد کند، با او شوخی می کرد».



الكافي، ج ۲، ص ۶۶۳

الوافي، ج ۵، ص ۶۲۷ / وسائل الشيعة، ج ۱۲، ص ۱۱۳

شاد کردن مومن:

عن رسول الله صلى الله عليه و آله: مَنْ سَرَّ أَخَاهُ الْمُؤْمِنَ سَرَّهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس برادر مؤمنش را شادمان سازد، خداوند در دنیا و آخرت، وی را شادمان می‌کند.

عوالي اللئالي، ج ۱، ص ۱۰۷

الإمام الباقر عليه السلام: مَا مِنْ رَجُلٍ يُدْخِلُ عَلَى أَخِيهِ الْمُسْلِمِ أَبًا مِنَ الشُّرُورِ، إِلَّا دَخَلَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَلَيْهِ أَبًا مِنَ الشُّرُورِ

المؤمن (حسین بن سعید اهوازی)، ص ۵۳

مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۳۹۶



۱۰/۴. برخی آداب عبادی:

ذکر و یاد خدا و تلاوت قرآن:

الْمُنَاجَاةُ الْإِنْجِيلِيَّةُ لِمَوْلَانَا عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ ع وَ قَدْ وَجَدْتُهَا فِي بَعْضِ مَرْوِيَّاتِ أَصْحَابِنَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ فِي كِتَابِ أَنْبَسِ الْعَابِدِينَ مِنْ مُؤَلَّفَاتِ بَعْضِ قَدَمَائِنَا عَنْهُ ع وَ هِيَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ... يَا مَنْ أَنْسَ الْعَارِفِينَ بِطَيِّبِ مُنَاجَاتِهِ وَ أَلْبَسَ الْخَائِطِينَ ثَوْبَ مُوَالَاتِهِ مَتَى فَرِحَ مِنْ قَصْدَتِ سِوَاكَ هَمَّتُهُ وَ مَتَى اسْتَرَاحَ مِنْ أَرَادَتِ غَيْرِكَ عَزِيمَتُهُ.

امام زین العابدین علیه السلام - در مناجاتش - : ای کسی که عارفان را به بوی دلاویز مناجاتش مانوس کرد و جامه دوستی اش را بر قامت خطاکاران پوشاند! چه زمان شاد شود کسی که هممتش غیر تو را نشانه رفته است؟! و چه وقت بیاساید کسی که اراده اش جز تو را خواسته است!؟

بحار الأنوار، ج ۹۱، ص ۱۵۷

وَ مِنْ دُعَاءِ النَّبِيِّ ص: اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مَشْغُولِينَ بِأَمْرِكَ آمِنِينَ بِوَعْدِكَ آسِينَ مِنْ خَلْقِكَ أَنْسِينَ بِكَ مُسْتَوْحِشِينَ مِنْ غَيْرِكَ رَاضِينَ بِقَضَائِكَ صَابِرِينَ عَلَى بَلَائِكَ شَاكِرِينَ عَلَى نِعْمَائِكَ مُتَلَذِّذِينَ بِذِكْرِكَ فَرِحِينَ بِكِتَابِكَ.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - در دعایش - : خدایا! ما را ... از کسانی که از ذکرت لذت می‌برند و از کتابت شادمان می‌گردند، قرار ده.

جامع الأخبار (للشعيري)، ص ۱۳۲

بحار الأنوار، ج ۹۲، ص ۳۶۰

ذکر «لا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ»:

رسول الله صلی الله علیه و آله: يَا عَلِيُّ، أَمَانٌ لِمَتِي مِنَ الْهَمِّ: لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، لَا مَلْجَأَ وَلَا مَنجَى مِنَ اللَّهِ إِلَّا إِلَيْهِ.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ای علی! جمله « لا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، لَا مَلْجَأَ وَلَا مَنجَى مِنَ اللَّهِ إِلَّا إِلَيْهِ » (هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدای والای بزرگ. هیچ پناه و نجاتی از خدا نیست مگر به سوی او)، مایه ایمنی امت من از اندوه است.

من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۳۷۱ / مکارم الأخلاق، ص ۴۴۳

الوافي، ج ۲۶، ص ۱۸۰ / بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۵۸ / طب الأنمة عليهم السلام (للشبر)، ص ۳۶۹

ذکر استغفار:



عَلَيْهِ بِنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ التَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَنْ ظَهَرَ تَعَالِيهِ النُّعْمَةَ فَلْيُكْثِرْ ذِكْرَ الْحَمْدِ لِلَّهِ وَ مَنْ كَثُرَتْ هُمُومُهُ فَعَلَيْهِ بِالْإِسْتِغْفَارِ.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس نعمت بر او ظاهر شود، پس زیاد ذکر الحمد لله بگوید. هر کس اندوهش بسیار گردد، پس بر اوست که استغفار کند (آمرزش بخواند).

الکافی، ج ۸، ص ۹۳ / المحاسن، ج ۱، ص ۴۲

الوافی، ج ۹، ص ۱۶۱۰ / وسائل الشیعة، ج ۷، ص ۱۷۶

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: مَنْ أَكْثَرَ مِنَ الْإِسْتِغْفَارِ جَعَلَ اللَّهُ لَهُ مِنْ كُلِّ هَمٍّ فَرْجًا وَ مِنْ كُلِّ ضَيْقٍ مَخْرَجًا وَ رَزَقَهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس بسیار استغفار کند (آمرزش بخواند)، خداوند برای او از هر غصه‌ای، گشایشی قرار می‌دهد و از هر تنگنایی، راه برون‌رفتی. نیز او را از آن جا که گمان نمی‌کند، روزی می‌دهد.

عوالي اللئالی العزیزیه، ج ۱، ص ۱۷۰

وسائل الشیعة، ج ۷، ص ۱۷۷

۱۰/۵. برخی مسائل بهداشتی:

شستن سر با خطمی:

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ الصَّيْرَفِيِّ عَنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ عَبْدِ الْخَالِقِ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: عَسَلُ الرَّأْسِ بِالْخِطْمِيِّ نُشْرَةٌ.

امام صادق علیه السلام: شستن سر با [کُل] خطمی، نشاطبخش است.

الکافی، ج ۶، ص ۵۰۴ / من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۲۴ / مکارم الأخلاق، ص ۶۰

وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۶۱ / الوافی، ج ۶، ص ۶۳۳

تمیزی جامه:

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنِ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنِ أَبِي بَصِيرٍ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع: النَّظِيفُ مِنَ الثِّيَابِ يُذْهِبُ الْهَمَّ وَ الْحَزْنَ وَ هُوَ طَهُورٌ لِلصَّلَاةِ.

امام علی علیه السلام: جامه تمیز، پریشانی و اندوه را می‌برد و مایه پاکیزگی برای نماز است.

الکافی، ج ۶، ص ۴۴۴

الوافی، ج ۲۰، ص ۶۹۹ / وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۱۴



شانه زدن:

عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ نُوحِ بْنِ شَعِيبٍ عَنِ ابْنِ مِيَّاحٍ عَنْ يُونُسَ عَمَّنْ أَخْبَرَهُ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ ص قَالَ: إِذَا سَرَّحْتَ رَأْسَكَ وَ لِحْيَتَكَ فَأَمِّرَ الْمُشْطَ عَلَى صَدْرِكَ فَإِنَّهُ يَذْهَبُ بِالْهَمِّ وَالْوَبَاءِ .

الكافي، ج ۶، ص ۴۸۹ / من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۱۲۸ / مكارم الأخلاق، ص ۷۰

بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۱۱۷ / طب الأئمة عليهم السلام (للشبر)، ص ۲۳۳

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِمْرَأُ الْمُشْطِ عَلَى صَدْرِكَ يُذْهِبُ بِالْهَمِّ .

امام صادق (علیه السلام): مداومت بر شانه زدن روی سینه غصه را می برد.

مكارم الأخلاق، ص ۷۱

بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۱۱۴

تراشیدن موی پشت گردن:

عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ يَحْيَى بْنِ الْمُبَارَكِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَبَلَةَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ رَبِّمَا كَثُرَ الشَّعْرُ فِي فِقَائِي فَيُعْمِنِي غَمًّا شَدِيدًا فَقَالَ لِي يَا إِسْحَاقُ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ حَلْقَ الْقَفَا يَذْهَبُ بِالْغَمِّ .

به نقل از اسحاق بن عمار: به امام صادق علیه السلام گفتم: فدایتان شوم! گاه موهای پشت گردنم زیاد می شوند و به سختی، مرا اندوهگین می کنند. پس به من فرمود: «ای اسحاق! آیا نمی دانی که تراشیدن [موهای] پشت گردن، اندوه را از میان می برد؟!»

الكافي، ج ۶، ص ۴۸۵

الوافي، ج ۶، ص ۶۴۸ / وسائل الشيعة، ج ۲، ص ۱۰۸

۱۰/۶. برخی کارهای فردی:

خواب:

حَدَّثَنَا الشَّيْخُ الْفَقِيهُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابُوَيْهِ الْقُمِّيُّ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ قَالَ حَدَّثَنَا الْعَبَّاسُ بْنُ مَعْرُوفٍ عَنْ سَعْدَانَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ ع قَالَ: النَّوْمُ رَاحَةً لِلْجَسَدِ وَ النَّطْقُ رَاحَةً لِلرُّوحِ وَ السُّكُوتُ رَاحَةً لِلْعَقْلِ .

الأمالي (للصدوق)، ص ۴۴۱ / من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۴۰۲

الوافي، ج ۴، ص ۴۵۵ / بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۲۷۶

استفاده از رنگ زرد:



عَنْهُ (عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ) عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا بَلَغَ بِهِ جَابِرُ الْجُعْفِيُّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: مَنْ لَبِسَ نَعْلًا صَفْرَاءَ لَمْ يَزَلْ يَنْظُرُ فِي سُورٍ مَا دَامَتْ عَلَيْهِ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ - صَفْرَاءُ فَاقِعٌ لَوْنُهَا تَسْرُّ النَّاطِرِينَ.

امام باقر علیه السلام: هر کس کفشی زردرنگ بر پای کند، تا زمانی که آن کفش، به پای اوست، همواره با شادمانی می‌نگرد؛ زیرا خداوند (در سوره مبارکه بقره، آیه ۶۹) فرموده است: «زردرنگی خالص و یک‌دست که بینندگان را شادمان می‌کند».

الکافی، ج ۶، ص ۴۶۶

الوافی، ج ۲۰، ص ۷۵۴ / وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۶۹ / بحار الأنوار، ج ۱۳، ص ۲۶۱ / طب الأئمة علیهم السلام (للشیر)، ص ۲۴۸





نظام اصطلاحات:

نظام اصطلاحات دیگران:	نظام اصطلاحات الگوی پیشرفت اسلامی:
<p>تجمّع / وضع قانون / نگاه پوزیتیویستی / نگاه عرفی / تحقیقات عرفی و پوزیتیویستی / سلبریتی‌ها / رسانه و تبلیغات / سیستم‌سازی / متغیرهای سیستم / تمدن مدرنیته / مولکول‌های زیستی / پروتئین / کلسیم / مولکول زیستی معدنی / ویتامین / ریزمغذی‌ها / درشت مغذی‌ها / ارزیابی غذا بر اساس مولکول‌های زیستی / فرآورده‌های خوکی / گزاره‌های پوزیتیویستی / کُدکس آلیمنتاریوس / مجتمع‌های آپارتمانی / مجتمع‌های تفریحی</p>	<p>نظام‌سازی / نظام سازی برای عفاف و حجاب / نظام‌سازی برای جمعیت و فرزندآوری / نظام‌سازی برای معیشت و اقتصاد مردم / جلباب / جَلْبَابُ الْحَيَاءِ / جلباب اللیل / جلباب المسکنة / جَلْبَابُ الْعَارِ / جلباب الاکیاس / جلباب یقین / جلباب الدین / جلباب المذلة / جلابیب الغفلة / جلابیب الحیرة / ترک رشد / فقه‌البیان / بیان مبتنی بر مقایسه / دائم الحسرة / تنزل خواسته‌ها و آرزوها / شرّه / حرص / اصول کفر / زیرساخت بیانی و غیربیانی عفاف و حجاب / عوامل غیر بیانی / اکرام مهمان / دار واسعة / اقدامات غیر بیانی / زیرساخت‌های غیربیانی / زیرساخت‌های غیر بیانی موثر بر مسئله عفاف و حجاب / زیرساخت‌های نُه‌گانه هدایت / فقه الامام / فقه النظم / فقه المکاسب / فقه التزکیه / فقه هدایت / زیرساخت نظام-سازی / الگوی پیشرفت / رذائل و فضائل / ارزیابی غذا بر اساس قوت و ضعف / فهم گزاره‌های انبیاء / ارزیابی غذا بر اساس تاثیرگذاری بر فهم / ادبیات مترقی اهل بیت (علیهم السلام) / طیبات / گسترش رذائل / کاهش فهم / زیرساخت رذایل و فضایل / وسوسه / الگوی فقهی ارزیابی غذا / عوامل زیرساختی فهم / تفریح خانگی / الگوی تفریح ده-گانه / أم الفساد آپارتمان / تعرّف / محله محوری / پدیده خودکنترلی / محله / زیرساخت‌های خودکنترلی</p>



نشست تخصصی : نظام سازی برای حجاب و عفاف

روز سه شنبه ۲ آبان ۱۴۰۲ در محل ستاد امر به معروف و نهی از منکر کشور برگزار گردید.



اولویت‌های تمدنی ۱۲ گانه در مقایسه با محورهای ۱۷ گانه سند ۲۰۳۰



* جدول تصمیم نظام‌سازی برای حجاب و عفاف (۵ تصمیم) *

آثار تصمیمات:	تصمیمات پیشنهادی:	دسته‌بندی تصمیمات:		
<p>(۱) گسترش مصرف طیبات (مانند: سبزی خرفه، انار، سیب، به، خرما، گلایه و ...) + پرهیز از پرخوری = در نتیجه: افزایش فهم و درک کلمات انبیاء در مورد عفاف و حجاب. (۲) پیشگیری از مصرف فرآورده‌های خوکی = در نتیجه: جلوگیری از اخلاق رذیله بی‌غیرتی در جامعه! (۳) کنترل غلبه دم و غلبه صفرا (عواملی برای افزایش وسوسه و هیجان شهوت) و در نتیجه: پیشگیری از افزایش ارتکاب به فحشا در جامعه.</p>	<p>اصلاح الگوی تغذیه (براساس ارزیابی غذا براساس ادبیات مرفعی اهلیت (علیهم‌السلام) مبتنی بر تاثیرگذاری غذا بر کاهش یا افزایش فهم تاثیرگذاری غذا بر فضائل و رذائل اخلاقی)</p>	زیرساخت تغذیه	عوامل غیربیانی عفاف و حجاب	
<p>گسترش تفریح خانگی. در نتیجه: عدم تمایل بانوان به خیابان‌گردی (برای تأمین نیاز تفریح). در نتیجه: برطرف شدن زمینه بی‌حجابی و ایذاء بانوان</p>	<p>اصلاح الگوی معماری و ساخت مسکن (حذف تدریجی الگوی ساخت مجتمع‌های فسادآفرین آپارتمانی و احیاء تفریح خانگی (با گسترش ساخت دارواسعه))</p>	زیرساخت مسکن		
<p>(۱) آموزش گسترده مسائل مرتبط با عفاف و حجاب به دختران و پسران جامعه. (۲) برطرف شبهات و سوالات مرتبط با حجاب و عفاف (با گفتگوی طرفینی استاد و شاگرد)</p>	<p>اصلاح و تغییر نظام آموزشی با راهکارهایی مانند: ۱. تدوین دو نوع کتاب درسی در مورد عفاف و حجاب برای دختران و پسران. ۲. راه‌اندازی گفتگو و مباحثه آزاد حول مسئله عفاف و حجاب در مدارس به محوریت یک متن مرجع.</p>	زیرساخت آموزش		
<p>(۱) ایجاد پدیده "تعرف" (شناخت طرفینی گسترده) در تقسیمات شهری کوچک (محله). و در نتیجه: افزایش خودکنترلی. (۲) تاثیر بیشتر امر بمعروف لسانی در محیط‌های کوچک (محله و خانواده)</p>	<p>گسترش محله‌محوری (مدیریت شهری براساس تقسیمات شهری کوچک)</p>	زیرساخت محله‌محوری		
<p>پرهیز از توصیه‌های کلیشه‌ای و تکراری و غیر جدّاب و بازتعریف بیان فوائد حجاب و عفاف ذیل نه دسته فائده (زیرساخت‌های نه‌گانه هدایت)</p>	<p>بازتعریف محتوای تبلیغات شهری و رسانه‌ای مرتبط با حجاب</p>	زیرساخت بیان و تبلیغات شهری		عوامل بیانی عفاف و حجاب

* مسیرهای ارتباطی:

پایگاه اطلاع‌رسانی نقشه راه m-hedayat.blog.ir

کانال «الگو» در پیام‌رسان ایتا @Olgou